

کتاب

مجموعه اشعار باقری

مجموعه سروده ها

توسط حجة الاسلام حاج سید محمد باقری پور

تهیه و تنظیم

در مؤسسه فرهنگی هدایت

www.hedayt.tv

دیباچه کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ . وَأَمَّا بَعْدُ
این کتاب مستطاب مجموعه اشعار باقری «اشعاری که از سال ۵۷ تاجال گهگاهی توسط اینجانب سروده شده [که بسیاری
از آنها در یک نوبت سرقت کیف اینجانب از دست رفت] و اشعار باقی مانده جمع آوری و چاپ شد» ، هر چند که ران ملخی است
نزد سلیمان بردن ، ولیکن امیداست که ذخیره یوم لاینفع مال و لابنون باشد انشاء الله .

نظر به اینکه اینجانب سید محمد باقری پور «طلبه ای از جمع طلاب و فضلاء حوزه علمیه مشهد مقدس فرزند شهید
سید رضا باقری پور و نوه حجة الاسلام شیخ محمد حسین سیاره از باز ماندگان واقعه مسجد گوهرشاد مشهد در ۲۱ تیر ۱۳۱۴
که قیام مردم مشهد علیه کشف حجاب رضاخانی بوقوع پیوست» ، از سال ۱۳۵۰ تحصیل در حوزه علمیه مشهد را آغاز کردم .
و سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ که طلیعه ی انقلاب اسلامی آغاز شد مجالس وعظ و خطابه و به اصطلاح روضه خوانی در نکایا و
بعضی از سراها «کاروانسراهای آن زمان که محل تجمع تجار و کسبه و بُنکداران بود بجای پاساژهای امروزی» زیاد شده بود
مخصوصاً در ماه محرم و صفر و دهه فاطمیه ، و استقبال خوبی هم میشد و بیشترین مجالس مشهد به منبرهای مرحوم کافی
اختصاص پیدا کرده بود البته غیر از ایشان و عاظم دیگری هم مانند موسوی محب الاسلام ، دانش سخنور ، شیخ عبدالله یزدی
سخنرانی داشتند ، اینجانب که اوائل طلبگی ام بود به منبرهای مرحوم کافی علاقه بیشتری داشتم هر موقع شب یاروز که
ایشان جایی منبرداشتند اینجانب حضور پیدا میکردم «معمولاً محرم یا صفر و دهه فاطمیه هر سال حدود پنج سال قبل از
انقلاب تا زمان شهادتش مشهد میآمدند از ساعت هشت و نه قبل از ظهر تا دوازده شب گاهی یک بعد از نصف شب سخنرانی
داشتند» و همچنین از بیانات شیخ عبدالله یزدی ، موسوی محب الاسلام صاحب کتاب اقوال الائمه ، دانش سخنور فردوسی ،
علامه بهلول گنابادی ، شیخ محمد رضا نوغانی هر وقت در مشهد سخنرانی داشتند استفاده میکردم ، لذا بعد از گذشت چهل
سال ، انگیزه ای درونی مرا بر آن داشت که شنیده های از این بزرگان را که بعداً با خواندن احادیث در کتب روایی مورد نظر
تطبیق میشد را تحت عنوان مباحث منبری به رشته تحریر درآورم و احادیثی را که در اکثر منابر از آنها استفاده میشد را شرح
دهم که دوستان اهل منبر و خطباء و سخنرانان و مبلغین رسالات الله از آن استفاده نمایند و اینجانب را هم در دعای خیر خود
شریک فرمایند.

کتابهای چاپ شده از تهیه کننده این کتاب:

مبانی اسلام «شرح حدیث بُنِی الْإِسْلَامُ عَلَی خُمْسِی از امام باقر علیه السلام» ، بانوان و جامعه امروز «شرح حدیث کَیْفَ یُکْمِ إِذَا فَسَدَتْ
نِساؤُکُمْ» ، قصه های قرآنی «شرح حال مختصر پیامبران در آیات قرآنی» ، مردان و زنان با فضیلت «شرح آیه ۳۵ سوره احزاب» ، هفت
پایه اسلام «شرح حدیث شریف قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ از امام علی علیه السلام» ، چهار پایه دین و دنیا «شرح حدیث قَوَامُ الدِّینِ وَالْدُنْیَا
بِأَرْبَعَةٍ از امام علی علیه السلام» ، شرح حدیث شریف سلسله الذهب از امام رضا علیه السلام در باب توحید و امامت و ... ، شرح حدیث
عبدالعظیم حسنی از امام رضا علیه السلام ، ذکر خدا «دعاهای مورد نیاز مؤمنین در طول هفته» مکالمات عربی ، شهر رمضان «در باب
اعمال و دعاهای ماه مبارک رمضان» ، حدیث زیارت ، زیارت رفتن پیاده ، کتاب مختصر دعاهای ماه رجب ، شعبان و رمضان ، زیارتنامه
امام رضا علیه السلام ، روضه های محرم و صفر ، همراه زائرین عتبات عالیات ، همراه زائرین مشهد الرضاعیه السلام ، همراه زائرین
حضرت معصومه شاه عبدالعظیم و شاه چراغ علیهم السلام ، همراه زائرین مکه و مدینه «برای آشنائی زائرین با عربستان ، مکه ، مدینه
و مختصر مناسک حج و عمره» ، پرسشها و پاسخهای حقوقی ، مواعظ حسنه ، چنته حکایات باقری ، کشکول حکایات باقری ، کشکول
اشعار باقری ، کشکول مواعظ باقری ، کشکول مدایح و مرثیاتی باقری ، کشکول ضرب المثلها ، بزرگان علم و دین ، مردان و زنان با
فضیلت ، وظایف انسانی ، توصیه های اخلاقی ، احادیث مناسبتها ، آداب اسلامی ، مجموعه اشعار باقری . و بعضی از کتابهای موبایلی
ساخته شده که در آخر کتاب اسامی آنها ذکر شده و قبلاً در سایت هُدا نت انتشار یافته است آماده ویراستاری و فهرست بندی و ...
است برای چاپ کاغذی انشاء الله تعالی . و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب . تحریر شد در تاریخ ۱۳ رجب ۱۴۳۸ میلاد مولود
کعبه مصادف با بهار ۱۳۹۵ - مشهد مقدس پایتخت معنوی جمهوری اسلامی ایران ، سید محمد باقری پور

مقدمه ای در باب شعر و شاعری

بسم الله الرحمن الرحيم

ن والقلم وما يسطرون

الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

اُئمه اطهار (ع) در برنامه های جامعی که برای تبلیغ و ترویج نهضت عاشورا داشتند جایگاه ویژه ای را به ادبیات منظوم اختصاص می دادند و سعی می کردند از شعر متعهد حمایت کنند و شاعران دین باور و درد آشنا را به سلاح تبلیغ و ترویج آرمان ها و ارزش های نهفته در حرکت تاریخ ساز امام حسین (ع) مجهز نمایند و به وسیله هر دو جلوه از اشعار عاشورایی یعنی هم اشعار عاطفی که تهییج کننده عواطف و فروریزنده سرشک هاست و هم اشعار حماسی که به طور مستقیم ارزش هایی همچون ایثار شجاعت آزادی جاهد مقاومت و شهادت را مطرح می کنند پیام این نهضت مقدس را به اعصار و زمان ها انتقال دهند و افکار را بارور و احساسات را برانگیخته و اندیشه و رفتارها را به تحرك سازنده در تعقیب اهداف انقلاب کربلا ترغیب نمایند.

اگر در متون تاریخی مذاقه و تعمق روا داریم به وضوح در می یابیم که امامان معصوم (ع) برای این موضوع اهمیتی خاص قائل بودند و کوچکترین غفلت را برنمی تابیدند و در تایید شعر متعهد و تشویق شاعران آگاه و مسئول درنگ روا نمی داشتند. در این میان مراقبتها و تلاش های حضرت امام موسی بن جعفر (ع) و حضرت امام جعفر صادق (ع) و حضرت امام رضا (ع) را بر می گزینیم واز آنها درس و پیام ذخیره می کنیم.

حضرت امام صادق (ع) فرمود: من قال فینا بیت شعر بنی الله بیتا فی الجنة. هرکس درباره ما خاندان يك بیت شعر بسراید خداوند متعال برایش خانه ای در بهشت بنا می کند، (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۴۶۷۹)

پیرمردی به حضور حضرت امام موسی بن جعفر (ع) رسید و به آن حضرت چنین عرض کرد: ای فرزند رسول خدا من مردی بیچاره ام و مال و ثروتی ندارم. فقط سه بیت شعر که جدم درباره امام حسین (ع) سرورده است برایت ارمغان و هدیه آورده ام او سه بیت شعر را خواند. حضرت امام موسی بن جعفر (ع) او را احترام کرد و هدیه اش را با اشتیاق پذیرفت و به وی فرمود: آفرین بر تو رحمت خدا بر تو بنشین. آنگاه اموال قابل توجه ای را به آن مرد به خاطر سه بیت شعری که درباره عاشورای حسینی قرائت کرد بخشید. (نفس المهموم ص ۶۲)

حضرت امام جعفر صادق (ع) به یکی از شاعران شیفته راه و آرمان حضرت امام حسین (ع) به نام «جعفر بن عفان طایی» فرمود: به من خبر رسیده که درباره حسین (ع) شعر می سرایی و خوب هم

می سرایی . عرض کرد: آری چنین است. آنگاه ابیاتی از اشعار و مرثیه هایش را در محضر امام صادق (ع) خواند. امام (ع) و اطرافیانش به شدت اشک از دیدگان جاری کردند. سپس امام صادق (ع) خطاب به او فرمود: «ای جعفر بن عقیل به خدا سوگند در این لحظه که سوگنامه حسین (ع) را می خوانی فرشتگان مقرب پروردگار شاهد و شنوای شعر و سخت بودند و همانند ما و بیشتر از ما گریستند. خداوند بهشت را بر تو لازم کرد و تو را مورد آمرزش قرار داد» امام (ع) سپس چنین فرمود: «ما من احد قال فی الحسین شعرا فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنة و غفرله» «هیچ کس درباره حسین (ع) شعری نسرود که بگیرد و بگیراند مگر آن که خداوند او را خشنود ساخته و بهشت را بر او واجب گرداند.» (بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۸۲)

دعبل خزاعی شاعر متعهد شیعی می گوید: «در ایام عاشورا به خدمت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) رسیدم. آن حضرت اندوهناک نشسته بود و جمعی از شیعیان در خدمتشان حضور داشتند. وقتی چشم امام بر من افتاد فرمود: «مرحبا ای دعبل که با دست و زبان خود یاری کننده ما هستی» . آنگاه حضرت مرا طلبید و نزدیک خویش نشاند و فرمود: «ای دعبل... هر کس به مصیبت جد من حسین (ع) بگیرد حق تعالی گناهان او را بیامرزد.» سپس امام (ع) دستور دادند که پرده بستند و بانوان حرم عصمت و طهارت در پس پرده نشستند تا در مصیبت جد خود عزاداری و گریه کنند. آنگاه امام صادق (ع) خطاب به من فرمود: «ای دعبل برای حسین مرثیه بخوان.» ابیاتی چند از اشعار خویش را در مرثیه حضرت امام حسین (ع) خواندم. آن حضرت با مردان و زنان حاضر در مجلس بسیار گریستند و صدای ناله و گریه از آن خانه بلند شد. (جلال‌العیون علامه مجلسی ص ۴۷۱) با عنایتی که امامان معصوم ما علیهم السلام به شعرو شعرا دارند جادارد هرکس که ذائقه شعری و توانائی سرودن شعر دارد درباره امامان معصوم و آنچه بر آنها آمده است شعری بسرایند و مشمول روایات ذکر شده گردند حال چه در رابطه با اعیاد و موالید و چه وفیات و ایام حزن و اندوه که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده: رحم الله شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا و عجنوا بماء ولایتنا یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا.

و دیگر اینکه دوستانی که ذائقه شعرو شاعری دارند این ذوق شعری را صرف لغو و لهو و یاوه سرائی ننمایند که مشمول الشعراء یتبهم الغاؤون نشوند.

شعر وسیله ای بسیار مهم برای تبلیغ دین است

چرا امام صادق (علیه السلام) - طبق روایت - فرمودند که هرکس یک بیت شعر درباره حادثه عاشورا بگوید و کسی را با آن بیت شعر بگیراند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاه‌های تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن مسأله عاشورا و کلاً مسأله اهل بیت،

تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرت‌های ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطننت آمیز می‌کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه عاشورا - که به این عظمت در بیابانی در گوشه‌ای از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این که تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاش‌ها، از بین می‌رفت. (ازسخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مردم نایین و ابرده خراسان و جمعی از خانواده‌های شهدای تهران، گرگان و چهاردوئنگه، اعضای جمعیت هلال احمر، مسوولان واحدهای فرهنگی بنیاد شهید و خواهران دانشجوی دانشگاه اصفهان ۱۳۶۸/۰۶/۲۹).

این که فرمودند: «من قال فینا شعراوبکی أوأبکی وجب له الجنة» - کسی شعری درباره ما بگوید و چشمی را بگریاند، بهشت براو واجب می‌شود معنایش چیست؟ معنایش این است که بهشت را ارزان کرده اند؟ بهشتی که این همه باید عبادت کرد تا به آن رسید، آیا آن را این طور دم دستی کرده اند؟ یا نه؛ آن کار، آن شعرگفتن و تسخیر دل با آن شعروانتقال یک مطلب در آن روز، آن قدر مهم بوده که به خاطر آن اهمیت، جا داشته است که درمقابل یک بیت شعری که این گونه تأثیر می‌گذارد. بهشت را به او وعده دهند. هروقت شعر شما این اثر داشته باشد، بدون برو برگرد، همان وعده ی بهشت در مقابلش وجود دارد. این یک محاسبه کاملاً منطقی و روشن است.

در زمان ما که شما می‌خواهید شعر بگویید یا شعر بخوانید و مایلید در مقابلش اجر و منزلت «دعبل» و «فرزدق» یا «کمیت» یا بقیه شعرای اهل بیت با شعر خود پر می‌کردند، پر کنید. این مطلبی است که من همیشه به مداحان و شعرای عزیز مذهبی تذکر داده ام. (ازبیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها ۱۳۸۰/۰۶/۱۸).

شما ببینید امام باقر و یا امام سجاد (علیهما الصلاة والسلام) نسبت به «فرزدق» چه محبتی انجام دادند؛ در حالی که «فرزدق» جزو شعرای اهل بیت نیست. او یک شاعر درباری وابسته به دستگاه‌های قدرت و یک آدم معمولی بود که یک دیوان پر از شعر، راجع به همین حرف‌ها و مبتذلاتی که شعرای آن روز بر زبان‌شان جاری می‌کردند، داشت؛ لیکن چون یک بار وجدان او بیدار شد و در مقابل قدرت، حق را بیان کرد - آن هم به زبان شعر - شما ببینید که امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) چه محبتی نسبت به او انجام می‌دهد. یا بقیه شعرایی که مربوط به اهل بیت بودند - مثل «کمیت» و «دعبل» و «سید حمیری» - و بقیه کسانی که جزو شعرای اهل بیت محسوب می‌شدند و به آنها علاقمند بودند، همین وضعیت را داشتند. (ازسخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با جمع کثیری از ذاکران و مداحان اهل بیت (علیهم السلام) در خجسته سالروز صدیق‌ه‌ی کبری حضرت زهرا (س) ۱۳۶۸/۱۰/۲۸)

بنام او که رحمن و رحیم است

بنام نامی آن ذات یکتا - خدائی که ندارد کفو و همتا
 بنام او که رحمن و رحیم است - بنام او که خلاق و حکیم است
 بنام او که بسم الله باشد - بنام او که خود الله باشد
 بنام او که از او نیست بهتر - بنام او که هست الله اکبر
 بنام او که باشد هادی ما - از او باشد غم ما شادی ما
 بنام او که شافی هست و وافی - بنام او که ما را هست کافی
 بنام او که ستار العیوب است - بنام او که غفار الذنوب است
 بنام او که یا الله باشد - ز خیر و شر ما آگاه باشد
 بنام او که او حی است و داور - بود او برتر از هر چیز برتر
 بنام او که ما را آفریده - زمین و هم سما را آفریده
 بنام او که خلاق جهان است - زمین یا آسمان یا کهکشان است
 بنام او که ذات اوست واجب - گواهیست هست انف و عین و حاجب
 بنام او که نقاشی است ماهر - شود هر روز از او یک نقش ظاهر
 بنام او که گرداند فلک را - زجن و انس و حیوان و ملک را
 بنام او که در لیل و نهار است - به پائیز و زمستان و بهار است
 بنام او که در نور است و ظلمت - گهی با نعمت و گاهی به نعمت
 بنام او که با برف است و باران - به دشت و باغ و راغ و کوهساران
 بنام او که با گل هست و سُنبل - هم آواز قناری صوت بلبل
 بنام او که آه ما هم از اوست - شنیدن یا نگاه ما هم از اوست
 حیات ما ممت ما هم از اوست - هم اخلاق و صفات ما هم از اوست
 بدست اوست عمرو رزق و روزی - حیات و مرگ و میر و هم عروسی
 زمام جمله ی عالم بدستش - بود هستی تمام از بود و هستش
 بود بود و نبود جمله هستی - بود او خالق بالا و پستی
 چنین یک خالق رزاق و حاکم - سزاوار پرستش هست دائم
 چنین معبود پاک و با صفا را - پرستش کن رها روی و ریا را
 شوی ای باقری محبوب دوران - کنی گربندگی از بهر یزدان

بکارم هسته ای را با امیدی

بهار است و طبیعت گشته درکار - درختان، سبزه زاران گشته بیدار
 بکارم هسته ای را با امیدی - که دارد از گل و میوه نویدی
 دهم من آب و کود آن هسته ی پاک - که گردد زنده او اندر دل خاک
 جوانه میزند در عید نوروز - بروید از زمین بعد دو ده روز
 شود سبز و شود آنگاه پویا - پس از آن راه رشد خویش جویا
 شود شش ماهه و یکساله وانگاه - به او سر میزنم هر گاه و بیگاه
 مراقب هستم از آن نونهالم - شود چون که جوان بر آن ببالم
 گذارم قیمی من در کنارش - محافظ میشوم از برگ و بارش
 شود چونکه دو سالش یا سه سالش - هویدا میشود رشد و کمالش
 چو چار و پنج و شش سالی گذارد - درختی گشته بهرم میوه آرد
 درخت بید و میوه یا سپیدار - تناور گشته و پر برگ و پر بار
 به تابستان و گرما برگ و بارش - کند دعوت مدام از رهگذارش
 اگر که آن درختم میوه دار است - رود سویی زنی که با ویار است
 بچینم حاصل این بوستانم - خورد از میوه ی آن دوستانم
 بلی جان برادر هست انسان - بسان هسته ای در خاک پنهان
 زبهر رشد او بس رنج و بس غم - ببايد خورد تا که گردد آدم
 بلی ای باقری با رنج بسیار - شود يك آدم از نطفه پدیدار

آمد بهار و دشت و دمن گشت سبزه زار

آمد بهار و دشت و دمن گشت سبزه زار - صنع خدا بدشت و دمن گشت آشکار
 نقاش چیره دست چنین تابلوی نفیس - با شد خدای جلّ جلاله بزرگوار
 او آفریده نقش چینی در این جهان - از ماه و مهر و کهکشان و درّو صدف در دل یحار
 از آدمی و بزه و بزغاله و زطیور - از کوه و دشت و دامن و انهار و جویبار
 از باغ و راغ و زاغ و زغن، گله و شبان - از کشت و زرع و رود و چمن، چشمه و چنار
 باشد تمام صنع خدا، صانع حکیم - کایات اوست بر در و دیوار آشکار
 او بوده است مَصَوِّر ارحام مایشاء - از مرد و زن سفید و سیه ترك و هم تار
 تنها نه او مَصَوِّر ما بوده در رحم - بل دست اوست گردش تصویر روزگار

او خالق است و لوح و قلم هم بدستِ اوست - صورتگر است و نقطه هستی است در مدار
 بود و نبودِ عالمِ هستی زبودِ اوست - او خالق است و صانع و رب است کردگار
 در دستِ اوست گردشِ افلاک و کائنات - با نظمِ اوست گردشِ این لیل و این نهار
 گوید چو او که کنون شب شود، شود - گوید چو او بایست، شود ایست برقرار
 بر هر کسی کند چو نظر نان به روغن است - وز اخم و تَخَمِ او چه سیاه است روزگار
 خواهی اگر که او بنماید تورا نظر - در بندِ بندگی بشو نه که در بندِ الفراق
 خواهی اگر بهشتِ خدا شو غلامِ او - و ز نوکری حق مگر برسی دارِ اَلقَرار
 ای باقری عبادتِ حق شیوه تو باد - چون هست بندگی خدا تاجِ افتخار

فصل بهار آمد و عالم بهار شد

سروده شده در سال نو ۱۳۸۹

فصل بهار آمد و عالم بهار شد - دشت و دمن ز لطف خداسبزه زار شد
 نوروز و عید آمد و شد روزِ نو ز نو - در روزِ نو لبای همه نو نوار شد
 آمد بهار و رفت زمستان و ماه دی - جشنِ بهار در همه جا برگزار شد
 آمد بهار و روزی نو روز هم ز نو - امروزِ بهتری برای همه افتخار شد
 آمد بهار و فصل تلاش است و باغبان - با همتِ بلند واردِ میدانِ کار شد
 با همتِ مضاعفِ ما اندر این بهار - شاداب کوی و برزن و شهر و دیار شد
 باید کنیم کار مضاعف در این بهار - چون در بهار طبع و طبیعت به کار شد
 با بیل و داس و تیشه و خودکار، کارزار - در باغ و راغ و مدرسه و کشتزار شد
 آمد بهار و زنده زمین و زمانه گشت - سرفصلِ دیگری به دفتر این روزگار شد
 دی رفت و فصل زمستان و گاه خواب - آمد کنون بهار و گه کار زار شد
 آمد بهار و نفخه صوری دگر دمید - شد باغ و راغ زنده، زمین مرغزار شد
 بشنود صدای چلچلکان رازکوه و دشت - در نغمه زاغ و قمری و کبک و هزار شد
 باشد به نغمه بلبلِ شیدا کنار گل - در آه و ناله صوتِ شُرُشُرِ هر آبشار شد
 در جست و خیزِ بیزغاله در چمن - چوپان به نی نواز دو مطرب به تار شد
 در ناله مرغ یا حق شب زنده دارین - گوید که باقری ز لطف حق اینک بهار شد

یا مقلبِ قلبِ ماها شادکن - یا مدبرِ مملکت آباد کن
 یا محوّل احسنِ الحالی عطا - کن به ما ما را زغم آزاد کن

یا مقلب قلب من دردستِ توست - یامدبر این دلم پابستِ توست
یا محول احسن الحالم بده - ازبديها فارغ البالم بده

یا مقلب قلب ما را نورده - حال ما به کن سری پرشورده
کن تو تدبیری که در لیل و نهار - حال قلب ما شود همچون بهار

ای شهیدانِ خدائی عیدتان بادا مبارک

ای شهیدانِ خدائی عیدتان بادا مبارک - راهیانِ کربلائی عیدتان بادا مبارک
اولین روزبهار است دشت و صحرا لاله زاراست - سفره هفت سین بیاد این شهیدان افتخاراست
بهر استقلالِ دین و مملکت ازجان گذشتند - نامِ الله و محمد یاعلی باخون نوشتند
راهِ اسلام و محمد راهِ حق را طی نمودند - مرکبِ خودبینی و دنیاپرستی پی نمودند
یک نظر بر حضرتِ معبود و وجه الله نمودند - جان و تن قربانی دین و سبیل الله نمودند
شمع راه ما شدند و راهشان جاویدمانده - نامشان و یادشان بر صفحه توحیدمانده
گرنبودی آن فداکاری و جانبازی آنان - نام استقلال و ایمان محومِ گشتی زایران
ای شهیدان نامتان و یادتان بادا گرامی - باقری گوید شهیدان بر شما بادا سلامی

بر مشامم میرسد خوش عطر و بوی کربلا

سروده مدیرسایت باقری پور در سفر زیارتی سال ۱۳۸۹
بعضی از دوستان در حرم امام حسین علیه السلام شعر بر مشامم میرسد هر لحظه بوی کربلا
را میخواندند که مورد ایراد بعضی از دوستان دیگر بود
به همین جهت این شعر را سرودم که در لحظات ورود به کربلا
یا در حرم امام حسین علیه السلام بخوانند و اینجانب را دعا کنند
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
بر مشامم میرسد خوش عطر و بوی کربلا - شکر حق بردل نماندم آرزوی کربلا
تشنه بودم بهر یک جرعه از این آبِ فرات - شدنصیب آبِ فراتم از سبوی کربلا
کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
سالها در آرزوی کربلا هر روز و شب - بوده ایم از عشق مولا دائماً در تاب و تب
شدنصیب اینک زیارتگاه آن عالی نسب - آمدیم از راه دوری تا بکوی کربلا

کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
 آرزوی کربلا اندر دل پیرو جوان - ازال بوده است و باشد هر زمان و هر مکان
 در دل هر شیعه ای از کربلا باشد نشان - چونکه باشد در گل ما رنگ و بوی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
 آدم و موسی و عیسی حضرت نوح و خلیل - ساکنان آسمانها و جناب جبرئیل
 آب دریای فرات و زمزم و هم سلسبیل - جملگی بودند اندر جستجوی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
 هر که آمد کربلا گریان شد از بهر حسین - بهر مظلومی مولا در عزا و شور و شین
 چونکه بیند قتلگاه و جای آن تیغ و سنین - خیمه گاه و زینبیه شهرو کوی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
 افتخار ما همین بس کربلائی گشته ایم - در زمین کربلا اهل ولایتی گشته ایم
 بر سر پیمان آن قالوا بلائی گشته ایم - در وجود ما نشان از خلق و خوی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
 بارالها کن نصیبم این سفر را بارها - هم نجف هم کربلا هم کاظمین و سامرا
 باقری باشد برای زائرین نوحه سرا - آبرویی ده یم از آبروی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
 یاحسین بن علی ماجمله زوار توایم - در توسل جملگی اینک به دربار توایم
 بر سر و سینه زنان جمله عزادار توایم - آمدم از راه دوری ما بسوی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا
 یا ابالفضل علمدار ای شهید کربلا - قبله حاجات مائی حاجت ما کن روا
 دردمند و مستمندیم و بدربارت گدا - آمده بهر گدائی ما بسوی کربلا
 کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا - کربلا یا کربلا یا کربلا یا کربلا

ای برادر تو ز سیگار بجز دودم نخواه

ای برادر تو ز سیگار بجز دودم نخواه - جز خرابی ریه از نکوتین سودمخواه
 چونکه جز دود ندارد اثر و خاصیتی - دود سیگار ندارد خوشی و عاقبتی
 نکوتینش سرطان زا خودش مایه شر - برای کشتن تو خنجر دارد به کمر
 ثروت و مال تو بادود رودسوی هوا - وه چه دودی که شود مال تو بادود فنا
 تو که بادست خود آتش بزنی مالت را - ستی به هوا جمله ی اموالت را

ریه ها ولب و دندان و گلو، حنجره، نای - معده وروده و مخرج، موی سرتانوک پای
 همه از دودنکوتین بشود آلوده - همچنان خود رو فرسوده شوی فرسوده
 هی کند پت پت و هی ریپ زندسرفه کند - گاهی از درد ریه سرفه گهی ناله کند
 آخرش یاسرطان است و یاتنگ نفس - یاشوی مثل یکی شیرکه رفته به قفس
 کنی آلوده فضا را تو ز دود سیگار - جون هرکس که داری دوست از این دست بردار
 بچه شیرخورت کودک ناز و مامانی - شود آلوده ز سیگار خودت میدانی
 چه هوای تروتازه که مُمد است به حیا - لیک بادودنکوتین بشود مثل ممات
 چقدر ثروت ملت بشود دود هوا - چقدر نعمت و نازی که رود از کف ما
 چه جوانان عزیزی که فدای سیگار - چه دلیران دلیری که بیفتند از کار
 همگی دست بدست هم و از صحت خویش - پاسداری بنمائیم همه بیش از پیش
 بشود جامعه از دود و دم آزاد مدام - صحت و عافیت ماشود آزاد ز دام
 تا شود بیمه تن و جسم و روان من و تو - شود آسوده زن و مرد و جوان من و تو
 بفکن از لب خود آن نخ سیگار جوان - بفکن بستۀ سیگار و تروتازه بمان
 از دوانگشت عزیزت بفکن آن سیگار - زیر پالۀ بنما تا که نگردي بیمار
 کن ز تقلید تو پرهیز و گریز از دم و دود - باقری و همگان بر تو فرستند درود

عاشقان وقت نماز است مهیا بشوید

عاشقان وقت نماز است مهیا بشوید - موقع راز و نیاز است مهیا بشوید
 در شب و روز به هر ساعت و هر وقت و زمان - در این پنجره باز است به خلاق جهان
 با اذانی که مؤذن بدهد وقت نماز - کند اعلان که مؤمن شده هنگامه ی راز
 نای گلدسته مسجد بکنند دعوتتان - که کنون ذکر و دعا باد همه صحبتتان
 اول وقت نماز و سرور و تازه کنید - وقت کار است ولی کارباندازه کنید
 بانوای خوش تکبیر اذان وقت نماز - بگشائیم به یک صف همه بال و پر را ز
 عجلوا گفت مؤذن بشتاب ای بنده - به در بنده نوازی که بود پاینده
 صورت و دست بشوئید و شوید آماده - همه با هم بنشینید سر سجاده
 حی را چون بنشینید همه قامت راست - روسوی کعبه نمائید که مقصد آنجاست
 همه تکبیر بگوئید و به سجاده شوید - بهر انجام نمازی همه آماده شوید
 ربع ساعت بروید از پی تکبیر و دعا - ربعی از وقت گذارید همه بهر خدا
 گاه تکبیر و قیام است و رکوع است و سجود - راز دل گفتن ما باملك الناس و دود

باسجودت فکنی خویش تو یکدم برخاک - کنی اظهار تواضع تو بر ربّ الافلاک
 عطر تکبیر و دعا در همه جا گاه نماز - میکند عطر فشان بنده بحال پرواز
 روز پنج بار وضو گیر تو در وقتِ صلات - تاشوی طیب و طاهر برهی از ظلمات
 چونکه گفתי تو سلام آخر هر بار نماز - سر سجاده نشین و بنما راز و نیاز
 خوان تو تعقیب و دعا در پی هر وعده صلات - باقری گوی تو تسبیح و همی خوان صلوات

همه باهم سوی خدا

بیا بریم آی بچه ها - همه باهم سوی خدا
 بریم باهم دعا کنیم - رو بسوی خدا کنیم
 دستی بدرگاه خدا - ما ببریم بالا بالا
 بگیریم یا الله ای خدا - ما را نکن ز خود جدا
 ما را بخود و ما گذار - غریب و تنهامگذار
 توئی توئی یاور ما - بهتری از مادر ما
 مادر ما یاور ماست - امید و تاج سر ماست
 ولی توبه ز مادری - از همه مهربانتری
 ما را اگر غذا میدی - شیر به بچه ها میدی
 ولی غذای ما را - بدست توست ای خدا
 زندگی و حیات ما - مردن ما ممات ما
 خوردن ما غذای ما - مریضی و دوا ی ما
 کم و زیاد سنّ ما - جوان ما مُسنّ ما
 دوزخ ما بهشت ما - تمام سرنوشت ما
 بدست توست ای خدا - مکن مرا ز خود جدا
 *** **

بیا بریم آی بچه ها - همه باهم سوی خدا
 بریم باهم دعا کنیم - رو بسوی خدا کنیم
 خدا خوب و مهربونه - درد دلار و میدونه
 آگاه از حرف دلت - از بیرون از داخل
 آگاه از سر و علن - دشت و دمن کوه و چمن
 از اون پائین دریاها - از جنگلا از صحراها

از عمق ما وجود ما - از بودمان بود ما
 آگاه از غیب و شهود - هم از قیام و از قعود
 هرچی میخوای بخواه از او - با او بکن تو گفتگو
 با او بکن راز و نیاز - بسوی او بکن نماز
 تو را از خود به او بگو - به او بکن تو گفتگو
 به صبح و ظهر و هم غروب - شمال و مغرب و جنوب
 به هر کجاکه زندگی - تو می کنی و بندگی
 روسوی کعبه خدا - بکن نماز و هم دعا
 * * * * *

بیابیم آی بچه ها - همه با هم سوی خدا
 بریم با هم دعا کنیم - رو بسوی خدا کنیم
 خدای ربّ عالمین - چه آسمان چه در زمین
 هفت آسمان و نه فلک - ز آدم و جنّ و ملک
 وحش و طیور و انس و جان - هر آنچه هست در جهان
 خدای ربّ عالمین - دار ده همه زیر نگین
 روزی و مرگ و زندگی - همه از اوست بندگی
 ظاهر و باطن همه - برای او یک قلمه
 عالم هر سر و علن - هست خدای ذوالمنن
 عالم اسرار و نهان - هست خدای مهربان
 از همه چی با خبره - چون همه زیر نظره
 وقتی کنار خیابون - یک متلک میگی جوون
 وقتی تو کوچه پس کوچه - میخوری کیک و کلوچه
 وقتی توتاریکی شب - میشی تو خیلی بی ادب
 وقتی که توی خلوتی - می کنی یک کار بدی
 وقتی کنار مادری - ویراژ میدی باموتوری
 وقتی کنار مدرسه - میشی یک لوس بی مزه
 وقتی چنان و اینچنین - از یک جوون نازنین
 از من و تو سرمیزنه - خداهمه اش رامیبینه
 از اون خدایا کنیم - بریم پیشش دعا کنیم - طلب کنیم باباقری - از خدایا رویاوری

معلم هست مرشد، پیر، استاد

معلم هست مرشد، پیر، استاد - مقامی بس بزرگ است و خداداد
 بود تعلیم یک کار الهی - دهد قرآن بدین مطلب گواهی
 بخوان تو علم القرآن زقرآن - بود اول معلم ذات رحمان
 معلم ذات پاک حی سرمد - دهد فرمان اقرء بر محمد ص
 بگوید و القلم چون حی سبحان - قلم گیر و قلم زن تادهی جان
 معلم میکند کار خدائی - دهد بر جان مردم روشنائی
 الفبا و ریاضی میدهد یاد - ز خواندن و ز نوشتن میشود شاد
 کلاس اولش با آب و بابا - یک و دو و سه و جمع و الفبا
 پی و بنیان کاخ علم و دانش - بریزد در جهان آفرینش
 نهال علم و دانش را بکار د - به امیدی که روزی میوه آرد
 کلاس دوم و سوم، چهارم - کند رشد این نهالش با تعلم
 معلم همچنان یک باغبان است - به باغ علم او چون پاسبان است
 مرتب سرزند زین باغ و اشجار - دهد آب و گشاید راه انهار
 «بسان باغبان که گل بکار د * * * بسی زحمت کشت تا گل بر آرد»
 شود ارباب دیهشت این باغ پر گل - بر آرد سوسن و ریحان و سنبل
 شود خرداد و تیرو هم آرد - بگردد این نهالش شاخ شمشاد
 شود بعد از گذشت چند سالش - درختی بارور این نو نهالش
 شود چون بوعلی، شیخ بهائی - شود رازی و سعدی و سنائی
 نهالت ای معلم بارور شد - درختی بس بزرگ و باثمر شد
 بگویم من سپاست ای معلم - شوم من حق شناست ای معلم
 بجویم علم را من تالاب گور - به همراه معلم، باقری پور

رفتی از دنیا تو ای تاج سرما

به مناسبت ۱۴ خرداد رحلت امام خمینی ره

رفتی از دنیا تو ای تاج سرما - ای امام و مقتدا و رهبر ما
 ای خمینی رهنمای ما تو بودی - خود امام و مقتدا و رهبر ما تو بودی
 در ره ایمان تو بودی یاور ما - ای امام و مقتدا و رهبر ما

ای خمینی یاورِ مستضعفینی - جانشینِ بهرِ امیرالمؤمنینی
 چون علی بودی امام و سرورِ ما - ای امام و مقتدا و رهبرِ ما
 ای خمینی زنده کردی حکمِ قرآن - داده ای رونق به تقوا، دین و ایمان
 زنده شد نامِ خدای اکبرِ ما - ای امام و مقتدا و رهبرِ ما
 مسلمین را سرفراز و زنده کردی - حکم دین رادر جهان پاینده کردی
 درمذلت دشمنانِ کافرِ ما - ای امام و مقتدا و رهبرِ ما
 حوزه و فقه و حدیث و علم دین را - نام زهرا و امیرالمؤمنین را
 تاج عزّت کرده ای تو بر سرِ ما - ای امام و مقتدا و رهبرِ ما
 از تو جمهوری اسلامی ایران - گشته برپاکاخ شاهی گشته ویران
 گشته بسم الله تاج وافرِ ما - ای امام و مقتدا و رهبرِ ما
 راهِ توراهِ حسین بن علی بود - از سخنهای تو ایمان منجلی بود
 آن وصیت نامه ات شد محورِ ما - ای امام و مقتدا و رهبرِ ما
 باقری روحِ خدا باشد خمینی - نهضتِ او انقلابِ او حسینی
 گفته های او بود روشنگرِ ما - راهِ او شد راهِ ما و رهبرِ ما

سه بت شکن درسه زمان

جهان شد از وجودِ سه بت شکن آگاه *** که درسه دور زمان جلوه کرد نورالله
 یکی ظهوربه بابل نمودوبت بشکست *** که نام اوست بقرآن حق خلیل الله
 یکی نمود بیت خدا را زلوثِ بتها پاک *** که اوامام اوّل ما هست علی ولی الله
 یکی ظهوربه ایران نمودوبت بشکست *** که اوست رهبرِ ماها خمینی روح الله
 کنون درانتظارِ یکی بت شکن بدورانیم *** که اوست حجّتِ عصر و خلیفه ی الله

ماه خوب رمضان

رمضان یا رمضان ، رمضان یا رمضان - رمضان یا رمضان ، رمضان یا رمضان
 رمضان ماه خداست، ماه تسبیح و دعاست - ماه قرب و بندگی، ماه طاعت خداست
 ماه پاکی و صفا، باعبادت خداست - ماه قرآن و دعا، هست ماه رمضان
 رمضان یا رمضان ، رمضان یا رمضان - رمضان یا رمضان ، رمضان یا رمضان
 ماه خوبِ رمضان، بنده مهمان خداست - وه چه مهمانی خوب، دلنواز و باصفاست

سفره ی لطف خدا، پیش ما و بنده هاست - سفره ای من السماء، آمده به نزدماست
 پربود سفره ی حق، از نِعَم بی کم و کاست - نِعَم حق همه جا، هست ماه رمضان
 رمضان یا رمضان، رمضان یا رمضان - رمضان یا رمضان، رمضان یا رمضان
 ماه زاری پیش حق، توبه از کار خطاست - ماه مسجود و نماز، ماه قرآن خداست
 ماه افطار و سحر، ماه یاد فقر است - ماه بخشش، ماه جود، ماه یاد از غرباست
 ماه رحمان و رحیم، هست ماه رمضان - رمضان یا رمضان، رمضان یا رمضان
 رمضان یا رمضان، رمضان یا رمضان - رمضان یا رمضان، رمضان یا رمضان
 ماه خوبِ رمضان، ماهِ بندگی بود - ماهِ توبه از گناه، ماهِ زندگی بود
 ماهِ دوری از خطا و کار هرزگی بود - ماهِ آزادگی از، قیدبردگی بود
 باقری ماه شفاعت، هست ماه رمضان - رمضان یا رمضان، رمضان یا رمضان
 رمضان یا رمضان، رمضان یا رمضان - رمضان یا رمضان، رمضان یا رمضان

توضّهر مسلمانان تری جونز

طرح قرآن سوزی تری جونز آمریکائی

توضّهر مسلمانان تری جونز - از آن قرآن بسوزانی تری جونز
 او با ما از توراتی شد از این کار - چرا؟ چون توشدی روباه مکار
 تودادی طرح قرآن سوزی ای جونز - کشیشی یا تو آتش افروزی ای جونز؟
 تو حَمال الحطب در این زمانی - تو یارب ولهب در این زمانی
 تو یارب صهیونیستی ای تری جونز - تو یارب عیسی نیستی ای تری جونز
 چه بود این طرح قرآن سوزی تو؟ - که گشته مایه ی خود سوزی تو
 از این طرح شیاطین گشته راضی - ولی با خشم ملّت‌ها چه سازی؟
 مگر عیسی چنین دستور داده؟ - و یا کردی از انجیل استفاده؟
 کجا انجیل اینسان آیه دارد؟ - کجا عیسی چنین طرحی گذارد؟
 ز تو انجیل و عیسی هست بیزار - فقط شیطان ز تو راضی از این کار
 تری جون با هراس از خشم قرآن - عقب گشتی توازان طرح ویران
 نسوزاندی ولیکن آنکه سوزاند - تورا پیروشد و طرح ترا خواند
 مسلمانان چنان رودی خروشان - خروشدند و جوشیدند از آن
 کنون خشم مسلمانان دنیا - بسوزاند ترا ای بی سروپا

توسوزاندی اگر اوراق قرآن - ولی غافل مباش ازخشم یزدان
 بسوزاند ترا خشم الهی - بیندازد ترا درویل و چاهی
 همان ویلی که باشد بدترین جا - زدوزخ، خویش کن بهرش مهیا
 تورا عیسی کند نفرین ازاین کار - بیاس این عمل گردی تو بر دار
 تویک شیطانی و آتش فروزی - بیاس این عمل باید بسوزی
 توهمچون ابرهه با لشکر فیل - شوی در معرض طیر ابابیل
 کنون سچیل فریاد هزاران - گندبنیاد تو از ریشه ویران
 بگوید باقری این شعر زیبا - که گفت آن شاعر خوب و شکوبا
 چراغی را که ایزد بر فروزد - گرابله پُف کند ریشش بسوزد
 خداوند آبروی او بریزد - تری فور میشود ان شاء ایزد
 باقری پور به مناسبت طرح قرآن سوزی سپتامبر ۲۰۱۰

بوی مهر و بوی ماهِ مدرسه

باز میآید ز راه مدرسه - بوی مهر و بوی ماهِ مدرسه
 باز میتابد به روی ما همه - نور علم از مهر و ماهِ مدرسه
 میوزد با باد پائیزی کنون - باد علم از صبحگاهِ مدرسه
 بوی مهر و مهربانی میدهد - ماه مهر از سال و ماهِ مدرسه
 مینوازد بادِ پائیزی مرا - با نظرها و نگاهِ مدرسه
 جست و خیز کودکانِ شاد را - بنگر اینک تو به راهِ مدرسه
 اول مهر است و اندر راه علم - جمله با شال و کلاهِ مدرسه
 اول مهر است و باکیف و کتاب - کودکان شادان به راهِ مدرسه
 میشود آغاز درس سال نو - وه چه خوش باشد پگاهِ مدرسه
 میشود آغاز با نامِ خدا - درسها از صبحگاهِ مدرسه
 کودکِ ما با نوازشهایِ ما - یادگیرد رسم و راهِ مدرسه
 کودکِ فعال و با هوش و زرنگ - میشود چون مهر و ماهِ مدرسه
 کودکِ خود درس خوان و پرتلاش - میشود پشت و پناهِ مدرسه
 دانش آموزی که با جهد و جهاد - میدرخشد در سپاهِ مدرسه
 دانش آموزی که میافزاید او - رتبه اش بر جایگاهِ مدرسه
 میفزاید دانش آموز زرنگ - دائماً بر عزّ و جاهِ مدرسه

دکتر و استاد و شاعر عاقبت - میشود اندر پناه مدرسه
 دانش آموزی که خود تن پروراست - افکند خود را به چاه مدرسه
 مایه ننگ است و بی حاصل بود - سالها باشد به راه مدرسه
 عاقبت اخراج او باشد دوا - اوفتد او از نگاه مدرسه
 یک ده ها کودک بی سرپناه - مانده اند از این سپاه مدرسه
 بی قلم بی دفتر است و بی کتاب - کودکی چشمش به راه مدرسه
 آه و افسوس است کار کودکی - که نداند راه و چاه مدرسه
 با مصیبت زندگی سر میکند - پشت دیواری پناه مدرسه
 خیری کو تا قلم دفتر دهد؟ - یا دهد کفش و کلاه مدرسه
 تا که این کودک چنان آن کودکان - طی کند هرروز راه مدرسه
 بس مدیرانی که لایق پرورند - در پی رشد و فلاح مدرسه
 فکر و ذکر و همت آنان بود - دائماً خیر و صلاح مدرسه
 خود معلم همچنان شمع بود - روشنائی بخش راه مدرسه
 راه ما روشن ز نور علم شد - از سحر تاشامگاه مدرسه
 خیران با شند دائم در تلاش - از برای افتتاح مدرسه
 باقری هم شد دعا گوی شما - تافزاید عز و جاه مدرسه
 سروده باقری پور آخر شهریور ۱۳۹۴

هفته جنگ و دفاع از میهن است

هفته ی جنگ و دفاع از میهن است - هفته کوبیدن اهریمن است
 هفته ی جنگ و دفاع از دین بود - چون دفاع از جمله آئین بود
 هفته ی جنگ و دفاع از انقلاب - خاطراتش هست در صدها کتاب
 هفته ی یاد آور جانبازی است - هفته ی سرداری و سربازی است
 هفته ی یاد آوری از یاوران - جمله همزمان و آن هم سنگران
 خاطرات هشت سال پرغرور - میکنیم از بعد جنگ اینک مرور
 خاطرات یاوران ، هم سنگران - حفظ آن بس قیمتی هست و گران
 یادی از یاران و همزمان کنیم - یادی از گردان هم پیمان کنیم
 یاد قرآن و دعاها یاد باد - ناله ها در نیمه شبها یاد باد
 یاد باد آن دوره هشت سال جنگ - آن دلاورهای چون شیرو پلنگ

عابدان در شام تار جبهه ها - دائماً در انتظار حمله ها
 شامگاه حمله ها هم سنگران - الوداعی داشتند آن دلبران
 یاد باد آن شام تار جبهه ها - یاد باد آن صبحهای حمله ها
 یادی از فتح المبینها میکنیم - از رصدها و کمینها میکنیم
 از طریق القدس ها یادی کنیم - بهر استقلال خود شادی کنیم
 مطلع الفجر و همی والفجر تو - در طریق القدس طالع فجرتو
 از طلائیه ز فگه یاد کن - از دوکوهه و هویزه یاد کن
 از شلمچه هم زیستان یاد کن - قصر شیرین قصه از فرهاد کن
 تنگه چزابه و بازی دراز - واکن از هور العظیم اینک تو راز
 خیز و خونین شهر را آباد کن - در حسینه نگر فریاد کن
 چارزبر دشمن فتاده در کمین - بعد والفجر این بود فتحی مبین
 گاه در غرب و گهی هم در جنوب - خاطرات بچه ها باشد چه خوب
 گاه در بیجار و گاهی دهلران - در مریوان و روانسر، چالدران
 کشوری بین و برو جردی بین - پیچک و صیاد و شیروودی بین
 یاد سربازو بسیج مستقر - در نگهبانی اطراف مقر
 یاد غرشهای توپ از هر طرف - قلب دشمن درگرا و در هدف
 یاد همتهای همت یاد باد - یاد دوران و شریعت یاد باد
 بالگردی بال میزد در هوا - پر بُد از شورو شعف در جبهه ها
 غُرش بوئینگ و میگ از آسمان - از شجاعت بود در احساس مان
 با مسلسلها و ژ ۳ و کلاش - بود سرباز و بسیجی در تلاش
 چون که آر پی جی به دوش پاسدار - میشد او آماده از بهر شکار
 یادی از چزابه و بازی دراز - یادی از یاران در راز و نیاز
 در هویزه یاد مجنون میشود - در شلمچه قلبها خون میشود
 در طلائیه زیستان یاد کن - دارخوین و فگه را فریاد کن
 یاد خونین شهر خرّمشهر ما - آن سه راهی شهادت بهر ما
 یادی از فتح المبین، والفجرها - در طریق القدس خوان والعصر را
 هم تو از بیت المقدس یاد کن - بر سر دشمن بزن فریاد کن
 یادی از همسنگران نامدار - یادی از نام آوران روزگار
 یادی از نام آوران جبهه ها - یادی از دلدادگان حمله ها

یادی از تسبیح گویان سحر - از شهیدان چون رجائی ، باهنر
از حماسه آفرینان وطن - از عزیزان به تن کرده کفن
یاد اشترهای میدان جهاد - یاد بوذرها و سلمانهای راد
از جهان آرا و احمد یادکن - یادی از آوینی و صیاد کن
از برونی و رفیعی ، باقری - از جهان آرا و کاوه ، باقری
یادی از فهمیده آن شیرزیان - تانک دشمن دود کرد آن نوجوان
یادی از سردار خیبر میکنیم - یاد آن شیردلایور میکنیم
یاد ابراهیم همت میکنیم - کام دل را پر حلاوت میکنیم
یادی از عباس دوران میکنیم - یادی از صیاد و چمران میکنیم
یاد خُزازی ، شریعت یاد باد - یاد شیرودی و همت یاد باد
یاد جانبازی که شد بی پا و دست - در ره حق داده است او هر چه هست
آنکه با یک پا و با یک دست خویش - جبهه ها را پر نمود از هست خویش
یادغواصانِ بی نام و نشان - دل به کارون میزدند آن مه و شان
یادی از جمله شهیدان وطن - در ره حق جملگی گلگون کفن
جان خود دادند در راه خدا - بهر استقلال و دین جانها فدا
یاد آن آزادگانِ نامدار - سالها بودند دور از این دیار
یاد اردوگاه موصل ، نهروان - کمپ الانبار و کمپ نهروان
الرمادی بود همچون الرشید - بچه ها بعضی شدند آنجا شهید
کمپ ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و پنج - بچه ها میسوختند همچون سپنج
کمپ ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ده - بود بهر بچه ها ظلمتکده
کمپ ۱۱ تا که ۲۰ و یک و بیست - بود یک جائی که انسانی نیست
درغریب و دولتو و الرشید - نان و حلوا آب و دارو کس ندید
بچه ها با صبر و با حلمی عجیب - دائماً ذکر و دعا ام من یحیی
روز پر شورو غرور بازگشت - شد پر از لاله همه صحرا و دشت
خاطرات هشت سال پرغُرور - بعد چندین سال شد اینک مرور
استقامت هشت ساله پُرتوان - این چنین جنگی نبوده در جهان
آفرین بر غیرتِ مردان ما - شرق و غرب عالمی حیران ما
آفرین بر همتِ شیرانِ نر - درس همت داد بر نوع بشر
آفرین بر استقامت ، بر توان - از بسیجیهایی بی نام و نشان

از کمیتہ ، از جہاد ، از پاسدار - ارتشی و از صغار و از کبار
 عزم آن فرمانده کل قوا - عزم آن فرماندهان جبهہ ہا
 عزم آن تازہ جوان پر زشور - آرزوی دشمنان کردہ بگور
 آفرین بر غیرت و مردانگی - در رہ حق بین چنین دلدادگی
 در رہ حق بین چنین عزّ و شرف - ایستادن ، صبر کردن بر ہدف
 آخر صبر و وفا بہروزی است - عاقبت للمتّقین پیروزی است
 مفلحون شد وعدہ بر حزب خدا - حزب حق از حزب شیطان شد جدا
 باقری در شعر خود اینسان سرود - بر تمامی یاوران حق درود
 هست بر ما از شہیدان این پیام - بر امام و رہبرم از ما سلام
 سرودہ شدہ جہۃ یاد آوری رشادتهاہی دلیرمردان جانباز و آزادہ و شہید ہشت سال دفاع
 مقدس در ہفتہ دفاع مقدس سال ۹۴

بازگشتِ حاجی امسال ہمراہ باعزاشد بہ مناسبتِ شہادتِ حاجیان در مگہ و مدینہ بر اثر بی کفایتی آل یہود در حج سال ۱۳۹۴

بازگشتِ حاجی امسال ہمراہ باعزاشد - منا برای حاجی امسال کربلا شد
 دہ ہا ہزار حاجی در راہ رمی جمرہ - قربانی جہالت بی ریب و بی ریا شد
 قربانیانِ مسجد از جرثقیل وحشی - اندر نماز بودند آن فاجعہ بپا شد
 صدها نفر در آنجا اندر نماز و قرآن - ناگاہ جرثقیلی بر رویشان رہا شد
 صدها نفر در آنجا کشتہ شدند و مجروح - صدها شہید و زخمی در خانہ ی خدا شد
 اندر منا مکرّر شد بہر جمع حاجی - بارِ دگر در آنجا آن فاجعہ بپا شد
 اندر منا بہ راہ جمرات چند ہزاران - حاجی لہ و لورده در زیر دست و پا شد
 آن یک نفس گرفتہ وان یک زہوش رفتہ - آن یک سرش شکستہ وان یک شکستہ پاشد
 آن یک زتشنہ کامی وان یک ز بی پناہی - وان یک بہ زیر جمعی روح از تنش جدا شد
 آبی نبود آنجا تا کہ رسد بکامی - لب تشنہ حاجی ما خاموش و بی صدا شد
 بودہ است قحطی آب از بہر حاجی ما - گویا منا در آن روز چون دشت کربلا شد

آل یهود آنجا بودند در نظاره - دیدند آن جنایت در آن زمان بپا شد
دیدند حاجیان را پرپر زنان در آن دم - بر حاجیانِ مظلوم آنجا ببین چه ها شد؟
بنگر کبوتران را پرپر زنان زبیداد - لب تشنه پر کشیدند جانها زتن رها شد
بشنیدی اکرموا الضیف از خاتم النبیین - اما عجب کرامت برحاجیان ماشد
خوش خدمتی به حاجی اینسان شده است امسال - از خادمان مگه اینسان ستم چرا شد؟
بنگر تو میزبان را با میهمان چه کرده - کز آن، زمین عزادار تا عرش کبریا شد
افراد بی لیاقت اندر لباس خادم - در مگه ومدینه، بر بیت هم جفا شد
افراد بی کفایت در حال حکمرانی - در مکه ومدینه ظلمی به مصطفا شد
امسال ما عزادار قبل از مه محرم - اندر غدیر گشتیم این عید هم عزا شد
قبل از مه محرم شد شهرما سیه پوش - هر کوچه و خیابان با پرچم سیا شد
ای باقری دعا کن صبری دهد خداوند - بر خاندان حاجی که حا جیش فدا شد
سروده شده درایام بازگشت حجاج و جنازه های کبوتران سپیدبال شهیدان

سروده ای دیگر بیاد بود شهادت حجاج در مکه ومدینه

کبوتران سفیدی به آسمان منا - گشوده بال بسوی خدا مهاجر شد
مسافران ره دور در دیار خدا - زمگه تا بعرض خدا باز هم مسافر شد

کبوتران مهاجر چو از منا رفتند - گشوده بال تمامی سوی خدا رفتند
کبوتران سفیدی زبام خانه ی حق - گرفته اوج و تمامی سوی سما رفتند

به روز عید نرفتی معیصم ای حاجی - شدی به مسلخ آل سعود قربانی (معیصم=قربانگاه)
به کوچه های تنگ خیام منا تو جان دادی - نخورده جرعه ی آبی، عجیب رسم مهمانی

مدال خادم الحرمین است بهر آل سعود - به سینه ها زده اند از نشان و ننگ منا
شهادت حجاج سال چارو نود - کنار کعبه و در کوچه های تنگ تنگ منا

آل سعود عادتشان قتل و گشت و کشتار است - چه در یمن، چه منا، چه جای جای دگر
در سال چارو نود در یمن سپس به منا - در سالهای بعد کشور دیگر سپس منای دگر

آل سعود زاده ی آل یزید و بوسفیان - کردند در کنار کعبه و اندر منا بسی طغیان

بستند راه به حُجَّاجِ کوچه هایِ منا - آنجا که بود راهِ عبادت همه شدند شیطان

با صهیونست آلِ سعود هم قسم شده اند - نوکر به صهیونیست با خَدَم و با حَشَم شده اند

برضدِ مسلمین کشند نقشه هایِ پنهانی - آلِ سعود و آلِ یهود یک قلم شده اند

خشم خداست خشم رهبر ایران بترس آلِ سعود - با ما مکن چنین وچنان تو آیاعدویِ عنود

کرگه زند نهیب رهبر ما ترکنی تو جایگه ات - با این همه دلار زائر ایران، و اِنکم لکنود

سروده شده توسط حَجَّة الاسلام سیدمحمدباقری پوربه مناسبت فاجعه مکه ومنا سال ۱۳۹۴

مادرم مادرِ خوبم تو که رفتی از کنارم

به پاسِ زحمتهایِ مادران

مادرم مادرِ خوبم - تو که رفتی از کنارم

بعد از این مادرِ خوبم - سرم و کجا بذارم

مادرم مادرِ خوبم - سرِ من رو دومنت بود

صبح و شب نگاه بردر - فکرِ من اومدنت بود

مادرم مادرِ خوبم - بعدِ تو قرارندارم

بعد مرگ و مردنِ تو - من به هیچکی کار ندارم

مادرم مادرِ خوبم - تو بُدی پشت و پناهم

بتو بود مادرِ خوبم - صبح و ظهر و شب نگاهم

تو که از شیرِ یِ جونت - نصفِ شب به من میدادی

تو که لقمه یِ غذا را - تو دهانِ من نهادی

تو که دستم و گرفتی - آروم از برای رفتن

تو که یادِ من میدادی - ایستادن و نشستن

تو که کوچه و خیابون - من و پا بیای بردی

تو که لحظه یِ فرارم - دستام و همی فشردی

تو که یادِ من میدادی - سخن و کلام گفتن

تو که بهرِ من میخوندی - لالا ئی برایِ خفتن

تو شبِ بیدار بودی - تا که من راحت بخوابم
 تو بودی که تب میکردی - نیمه شب از تب و تابم
 تو که از خوشحالی ی من - شاد میگشتی و خوشحال
 تو برا راحتی ی من - میشدی غمین و بدحال
 تو بودی که هی میگفتی - بره خار توی چشای من
 ولی خار به پایِ بچم - نرسه زدوست و دشمن
 خلاصه مادرِ خوبم - تو بودی تمام هستم
 حیف شد مادرِ خوبم - که تو رفته ای ز دستم
 قریونِ اون خاکِ پاهات - که بهشتِ من همانجاست
 این و گفته است محمد «ص» - که بهشتِ من همانجاست
 بشنو نوايِ مادر - تو زنایِ باقری پور
 بنما ادایِ حقش - همه عمر تا لبِ گور

دعای سفره شعری

سپاسِ خداوند جان آفرین - کنم شکر نعمت چنان شاکرین
 الهی که این خانه معمور باد - بلاها از این خاندان دور باد
 نما بهر این خانه نعمت زیاد - دل اهل این خانه را کن تو شاد
 کن اولاد صالح به آنان عطا - به آنان عطا کن تو صلح و صفا
 سلامت عطا کن به این خانوار - بده بهرشان رونق کسب و کار
 به ایمانِ آنان دمامد فزای - بده در بهشتت به آنان تو جای
 ببخشای اموات این خانه را - سرافرازشان کن به هر دوسرا
 سلامت عطا کن تو بر رهبری - به این جمع و گوینده و باقری
 شود دور از این خانه هر سانحه - بخوانید بر رفتگان فاتحه «مع الصلوات»

سپاسِ خداوند جان آفرین - کنم شکر نعمت چنان شاکرین
 الهی که این خانه آباد باد - دل اهل این خاندان شاد باد
 الهی به این خانه برکت بده - به این سفره انواع نعمت بده
 شود نعمتِ ما ز لطف زیاد - دو چشمِ حسودان زما دور باد
 ز بخل بخیلان نگهدارباش - تودر زندگی بهر ما یارباش

توهر چشم زخمی زما دورکن - دوچشم حسودان زما کورکن
 تو فرزند صالح بما کن عطا - به ما ها عطاکن تو صلح وصفا
 نصیب همه کربلا ونجف - زیارت نمائیم شوروشعفا
 هم ایمان و تقوای ما کن زیاد - نما روح اموات مارا تو شاد
 به همراه تو باقری ما همه - بخوانیم ازبهرشان فاتحه «مع الصلوات»

برخیز، که فجر انقلاب آمده است

به مناسبت دهه فجر سروده سال ۱۳۹۴

برخیز، که فجر انقلاب آمده است - آن دشمنِ دون، خانه خراب آمده است
 هر نقشه که دشمن بکشد اون وَرِ آب - از لطف خدا، نقشِ بر آب آمده است
 * * *

فجر است و خورازافق سر زده است - مهمانِ عزیز حلقه بر در زده است
 با آمدن امامِ ما ازپاریس - خورشیدِ زمغربِ زمین سر زده است
 * * *

آمد به وطن امامِ ما از پاریس - وَ گفت نترسید شما از ابلیس
 سنگش بزید وبنمائید زخوداورادور - آسوده شوید وانگهی ازتلبیس
 * * *

شیطان که بشد فراری از لطفِ خدا - آمد به وطن باز امامِ شهدا
 در جمع محبّان شده روشن شمعی - در آن شبِ تاریک شده نورِ هُدا
 * * *

والفجر و لیال عشر درقرآن است - این وعده ی حق زجانب یزدان است
 اندر شبِ تاریک بود صبحِ قریب - بنگر که چه هل اتی علی الانسان است
 * * *

شب رفت و سرود فجر بنواخته شد - بنیاد خرابِ دین زنوساخته شد
 شد پرچمِ دین در اهتزاز از لطف خدا - با دست امام این عَلمِ افراخته شد
 * * *

شب طی شد و روز بهر ما روشن شد - این دیرِ خراب بهر ما گلشن شد
 خورشیدِ امید ما چو از غرب دمید - ازیمِنِ قدومِ او فراری اهریمن شد

از بعد چهارده قرن گلی پیداشد - آمد رَجُلٌ مِنَ الْقَمِّ و امام ما شد
آمد رَجُلٌ مِنَ الْقَمِّ و گفت: چنین - نه شرقی و غربی، که شعار مآشد

جان‌های تمام ما به لب آمده بود - از بهر نجات ما داوطلب آمده بود
بعد از ده و پنج سال امام آمد باز - فجری که پس از ظلمت شب آمده بود

از پهلوی آمد چه بلا بر سر ما - خون شد به دلِ مَلَّت و هم رهبر ما
بس ظلم و ستم که سالها بر ما شد - از پهلوی و توده ای و غرب گرا

از شاه شهان نوکر آمریکائی - بنگر که چسان زیاد شد رسوائی
شایع ظَهَرَ الفساد اندر همه جا - عریان همه جا قامتِ هر رعنائی

این دولت دینی که کنون برپاشد - لطفی است که از جانب حق بر ما شد
در فصل زمستان و در آن بهمن ماه - گرمی به دل ما پس از آن سرما شد

بر ملت ما که رسته از دام و کمند - آن بردگی غرب خدایا میسند
این در که شده به روی این مَلَّت باز - دیگر پس از این بار خدایا تو مبد

یارب به حقِ امامِ وَالْعَصْرُ و زمان - کن دولتِ حق بپا تو درکَلْ جهان
کن رهبر ما حفظ زهر بد و بلا - بر باقری از عذاب ده خطِ امان

سلام برائمه مدفون در عراق

سلام ما به موسی کاظم سلام ما به تقی باد
هزار لعنتِ یزدان به دشمنانِ شقی باد
سلام ما به علی و حسین و حضرت زینب
سلام ما به ابا الفضل به صبح و ظهور دلِ شب
سلام ما به اکبر و اصغر سلام ما به شهیدان
سلام ما به سکینه، رقیه، خیل اسیران

سلام ما به زینب و کلثوم، سلام به حضرت سجاد
 سلام ما به صاحبِ عصرو امامِ مهدی ما باد
 سلام باد به هادی سلام به عسکری ازما
 سلام باد به مهدی که اوست دلبری ازما
 سلام ما به امامِ غریبِ مرکزِ بغداد
 چه سالها که به زندان اسیرِ فتنه و بیداد
 سلام ما به امامی که شد شهید به زندان
 جنازه اش را گرفتند بدوش چار غلامان
 سه روز جسمِ شریفش نهاده بر پُلِ بغداد
 غریب همچو حسین آن شهیدِ قومِ زنا زاد
 سلام ما به امامی که داشت دشمنِ خانه
 مدام دخترِ مامون همی گرفت بهانه
 سلام ما به امامی که بود ماهِ مدینه
 سه روز مانده به بغداد به پشتِ بامِ زکینه
 چنانکه جدِ غریبش حسین زاده زهرا
 سه روز بی کفن و دفن بدشت و دامنِ صحرا
 سلام ما به علی آن ولیِ حجتِ یزدان
 سلام ما به علی آن که بود تالی قرآن
 همو که مسجدِ کوفه بیادِ او کند افغان
 همو که منبر و محراب ز هجرِ او شده نالان
 سلام ما به حسین آن که شد ز شهر و وطن دور
 بدشتِ کربلا شد غریب و بی کس و مهجور
 سلام ما به حسین و ندایِ غربتِ او باد
 که جد و مادرو بایم فدایِ تربتِ او باد
 سلام ما به لبانی که بود تشنه آبی
 سلام ما به شهیدی که داشت قلبِ کیابی
 سلام ما به ابا الفضل به دستهای بریده
 به فرقِ منشقِ عباس به قد سرو خمیده
 سلام ما به علی باد علی اکبر و اصغر

سلام ما به شهیدان شهید نیزه و خنجر
سلام ما و ملایک بر آن امام شهیدان
سلام باقری و هم سلام جمله یاران

ماپیام آورده ایم از سرزمین کربلا چاووشی بازگشت از کربلا

ماپیام آورده ایم از سرزمین کربلا - سرزمین کربلا یعنی غم ورنج و بلا
ماپیام آورده ایم از قتلگاه شاه دین - آن مکان که کشته شد آن قبله اهل یقین
ماپیام آورده ایم از تل و هم از خیمه گاه - خیمه ای کانش زدند آن شامیان روسیاه
از کنار نهر علقم ماپیام آورده ایم - از زمین اشک و ماتم ماپیام آورده ایم
مهدا صغریده ایم و کف العباس جوان - قبرشش گوش حسین و اکبر رعنجانوان
جای هفتاد و دوتن پائین پای پای شاه دین - دیده و بوسیده ایم جای تمام مؤمنین
دو حرم دوبارگاه و دو ضریح باصفا - آن ابا الفضل این حسین است و دیوار با وفا
یک طرف آقا ابا الفضل یک طرف مولا حسین - آن یکی باب الحوائج این شفیع عالمین
جایتان خالی در آن صحن و سراو بارگاه - مازیارت کرده ایم آنجابه هر شام و پگاه
بادل غمگین از آن صحن و سراو برگشته ایم - بهر مولا همچنان محزون و هم سرگشته ایم
زین سفر برگشته و غمگین و نالان آمدیم - بهر مولا مان حسین سردر گریان آمدیم
بارالها کن نصیب جمله هفتاد و دوبار - جملگی بارسفر بندند از این شهرو دیار
جملگی در کربلا با یا حسین و یا حسین - قبر مولا رازیارت میکنند با شور و شین
کن نصیب جمله مامکه بعد از کربلا - هم مدینه هم بقیع با جملگی اهل ولا
هم به شام و قبر زینب خواهر و یار حسین - هم رقیه دختر خوب و وفادار حسین
بارالها کن شفیع ما و جمع مؤمنین - مصطفی و مرتضی و اهل بیت طاهرین
بارالها کن قبولت این زیارتها زما - کن نصیب باقری و دوستان مانند ما
چه کربلاست که آن بوی سیب میآید - نواي زینب و بوی غریب می آید
چه کربلاست که بوی گلاب می آید - صدای العطش از بهر می آید
چه کربلاست که بانگ صغیر می آید - صدای غرش مردی دلیر می آید
چه کربلاست که بوی عبیر می آید چه - صدای نیزه و شمشیر و تیر میآید
چه کربلاست که یاران پاکباز حسین - کنند جان و تن خود فدای راز حسین

اشعار سروده شده در مدینه و مکه وداع زبانی با مکه و مدینه

ندارم وداعی من از شهر تو - نگیرد الهی مراقبه تو
 خدا حافظی را نخواهم زدل - نخواهم بریدن از این آب و گل
 وداعی اگر با زبان میکنم - وداعی است کاندر عیان میکنم
 نخواهم وداع و خدا حافظی - اگر صد بگویند تویی رافضی
 نخواهم وداع، اینکه شهر من است - وداعی نه از دل زبهر من است
 ولیکن بود این ز رسم و رسوم - وداع زبانی از این شهر و بوم
 خدا حافظ ای شهر زیبای نور - خدا حافظ ای موسی کوه طور
 خدا حافظ ای شهر صلح و صفا - خدا حافظ ای شهر مهر و وفا
 خدا حافظ ای شهر خلق عظیم - خدا حافظ ای آیه های کریم
 خدا حافظ ای خاطرات علی - که شد نور یزدان ز تو منجلی
 خدا حافظ ای شهر پاک رسول - چه شهری که قرآن در او شد نزول
 خدا حافظ ای ساکنان بقیع - امامان خفته به خاک بقیع
 خدا حافظ ای بابی از آن بهشت - خدا حافظ ای خاک عنبر سرشت
 خدا حافظ ای چار امام بقیع - الا خفتگان در کنار بقیع
 خدا حافظ ای حمزه سالار دین - الا ناصرویا و رویار دین
 خدا حافظ ای کوچه هاشمی - خدا حافظ ای خانه فاطمی
 خدا حافظ ای مادر فاطمه - به محشر شفاعت کن از ما همه
 خدا حافظی با محمد کنم - از این تربت پاک احمد کنم
 خدا حافظی من ز زهرا کنم - از او من شفاعت تمنا کنم
 قبور امامان و قبر رسول - بدیدیم ماها ولیکن ملول
 ولی قبر زهرا ندیدیم ما - فقط نام زهرا شنیدیم ما
 چرا قبر زهرا بود ناپدید - چه ظلمی به زهرا دشمن رسید
 که در نیمه شب شده کفن او - شده مخفی از دشمنان دفن او
 بود باقری منتظر فاطمه - که مهدی بیاید دواي همه
 سروده شده در مدینه منوره ۹۱/۴/۸

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ

خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ - لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 از راه دوری آمدم - با چه غروری آمدم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 به درگاه تو آمدم - آمده ام قدم قدم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 تو که نمودی دعوتم - به دعوت تو آمدم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 با صدامیدی آمدم - ز درگهت مکن ردم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 ز شهر خود بدر شدم - راهی این سفر شدم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 ز اهل و عیال خود جدا - آمده ام سوی خدا - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 عازم این حرم شدم - شمول این کرم شدم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 غرق بحر رحمتم - نموده ای تو دعوتم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 مهر توبه ز مادرم - نموده ای به من کرم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 توبه پذیر مهربان - گناه من کنی نهان - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 تو عشق من، صفای من - کعبه من، منای من - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 تویی وجود و هستی ام - تویی شراب و مستی ام - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 منم ضعیف و ناتوان - تویی قوی و پرتوان - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 من آن اسیر شهوتم - من آن دچار غفلتم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 این من و این حال تباه - این من و این روی سیاه - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 روی سیاه من ببین - بار گناه من ببین - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 توبه نمودم ای خدا - شدم زهرگنه جدا - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 باقری ام من ای کریم - خواهم از آن لطف عمیم - خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا خدا
 من آمده ام ز بهر حج یا الله - توبه کنم ز راه کج یا الله
 بپذیر مرا تا که همیشه گویم - لاحول ولا قوه الا بالله
 یا الله یا الله یا الله یا الله
 گفتمی که هلموا بسوی خانه من - من آمده ام سوی تو جانانه من
 گر راه دهی ورندهی آمده ام - هر چند زنم چانه شنو چانه من
 سروده شده در مدینه منوره مسجد شجره ۹۱/۴/۸

میروم از مدینه، عقده به دل مانده ام

میروم از مدینه، عقده به دل مانده ام - یا حضرت پیمبر، خجل و شرمندۀ ام
 یا باقر، یا صادق، یا مصطفی یا سجاد
 یا حضرت پیمبر، میروم از کنارت - مانده به دل عقده ی، زیارت مزارت
 یا باقر، یا صادق، یا مصطفی یا سجاد
 یا فاطمه میروم، کنون من از مدینه - قبر تو را ندیدم، هم و غم همینه
 یا باقر، یا صادق، یا مصطفی یا سجاد
 یا قرع‌النبی، صادق آل رسول - یا مجتبی و سجّاد زیارتم کن قبول
 یا باقر، یا صادق، یا مصطفی یا سجاد
 یا باقر، یا صادق، یا مصطفی یا سجاد
 سروده شده در مدینه ۹۱/۴/۸

شد جانفشانی‌ها بسی تا کعبه بیت الله شد

شد جانفشانی‌ها بسی تا کعبه بیت الله شد - از لوث بتها پاک شد تا خانه الله شد
 پاک از وجود بتگران با نام بسم الله شد - نازل اذاجاء چو شد بتها از آن آگاه شد
 فتح الهی آمد و بانصر حق همراه شد - ناچار از بتها جدا آن مردم گمراه شد
 لطف الهی شامل آن مردمان در بگه شد - الله اکبر حاکم اندر سرزمین مگه شد
 آن جان فشان و جان فدا شد خاتم پیغمبران - یعنی محمد آنکه او بردوش شد بار گران
 لات و هبل بود و عزی معبود این نامردمان - بتها ز خرما داشتند این مردمان در آن زمان
 با سجده اندر پیش بت این مردمان کرنش کنان - از عقل و ازدانش تهی بودند از پیرو جوان
 با جاهلیت همنشین مردم در آن عصر و زمان - لطف خدا شامل شد و یک منجی آمد بهر شان
 آن منجی از این مگه و اسمش محمد بوده است - حکم و پیام بعثتش از حی سرمد بوده است
 در شهر مگه زاده شد آن رهبر صلح و صفا - مبعوث شد از سوی حق پیغمبر مهر و وفا
 او شد طبیب مردمان او دردمندان را شفا - میگفت او در راه حق الله حسبی و کفی
 دعوت نمود از مردمان او ابتدا اندر خفا - شد آشکارا دعوتش، پس دید بس جو رو جفا
 جو رو جفا از مشرکین و زبیت پرستان زمان در کوچه های مگه شد هم آشکارا هم خفا
 بیست و سه سال او خون دل خورد و ولیکن شاد بود - ای باقری چون مگه اش با زحمتش آباد بود
 سروده شده در مکه مکرمه ۹۱/۴/۱۰

مدایح حضرت محمد صلی الله علیه وآله

بلغ العلی بکماله، کشف الدجی بجمالہ - حُسْنَتِ جمیع خصاله، صَلَّوْ علیه و آله

به جهان اگر که کمال هست اثرِ کمالِ محمد است
به جهان اگر که جمال هست اثرِ جمالِ محمد است
بود او همان خُلُقِ عظیم که سرآمد همه انبیاست
حسن است اگر خُلُقِ و خصال همه از خصالِ محمد است

مهر سپهر سروری اندر جهان احمد بود
جلوه ی نور داوری اندر جهان احمد بود
او اولین اندر جهان قبل از جهانِ خلقت است
هم آخرین پیغمبری اندر جهان احمد بود

عاشقان بُستانِ جان بخش دعا آمد پدید - هم دو نور عالم آرای خدا آمد پدید
باده نوشان میِ قالوا بلی امشب خوشند - چون که امشب صادق و هم مصطفی آمد پدید

محمد نورِ عالمتابِ هستی است - محمد پیشوایِ حق پرستی است
وجودش روشنی بخشِ زمان است - ز او روشن همه بالا و پستی است

محمد بهترین نامِ جهان است - از او روشن زمین و آسمان است
نژائیده مادری همچون محمد - که نورش همچنان رنگین کمان است

چون باز میشود بنامِ محمد زبانِ گل - گل می کند نگاهِ من اندر میانِ گل
چون بوکنم گلی صلواتی کنم نثار - چون هم گل است محمد و هم باغبانِ گل

میلاد ختم المرسلین بادا مبارک - بر شیعیان و مسلمین بادا مبارک
امشب بود میلادِ پر نورِ محمد - ای مردمِ ایران زمین بادا مبارک

خود دل است این، دلبر است این، رهنما و رهبر است این
این رسول حق محمد، حضرت پیغمبر است این

او زسوی حق شدہ مبعوث ازبہر نبوت
میکند تبلیغ قرآن ، دین حق را یاوراست این

گر کہ طلبی بہر خودت راہِ نجاتی - در این شبِ میلاد تو خواہی ثمراتی
باید کہ بہ کوریِ دوچشمانِ ابوچہلِ زمانہ - بر احمد و برآل فرستی صلواتی

بہرِ ہمگان سایہ یِ رحمت رسول اللہ - از لطفُ کرم بابِ کرامت رسول اللہ
در روزِ قیامت ہمہ دنبالِ شفیعیم - آن روز بود شافعِ امت رسول اللہ

زبہرِ دین حق شوکت تو یا احمد رسول اللہ - در این رہ کردہ ای ہمت تو یا احمد رسول اللہ
تو با اصلاح انسانہا رہانیدی ز شرک و شک - شدی چون بانی وحدت تو یا احمد رسول اللہ

مبارک مقدمِ آن سروری کہ بر نبیین گشتہ است خاتم
چراغونی شد از فیضِ قدومِ حضرتِ او جملہ یِ عالم
بشادی جنت و عرشِ مُعظّم گشتہ است امشب
مبارکباد میگویند امشب را تمامِ مسلمین با ہم

رحمتِ عالمیان، نورِ ہدایت با اوست - پدرِ امت و ہم اذنِ شفاعت با اوست
چشمِ امید ہمہ خلق بہ لطف و کرمش - چون کہ فردای پسین رفتنِ جنت با اوست

یانبی اللہ محمد یار رسول اللہ محمد

سرودہ شدہ درمیلاد سال ۱۳۸۹

یانبی اللہ محمد یار رسول اللہ محمد - مقدمت بادا مبارک یابن عبداللہ محمد
مگہ گشتہ نوربابان از قدومت یا محمد - گشتہ روشن چشم یاران از قدومت یا محمد
شدربیع وشہرِ مکہ از قدومت شد بہاری - ابرِ رحمت شد ہویدا آبِ رحمت گشتہ جاری
مگہ شد تاعرشِ اعلا از قدومت نورباران - کوہہای مگہ گشتہ از قدومت چون بہاران
شدشیاطین راندہ امشب از تمامِ آسمانہا - شدسلاطین ماندہ امشب از ہمہ نطق و بیانہا
روزِ جشن و روزِ شادی بلبلِ شیدا غزل خوان - گشتہ معنا اندراین شب فضل و رحمت جودواحسن
تخت و تاجِ پادشاہان درتزلزل شد دراین شب - لات و عزی و ہبل شد سرنگون از ترس و وحشت

رانده شد از شهر مگه شیطنتها و شباطین - هاج و واج و لال گشته سلطنتها و سلاطین
آتش آتشکده ها اندراین شب گشته خاموش - ساحرو جادوگران را سحر و جادو شد فراموش
در شب میلاد احمد طاق کسری شد شکسته - دست و پای پادشاهان خود بخود گردیده بسته
چون محمد آمده دنیا و بر لب ذکر یارب - طاق کسری را شکافی بس عجیب آمد در این شب
در تعجب در تحیر گشته آن شب کل دنیا - که چه رخ داده بعالم یا قیامت گشته برپا
این خبر شد منتشر فردای آن در کل عالم - کامده در شهر مگه طفل و نوزادی معظم
این همه از یمن آن مولود باشد نی قیامت - باشد اختاری بعالم آمده روز سعادت
روز ظلم و کفر و شرک و بت پرستی نک سرآمد - چون زمگه بهر عالم پیشوا و رهبر آمد
آمد آنکو رحمة للعالمین باشد بدنیا *** آن که سازد بستر عدل و عدالت را مهیا
آمد آنکو و ارهاند عالمی از ظلم و عدوان - آمد آنکو و ارهاند آدمی از شر شیطان
آمد آنکو مینماید بر بشارت سعادت - آمد آنکو میکند از علم و عالم او حمایت
وارهاند این بشر از منجلا کفر و طغیان - از فساد و از فجور و خلف عهد و نقض پیمان
آمد آنکو شد امین راستین کردگارش - آمد آنکو شد رسول و بنده پروردگارش
آمد آنکو خاتم پیغمبران باشد بدنیا - آمد آنکو باقری باشد شفیع امت ما
یانبی الله محمد یار رسول الله محمد - مقدمت بادا مبارک یابن عبدالله محمد
بعد چندین سال آمد جعفر صادق بدنیا - روز میلاد محمد جشن دیگر شد مهیا
شد مدینه نور باران اندراین روز از قدومش - آمد آنکو بهره ور شد علم و دانش از علومش
آمد آنکو اوستاد علم و دانش شد بدنیا - آمد آنکو بستری از علم را کرده مهیا
آمد آنکو بانی انواع علم عالمین شد - آمد آنکو در جهان علم چون دُرّ ثمین شد
آمد آنکو راه جدش مصطفی را میکند طی - آمد آنکو پر نماید علم او از روم تا ری
آمد آن بنیان گذار مکتب علم و پژوهش - آمد آنکو کرد در احیای دین و علم کوشش
آمد آنکو اوستاد کل ابناء بشر شد - آمد آنکو رهنمای آدمی در خیر و شر شد
آمد آنکو شد سرآمد بر تمام اوستادان - آمد آنکو علم و دانش شد ز علمش شاد و خندان
آمد آنکو پایه انواع علم از او بنا شد - آمد آنکو بر جهان علم و دانش رهنما شد
آمد آنکو جعفری مذهب از او آمد پدیدار - آمد آنکو مکتب اسلام از او گشته نمودار
آمد آنکو مذهب شیعه از او بگرفته رونق - آمد آنکو گشت شاخص بهر ما در باطل و حق
باقری ما احمدی مکتب شدیم و هم مسلمان - باقری ما جعفری مذهب شدیم از لطف یزدان
شکر حق که شیعه ایم از لطف ایزد مذهب ما - جعفری باشد همی اسلام باشد مکتب ما
صادق آل محمد جانشین از بهر احمد - روز میلاد محمد آمده دنیا خوش آمد

نور جمال احمد ص از مکه شد پدیدار

امشب که شام عید است بر مومنین سعید است - امشب سرور و شادی از مسلمین پدید است
 از مکه سر زد آن مه کوما یه امید است - نور جمال احمد ص از مکه شد پدیدار
 ختم نبوت آمد . ماه هدایت آمد - آن رهبر جهانی . شمس سعادت آمد
 آن پیشوای اسلام نجم رشا دت آمد - شد خاتم النبیین از آمنه پدیدار
 بهر هدایت خلق در راه فطرة الله - آن داعی الی الله آمد ز سوی الله
 از بهر رنگ مردم با رنگ صبغة الله - گشت آن رسول حق از بنت وهب پدیدار
 از بهر بت شکستن آن بت شکن بیامد - از بهر دستگیری اینک رسن بیامد
 از کوی لی مع الله وجه حسن بیامد - وجه الله حقیقی از پرده شد پدیدار
 عشق خدای اینک ما را بر این سر افتاد - گوئید به بت پرستان بتهها به رو در افتاد
 یعنی که بت پرستی خواهد دگر ور افتاد - چون ابن عبد الله امشب بشد پدیدار
 آذر گشسب دیگر شد آتش تو خاموش - نوشیروان عادل نام تو شد فراموش
 ابلیس از سموات نتوان سخن کنی گوش - چون شد ز پرده اینک صاحب سخن پدیدار
 نورش گرفت عالم خاموش گشت آذر - هر جا که بود سلطان ماند از سخن سراسر
 یعنی که گشت ظاهر اینک ولی داور - از مکه گشت طالع نور ولی دادار
 ای باقری چو طالع شد نور کردگاری - دیگر بگشت زایل شام سیاه تاری
 جاء الحق و حق آمد ای مردم فراری - باطل برفت و حق شد اندر جهان پدیدار
 افسوس چون پیمبر رفت از جهان به عقبی - شد ارتداد ظاهر بر بندگان دنیا
 از دین حق گذشتند الا سه شخص دانا - سلمان و هم ابوذر مقداد راست کردار
 سلمان بمرد و بوذر تبعید در ره حق - هر کس سخن ز حق گفت بر او بگشت ملحق
 از بهر مرد عاقل هست این سخن موثق - زندان و قتل و تبعید مردان حق خریدار

محمد رسول خدای قدیر

محمد رسول خدای قدیر - حبیب خدا و بشیر و نذیر
 ز سوی خدا او شده مفتخر - به لولاك تاج رسالت بسر
 بغار حرا اندر آن کوه نور - بشد جبرئیلش ورا در حضور
 پیام الهی بدو وانمود - که اقرء بنام خدای و دود
 به تخت رسالت بر آمد بیا - نمود از رسالت چو برتن قبا

ز نور رسالت درخشان جبین - درخشان نموده سما و زمین
 به یکدست قرآن بدستی دگر - گرفته زمام جمیع بشر
 ز غار حرا او چو آمد برون - بعالم بشد يك تنه رهنمون
 بگفت از ثریا همی تأثری - سلام عليك ای نبی الوری
 نبی ای که ماندی یتیم از پدر - پدر گشته اینک بکل بشر
 «یتیمی که ناخوانده ابجد درست» - «کتبخانه هفت ملت بشست»
 یتیمی که نادیده استاد راه - به استادیش چشم دوزد پگاه
 یتیمی که نادیده مکتب به هیچ - نموده جهان سوی دانش بسیج
 یتیمی که ننوشته خط هیچگاه - معلّم شده بهر خورشید و ماه
 یتیمی که خواندن نداند یقین - شده امر اقرء ز روح الامین
 بگوید که خواندن ندانم که چیست - مرا تا به این لحظه خواندن نزیست
 بخوان باسم ربّك تو را آفرید - زمین و سما جمله زو شد پدید
 که انسان همو آفرید از علق - سپیده دم و حبه را فانلق
 بخوان باسم ربّك که اکرم بود - که خلاق انسان و عالم بود
 بود باقری خالقی با کرم - که تعلیم داده ترا با قلم

برفت از این جهان پیغمبر ما

یتیمی درد بی درمان یتیمی - یتیمی خواری دوران یتیمی
 برفت از این جهان پیغمبر ما - برفت از این جهان تاج سر ما
 بشد خاک مصیبت بر سر ما - چنین است ای مسلمانان یتیمی
 علی با چشم گریان در کنارش - کنارش قلب سوزان دخت زارش
 بگرید بهر باب تاجدارش - بر او شد آشکار اینسان یتیمی
 حسن نالان بجّد خود پیمبر - ز غم بنهاد زینب دست بر سر
 حسین گوید ایا جّد مطهر - بشد ظاهر بما طفلان یتیمی
 نظر کن یا رسول الله تو بر ما - که غیر از تو نداریم دادگر ما
 شود این ظلمها امروز بر ما - شده ظاهر بما اینسان یتیمی
 رجال حق به زند آنها سرازیر - سخن از حکم حق مانند اکسیر
 بود باطل دواما رو بتکثیر - مؤثر بر مسلمانان یتیمی
 سخن از حکم حق باشد جریمه - شده احکام حق همچون یتیمه

بسوزد مرد حق مانند هیمة - نگر بر تابع قرآن یتیمی
 بکن ای باقری کوتاه مطلب - که باشد روز روشن همچنان شب
 که هر کس حکم حق را رانده بر لب - شود تبعید یا زندان یتیمی
 سروده در سال ۵۶ رژیم طاغوت

پیغمبر اکرم ز عالم دیده بسته

غبار غم بر چهره عالم نشسته - پیغمبر اکرم ز عالم دیده بسته
 علی خورد خون جگر - زهرا کند پدر پدر - الله اکبر الله اکبر
 رفت از جهان فانی آن ختم النبیین - بنگر سرش برد امن خیر الوصیین
 گشته علی زار و حزین - زهرا یتیم و دلغمین - الله اکبر الله اکبر
 شهر مدینه در فراقش غرق ماتم - اوضاع عالم در عزایش گشته درهم
 گریان حسین و هم حسن - پیر و جوان و مرد و زن - الله اکبر الله اکبر
 زهرا خورد بعد پدر سیلی ز عدوان - آتش بگیرد خانه اش از ظلم و طغیان
 بر دختر پاک نبی - کند اثر بی پدری - الله اکبر الله اکبر
 حق علی و فاطمه مغضوب گردد - دخت نبی گریان چنان یعقوب گردد
 علی شود خانه نشین - زهرا حزین و دلغمین - الله اکبر الله اکبر
 گردد حسن بعد نبی مظلوم دوران - قلبش شود پر خون ز ظلم آل سفیان
 در طشت ریزد از جفا - جگر سبط مصطفی - الله اکبر الله اکبر
 بس نامه ها از کوفیان آمد به بطحا - که شد حسین سوی عراق آنکه مهیا
 گردد ز جور اشقیا - شهید دشت کربلا - الله اکبر الله اکبر
 بعد نبی بر مسلمین جور و جفا شد - ای باقری از مشرکین بس ظلمها شد
 اسیر آن مستکبرین - گشته کنون مستضعفین - الله اکبر الله اکبر

دخت نبی امشب سه جا باشد عزادار

دخت نبی امشب سه جا باشد عزادار - میگرد و مینالد آن محزونه ی زار
 گاهی همیگوید پدر - گاهی رضا گاهی پسر - الله اکبر الله اکبر
 اندر مدینه بر سر قبر محمد (ص) - یا بر سر قبر حسن آن سبط احمد
 با چشم گریان می رود - محزون و نالان می رود - الله اکبر الله اکبر

اندر خراسان بر سر قبر رضایش - گریان و نالان گشته است اندر عزایش
 بر مشهد هشتم امام - باشد عزادار او مدام - الله اکبر الله اکبر
 در کربلا بهر شهیدان و حسینش - برپا نماید او عزا و شور و شینش
 نالد ز بهر اکبرش - عباس و عون و جعفرش - الله اکبر الله اکبر
 در جبهه ها محزون بود بهر شهیدان - از بهر مفقود الاثر ها و اسیران
 بنماید او از مهتری - رزمندگان را رهبری - الله اکبر الله اکبر
 یا فاطمه دریای خون این سرزمین است - از ظلم بعثی لاله گون ایران زمین است
 شد لاله گون دشت و دمن - بهر شهیدان وطن - الله اکبر الله اکبر
 یا فاطمه گشته است ایران غرقه در خون - مستکبرین این خاک را کردند گلگون
 شد باقری و مسلمین - آزرده از مستکبرین - الله اکبر الله اکبر
 سروده شده در زمان جنگ تحمیلی

ای مسلمین رفت از جهان پیغمبر ما

یا مصطفی کن یک نظر بر ملت ما - از غم رها کن بر طرف کن ذلت ما
 استاد دانشگاه دین و علم و دانش - کن یک نظر بر ما بده ایمان و بینش
 فرمانروای این جهان آفرینش - با عزت کن بر طرف این ذلت ما
 یا مصطفی کن یک نظر بر ملت ما
 ای مسلمین رفت از جهان پیغمبر ما - آن مهربانتر از پدر تاج سر ما
 آن پیشوای امت و آن رهبر ما - جاری شد اشک غم ز چشم ملت ما
 یا مصطفی کن یک نظر بر ملت ما
 ای مسلمین رفت از جهان آن شاه لولاک - آنکو بدی فرمانروا بر جمله افلاک
 سوی جنان بگشود پر زین عالم خاک - رفت از جهان آن رهگشای عزت ما
 یا مصطفی کن یک نظر بر ملت ما
 سبط پیمبر مجتبی با قلب پر خون - گشته روان سوی جنان با حال محزون
 بهرش بریز اشک از بصر چون رود جیحون - زائر شدن بر قبر پاکش لذت ما
 یا مصطفی کن یک نظر بر ملت ما
 اندر جنان زهرای اطهر مو پریشان - گه نالد و گوید پدر گاهی رضا جان
 گاهی بگوید یا حسین ای روح ریحان - بر حال زهرا نوحه گر شد ملت ما
 یا مصطفی کن یک نظر بر ملت ما

از این مصیبت کن برادر آه و زاری - ای باقری بر فاطمه کن سوگواری
از دین و قرآن و وطن کن پاسداری - هم از خمینی رهبر این ملت ما
یا مصطفی کن یک نظر بر ملت ما

مدایح امام علی علیہ السلام

ایوانِ نجف چہ با صفا میباشد - گوئی کہ حریمِ کبریا میباشد
رکنی ز حریمِ کعبہ این ایوان است - زیرا کہ علی دستِ خدا میباشد
سرودہ شدہ درسفرعتبات سال ۸۹

ایوانِ نجف چہ با صفا میبینم - تابندہ در آن نور خدا میبینم
استادہ بدرگاہ علی آدم و نوح *** موسای کلیم با عصا میبینم
سرودہ شدہ درسفرعتبات سال ۸۹

اینجاست حریمِ علی عمرانی - آنکو کہ بود بنای دین را بانی
اینجاست یگانہ بندہ مخلصِ حق - نی بودہ و نی هست مرا اورا ثانی
سرودہ شدہ درسفرعتبات سال ۸۹

یارب بعلی لطف و عطایر ماکن - باب کرم و رحمت خود را واکن
یک خط امانی تو بما کن اعطا - ہم نامہ بخشش مرا امضاکن
باقری پور - رمضان سال ۱۳۸۹

یارب بعلی روح دعا بخش مرا - وز بہر دعا حال و صفا بخش مرا
وز بہر عبادت و دعا تو توفیق بدہ - ای توبہ پذیر خود خطا بخش مرا
باقری پور - رمضان سال ۱۳۸۹

مژدہ کہ میلاد علی آمدہ

یاعلی و یاعلی و یاعلی - یاعلی و یاعلی و یاعلی
نورخدای ازلی یا علی - بہر خدا توئی ولی یاعلی
یاعلی و یا علی و یاعلی - یاعلی و یا علی و یاعلی

مژدہ کہ میلاد علی آمدہ - ز کعبہ نور منجلی آمدہ

نورخدایِ ازلی آمده - بهر خدا کنون ولی آمده
 نورخدایِ ازلی یا علی - یاعلی و یاعلی و یاعلی
 یاعلی و یاعلی و یاعلی
 سیزده ماه رجب آمده - موسمِ شادی و طرب آمده
 درون کعبه نور رب آمده - طلوع خورد در دل شب آمده
 توماه و خورد در دل شب یا علی - یاعلی و یاعلی و یاعلی
 یاعلی و یاعلی و یاعلی
 زادگاه شیر خدا کعبه شد - بیتِ نخستِ مرتضی کعبه شد
 مطافِ ما قبله ی ما کعبه شد - قبله ی کلّ ماسوا کعبه شد
 توقبله و قبله نما یا علی - یاعلی و یاعلی و یاعلی
 یاعلی و یاعلی و یاعلی
 ز نور او کعبه منور شده - منور این جهان سراسر شده
 دشمن او ذلیل و ابتر شده - محبتش چه تاج بر سر شده
 توافسری بر سر ما یا علی - یاعلی و یاعلی و یاعلی
 یاعلی و یاعلی و یاعلی
 زمقدمش کعبه چراغانی است - ز نور او مکه چه نورانی است
 از همه رنگ است، چه الوانی است - ماه رجب بهار و بارانی است
 باقریا بگو چنان یا علی - یاعلی و یاعلی و یاعلی
 یاعلی و یاعلی و یاعلی
 سروده باقری پور میلاد امام علی سال ۱۳۹۳

کعبه زایشگاه مام حیدر است

کعبه زایشگاه مام حیدر است - حیدر امشب میهمانِ داور است
 خانه زادِ کردگار آمد علی - خود علی نورِ خدایِ اکبر است
 جز علی کس خانه زادِ کعبه نیست - بهر او این افتخاری دیگر است
 شمع جمع انبیا و اولیاء - نوریزدان و ولیّ داور است
 متّقین را مقتدا باشد علی - آن که بعد از مصطفی او رهبر است
 گفت پیغمبر منم خود شهر علم - هم علی بر این مدینه چون در است
 هر کجا که صحبت از ایمان بود - تن بود ایمان، علی همچون سراسر است

دوست دارم تشنه باشم روزحشر - چون علی ساقی حوض کوثر است
 کیست حیدر؟ آن که درشانش بود - هل اتی، تطهیر و قدرو کوثر است
 مدح اوشد لافتی الا علی - چون علی فتاح باب خیر است
 تا علی برپام کعبه پا نهد - پای او برشانه ی پیغمبر است
 کعبه را از لوث بت ها پاک کرد - بهر کعبه اویگانه یاور است
 لات و عزی و هبل در کعبه نیست - کعبه را تا یآوری چون حیدر است
 لات و عزی و هبل را این زمان - یاوران و چاکرانی دیگر است
 یاوران لات و عزی و هبل - این زمان آل یهود کافر است
 لات و عزی و هبل جولان دهد - چون که غایب ذوالفقار حیدر است
 حیدر ما این زمان چون غایب است - کعبه جولانگاه فردی ابراست
 باقری خیرگشای این زمان - مهدی است و دین حق را یاور است
 در ظهورش ای خدا تعجیل کن - چون که عصر اوزمانی دیگر است
 سروده شده توسط باقری پور بهار ۱۳۹۵ روز میلاد مولود کعبه

سیزده ماه رجب امروز است

سیزده ماه رجب امروز است - شیعیان مژده گه نوروز است
 روز میلاد امیر دلهاست - شادمانی به همه محفلهاست
 روز میلاد امیر عرب است - شیعه امروزیه عیش و طرب است
 روز میلاد ولی هست امروز - شاد و خوشحال نبی هست امروز
 کعبه خوشحال ز میلاد علی است - شادی امروز به اولاد علی است
 شیعه خوشحال از این مولود است - چون که میلاد سخا و جود است
 شیعیان علوی شاد شوید - از قیود مَحَن آزاد شوید
 بهر میلاد علی کف بزنید - ظلّ مولا همگی صف بزنید
 بفرستید سلام و صلوات - بخورید نقل و نبات و شکلات
 همه در مجلس میلاد علی - شادمان گشته ز امداد علی
 یادی از حیدر و زهراش کنیم - خویش را خوشدل و بشاش کنیم
 طلب از حق نجف و کربلا - بنمائید الا اهل ولا
 طلب مکه، مدینه، زعلی - باقری، گُن، اگر از اهل دلی
 باقری شیعه ی مولا خوشحال - روز میلاد علی شد امسال

علی حبه جُنه «۱»

علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی حبه جُنه - قسیم النَّار و الجُنه
 وصی المصطفی حَقًّا - امام الانس و الجَنَّة
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی مولای شهر دل - علی حَلَّال هر مشکل
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی آئین و دین من - علی حبل المتین من
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی باشد ولی نعمت - قسیمِ دوزخ و جَنَّت
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی حَلَّال مشکلها - امیری هست بر دلها
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی آن ساقی کوثر - بود از بهر دین یاور
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی سالار مردان است - امام اهل ایمان است
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی مردِ وفا باشد - وصی مصطفی باشد
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی حبل المتین باشد - به احمد جانشین باشد
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 علی دا مادِ پیغمبر - علی برفاطمه همسر
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 امیر المؤمنین مولا - امام المتَّقین مولا
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 شه د نیا و دین مولا - تویی حبل المتین مولا
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم
 شها دستم بدامانت - من و آن لطف و احسانت
 علی جا نم علی جا نم - علی جا نم علی جا نم

به وقت دادن جانم - تو بنما لطف و احسانم
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 میان قبر و تنهایی - تو یکدم بر سرم آیی
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 قیامت محشر کبرا - بفریادم برس مولا
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 تویی مولا بهشت من - ولای تو سرشت من
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 بگوید باقری مولا - تویر ما یک نظر بنما
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم

علی حبه جنّه «۲»

علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 علی حبه جنّه - قسیم الثار والجنّه
 وصی المصطفی حقا - امام الانس والجنّه
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 الا ای زائر محزون - که باشی در نجف مجنون
 تو مجنون علی باشی - محب آن ولی باشی
 بیفکن در نجف لنگر - به ایوان نجف بنگر
 چسان دارد صفا اینجا - بودنور خدا اینجا
 ببین پیشانی ایوان - منقش نقشی از ایمان
 نوشته روی پیشانی - بشاء احمد ثانی
 علی حبه جنّه - قسیم الثار والجنّه
 وصی المصطفی حقا - امام الانس والجنّه
 علی باشد بهشت ما - ولایت در سرشت ما
 علی باشد حکیم ما - صراط مستقیم ما
 علی باشد امید ما - ولایت او نوید ما

علی باشد امام ما - رسد بر او سلام ما
 علی شد مقتدای ما - امام و پیشوای ما
 علی شد شمع راه ما - بدست او نگاه ما
 بود ای باقری حیدر - شفیع اند صف محشر
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 سروده شده در نجف اشرف

لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

از توشد آئینه دل منجلی ویا علی - یا علی و یا علی و یا علی
 یا علی شیر خداهستی تواند ریشه زار - مانده از جنگ احد بهر تو اینسان یادگار
 لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار - چون تو بودی يك تنه با دشمنان درکار زار
 زان سبب نام تو گشته نقل محفلها علی - یا علی و یا علی و یا علی
 کودکان شیر خوار ما بگوید یا علی - نوجوان روزگار ما بگوید یا علی
 عابد شب زنده دار ما بگوید یا علی - جنگجوی کارزار ما بگوید یا علی
 نام تو با شیر مادر شد غذای ما علی - یا علی و یا علی و یا علی
 هرکه عاجز ماند از کاری بگوید یا علی - گرماند بر زمین باری بگوید یا علی
 عاجز و درمانده با زاری بگوید یا علی - هرکه دارد درد و بیماری بگوید یا علی
 نام توشد قوت قلبی برای ما علی - یا علی و یا علی و یا علی
 آرزوی ما بود آئیم در شهر نجف - بوسه بر قبر تو افزاید به ما عز و شرف
 تو چنان در و گهر ما ها سفالین و خزف - يك نگاه تو کند ما را چنان در و صدف
 باقری با يك نگاهت میشود بینا علی - یا علی و یا علی و یا علی

کیست امیر مؤمنان علی علی علی

کیست امیر مؤمنان علی علی علی علی - کیست امام شیعیان علی علی علی علی
 کیست امیر مؤمنان غیر علی مرتضی - کیست امام شیعیان غیر علی مرتضی
 کیست امام مهربان غیر علی مرتضی - کیست امام انس و جان غیر علی مرتضی
 کیست شفیع مذنبین غیر علی مرتضی - کیست امام متقین غیر علی مرتضی

کیست وصی مصطفی غیر علی مرتضی - کیست غرض زهل اتی غیر علی مرتضی
 کیست یلِ بدرواُحد غیر علی مرتضی - قاتل عمرو عبود غیر علی مرتضی
 کیست امیرحیه در غیر علی مرتضی - کیست دلیر و نامور غیر علی مرتضی
 کیست مدیح هل اتی غیر علی مرتضی - کیست امیرِ لافتی غیر علی مرتضی
 کیست امام بت شکن غیر علی مرتضی - کیست عدوی اهرمن غیر علی مرتضی
 کیست دلیل ورهنما غیر علی مرتضی - کیست امام و مقتدا غیر علی مرتضی
 کی اسدالله بود امیر مؤمنان علی - کی حجة الله بود امیر مؤمنان علی
 چه کس یدالله بود امیر مؤمنان علی - چه کس مع الله بود امیر مؤمنان علی
 بهشت را چو در زنی دهد صدای یاعلی - به هر کجاش سر زنی دهد صدای یاعلی
 نغمه مرغان بهشت بود صدای یاعلی - به مسجود و دیروکنش بود صدای یاعلی
 مظهر قدرت خدا کیست علی مرتضی - جلال و شوکت خدا کیست علی مرتضی
 نمادهیبت خدا کیست علی مرتضی - شکوه عزت خدا کیست علی مرتضی
 علی اگر سجده کند فقط برای حق بود - علی اگر گریه کند فقط برای حق بود
 علی اگر تیغ زند فقط برای حق بود - علی اگر جنگ کند فقط برای حق بود
 زندگی و بود علی فقط برای حق بود - سخاوت و جود علی فقط برای حق بود
 رکوع و سجده علی فقط برای حق بود - قیام و قعود علی فقط برای حق بود
 بنده مخلص خداست امام علی مرتضی - شان نزول هل اتی است امام علی مرتضی
 اویکه تاز جبهه هاست امام علی مرتضی - مرد خطاب لافتی است امام علی مرتضی
 علی بود که عمرورا دونیمه و دوتا کند - علی بود که جان خود به نسی فدا کند
 علی به خندق و احد قاتل مشرکین شده - علی امیرورهنما برای مؤمنین شده
 علی بود که کعبه را زلوث بت رها کند - علی بود که کردگار کعبه را ثنا کند
 علی پیام لافتی ز لطف حق شنیده است - پیام حصر انما به وی ز حق رسیده است
 سوره پاک هل اتی برای ایثار علی است - دوستی راه خدا همیشه رفتار علی است
 آیه ی انما بود بشانِ شاهِ لافتی - سوره ی هل اتی بود بشانِ میرِ هل اتی
 علی بود صراطِ حق، صراطِ مستقیم او - علی بود بابِ نبی و دانشِ عظیم او
 مرد رزم و مرد جنگ است آن شه دل دل سوار - در دفاع از دین ز رنگ است آن شه دل دل سوار
 در احدا ز جبرئیل آمد به وصفش آشکار - لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار
 باقری مولا علی آن مردمیدان عمل - دور باشد از غرور و کینه و کید و دغل
 شد ولای اوقبولی ی صلوة و صوم و حج - باقری ذکر علی حی علی خیر العمل

مژده ای دوستان امیر آمد

مژده ای دوستان امیر آمد - شاد باشید شاد چون غدیر آمد
 در بیابان جحفه بین مولا - بر نبی از خدا وزیر آمد
 روز هیجده ز ماه ذی الحجه - بر محمد یکی بشیر آمد
 جبرئیل آمد از آسمان بزمین - آیه ای پاک و دل پذیر آمد
 آی یا ایها الرسول آمد - امر و فرمان بس کبیر آمد
 یا محمد بگوی بر امت - چون به احکام حق خبیر آمد
 دوستان گشته شاد از این دستور - دشمنان بین چه سر بزیر آمد
 سئل سائل ز قرآن خوان - بهر دشمن چنین نذیر آمد
 بَخ بَخ گرفته صحرا را - شاد باشی در آن کویر آمد
 گفت عُمر این چنین در آن صحرا - بهر قرآن و دین نصیر آمد
 گشت اکمال دین امامت او - وه چه فرمان بی نظیر آمد
 باقری شیعیان همه شادند - شادمانند چون غدیر آمد

تهدمت تهدمت و الله ارکان الهدی

تهدمت تهدمت و الله ارکان الهدی - فرق امیرالمؤمنین از ظلم و کین گشته دو تا
 درماه مهمانی حق، مو لا امیرمؤمنان - فرقی دوتا گشته شهید، شد بر خدایش میهمان
 اندر شب بیست و یکم، رفت اوبه نزد میزبان - در شام قدر بیست و یک، رفته علی پیش خدا
 تهدمت تهدمت و الله ارکان الهدی
 درمسجد کوفه برو، بنگر که اشقی الا شقی - یک ضربتی از کین زده، بفرقی اتقی الا تقیا
 زان عروة الوثقی دین، شد پاره و از هم جدا - چون ضربت آمد بر سرش، از جبرئیل آمد ندا
 تهدمت تهدمت و الله ارکان الهدی
 از ضربت بن ملجم، پست لعین، خوار و زبون - فرق علی منشق شد، ریش علی شد غرق خون
 عالم شده در زلزله، تخت هدایت واژگون - هفت آسمان در غلغله، شد ناله ها اندر سما
 تهدمت تهدمت و الله ارکان الهدی
 فزت ورب الکعبه را، بشنو ز لبهای علی - بارستگاری طی شده، عمرو سراپای علی
 شد در بهشت جاودان، آماده ماوای علی - آماده بهر آن جناب، گشته است جنات العلی
 تهدمت تهدمت و الله ارکان الهدی

آمدندای قدقُتل، بین زمین و آسمان - یا اهل عالم کشته شد، مولا امیرمؤمنان
 با ضربت شمشیرکین، بشکسته شد جام جهان - از ضربت شمشیرکین، فرق علی گشته دوتا
 تهذمت تهذمت و الله ارکان الهدی
 بنگر حسین و باحسن، گشته عزادار علی - در گریه و در حزن و غم، باشند انصار علی
 دشمن شده در حیرت از، اخلاق و رفتار علی - شهد شهادت خورده و، رفته از این دار فنا
 تهذمت تهذمت و الله ارکان الهدی
 از مکه امشب تانجف، یک خط مشکی را بین - اما نه با این با چشم سر، بادیدگان تیزبین
 این پرچم مشکی بود، بهر علی ی نازنین - از بهر اولاد بشر، این خط بود خط عزا
 تهذمت تهذمت و الله ارکان الهدی
 راه علی مرتضی، باشد صراط مستقیم - راهی که شیعه می رود، در آن بدون ترس و بیم
 راهی که باشد منتهی، آخر به جنات نعیم - ای باقری راه علی، عیناً بود راه خدا
 تهذمت تهذمت و الله ارکان الهدی

شدشام شهادت علی مظلوم - ایام و مساکین زحمایت محروم
 شد شیعه او زغم گرفتار عزا - درشام عزای آن امام معصوم

نوزده ماه صیام فرق علی شکسته

مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 نوزده ماه صیام فرق علی شکسته فرق علی شکسته
 جن و ملک از این غم اندر عزا نشسته اندر عزا نشسته
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 ارکان دین و ایمان از این جفا گسسته از این جفا گسسته
 سفینه هدایت کنون به گل نشسته کنون به گل نشسته
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 محراب کوفه خونین از خون فرق مولا از خون فرق مولا
 دامن کعبه رنگین از خون فرق مولا از خون فرق مولا
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 بیست و یکم از صیام گشته عزای علی گشته عزای علی
 جن و ملک عزادار جمله برای علی جمله برای علی

مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 چراغ عمر علی زبادکینه خاموش زبادکینه خاموش
 بهر عزای علی کعبه شده سیه پوش کعبه شده سیه پوش
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 رفته کنون زد دنیا پادشه لوکشف پادشه لوکشف
 باب یتیمان علی خفته بخاک نجف خفته بخاک نجف
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 زینب و امّ کلثوم بهر پدر عزادار بهر پدر عزادار
 هم حسنین و عباس به بحر غم گرفتار به بحر غم گرفتار
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 نهاده سربدیوار صعصعه و ابوذر صعصعه و ابوذر
 چومرغ شب بنالد بهر جناب حیدر بهر جناب حیدر
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 خاک بسر میکند کنون غلام علی کنون غلام علی
 چونکه کنیدیادی از حرف و پیام علی حرف و پیام علی
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 در آخرین پیامش یاد یتیمان کند یاد یتیمان کند
 بیوه زنان، مساکین، یاد فقیران کند یاد فقیران کند
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 رفته کنون زد دنیا باب یتیمان علی باب یتیمان علی
 باقریاشد شهید امیر ایمان علی امیر ایمان علی
 مولا علی علی جان مولا علی علی جان

فرق علی بدست يك ظالمی شکسته

مولا علی علی جان مولا علی علی جان
 فرق علی بدست يك ظالمی شکسته يك ظالمی شکسته
 جنّ و ملک از این غم اندر عزانشسته اندر عزانشسته
 محراب کوفه خونین از خون فرق مولا از خون فرق مولا
 دامن کعبه رنگین از خون فرق مولا از خون فرق مولا

نوزده ماه صیام گشته عزای علی گشته عزای علی
 جن و ملک عزادار جمله برای علی جمله برای علی
 روز عزای علی کعبه شده سیه پوش کعبه شده سیه پوش
 چراغ عمر علی زبادکینه خاموش زبادکینه خاموش
 ارکان دین و ایمان از این جفاگسته از این جفاگسته
 سفینه هدایت کنون به گل نشسته کنون به گل نشسته
 زینب و ام کلثوم بهر پدر عزادار بهر پدر عزادار
 هم حسنین علی به بحر غم گرفتار به بحر غم گرفتار
 نهاده سربه دیوار کنون غلام علی کنون غلام علی
 میشنود گوش جان کنون پیام علی کنون پیام علی
 در آخرین پیامش یاد یتیمان کند یاد یتیمان کند
 بیوه زنان، مساکین، یاد فقیران کند یاد فقیران کند
 رفته کنون زد دنیا باب یتیمان علی باب یتیمان علی
 باقریاشد شهید امیر ایمان علی امیر ایمان علی
 سید محمد باقری پور رمضان ۸۸

این تربت پا ک امیر مؤمنان است

اینجا نجف شهر امام متقین است - آرا مگاه اسوه حق الیقین است
 باشد علی آنکو در اینجا آرمیده است - مانند او را مادر گیتی ندیده است
 اینجا زیارتگاه عشق ای زائرین است - خادم در اینجا حضرت روح الامین است
 آنکو به محراب عبادت در دعا شد - در راه عدل و علم و دین فرقی دو تا شد
 آنکو ولایش مایه طاعت باشد - آنکو حریمش قبله حاجات باشد
 آنکو قسیم الجنة و النار باشد - همرازاو محراب و شام تار باشد
 آنکو یتیمان را گرفتاری اندر آغوش - نان مساکین را نمودی حمل بر دوش
 آنکو شکستی لات و عزّی و هبل را - در وصف خود مشغول کردی هر ملل را
 او فاتح خیبر امیر مؤمنان است - بانان جواند رکفش تیغ و سنان است
 در غزوه بدر و احد یا ریمبر - از پا فکندی دشمنی چون عمر و عنتر
 در غزوه خندق فداکاری نمودی - دین خدا با جان و دل یاری نمودی
 باشد علی آن بنده پاک خداوند - در خانه حق زاده او بر کعبه سوگند

شد فرق او منشق به محراب عبادت - نوشیده در ماه خداجام شهادت
 خاک نجف شد مدفن نور علی نور - زن بوسه بر آن مدفنش ای باقری پور
 شعر سروده شده برای کتاب همراه زائرین عتبات عالیات

ای زائرین اینجاست کوفه شهر غمها

ای زائرین اینجاست کوفه شهر غمها - شهر ستمها رنجها درد و المها
 شهر دعا و ذکر و هم شهر مناجات - راز و نیاز با خدا قاضی حاجات
 اینجاست شهر آدم و نوح و محمد - شهر علی با دردها غمهای بی حد
 اینجاست شهر مسلم و هانی و مختار - شهر حبیب بن مظاهر مرد دیندار
 این شهر میثم آنکه بودی دار بر دوش - بردار او و تکبیر گویان گشت خاموش
 یادآور ذکر علی در نیمه شبها - و آن گفتگو با چاه آن مظلوم و تنها
 یادآور آن خطبه ها بر روی منبر - می خواندی از سوز دل آن یار پیمبر
 یادآور آن گفتگوهای سلونی - از آسمان علم قبل آن تفقدونی
 آن گفتگوی نیمه شب با کمیلش - آن دیدن ماه و سحرگاه و سهیلش
 اندر بیابان راز دل می گفت با آه - چون کس نبود او درد دل می کرد با چاه
 دیوار مسجد روز و شب دیده علی را - بشنیده است صوت مناجات جلی را
 دیده قضا و تهایی مولا را در اینجا - از او حکایتها ی زیبا را در اینجا
 ماه مبارک بود او هر شب به محراب - تحریم کرده بر خود او آسایش و خواب
 آخر به محراب دعا فرقتش دو تا شد - از مسجد و محراب او دیگر جدا شد
 فزت و ربّ الکعبه بود اندر زبانش - ذکر الهی یا الهی بر لبانش
 ای باقری زن بوسه بر آن جای پایش - با گوش دل بشنو تو آواز صدایش
 شعر سروده شده برای کتاب همراه زائرین عتبات عالیات

مسجد سهله میام تا که تورا من ببینم

مسجد سهله میام تا که تورا من ببینم - بینم روی تورا ای دلبر نازنینم
 دلبر و دلدار منی مهدی یا مهدی - مرکز پرگار منی مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجل ادرکنی
 مسجد سهله بود منزل تو ای آقا جان - گرمه اینجا چقدر محفل تو ای آقا جان

نوکرِ منزلتم مهدی یا مهدی - عاشقِ محفلتم مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجلِ ادرکنی
 مسجدِ سهله همیشه جایگاهِ توبود - منزلِ همیشگی و بارگاهِ توبود
 من میشم نوکرِ تو مهدی یا مهدی - خادمیِ بردِ تو مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجلِ ادرکنی
 چه میشه ای آقا جان منم بشم یک نوکرِ ت - یک غلام و خادمیِ همیشگی دمِ درت
 من غلامم آقا جان مهدی یا مهدی - عبدِ رادم آقا جان مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجلِ ادرکنی
 کی میشه رویِ تورا من توی سهله ببینم - ببوسم پایِ تورا ای عزیزم نازنینم
 باقری ام خاکِ پاتِ مهدی یا مهدی - روحِ من بشه فداتِ مهدی یا مهدی
 شعر سروده شده برای کتاب همراه زائرین عتبات عالیات

مدایح امّ الائمه حضرت زهرا علیها سلام

زهرا که بود تحفه ای از حضرت دوست - این تحفه عطا شد به نبی وّه چه نکوست
این تحفه بود سیب بهشتی که خدا - کرده به نبی خود محمد (ص) اعطا

بر فاطمه التجا گرفتیم - حاجات خود از خدا گرفتیم
او هست شفیع هر دو عالم - از مرگش عطا گرفتیم

امشب که شب ولادت زهرا شد - مسرور از آن تمامی دلها شد
شادی به تمام کائنات است امشب - هم نقل و نبات جمله محفلها شد

چون آینه جمال حق فاطمه است - حبش ز برای شیعه بهترین خاتمه است
شد خادمی اش مایه ی فخر ملکوت - اوسیده است وفضه اش خادمه است

آن فاطمه ای که هست عبدی کامل - شد بندگی خدا ز عمرش حاصل
در روز ولادتش همه شاد شدیم - شد لطف خدا تمام مارا شامل

ای نور خدا عصمت کبرا زهرا - ای دخت نبی امّ ابیها زهرا
بر یازده امام ما تویی مادر و هم - از بهر علی همسر و همتا زهرا

ای کوثر خاتم النبیین زهرا - ای همسر سید الوصیین زهرا
محبوبه ذات ازلی باشی تو - ای مادر جمله آل یا سین زهرا

زهرا که وجودش سبب خلقت ماست - صد شکر که نور مهر او قسمت ماست
فرمود امام عسکری در وصفش - ما حجت خلق و فاطمه حجت ماست

زهرا که رهش رهی به جان و دل ماست - روشن زدومش امشب این محفل ماست
با حب و ولای فاطمه ما همه شاد - مخلوط شده به مهرش آب و گل ماست

یا فاطمه دست ما همه دامن تو - خواهیم مدینه ما زیارت مدفن تو

از بخشش و بذل و از جود، نشان - شد شام زفاف بذل پیراهن تو

امشب که در بهشت حق وا شده است - درد همه از لطف مداوا شده است
آمد به جهان ام اییهای نبی - آنکو به جهان شافع فردا شده است

دریا ست نبی و فاطمه گوهر اوست - مولا ست علی و فاطمه همسر اوست
مهدی که به یمن او جهان برسر پاست - مهدی همه است و فاطمه مادر اوست

چون فاطمه دختری دگر نباشد - چون فاطمه مادر پدر نباشد
در صفحه ی آسمان وحدت - چون او قمر دگر باشد

ای بر همه اوصیا تو مادر - یک نکته زوصف تو است کوثر
کن دیده ی ما همه محبان - روشن تو به مهدی پیمبر

بر خلق خدا نعمت بی حد آمد - امروز عطیه ی مؤید آمد
چون حشر علی سا قی کوثر باشد - این نعمت کوثر به محمد آمد

امروز به احمد گوهری اعطا شد - او فاطمه است و هم شفیع ما شد
این روز زن و ولادت فاطمه است - هم روز ولادت اما م ما شد

در حریم فاطمیّه پرنزدمرغ دلم - هست بهر فاطمیّه اشک و ناله حاصلم
ای خدا خواهیم که گردم زائرش اندر بقیع - اشک با شد بهر زهرا هدیه ی ناقابلیم

دیدار بقیع آرزویم باشد - این عقده مدام در گلویم باشد
هم دوستی کوثر احمد زهرا - هم حبّ علیست که در سبویم باشد

عمریست که من غلام این درگاهم - من پیر غلام مام ثار اللّهم
هم مادر من کنیز زهرا باشد - من هم ز ادب به مادرم همراهم

اگر زهرا کند بر ما نگاهی - شوم آزاد من از روسیاهی
ز لطف فاطمه در روز محشر - خدا بخشد به من کوهی به کاهی
سروده باقری پور فاطمیه ۱۳۹۰

گر نگاهی بماند زهرا - درد مارا دوا کند زهرا
کم مخواه از عطای بسیارش - آنچه خواهی عطا کند زهرا

مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك
مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

یا محمد یا خدیجه یا علی بادا مبارك
مسلمین و شیعیان را مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك
مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

غنچه گل باشد امشب (امروز، اگر روز خوانده شود)
لاله زهرا شد امشب (امروز)
بهر احمد بار دیگر
لیلة الاسرا شد امشب (امروز)
یرنبی یکبار دیگر - لیلة الاسرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك
مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

یا محمد یا خدیجه یا علی بادا مبارك
مسلمین و شیعیان را مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك
مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

امشب آمد ذکر زهرا (اینک آمد)
بر لب یاسین و طاهها
بچه ها آمد معلّم (اگر خانمها بخوانند بگویند : دخترا آمد معلّم)
جملگی گوئیم ، برپا
جملگی گوئیم امشب (اینک)
ذکر یا زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك
مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

یا محمد یا خدیجه یا علی بادا مبارك
مسلمین و شیعیان را مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك
مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

شاد و خندان شد خدیجه - ماه تابان شد خدیجه
غرقه در انوار رحمت - زامریزدان شد خدیجه
یا خدیجه بر تو بادا - نوگل زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك
مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

یا محمد یا خدیجه یا علی بادا مبارك
مسلمین و شیعیان را مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

چون خدیجه زاد دختر - گشت نازل آی کوثر

از بهشت آمد به خدمت - حضرت لعیا و هاجر

مقدم این دسته گل بر - حضرت لعیا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

یا محمد یا خدیجه یا علی بادا مبارك

مسلمین و شیعیان را مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

شد چراغان عرش اعلا

نور باران آسمانها

گشته امشب ماه و پروین (اینک)

وصل نیروگاه زهرا

باقری گوید که امشب (اینک)

بر اب الزهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

مقدم زهرا مبارك ، مقدم زهرا مبارك

یا محمد یا خدیجه یا علی بادا مبارك

مسلمین و شیعیان را مقدم زهرا مبارك

امّ اییها آمد بدنیا

ام اییها - آمد بدنیا - حضرت زهرا - آمد بدنیا
 قدم نهاده - به بیت طاها - قرص قمر یک - کودک زیبا
 به به از این جشن و از این شادی و خوشحالی ماها (۲)
 به انبیابگوئید مبارکه مبارک - به اولیا بگوئید مبارکه مبارک
 به شان او شد - سوره کوثر - همزه جبریل - نزد پیغمبر
 خدیجه دلشاد - از این ولادت - کامده دنیا - شافع محشر
 به به از این جشن و از این شادی و خوشحالی ماها (۲)
 به انبیابگوئید مبارکه مبارک - به اولیا بگوئید مبارکه مبارک
 بیت محمد - گشته چراغان - ز مقدم آن - حجت یزدان
 آدم و نوح و - موسی و عیسی - هاجر و حوا - خرم و خندان
 به به از این جشن و از این شادی و خوشحالی ماها (۲)
 به انبیابگوئید مبارکه مبارک - به اولیا بگوئید مبارکه مبارک
 ز جنت آمد - هاجر و حوا - ساره و مریم ، آسیه ، لعیاء
 بیاری آن - زوجه ی احمد - نهاده زهرا - قدم بدنیا
 به به از این جشن و از این شادی و خوشحالی ماها (۲)
 به انبیابگوئید مبارکه مبارک - به اولیا بگوئید مبارکه مبارک
 حضرت زهرا - بنت اییها - ولی پدر - گفت ام اییها
 گر چه به ظاهر - دختر باباست - ولی بواقع - مادر باباست
 به به از این جشن و از این شادی و خوشحالی ماها (۲)
 به انبیابگوئید مبارکه مبارک - به اولیا بگوئید مبارکه مبارک
 فاطمه وهم - عالمه باشد - صدّیقه و هم - طاهره باشد
 امّ ائمه - امّ اییها - زکیه، زهرا - راضیه باشد
 به به از این جشن و از این شادی و خوشحالی ماها (۲)
 به انبیابگوئید مبارکه مبارک - به اولیا بگوئید مبارکه مبارک
 باقری زهرا ست - شفیع امت - بروز محشر - گاه قیامت
 حاجت ماها - برآورد او - زروی احسان - زلف و رحمت
 به به از این جشن و از این شادی و خوشحالی ماها (۲)
 به انبیابگوئید مبارکه مبارک - به اولیا بگوئید مبارکه مبارک

یافاطمه من عقده دل وانکردم

یافاطمه من عقده دل وانکردم - گشتم ولی قبر تورا پیدا نکردم
 چشم انتظارم مهدی بیاید - تا تربت را برما نماید
 یا فاطمه جان جهان بادا فدایت - توسید هردو جهان ما خاکِ پایت
 چشم انتظارم مهدی بیاید - تا تربت را برما نماید
 کردی وصیت با علی شاه ولایت - قبر تورا در نیمه شب مخفی نماید
 چشم انتظارم مهدی بیاید - تا تربت را برما نماید
 شد کفن و دفنت نیمه شب از ظلم اعدا - مظلومه ی عالم تویی ای بی بی ما
 چشم انتظارم مهدی بیاید - تا تربت را برما نماید
 قبر تورا از دیده ها پنهان نمودند - چشمان مولا را زغم گریان نمودند
 چشم انتظارم مهدی بیاید - تا تربت را برما نماید
 در نیمه های شب علی شاه زمانه - آید کنار قبر پاکت مخفیانه
 چشم انتظارم مهدی بیاید - تا تربت را برما نماید
 اطفال تو اندر نیمه شب گیردبانه - چون جوجکان دورگشته زاشیانه
 چشم انتظارم مهدی بیاید - تا تربت را برما نماید
 این عقده ای ای باقری برشیعیان شد - که قبر پاک فاطمه از غم نهان شد
 چشم انتظارم مهدی بیاید - تا تربت را برما نماید
 سروده شده دهه فاطمیه

من آمدم مدینه قبرتورانیدم

اشعار سروده شده در مدینه و مکه

قبرگم شده

من آمدم مدینه قبرتورانیدم - هستی کجاست و مدفون ای مادر شهیدم
 اندر قیام هستی یا روضه پیمبر - یا قبرتوست آنجا که محراب هست و منبر
 مظلوم تر نباشد از تو بکل دنیا - ای دختر محمد ای مادراییها
 بعد از پدر شدی تو تنها و هم غریبه - در پایتخت اسلام این امر بس عجیبه
 با اینکه بارها گفت بابای تو محمد - این پاره ی تنم هست محبوبی حی سرمد

باشد اذیت اویعنی اذیت من - یارنج وزحمت او هم رنج وزحمت من
 اما پس از محمد بافاطمه چه کردند - این مردمان چگونه نامردو پست مردند
 اندر سقیفه جمعند این مردمان دنیا - جمعند بهر غصب حق علی وزهرا
 بیت علی وزهرا در معرض هجوم است - خورشید منکسف شد یا ریزش نجوم است
 از درپ بیت زهرا يك شعله ای پیا شد - کز شعله اش فروزان آتش به کربلا شد
 بیت علی وزهرا در بین شعله ها سوخت - زان خیمه حسینی دردشت کربلا سوخت
 گرگشت بیت الاحزان اندر بقیع ویران - دردشت کربلا شد آثار آن نمایان
 گشته بنای ظلمی اندر سقیفه ایجاد - شالوده ی بنایش شد غصب و ظلم و بیداد
 چون غصب حق زهرا هم شوهرش علی شد - مسلوب حاکمیت از حجت و ولی شد
 ای باقری چو خشتی معمار کج گزارد - از خاک تا ثریا دیوار کج سر آرد
 سروده شده ۹۱/۴/۶ در مدینه منوره

فاطمه زد دنیا رفت

از هجوم بیگانه - سوخت درب آن خانه
 فاطمه زد دنیا رفت - او غریب و تنها رفت
 یاعلی ویا زهرا - یاعلی ویا زهرا
 یاعلی ویا زهرا - یاعلی ویا زهرا
 شد علی عجب تنها - بعد رحلت زهرا
 یار حق پرستش رفت - فاطمه زدستش رفت
 یاعلی ویا زهرا - یاعلی ویا زهرا
 یاعلی ویا زهرا - یاعلی ویا زهرا

یافاطمه یا فاطمه

امّ الحسن امّ الحسین - یافاطمه یافاطمه
 ای مام پاک زینبین - یافاطمه یافاطمه
 ای دختر خیر البشر *** ای مام شبیر و شبیر
 تو بسته ای بارسفر - یافاطمه یافاطمه
 توسوی عقبامیروی - تونزد بابامیروی

باکوه غمهامیروی - یافاطمه یافاطمه
 توبانوی غمدیده ای - بس رنج و غمهادیده ای
 بس طعنه ها بشنیده ای - یافاطمه یافاطمه
 ای دختر خیرالبشر - دربین آن دیوارودر
 دادی تویک زیباپسر - یافاطمه یافاطمه
 مظلومی ی زهرابیین - شدپشت درسقط جنین
 محسن شهیدراه دین - یافاطمه یافاطمه
 آتش گرفته خانه ات - آن محترم کاشانه ات
 از دشمن بیگانه ات - یافاطمه یافاطمه
 گشته کبود آن روی تو - گشته سیه بازوی تو
 مجروح شدپهلوی تو - یافاطمه یافاطمه
 تو خود شفیع محشری - امّا چنان گل پرپری
 مجروح از آن ضرب دری - یافاطمه یافاطمه
 از ظلم آل بولهب - دفن توشددرنیمه شب
 باشد چرا؟ یاللعجب - یافاطمه یافاطمه
 مهدی بگیرد انتقام - روزی از آن قوم لثام
 ای باقری برگومدام - یافاطمه یافاطمه
 امّ الحسن امّ الحسین - یافاطمه یافاطمه

فاطمیه گشته ایام عزا

فاطمیه گشته ایام عزا - از برای مصطفی و مرتضی
 فاطمیه وقت اشک و آه شد - غصه ها باسوز دل همراه شد
 فاطمیه قصه ای ازرنجهاست - قصه ای از آه و سوز مرتضی است
 فاطمیه وقت آه و ناله است - ناله بر زهرای هجده ساله است
 فاطمیه شرح دیوار است و در - شرح آن مظلومی و خون جگر
 فاطمیه گشته شیعه دلغمین - همچو عاشورا و روزاربعین
 فاطمیه شد عزای دیگری - بهر جمع فاطمی و حیدری
 فاطمیه همچو عاشورا شده - در عزا ذریه ی زهرا شده
 فاطمیه پرچمی بهر عزا - گشته برپا بر سرای اولیا

فاطمیه کرده خورشیدی غروب - کرده برپا شور و حزنی در قلوب
 گرمحرم سبط زهرا کشته شد - فاطمیه دست حیدر بسته شد
 گرمحرم گشته سرازتن جدا - فاطمیه گشته آن بی بی فدا
 گرمحرم خیمه ها برهم زدند - فاطمیه خیمه ی ماتم زدند
 گرمحرم شد عزای فاطمه - فاطمیه شد عزای برهمه
 فاطمیه معزا برپا کنیم - معزاداری چو عاشورا کنیم
 فاطمیه روضه خوانانیم ما - درعزا پیرو جوانانیم ما
 شیعیان هنگامه ی شور و عزا - بار دیگر آمده بهر شما
 فاطمیه مجلسی برپا کنید - آه و ناله همچو عاشورا کنید
 مهدی صاحب زمان ای باقری - درعزا باشد چوما و رهبری
 سروده شده در فاطمیه سال ۱۳۹۰

زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا

زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 زهرا ی اطهر دختِ پیمبر - گردیده مجروح از ضربت در
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 با بیت زهرا بنگر چها شد - از حقد و کینه آتش پیا شد
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 بایک تهاجم در را شکستند - دختِ نبی را از کینه خستند
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 در راه خانه با تازیانه - گردیده مجروح آن کتف و شانه
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 ظلماً و زوراً غصب فدک شد - آزرده از آن جنّ و ملک شد
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 از آن مصائب اندر جوانی - گشتی شهیده دفت نهانی
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 جسم تو مجروح از تازیانه - غسلت بداده مولا شبانه
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 شد کفن و دفنت در نیمه ی شب - آهسته نالد کلثوم و زینب

زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 بنگرچه ظلمی برشیعه ها شد - قبرتومخفی از دیده ها شد
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 دنبال قبرت با چشم گریان - اندر مدینه گردیم نالان
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 خواهیم از حق مهدی بیاید - آن تربتت را بر ما نماید
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 مهدی بیاید ای باقری پور - دنیا نماید نور علی نور
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
 آن قبر مخفی گردد هویدا - مهدی نماید آن قبر پیدا
 زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا - زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا

بگفتا با علی زهرای اطهر

بگفتا با علی زهرای اطهر - دم آخر چنین دخت پیمبر
 الا ای ابن عمّ با وفایم - روانه سوی عقبی از جفایم
 حلالم کن حلالم کن علیجان - که اینک عازمم بر کوی جانان
 چو گشتم راحت از رنج زمانه - بده غسل نما دفنم شبانه
 نما مخفی توقبرم را علی جان - از این نامردمان وقوم عدوان
 به تشییعم نیا یند ای پسر عم - نگیرند از برا یم بزم ما تم
 که من راضی نیم از این زما نه - که بردند حق من را غاصبا نه
 ترا خا نه نشین کردند از کین - خلا ف حکم قرآن، دین و آئین
 کنار قبر من از لطف و احسان - پس از دفنم بخوان آیات قرآن
 به اطفال یتیمم یا وری کن - بجای من به آنان ما دری کن
 پدر هستی از این پس با ش ما در - چو مادر بهر آنان با ش یا ور
 غم و غصّه از آنان نیک بزدای - تودل جوئی از آنان نیک بنمای
 ولی ای باقری در روز عا شور - نبود این مادر غمگین ورنجور
 که بیند با حسین و آلش از کین - چها کردند آن قوم بد آئین

بنشین ببالین من

بنشین ببالین من ای پسر عمو جان - عمر من اندر نوجوانی گشته پایان
 گشتم شهید راه دین - من یا امیرالمومنین - مظلوم علی جان مظلوم علی جان
 آتش زدند این مشرکین کاشانه ام را - کشتند از کین محسن ششماهه ام را
 از دشمنان دین حق - گشته کنون غصب فدک - مظلوم علی جان مظلوم علی جان
 فضّه بود شاهد چه آمد بر سر من - از ضرب در کشتند و زیبا پسر من
 این صورتم نیلی ببین - از جای آن سیلی ی کین - مظلوم علی جان مظلوم علی جان
 میگفت از سوز جگر با چشم گریان - از بعد من جان تو و جان یتیمان
 جان حسین وهم حسن - هم زینب و کلثوم من - مظلوم علی جان مظلوم علی جان
 دارم وصیت با تو ای شاه زمانه - غسلم بده در شب علی جان مخفیانه
 بنما تو کفن و دفن من - مخفی ز هر زاغ و زغن - مظلوم علی جان مظلوم علی جان
 از گلزار شهدا و باقری پور

ای خاک بقیع امشب زهرا بتو مهمان است

ای خاک بقیع امشب زهرا بتو مهمان است - مهمان بقیع امشب آن نیر تابان است
 ای خاک بقیع اینک با او تو مدارا کن - مهمان تو دلخسته از ظلم فراوان است
 ای خاک بقیع بر تو زهرای جوانمرا - اینک سپرم اما این مدفن پنهان است
 ای خاک بقیع زهرا با پهلوی بشکسته - مهمان تو گردیده نک موقع احسان است
 با صورت نیلی و بازوی ورم کرده - عازم بسوی جنت این سید نسوان است
 مخفی کنم از دشمن من مدفن زهرا را - او بضعه ی پیغمبر محبوبه ی یزدان است
 اینک حسن و زینب، کلثوم و حسین من - بر مادر مظلومه غمدیده و نالان است
 هم جن و ملک نالد بر ماتم زهرایم - هم باقری غمگین خونین دل و گریان است

من درمدینه گشتم قبرتورا ندیدم

من درمدینه گشتم قبرتورا ندیدم - این عقده ایست بردل ای وای نا امیدم
 زهرا زهرا یا زهرا - زهرا زهرا یا زهرا
 گه مسجدالنبی وگا هی بقیع رفتم - دنبال قبرمخفی اینجا وآنجا گشتم

زهرا زهرا یا زهرا - زهرا زهرا یا زهرا
 اما نگشت پیدا قبری که گشته پنهن - زین غصه اشک ریزم من روز و شب بدا مان
 زهرا زهرا یا زهرا - زهرا زهرا یا زهرا
 قبر تو گشت مخفی از جورنا کسان - شد کفن و دفن جسمت در نیمه شب نهانی
 زهرا زهرا یا زهرا - زهرا زهرا یا زهرا
 در انتظار روزی که مهدیت بیا ید - آن قبر مخفی ی تو بر دوستان نماید
 زهرا زهرا یا زهرا - زهرا زهرا یا زهرا
 گرد دظهور مهدی قبر تو آشکا را - یا رب رسان ظهور آن یا دلبر را
 زهرا زهرا یا زهرا - زهرا زهرا یا زهرا
 ای باقری شود چون عصر ظهور مهدی - دنیا ی تیره گردد روشن ز نور مهدی
 زهرا زهرا یا زهرا - زهرا زهرا یا زهرا

شد چوبه امر خدا فاطمه یار علی

اشعار در باب عروسی حضرت زهرا علیها سلام

شد چوبه امر خدا فاطمه یار علی - چو روز روشن شده آن شب تاری علی
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 امر خدا اینچنین آمده بهرنی - فاطمه را عقد کن بهر علی ولی
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 فاطمه حمد خدا کرد بر این ازدواج - دشمن او زین خبر گشت همی هاج و واج
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 ستاره زهره و تسبیح زهرا ببین - آنچه به دل داشت او گشت بدل بریقین
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 کفو دگر در زمین ز بهر زهرا نبود - بجز علی بهر او همسر و همت نبود
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 نتیجه این نکاح گشت حسین و حسن - تاج سر عالمند مایه فخر زمن
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 زینب و کلثوم هم مایه فخر زنان - زینت نسوان شدند به هر زمین و زمان
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه

ز جشن و این ازدواج بترکه چشم حسود - آنکه از این ازدواج به کینه او فزود
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 پسرها آی دخترا راه علی و زهرا - الگوی راه شماسست به هر زمان و هر جا
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 همچو علی و زهرا کنید شما ازدواج - سنت زهرا دهید میان مردم رواج
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 به باقری هم بگید بازم زنی بگیره - یک زن پرپول باشه جوونه یا که پیره
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 شما هم ای مهمونا نصیحتم گوش کنید - بازم زنی بگیرید غم را فراموش کنید
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 خیمه نشینان خلد بسکه بچیدند دُر - معجر و جیب و کنار مرهمه را گشت پر
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 اینت عروسی وسوراینست سرای سرور - اینت خطیب و گواه به جمع غلمان و حور
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 خبرشد از جبرئیل به حضرت احمدی - مزده بود بر شما ز خالق ایزدی
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 بسته شده عقد این دو زوج پاک زمان - وسیله کردگار به جمع کروبیان
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 برو عروسی بگیر برای این هر دو نور - بپا نما در زمین مجلس جشن و سرور
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 داد بشارت نبی بر علی و فاطمه - به جمله مردمان به قوم و خویشان همه
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 شهر مدینه شده مجلس جشن و سرور - بهر عروسی شده غرق شمع غرق شور
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 خطبه عقدی دگر پیمبر اندر زمین - خواند ز بهر نکاح به این دو زوج بهین
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 زهره زهرا همی شد به سرای علی - حجله دامادی شد خانه برای علی
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 خانه مولا علی نور علی نور شد - چشم حسود و بخیل باقریاکور شد

صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه

درود حق بر علی درود بر فاطمه

درود حق بر علی درود بر فاطمه - به وصلت این دو گل کف بنوازد همه
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 فاطمه شد با علی به امر پروردگار - دو زوج نیکو سرشت نور بنور آشکار
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 در شب تزویجشان چرخ جواهر فروش - گرفته جشنی عجیب گشته بجوش و خروش
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 پرده نشینان غیب پرده بیاراستند - گلشن فردوس را بزینت آراستند
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 ز بهر این ازدواج گشته مزین فلک - سفره عقد پهن شد سد ره نشین شد ملک
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 خطبه تزویجشان جلّ تعالی بخواند - جای دگر بر کسی از پی خطبه نماند
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 جاری چنین عقد شد به جمع کزوبیان - شاهد این عقد شد تمام قدوسیان
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 خازن دار الخلود چو از جنان در گشود - حور و ملک جملگی ناظر این عقد بود
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 در همه هفت آسمان جشن و چراغانی شد - حور و ملک کف زنان ز بهر این شادی شد
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 باد چو برسد ره زد بر سر حوران عین - لؤلؤ و مرجان بریخت ز آسمان بر زمین
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 فاطمه شد چون عروس شد به سرای علی همسرو هم یآوری گشته برای علی
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 زندگی تازه ای ز آن دو آماده شد - فاطمه و هم علی دو زوج دلداده شد
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه
 باقریا فاطمه مادر یازده امام - همزه زوجش علی گشت بر آنان سلام
 صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه - صلّ علی حیدر وصلّ علی فاطمه

سرودهای همخوانی عروسی

این شعر برای طلعه خوانندگی خوانده شود
گل گفت که من مذهب دینی دارم - بوی حسن و عشق حسینی دارم
بفرست مدام بر محمد صلوات - چون با صلوات همنشینی دارم

شدنسل بشر ز ازدواج زیاد - این سنتی است مؤکد و محمد نهاد
تا نسل مسلمین شود هرروزبیش - فرمان انکحوا به من و تو بداد

ای جوان کن ازدواج و زن بگیر - یک زن با عفت و احسن بگیر
رومگردان تو زدستور خدای - فاصله ز ابلیس و اهریمن بگیر

ای جوان زن بگیر که شادشوی - با نکاحت تو پاک نهاد شوی
خانه ای تازه را به راه انداز - بهر یک زندگی تو اوستاد شوی

صلّ علی محمد صلوات بر محمد

صلّ علی محمد صلوات بر محمد - صلّ علی محمد صلوات بر محمد
صلوات را خدا گفت جبرئیل بارها گفت - درشان مصطفی گفت صلّ علی محمدصلوات بر محمد
شاه نجف علی است سرور دین است - شیر خدا علی است صلّ علی محمدصلوات بر محمد
بعد از علی حسن بود چه غنچه در چمن بود - نور دو چشم من بود صلّ علی محمدصلوات بر محمد
بوی حسین شنیدیم چه گل شگفته دیدیم - به مدعا رسیدیم صلّ علی محمدصلوات بر محمد
زین العباد سجّاد یعنی که شاه عباد - سلام ما بر او باد صلّ علی محمدصلوات بر محمد
باقر امام دین است نور خدا یقین است - فرزند عابدین است صلّ علی محمدصلوات بر محمد
جعفر چو صبح صادق روشنگر حقایق - تاج سر خلائق صلّ علی محمدصلوات بر محمد
موسی باسعادت با ذکر و با عبادت - سردار با جلالت صلّ علی محمدصلوات بر محمد
هشتم رضا امام است از ضامن تمام است - شاه غریب بنام است صلّ علی محمدصلوات بر محمد
ما شیعه تقییم خاک ره نقییم - محتاج عسکرئیم صلّ علی محمدصلوات بر محمد
یا رب بحق زهرا شفیع روز جزا - ببخش گناه مرا صلّ علی محمدصلوات بر محمد

شب شب دامادیہ ، امشب شب شادیہ

شعر در تاریخ ۸۴/۶/۱۵ بمناسبت جشن عروسی فرزندم سید مصطفی سروده شد باقری پور

شب شب دامادیہ ، امشب شب شادیہ - شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک
 مبارک مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب عروس کشونه ، جشن و پلو پزونه - درها رو وا بزارین ، عروس میاد به خونه
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 به به عجب شبی یه ، امشب دو شاخ شمشاد - به سنت پیمبر ، شدن عروس و داماد
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 به به تبارک الله ، بر این جشن و عروسی - میون حجله میرن ، یه مرغ و یک خروسی
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب شب زفافه ، عجب شبی است واللہ - میرن میون حجله ، دوتائی بارک الله
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب یکی چو شاه و یکی دگر وزیرہ - وزیر عروس باشه ، دوماہم امیرہ
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 شدند شاد و خوشحال ، امشب علی و زهرا - چون سنت پیمبر ، امشب شده است اجرا
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 وانکحوالایامی ، بخوان ز نص قرآن - بازم برو زن بگیر ، برادر مسلمان
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 ثلاث او اربع ، یه دستور الہی است - سه تائی و چارتائی ، عقدی و یا صیغہ ایست
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 آقا یواشک بخوان ، تا کہ زنانفہمن - به خونه رات نمی دن ، اگر اینو بفہمن
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 میگن زنا حسودن آخرطبیعت اینہ - بشنو توازبا قری طبیعت زن اینہ
 شما بگین مبارک ، مبارک آی مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک

شعر در تاریخ ۸۴/۶/۱۸ بمناسبت جشن عروسی فرزندم سید مصطفی سروده شد باقری پور

عجب بزمی است یاران راکہ بزم گلشن است امشب - کہ ہنگام مبارک باد بہ داماد گفتن است امشب
 در این جشن مبارک باد جملہ شاد و خندانند - عجب شادی عجب خندہ کہ گل گفتن است امشب

شب شادی است عزیزان همه گوئید مبارک

مبارک بادا مبارک بادا مبارک - مبارک بادا مبارک بادا مبارک
 شب شادی است عزیزان همه گوئید مبارک - که دامادی است عزیزان همه گوئید مبارک
 مبارک بادا مبارک بادا مبارک - مبارک بادا مبارک بادا مبارک
 عروسی و دامادی است امشب و باشید همه شاد - بگوئید تبریک خود را به عروس و هم به داماد
 مبارک بادا مبارک بادا مبارک - مبارک بادا مبارک بادا مبارک
 همچنان علی و زهرا بگرفتید عروسی - اخما را وا کنید امشب بگذارید عبوسی
 مبارک بادا مبارک بادا مبارک - مبارک بادا مبارک بادا مبارک
 سنت پیمبر اینست بشوید عروس و داماد - اَلنَّكَاحِ سُنَّتِي كُفْتُ أَحْمَدُ أَنْ يَمْبِرَ دَاد
 مبارک بادا مبارک بادا مبارک - مبارک بادا مبارک بادا مبارک
 اَنْكِحُوا الْاَيَامِي بِشَنُو زِ خَدَاوَنْد و زِ قَرَّان - عقد و یا متعه نمائید اگر هستید مسلمان
 مبارک بادا مبارک بادا مبارک - مبارک بادا مبارک بادا مبارک
 نصف دین بیمه نمائید به نکاح و نصف دیگر - به نماز و به زکوة و به اطاعت از پیمبر
 مبارک بادا مبارک بادا مبارک - مبارک بادا مبارک بادا مبارک
 عروسی ولیمه دادن هست سنت پیمبر - باقری بخور ولیمه شوی داماد مکرر
 این شعر برای پایان خواندن سایر اشعار جهت اوج گرفتن خوانده شود از باقری پور
 مردما کنار برین دوماذ میخواد نار بزنه - سیب سرخ و کله قند تو کَلَّةُ یار بزنه
 مردما کنار برین عروس میخواد بیاد خونه - دوماذ انگار کی براش میخواد تار بزنه
 با راه شهید بیعتی تازه کنیم - با عشق حسین جهان پر آوازه کنیم
 همنام رضا است شهید ما سید رضا - با شربت عشق حق گلو تازه کنیم

بود امشب شب شادی ماها و عروس داماد

شعر در تاریخ ۸۴/۶/۱۵ بمناسبت عروسی فرزندانم سید مصطفی سروده شده باقری پور
 فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم - بباریم شادمانی را و غمها را ورنه اندازیم
 بود امشب شب شادی ماها و عروس داماد - همه خوشحال می باشیم و می در ساغر اندازیم
 سلامتی شه داماد بزن اینک کف اندر کف - اگر غم رو کند با هم ز بنیادش بر اندازیم
 مبارک باد شه داماد عروس خانم پدر مادر - بیایید شادمانی را چو تاجی بر سر اندازیم
 بگوئید باقری طنزی حسودان و بخیلان را - بکش عکسی بیاور تا به پالان خر اندازیم

این شعر برای طلیعه خواندن یا بصورت میان پرده ای در وسط برنامه خوانده شود از باقری پور
عجب بزمی است یاران را که بزم گلشن است امشب - چراغانی رنگارنگ و مجلس روشن است امشب
در این جشن مبارک باد بزن داماد کف بر کف - که هنگام مرتب کف به کف کوبیدن است امشب

النکاح سنتی یک سنت است

ای جوانان شد خدا یار شما - در بنای دین چو معمار شما
دین حق با سنت پیغمبری - گشته است اخلاق و رفتار شما
النکاح سنتی یک سنت است - از نبی آن در شهوار شما
کرده اید اکنون بر این سنت عمل - وه چه زیبا بود رفتار شما
گفته اید هر دو بلی بر ازدواج - وه چه نیکو بود گفتار شما
سنت پیغمبری اجرا شده - شد نبی خوشحال از این کار شما
انکحوا گفته خدا اندر کتاب - این بود فرمان دادار شما
داده فرمان نماز و هم زکوة - هم نکاح و متعه، ستار شما
نصف دین شد بیمه با این ازدواج - نصف دیگر بیمه رفتار شما
از عزب خیزد بلا و ابتلا - شد عزوبت دوزخ و نار شما
نیست در اسلام دوری از نکاح - زشت میباشد چنین کار شما
میکند افزون ثواب هر نماز - با نکاح، معبود غفار شما
بسته است نسل بشر با ازدواج - شد فزون از ازدواج بار شما
طیبات و طیبین باید بود - خواستگاری رای مختار شما
از خبیثات و خبیثین دور شو - چون خبائث ننگ شد عار شما
کفورا بنگر همی در ازدواج - معنویت میوه و بار شما
باقری خواهی ثواب بی شمار - متعه میباشد سزاوار شما
متععه کن بر رغم الف آن فلان - تا بود مولا علی یار شما

کف بزنید قوم و خویشا

این شعر آخر برنامه که مجلس در حال ختم است خوانده شود از باقری پور
کف بزنید قوم و خویشا - بگین سلام امام رضا
عروس دوماد میرن حرم - امام رضای محترم

دور حرم طواف کنن - شمشیرا رو غلاف کنن
 اخلاق خوب داشته باشن - بذر وفا کاشته باشن
 اخلاق نیک و باصفا - به عهدشان کنن وفا
 به آقاشون سلام میدن - سلام خاص و عام میدن
 سلام میدن میگن آقا - دست ما دو من شما
 برای ما دعا کنین - دعا پیش خدا کنین
 ما دو تا تازه جوونیم - زندگی را نمی دونیم
 تو کن محبتی به ما - بشو بما تو رهنما
 زندگی ی ما خوب بشه - محبت قلوب بشه
 تا صد سال دیگه با هم - باشیم بدون هم و غم
 سلامتی بما بده - مریضا رو شفا بده
 زندگی ما شاد بشه - روزی ی ما زیاد بشه
 یک زندگی باصفا - بزیر سایه ی شما
 بندگی خدا شویم - از غیر او جدا شویم
 با هم بریم به کربلا - مگه و خونه ی خدا
 باقری هم با ما باشه - مگه و کربلا باشد

دو ماده هی با التماس میگه عروس بیا بریم

مبارکه مبارکه وصلتتان مبارکه - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارکه
 دو ماده هی با التماس میگه عروس بیا بریم - غصه نخور گریه نکن صفا رو با هم می خریم
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارکه - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارکه
 هی میگه عروس جونم خونه ما صفا داره - بهتره از خونه بابات نمیدونی چه ها داره
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارکه - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارکه
 آخر عروس راضی میشه درمیشه از جایی که بود - دست میده به دست دوماد میرن با هر بود ونبود
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 عروس کشونی را ببین قوم و خویشا دور و برا - کف میزنن شادی کنان خارج میشن از آن سرا
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارکه - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارکه
 میبرنش خونه دوماد خونه عشق و هم صفا - شروع کنن زندگی خوب و لذیذ و با صفا
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک

قوم و خویشاشان میبرن میون حجله زفاف - با صد قلم جهیزیه یخچال و گاز، تشک لحاف
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 بیا بین سیاهه را تو اجناسا تو گم میشی - کنی فرار ز مشهد و راهی شهر قم میشی
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 سلمه، سوزن، قیچی، هاون، کمد، بوفه، کفش و لباس - میخ و پیچ و یخچال و گاز، آدم چقد میخواد اثاث
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 چیکارکنیم دیگه آخرین سوروسات زندگی است - باقری آخر میدونی اینا برای بندگی است
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک

عروس خانم آقا دوما د وصلتتان مبارک

مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 عروس خانم آقا دوما د وصلتتان مبارک - از شادیتان ما همه شاد وصلتتان مبارک
 وصلتتان مبارکه چه جشن خوبی دارین - چه جشن خوب و باصفا بزن بکوبی دارین
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 سفره خوب و باصفا سفره ی عقدتان بود - اگر چه کم و یا زیاد پولای نقدتان بود
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 عروس خانم آقا دوما د عشق شما شده نقد - وقتی چهل امضا زدی میون دفتر عقد
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 وقتی میخواست آقا بخونه خطبه عقد تو - گفتی بلی اما به چی محبت نقد تو
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 عروس میخواست بگه بله رفته که گل بچینه - دوما د میخواست بگه بله با اجازه چینه
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 وقتی که رفتین به خرید هی این و هی اونو بخر - آنجا بوده وقت درو چه فرق داره نفع و ضرر
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 وقتی حنابندونی شد دست عروس دست داماد - گذاشته شد توی حنا دست دوتاشان بادا باد
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 وقت عروس کشونی شد ماشین باید ببندد گل - اما ماشین چه مدلی زیان باشد یا که ایل
 مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک - مبارکه مبارکه وصلتتان مبارک
 وقت عروس کشونی شد عروسه هی ناز میاره - گریه دارن قوم و خویشا دوما د پیش واز میاره

مبارک مبارک مبارک مبارک مبارک - مبارک مبارک مبارک مبارک مبارک
 همسایه ها آی دوستا پاشین جهیز آوردند - ببین جهیزیه را با جست و خیز آوردند
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک
 ببین جهیزیه را دویست قلم جورواجور - چشم حسود بتر که چشم بخیل بشه کور
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک
 همسایه ها دوستا، خونچه شاد آوردن - خونچه شاد عروس، برای دوماه آوردن
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک
 خونچه های رنگ و یرنگ با نواهای قشنگ - دارن میرن دست بدست قوم و خویشای زرنگ
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک
 ببین جهیز آوردن آینه و میز آوردن - ببین چه خونچه هائی خیلی تمیز آوردن
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک
 آهای را رو وا کنین درها رو و ابزاری - بدین به هم دست بدست خونچه هارو بیارین
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک
 آی جوونا بگیرین خونچه ها را روی سر - شیرینی و کله قند دستمال و شال کمر
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک
 برین سپنج بیارین عاطل باطل دود کنین - کف بزنیید بچه ها به شیپورا فوت کنین
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک
 اسبابا را بچینید منزل آقا دوماه - تا بگن و بخندن باقری هم باشه شاد
 مبارکه مبارک مبارکه مبارک - مبارکه مبارک مبارکه مبارک

عروس خانم خوش آمد بلای جون خوش آمد

این شعر بصورت طنز و شوخی است به صورت میان پرده خوانده شود از باقری پور
 صلی علی محمد صلوات بر محمد - کف بزنیید بگوئید عروس خانم خوش آمد
 عروس خانم خوش آمد بلای جون خوش آمد - نخیر آقا بگوئید صفای جون خوش آمد
 عروس خانم را ببین چقدر مهربونه - پا اندازی نمی خواد خودش میاد بخونه
 عروس خانم را ببین که چقدر زرنگه - برای که پول بگیره پاهاش داره میلنگه
 اسفند و دود نمائید چشم حسود بشه کور - از عروس و از دوماه غم و بلا بشه دور
 اسفند و دود نمائید عاطل و باطل بیارین - و ان یکاد بخونین از ته دل بیارین

هنوزه شب درازه عروس میاد بخونه - آقا دوما دهل نشو اینقد نگیر بهونه
 اطاق میشه خلوت و مهمونا الآن میرن - فقط میمونه چند تا از اون زنایی که پیرن
 آخر عروس و دوما الآن در انتظارن - برن میون حجله لباس و در بیارن
 آخر اونا پوسیدن میون این لباسا - میخوان برن تو حجله بشینن رو پلاسا
 نقل و نبات بپاشین بر سر هردوتاشان - خوشحال باشید شماها از عشق و باصفاشان
 دوما میره تو حجله یا تخت پادشاهی - نه بابا از حالا شد به فکر سرپناهی
 وقتی چهل تا امضا زدی میون دفتر - آقا دوما تو حالا بزنی دو دستی بر سر
 هنوز زوده دوما جون هنوزه وقت زیاده - بدو بدو کنی تو سواره و پیاده
 برای خونه و نون برای شام مهمون - برای پول برقت برای گاز زمستون
 به به عجب شبی یه امشب شب حسابیه - دلم برای دوما ببین چقدر کبابه
 آی مهمونا باقری خوش آمدید شماها - صفا آوردید امشب قدم رو چشم ماها

گل در آمد از حموم بلبل در آمد از حموم

بادا بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - بادا بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا
 گل در آمد از حموم بلبل در آمد از حموم - شاخ شمشاد را ببین سنبل در آمد از حموم
 بادا بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - بادا بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا
 عروس قشنگه ها بله مشت و ملنگه ها بله - دست به زلفاش نزنین مرواری بنده هابله
 بادا بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - بادا بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا
 دوما قشنگه ها بله مست و ملنگه ها بله - دست به لباساش نزنین اتوش مشنگه ها بله
 بادا بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - بادا بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا

حنابندونی دارن عروس و آقا دوما

حنابندونی دارن عروس و آقا دوما - قوم و خویشا دور و بر همگی خرّم و شاد
 باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا
 امشب عروس و دوما دارن حنا میبندن - حنای کرمونی را به دست و پا می بدن
 باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا
 دست عروس و دوما را تو حنا بزارین - اما مواظب باشین آنها رو و نزارین
 باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا

میبرن حموم دوماد را تا که تمیزش کنند - آرایشگاه عروس را تا که لذیذش بکنند
 باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا
 توقف بزن باقری پور با همه ای مهمونا - از این شادی شادمونیم ماهمه مسلمونا
 باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا - باد، بادا بادا بادا انشاء الله مبارک بادا

امشب شب زفافه انشاء الله مبارک بادا

امشب شب شادیه انشاء الله مبارک باد - این شب دامادیه انشاء الله مبارک بادا
 امشب شب زفافه انشاء الله مبارک بادا - داماد زیر لحافه انشاء الله مبارک بادا
 عروس میاد به خونه انشاء الله مبارک بادا - دوماد عجب جونه انشاء الله مبارک بادا
 دوماد در انتظاره انشاء الله مبارک بادا - میخواد عروس بیاره انشاء الله مبارک بادا
 دوماد امشب چوشاهه انشاء الله مبارک بادا - عروسه مثل ماهه انشاء الله مبارک بادا
 به به عجب دومادی انشاء الله مبارک بادا - عروسه مثل ماهه انشاء الله مبارک بادا
 دست عروس تو دستش انشاء الله مبارک بادا - با اون چشمای مستش انشاء الله مبارک بادا
 انشاء الله همه شاد باشین انشاء الله مبارک بادا - همگی دوماد بشین انشاء الله مبارک بادا
 دو تا سه تا بیارین انشاء الله مبارک بادا - نرین به وقت به قزوین انشاء الله مبارک بادا
 آقای باقری پور انشاء الله مبارک بادا - خیلی دیگه شده شور انشاء الله مبارک بادا
 این شعر برای میان پرده برنامه تا پایان هر برنامه خوانده شود از باقری پور
 عجب بزمی است یاران را که بزم گلشن است امشب - که هنگام مرتب کف بکف کوبیدن است امشب
 عجب جشن و عجب شادی مبارک باد دامادی - همه شادند از این شادی گه گل گفتن است امشب

به عروس وبه دوماد همه بگین مبارک

عجب شبی است امشب چونکه شب عروسی است - همه با هم دست میدن امشب شب روبوسی است
 به عروس وبه دوماد همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب همه خوشحالن غیر حسودوبخیل - با شه حسودوبخیل همیشه خواروذلیل
 به عروس وبه دوماد همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب عروس ودوما د کا رخدا یی کنن - به سنت احمدی عمل کما هی کنن
 به عروس وبه دوماد همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب عروس میبرن خونه آقا دوما د - امشب پدرما درا خوشند و خوش دل وشا د

به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب به حجله میرن آقا دوما دوعروس - عروسه نا زمیا ره خودش را میکنه لوس
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 آخر طبیعت اینه عروسه نا زمیا ره - دوما د میره دنبا لش دهل و سا زمیا ره
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب شب زفا فه دعوا سرلحا فه - اونم لحا ف ملا با فیس و با قیا فه
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 امشب ولیمه میدن به قوم وخویش ویا را ن - نقل ونبا ت میپاشن برسرشان چوبان را ن
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 میگن که مستحبه ولیمه عروسی - هم بخوری هم بدی کاسه ها روبلیسی
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 میگن که مستحبه برای شاه دوما د - شستن پای عروس تا همیشه با شن شاد
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 برو به خانه عروس ، بین چیکار می کنن - شادی و خوشحالی را، دارن شیکار میکنن
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 مادر عروس خوشحاله، پدر عروس همینجور - قوم و خویشا فامیلا، دوستای جور و واجور
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 پدر دوما د نشسته ، دست تو جیبش میکنه - داره چتکه میندازه ، دست تو کیفش میکنه
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 اما دوما د ببین ، این پا آن پا می کنه - دقیقه ها را میشمیره ، دستمال و تا میکنه
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 دوما د امشب تا سحر ، ستاره ها میشمیره - مواظبه که یکبار ، ستاره ای در نره
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 منتظرت نگذاریم ، دیگه آقای دوما د - ما تمومش می کنیم ، تا که بشی تو دلشاد
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 میگم بده خدایا ، سلامتی به داماد - عروس و قوم و خویشاش، همگیشان باشن شاد
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 جایزه شجرت چیه ، آقای باقری پور - انشاء الله دوما د شی ، چشم حسود بشه کور
 به عروس وبه دوما د همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک

و ان یکاد بخونین ، برای عروس و داماد - چشم نخورن انشاء الله ، همیشگی باشن شاد
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 شیرینهای خوشمزه ، خوردنش لذت داره - شیرینی عروسی ، آدم و حال مباره
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 ببین عجب حنائی ، گذاشتن دست داماد - تو کفشش پا گذاشتن ، با جورابای گشاد
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 ساعت دادن بدستش ، دقیقه ها ر بشمره - تا که شب عروسی ، ابداً یادش نره
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 میگم آهای مهمونا ، ساعت و نگاه کنین - ببین که ساعت چنده ، چشما رو به راه کنین
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 در انتظار نزارین ، اینقد عروس تو خونه - پاشین برین دنبالش ، نرین تو قهوه خونه
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 این شاعر امشب شده ، مثال یه دلقکی - هی تیکه میپروونه ، مخفی و یواشکی
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 سر جفنگ وا شده ، خواننده هم می دونه - هر چه که شاعر گفته ، او هم داره میخونه
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 راستی نماز خوانده اید ، شماها امشب اصلاً - یا که شب عروسی نمازی نیست ای والا
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 زن یکی خدا یکی ، اینه شعار زنهار - خدائی ام راست میگن ، برای بعضی زنهار
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 اگر که پول نداری ، همان یکی اضافی است - برو اونم ولش کن ، اینم یه نوع تلافیست
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 میگم آهای مهمونا ، انشاء الله دوماً بشین - زندگیتان خوب بشه ، همیشه دلشاد بشین
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 اما تو آقا دوماً ، همین یکی بسه ته - چون فعلاً مامان بابا هر دو دل واپسه ته
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 دوماً نشستی اینجا ، مثال شاخ شمشاد - عروس بود منتظر ، آقا دوماً کی میاد
 به عروس وبه دوماً همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 چون صبح پادشاهی است ، امشب شب زفافه - دوماً مثل خورشید ، عروسه مثل ماهه

به عروس وبه دوماه همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 نقل و نبات بیاشین ، سر عروس و داماد - غمها را دور بریزین ، امشب همه باشین شاد
 به عروس وبه دوماه همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 اسفندتان کجا شد ، عاطل و باطل چه شد - همه عاطل و باطلند ، آدم عاقل چه شد
 به عروس وبه دوماه همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 اسفندارو دود کنین ، چشم حسود بشه کور - یا قل اعوذ بخونین ، که شیطونا بشن دور
 به عروس وبه دوماه همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 اسفندارو دود کنید ، همه بگید ماشاالله - چشم حسود و بخیل ، بترکه انشاء الله
 به عروس وبه دوماه همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک
 عاطل باطل بریزین نقل و نبات بیاشین - باقری که خوشحاله شما چرا نباشین
 به عروس وبه دوماه همه بگین مبارک - مبارک آی مبارک ، مبارک آی مبارک

مدایح حضرت زینب علیها سلام

پنجم ماه جمادی

پنجم ماه جمادی زینت عرش برین - زد قدم در خانه ی مولا امیرالمؤمنین
 دخت کبرای علی در خانه مولا علی - پانهاد و خانه از نور رخس شدمنجلای
 آنکه نامش را ز لطف خود خدا زینب نهاد - نام زینب را خدا بردخت زهرا هدیه داد
 فاطمه خوشحال شد از دیدن رخسار او - بوسه زد بر دیدگان و لعل گوهر بار او
 شدامیرالمؤمنین خوشحال و شاد از این ولید - کردش کرحق از این میلاد و مولود سعید
 شد حسن شاد و حسین خوشحال از این مولود پاک - گشته است بیت ولایت از فروغش تابناک
 شد حسین بیش از همه دل بسته بر این مه جبین - کس ندیده یک برادر، خواهی را اینچنین
 بود زینب بر حسینش یاور و پشت و پناه - خاصه اندر کربلا و کوفه و شام سیاه
 گر نبودی زینب اندر کربلا خونهای پاک - بی ثمر میشد نمیشد همچنان خورتابناک
 انقلابی بی هدف میشد اگر زینب نبود - همچو دژی در صدف میشد اگر زینب نبود
 انقلاب کربلا را نام زینب زنده کرد - باقری زینب یزید سفله را شرمنده کرد

مدایح امام حسن علیه السلام

امشب شبِ خوبِ فخر و عزّت آمد - چون یوسف ما ز آلِ عصمت آمد
امشب همه ی اهلِ مدینه شده شاد - زیرا که کریم آلِ عترت آمد

امشب که جمالِ مجتبی پیدا شد - بر رویِ همه دری ز رحمت و اشد
شد شاد علی ز یمنِ این مولودش - مسرور هم از آن محمّد و زهرا شد

امشب به جهان جلوه ی دیگر آمد - هر مجلس و محفلی از آن معطر آمد
از یمنِ ولادتِ حسن سبطِ نبی - در ملک و ملکِ جلوه سراسر آمد

چون نور جمالِ مجتبی جلوه نمود - در بیتِ علی چو مجتبی رُخ بگشود
در نیمه ی ماهِ رمضان از یثرب - نوری ز زمین به آسمان کرد صعود

امشب که مدینه همچنان گلشن شد - تاریک ولی خانه ی اهریمن شد
نوری ز حریمِ مرتضی کرد طلوع - زان نور تمامِ این جهان روشن شد

هنگامِ نزولِ برکات آمده است - بر محفلِ ما بذلِ حیات است
تبریک به زهراست زمیلا دِ حسن - هنگامِ نثارِ صلوات آمده است

شب میلادِ حسن زاده زهرا باشد - آنکه مهرش زازل دردل ماها باشد
خلف پاکِ علی سبطِ محمد (ص) باشد - دومین رهبرِ آزاده بدنیا باشد

آمد آنکوهِ حسن خلقِ نکویش باشد - چشمِ اربابِ نظر جمله بسویش باشد
آرزوی همگانِ مدفنِ او هست، بقیع - دلِ عشاقِ جهان جمله بکویش باشد

از صبرِ تو یا حسنِ جهان غرقه ی غم - چون زائرِ عارف به حق تو شده کم
بس ظلمِ وستم دیدی و صبرِ تو زیاد - از صبرِ تو مبهوت شده لوح و قلم

شب میلادِ حسن زاده زهرا باشد - آنکه مهرش زازل دردل ماها باشد

خلف پاك على سبط محمد(ص) باشد - دومين رهبر آزاده دنيا باشد

آمد آنکوه حسن خلق نکویش باشد - چشم ارباب نظر جمله بسویش باشد
آرزوی همگان مدفن او هست، بقیع - دل عشاق جهان جمله بکویش باشد

ای حسن ای حسن ای حسن جان

ای ولی خداوند سبحان - ای تو معمار ابواب ایمان
از توشدن نور ایمان درخشان - تو کریمی توئی باب احسان
ای حسن ای حسن ای حسن جان
ای توفرزند پاك پیمبر - نورچشمان زهرا وحیدر
دشمنت روسیاه است و ابتر - دوستان توا ز اهل ایمان
ای حسن ای حسن ای حسن جان
تو امام و امیر عبادی - چون توان در جهان پانهادی
بیت زهرا شده بیت شادی - شدمدینه از آنرو چراغان
ای حسن ای حسن ای حسن جان
شام میلاد توروزه داران - هم مصلین و شب زنده داران
شاد و خوشحال با جمع یاران - شاد و خندان بود اهل ایمان
ای حسن ای حسن ای حسن جان
ماه مهمانی کردگار است - ماه آن ماه شب زنده دار است
ماه آن شاه و لاتبار است - نیمه ماه از او شد فروزان
ای حسن ای حسن ای حسن جان
آمد آنکوه خلقش حسن بود - سبط آن احمد مؤمن بود
آنکه خود عطری از یاسمن بود - آنکه زوگشته مولود احسان
ای حسن ای حسن ای حسن جان
سبط احمد شه دین و دنیا - آمد و گشته شادی مهیا
شاد و خندان علی هست و زهرا - هم محمد بود شاد و خندان
ای حسن ای حسن ای حسن جان
آن حسن طلعت و آن شکیبا - شد زمیلاش این ماه زیبا
دلنشین و سعید و فریبا - چون زمهر آمد آن ماه تابان

ای حسن ای حسن ای حسن جان
 او حسن بود و هم مجتبی بود - اسوه صبر و صلح و صفا بود
 بر رضای خدایش رضا بود - باقری او بود رکن ایمان
 ای حسن ای حسن ای حسن جان

ای غریب اندر مدینه

اشعار سروده شده در مدینه و مکه

ای غریب اندر مدینه - از جفا و ظلم و کینه
 دوستانِ تو همیشه - زین مصیبت دل غمینه
 تو امامِ مجتبیایی - تو صبور اندر بلایی
 مصطفی را نورِ عینی - تو گلِ باغِ ولایی
 سیدی مولا حسن جان - سیدی مولا حسن جان
 گشته ای با زهرِ کینه - تو شهید اندر مدینه
 جعه کرده کارِ خود را - شیوه دشمن همینه
 سیدی مولا حسن جان - سیدی مولا حسن جان
 گفتی ای خواهر بیاور - طشتی اکنون در برِ من
 خونِ دل‌هایی که خوردم - ریزد اینک از سرِ من
 سیدی مولا حسن جان - سیدی مولا حسن جان
 ای حسین جانِ برادر - ای ابا الفضلِ دلاور
 میروم از دارِ دنیا - در کنار جد و مادر
 سیدی مولا حسن جان - سیدی مولا حسن جان
 در بقیع اکنون غریبم - با غم و رنج عجیبم
 من ندارم سایبانی - از عدوی نا نجیبم
 سیدی مولا حسن جان - سیدی مولا حسن جان
 هر کسی از راهِ دوری - در بقیع آید سراغم
 زیرِ نورِ مه ببیند - قبرِ بی شمع و چراغم
 سیدی مولا حسن جان - سیدی مولا حسن جان
 زینتِ دوشِ نبی و - این همه ظلم و ستمها

توبنال ای باقری پور - زین مصیبت زین المها
 سیدی مولا حسن جان - سیدی مولا حسن جان
 سروده شده ۹۱/۴/۷ در مدینه منوره

من امام مجتایم

من غریبم در مدینه - از جفا و ظلم و کینه
 دوستان من همیشه - زین مصیبت دل غمینه
 من امام مجتایم - من صبور اندر بلایم
 مصطفی را نور عینم - من گل باغ ولایم
 گشته ام با زهر کینه - من شهید اندر مدینه
 جعه کرده کار خود را - شیوه ی دشمن همینه
 تو بیاور خواهر من - طشتی اکنون در بر من
 خون دلهایی که خوردم - ریزد اینک از سر من
 ای حسین جان ای برادر - ای ابا الفضل دلاور
 میروم از دار دنیا - در کنار جد و مادر
 در بقیع اکنون غریبم - گشته است غربت نصیبم
 من ندارم سایبانی - از عدوی نانجیبم
 هر کسی از راه دوری - در بقیع آید سراغم
 زیر نور مه ببیند - قبر بی شمع و چراغم
 زینت دوش نبی و - اینچنین ظلم و ستمها
 توبنال ای باقری پور - زین مصیبت زین المها

غبار غم بر چهره عالم

غبار غم بر چهره عالم نشسته - سبط نبی از این جهان چون دیده بسته
 علی خورد خون جگر - زهرا کند پسرپسر
 الله اکبر الله اکبر - الله اکبر الله اکبر
 حسن ز جور آشنا خون در دلش شد *** تا همسر نامهربانش قاتلش شد
 از لب و لعل گهرش - برون بریزد جگرش

الله اكبر الله اكبر - الله اكبر الله اكبر
 تا زنده بود از آل سفیان ظلمها دید - بعد شهادت زال مروان هم جفا دید
 کنار قبر مادرش - شد تیر باران پیکرش
 الله اكبر الله اكبر - الله اكبر الله اكبر
 ناله سر قبرش حسین سبط پیمبر - گوید برادر یا حسن با دیده تر
 بودی تو یار و یاورم - بعد از علی و مادرم
 الله اكبر الله اكبر - الله اكبر الله اكبر
 دیدی تو از دنیا پرستان ظلم بیحد - دیدی جفا زان کینه دل، آن دیو و آن در
 با قلب پر خون از جفا - رفتی تو از دار فنا
 الله اكبر الله اكبر - الله اكبر الله اكبر
 دیگر نگردي خونجگر از جور عدوان - دیگر نبینی ظلمها از آل سفیان
 راحت شدی از حزن و غم - دیگر نمی بینی ستم
 الله اكبر الله اكبر - الله اكبر الله اكبر
 آیا شود من بر سرم روغن بمالم - عطر ز منم، شانه کنم، زیبا جمالم
 باشد سر تو روی خاك - پر خاك و خون آن جسم پاك
 الله اكبر الله اكبر - الله اكبر الله اكبر
 من از غم تو ای برادر بی قرارم - گریم شب و روز از غمت ای گلعدارم
 گرید برایت مؤمنین - هم باقری دلغمین
 الله اكبر الله اكبر - الله اكبر الله اكبر

ناله سر قبر حسن سبط پیمبر

ناله سر قبر حسن سبط پیمبر - گوید برادر یا حسن بادیده تر
 راحت شدی تو از ظلم عدوان - مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان
 دیگر نگردي خونجگر از جور عدوان - دیگر نبینی ظلمها از آل سفیان
 راحت شدی تو از غصه و غم - دنیا برایت شد غرق ماتم
 دیدی تو از دنیا پرستان ظلم بیحد - دیدی جفا زان کینه دل آن دیو و آن در
 با قلب پر خون رفتی ز دنیا - راحت شدی از رنج و المها
 آیا شود من بر سرم روغن بمالم - یا که ز منم عطر و کنم زیبا جمالم
 راس تو باشد بر خاك و خونین - ای یادگار طه و یاسین

من از غم تو ای برادر بی قرارم - گریم شب و روز از غمت ای گلزارم
 گرید برایت هر با سعادت - گریان نگردد روز قیامت
 دنیا پس از توای برادرشام تا راست - از هجرتواین خواهرانت بی قرار است
 هم نوحه گردشاین شیعیان - هم با قری پورهم دوستانت

اشعار سروده شده در مدینه و مکه

بقیع مدفن پاک چهارمعصوم است
 بقیع مسکن آن اولیای مظلوم است
 بقیع قطعه ای از آن بهشت عدن بود
 بهشت روی زمین در بقیع مکتوم است
 سروده شده در مدینه منوره ۹۱/۴/۸

یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجّاد

ای چارتن نور خدا - مدفون شده اندر بقیع
 از ظلم و جور دشمنان - دلخون شده اندر بقیع
 از غصّه و غم ماهمه - مجنون شده اندر بقیع
 یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجّاد
 مظلوم عالم یا حسن - ای خفته در خاکِ بقیع
 با جسم مجروح از جفا - در دامنِ پاکِ بقیع
 مظلوم تر حال تویی - در دشتِ غمناکِ بقیع
 یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجّاد
 ای سید و سالارِ دین - سجّاد زین العابدین
 از ظلم از جورِ هشام - تو گشته ای مسموم کین
 مدفون شدستی در بقیع - در جنبِ عمّ نازنین
 یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجّاد
 مدفون شدی اندر بقیع - ای باقرِ علمِ نبی
 اندر کنارِ بابِ خود - کز زهر در تاب و تبی
 قبرت ندارد خانه ای - از ظلم و جور اجنبی

یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجاد
 ای صادق آل نبی - استاد دانشگاه دین
 از زهر منصور شقی - گشتی شهید راه دین
 مدفون شدستی در بقیع - اندر کنار مؤمنین
 اندر کنار مجتبی - باقر و زین العابدین
 یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجاد
 هان خفته اید اندر بقیع - بی بقعه و صحن و حرم
 بی احترامیها شده - بر آن قبور محترم
 از دشمنان آل س - اینسان که بینی لاجرم
 یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجاد
 امّا میان قبرها - يك قبر نا پیدا بود
 آن قبر پاکِ حضرت - خیرالنسا زهر بود
 ای باقری این عقده ای - اندر دل ماها بود
 یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجاد
 یا باقر، یا صادق، یا مجتبی، یا سجاد

مدایح امام حسین علیه السلام واهلبیت

سروشی سوّم شعبان سرود این نغمه ی شیوا - که بشگفته است امشب درگلستان نوگلی زیبا
قدم بگذاشته در این جهان آزاده ای امشب - به یمنِ مقدمِ او شاد گشته حیدرو زهرا

بوی عطرو گل و عنبر ز فضا می آید - عطرِ خوشبویِ محمّد ز صبا می آید
نوگل مصطفوی گشته شکوفا امشب - پنجمین نور زاصحابِ کسا میآید

میلاد گلی زگلشنِ آلِ علی است - روشن دلِ ما امشب ازاین نور جلی است
عشقِ دگری به ما ندارد ارزش - تا بر دل ما عشق حسین ابن علی است

میلاد حسین بن علی یاورِ دین است - آنکو که بحق یاورِ نام آورِ دین است
آمد به جهان آنکه قیامش به محرم - درکربلا ناصرو احیاگرِ دین است

در سوّم شعبان همه جا لطف و صفاشد - میلادِ حسین شاه و امیرشهدا شد
در حیرتم از اینکه شبِ ومیلاد و سرورش - شادی و سرورِ همه با شور و نواشد

امشب که فضا پرشده از بوی حسین - عطر گلِ لاله آید از سوی حسین
ای فطرس پر سوخته بیاتاکه رویم - باهم همه برزیارتِ روی حسین

میلاد حسین نوگلِ زهراست امشب - گیتی ز رخسِ طور تجلّا ست امشب
ده مژده ی جانبخش به فطرس زیرا - میلادِ شفا بخش به دلهاست امشب

روزمیلادحسین زاده زهراباشد - آنکه اندردوجهان تاج سرما باشد
به نثار قدمش ما همه با هم صلوات - محفل عشق حسینی چه مصفا باشد

روز میلاد حسین انس و ملک شاد بود - فطرس غمزده ازغمکده آزاد بود
ماههمه فطرس محزون گرفتار استیم - چشم ما سوی حسین از پی امداد بود

میلاد مسعود خون خدا باشد

میلاد مسعود خون خدا باشد - جشن و چراغان در، ارض و سما باشد
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم
 از مقدم او شد دلشاد پیغمبر - هم جبرئیل و هم زهرا و هم حیدر
 هم فطرس محزون بشکسته بال و پر - چون روز میلاد خون خدا باشد
 میلاد مسعود خون خدا باشد - جشن و چراغان در، ارض و سما باشد
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم
 بیت علی امشب نور علی نور است - پیغمبر اکرم شادان و مسرور است
 بوجهل و بوسفیان از غصه رنجور است - چون روز میلاد شمس ضحی باشد
 میلاد مسعود خون خدا باشد - جشن و چراغان در، ارض و سما باشد
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم
 بهر مبارکباد جبریل باز آمد - نزد پیغمبر از راه دراز آمد
 گفتا که بهر دین اینک تراز آمد - چون روز میلاد نور خدا باشد
 میلاد مسعود خون خدا باشد - جشن و چراغان در، ارض و سما باشد
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم
 به به عجب روزی جشن و چراغان است - خلد برین امروز آئینه بندان است
 شیرینی و شربت بر ما فراوان است - چون روز میلاد شاه هدی باشد
 میلاد مسعود خون خدا باشد - جشن و چراغان در، ارض و سما باشد
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم
 فطرس زغم امروز آزاد گردیده - پیغمبر و زهرا دلشاد گردیده
 جنت ز خوشحالی آباد گردیده - چون روز میلاد فجروضحی باشد
 میلاد مسعود خون خدا باشد - جشن و چراغان در، ارض و سما باشد
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم
 خلد برین امروز یک میهمان دارد - بر تخت زرینش شاه جهان دارد
 شاه زمین را در هفت آسمان دارد - او سبط پیغمبر روحی فدا باشد
 میلاد مسعود خون خدا باشد - جشن و چراغان در، ارض و سما باشد
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم
 یثرب بخود امروز دیده است نوزادی - باشد همین نوزاد سلطان آزادی
 ای باقری اینک شد موسم شادی - چون گاه میلاد صدق و صفا باشد

میلاذ مسعود خون خدا باشد - جشن و چراغان در، ارض و سما باشد
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم
 حسین حسین جانم حسین حسین جانم - حسین حسین جانم حسین حسین جانم

حیّ علی العزاء * حیّ علی البكاء

حیّ علی العزاء - حیّ علی البكاء - فی ماتم الحسین - مظلوم کربلا
 ماه عزاشده - شور و نواشده - هرکوی و برزنی - بزم عزاپیا
 حیّ علی العزاء - حیّ علی البكاء - فی ماتم الحسین - مظلوم کربلا
 ماه محرم است - اندوه و ماتم است - درقلب شیعیان - بر شاه اولیا
 حیّ علی العزاء - حیّ علی البكاء - فی ماتم الحسین - مظلوم کربلا
 اندرغم حسین - عالم بشوروشین - نام حسین بود - زینت برای ما
 حیّ علی العزاء - حیّ علی البكاء - فی ماتم الحسین - مظلوم کربلا
 جنّ و ملک شده - عرش و فلک شده - در ماتم حسین - غرق غم و عزا
 حیّ علی العزاء - حیّ علی البكاء - فی ماتم الحسین - مظلوم کربلا
 رخت سیه ببر - شال عزابسر - بنما توباقری - در این مه عزا
 حیّ علی العزاء - حیّ علی البكاء - فی ماتم الحسین - مظلوم کربلا
 یاحسین یا ثار الله - یاحسین یا ثار الله - یاحسین یا ثار الله

ماه خون ماه محرم آمده

ماه خون ماه محرم آمده - ماه اشک و آه و ماتم آمده
 باز از نو روز عاشورا شده - دل پریشان حضرت زهرا شده
 باز شد تجدید حزن و اشک و آه - باز لعنت بر یزید رو سیاه
 ماه حزن آل احمد آمده - ماه غم بهر محمد آمده
 گفت صادق اینچنین یابن الشّیب - باش محزون از برای آن غریب
 شیعیان را آمده ماه عزا - بر حسین آن یادگار مصطفی
 شیعیان را آمده ماهی دگر - در عزای زاده خیر البشر
 ماه ماه بی وفائیها بود - ماه ظلم و بی پناهیها بود
 بی وفائی شد در این مه آشکار - از گروهی بی وفای روزگار

بی وفائیه‌ها شده از کوفیان - با حسین بعد از امیر مؤمنان
 کوفیان کردند دعوت از حسین - از برای خنجر و تیرو سُنین
 کوفیان بس نامه‌ها بنوشته‌اند - ریسمانها از خیانت رشته‌اند
 چونکه شد از کوفیان بی وفا - نامه‌ها سوی عزیزِ مصطفی
 شد حسین و یاوران سوی عراق - با زن و فرزند و با زین و یراق
 آمد و آمد شهنشاهِ حجاز - طی نمود این راه بس دور و دراز
 چون بنزدیکِ فرات آن شه رسید - زین طرف ده صد سوار از ره رسید
 راه‌ها بستند با صدها سوار - عاملانِ آن یزیدِ نابکار
 راه پیش و پس نبود آنجا دگر - از برای زاده خیر البشر
 آخرین منزل زمینِ کربلا - گشت طبقِ وعدهِ قالوا بلی
 حال بنگر قصه این میهمان - کامده با نامه‌های کوفیان
 کوفیان با او چه کردند از عناد - دست بیعت داده با ابن زیاد
 متحد با شامیانِ رو سیاه - بر علیه آن غریبِ بی پناه
 راه‌ها بستند و آنکه آب را - سربریده تشنه لب میراب را
 آب بُد مهریه دختِ نبی - تشنه لب اینک زن و مرد و صبی
 العطش گویانِ صغیر و هم کبیر - جمله از مرد و زن و بُرنا و پیر
 چون صدای العطش درخیمه‌ها - شد بلند از شیرخوار و بچه‌ها
 شد روان سقا سوی شط فرات - تا رساند خیمه زان آب حیات
 کف بزیر آب برد آن با وفا - تا خورد یک جرعه آبی با صفا
 یک یادی کرد از لب تشنگان - که بلند است آهشان بر آسمان
 آب کف را داد از کف بی درنگ - مشک را بردوش کرد و شد به جنگ
 بی مها با زد به قلبِ آن سپاه - برگروه بی حیای دین تباه
 اسب را میتاخت سوی خیمه‌ها - تا رساند آب را بر بچه‌ها
 یک تیری از عدو بر مشک شد - چشم سقا پرزخون و اشک شد
 با کمینهای زاعدا یلید - تشنه لب شد حضرت سقا شهید
 تشنه کامان همچنان در خیمه‌ها - تشنه لب ماندند با افغان و آه
 در تلظی اصغر است آن شیرخوار - واز عطش گریان چو ابر نو بهار
 برد بابش سوی آن میدانِ تیر - تا دهند آبی بر آن طفل صغیر
 حرمه تیر سه شعبه درکمان - برگلوی اصغر آمد ناگهان

جای تیر از آب سیرایش نمود - اندر آغوش پدر خوابش نمود
 تشنه لب اکبر به میدان می‌رود - سوی میدان او خرامان می‌رود
 العطش گویان و با قلب کباب - باز گردد سوی خیمه نزد باب
 جرعه آبی نباشد در خیام - تاخورد آن زاده خیر الانام
 باز می‌گردد سوی میدان کین - همراه او حضرت روح الامین
 با لب تشنه همی رزمند علی - در فرار از پیش او هر پدرلی
 عاقبت شد با لب عطشان شهید - نزد جدش مصطفی شد رو سپید
 سرور لب تشنگان در قتلگاه - رو کند با شامیان رو سیاه
 مردمان یک جرعه ی آبم دهید - محض جدو مادر و بام دهید
 این فرات و آب مهر مادرم - هست و من ذریه پیغمبرم
 لیک شد پاسخ زشمر روسیاه - تیغ تیز و خنجر و حلقوم شاه
 سرور لب تشنگان لب تشنه رفت - آب خورد از تیغ تیز و دشنه رفت
 عصر عاشورا سر آن نازنین - شد بریده از بدن با ظلم و کین
 تشنه لب راسش بریدند از قفا - شد زمین در زلزله از آن جفا
 قرص خورشید اندر آن دم خون گرفت - وحش و طیر از غم ره هامون گرفت
 یک صدایی زمین و آسمان - شد بلند آمد بگوش مردمان
 گفت با صوتی بلند و منجلی - قد قتل اینک حسین بن علی
 زینب و اهل حرم از خیمه ها - جمله سر کردند آه و ناله ها
 با صدای یا حسین و یا حسین - رو بسوی قتلگه با شور و شین
 بر سر و سینه زنان، نوحه کنان - خواهران و دختران و کودکان
 باقری گوید به صبح و ظهر و شام - بر لبان تشنه ات از ما سلام
 السلام ای زاده زهرا حسین - السلام ای نور چشم عالمین
 السلام ای شاه بی غسل و کفن - السلام ای کشته دور از وطن
 السلام ای وارث عیسی و نوح - السلام ای شاه با قر و شکوه
 السلام ای زاده خون خدا - السلام ای شاه مصباح الهدا
 وارث موسی و آدم السلام - وارث زهرا و خاتم السلام
 ای حسین ای زاده خیر الانام - بر تو تا صبح قیامت السلام
 السلام ای زاده ی زهرا حسین - السلام ای نور چشم عالمین

میرسد باز محرم

میرسد باز محرم - موسمِ عزا و ماتم
 آمده باز محرم - موسمِ عزا و ماتم
 ماهِ مردانِ خدا شد - موسمِ شور و نوا شد
 ماهِ خون، ماهِ حسین است - ماهِ شاهِ عالمین است
 ماهِ زینب، ماهِ عباس - ماهِ پر شدنِ یاس
 ماهِ اکبر، ماهِ اصغر - ماهِ آن گل‌های پریز
 ماهِ کلثوم و زُقیّه - ماهِ صغرا و سُکینه
 ماهِ زین العابدین است - ماهِ قتلِ شه‌دین است
 ماهِ صبر و استقامت - ماهِ مردی و شهامت
 ماهِ جانبازی یاران - در ره یاریِ قرآن
 ماهِ سرهایِ به نیزه - از عربهایِ عُنیزه
 ماهِ خونینِ تنِ شاه است - در میانِ قتلگاه است
 همه جا شورو نوا شد - همه جا روضه بپا شد
 همه جا کشور ایران - شورِ عاشورا بپا شد
 همگی گشته سیه پوش - علمِ حسینی بر دوش
 همه عاشقِ حسینند - همه یارِ زینب‌نند
 همگی غرقِ عزا یند - به هوایِ کربلا یند
 همگی با چشمِ گریان - از ستمها همه حیران
 همگان سینه زن‌اند - بر حسین ناله کن‌اند
 همه جا مجلسِ روضه - گریه و ناله و نوحه
 بر لبِ جمله‌ی ماها - نوحه و ذکر و دعاها
 همه جا ذکرِ حسین است - یاد شاهِ عالمین است
 بر لبِ جمله عزیزان - یا حسین شاهِ شهیدان
 باقری ماهِ محرم - آمده با اشک و ماتم
 آمده باناله و آه - آمده با اشکِ جانکاه

رخت عزا دربرکنید

جانم حسین جانم حسین - ای جان جانانم حسین
 رختِ عزا دربرکنید - ماهِ محرم آمده
 خاکِ عزا برسرکنید - ماهِ محرم آمده
 جانم حسین جانم حسین - ای جان جانانم حسین
 ایام شادی رفته و - ایام ماتم آمده
 ایام سوگِ اشرف - اولادِ آدم آمده
 جانم حسین جانم حسین - ای جان جانانم حسین
 برسر درِ هر خانه ای - یک پرچمی برپاشده
 یعنی محرم آمده - ایام عاشوراشده
 جانم حسین جانم حسین - ای جان جانانم حسین
 بهر حسین بن علی - نوحه کنان زهراشده
 در هر خیابان و محل - یک مجلسی برپاشده
 جانم حسین جانم حسین - ای جان جانانم حسین
 نوحه کنان، سینه زنان - با اشک وبا آه و فغان
 هر مسجد و هر خانه ای - مردوزن و پیرو جوان
 جانم حسین جانم حسین - ای جان جانانم حسین
 ماه محرم آمده - برپاشده بزم عزا
 ای باقری در هر محل - بهر شهید کربلا
 جانم حسین جانم حسین - ای جان جانانم حسین
 جانم حسین، حسین، حسین - جانم حسین، حسین، حسین
 حسین، حسین، حسین، حسین
 حسین، حسین، حسین، حسین

آمد محرم = ایام ماتم

حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان
 آمد محرم = ایام ماتم - آمد بدشت کربلا یک کاروان غم
 حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان

ماه عزاشد = ماتم بپاشد - سبط نبی وارد بدشت کربلا شد
 حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان
 شاه شهیدان = باخیل یاران - با غصه و غم وارد دشت بلا شد
 حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان
 باظلم و کینه = او از مدینه - عازم بسوی مکه و کربلا شد
 حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان
 قبل از محرم = آن شاه عالم - از مکه سوی سرزمین نینوا شد
 حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان
 در راه جانان = بگذشته از جان - از ملک و مال و خانمان خود جدا شد
 حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان
 منزل بمنزل = یک کاروان دل - صد دل نموده یکدل و سوی خدا شد
 حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان
 دردشت و صحرا = آن شاه بطحا - ای باقری با ظلم و کینه مبتلا شد
 حسین حسین جان، حسین حسین جان - حسین حسین جان، حسین حسین جان

دوم ماه محرم

دوم ماه محرم کربلا شد شورو ماتم - وارد کربلا شد کاروانی همدم غم
 بوی غربت، بوی محنت بر مشام آید دمام - رهبر این کاروان است سرورو مولا حسین جان
 یاحسین جانم حسین جان - یاحسین جانم حسین جان
 اسب آقا اندر آنجا پایکوب اندر زمین است - گفت آقا نام اینجا باغم و محنت قرین است
 بار بگشائید کاینجا ایستگاه آخرین است - میشود آخر در اینجا بی کس و تنها حسین جان
 یاحسین جانم حسین جان - یاحسین جانم حسین جان
 ای جوانان اندر اینجا خیمه ها بر پا نمائید - بار اندازید اینجا مسکن و ماوی نمائید
 بهر محنت اندر اینجا خویش پا برجا نمائید - چون کند آخر در اینجا منزل و ماوی حسین جان
 یاحسین جانم حسین جان - یاحسین جانم حسین جان
 خیمه ها کردند بر پا اندر آن دشت و بیابان - چون بفرمان حسینی نوجوانان و جوانان
 آخرین منزل شد آنجا بهر آن پاکیزه جانان - از ازل بوده است اینجا منزل آقا حسین جان
 یاحسین جانم حسین جان - یاحسین جانم حسین جان
 خیمه های هشت روزه اندر آن صحراست بر پا - آتش کین و عداوت خیمه ها را کنده از جا

خیمه گاهی بس مجلّل جای آن گشته مهیا - باقری در کربلا بین خیمه مولا حسین جان
یا حسین جانم حسین جان - یا حسین جانم حسین جان

دوم ماه محرم چون بدشت کربلا

یاس میگوید حسین احساس میگوید حسین - جمله جنّ و ملک والنّاس میگوید حسین
دوم ماه محرم چون بدشت کربلا - شد حسین بن علی بامحنت ورنج وبلا
بازنان و کودکان ویاوران جان نثار - در پی فرمان یزدان جملگی قالوبلی
انتخاب حق زین النّاس میگوید حسین - یاس میگوید حسین احساس میگوید حسین
خیمه هاشد بر سر پا اندان دشت و دیار - بهر یاران حسینی آن شه والا تبار
لیک بودی خیمه ها نا امن از ظلم یزید - چونکه باشد آل سفیان کینه توز و نابکار
شمر دون با خنجر الماس میگوید حسین - یاس میگوید حسین احساس میگوید حسین
روز هفتم آب رابستند بر آل رسول - آب هم آبی که باشد مهر زهرای بتول
روز هشتم آب شد کمیاب اندر خیمه ها - روز تا سوعا همه از تشنگی زار و ملول
آب هم باناله و احساس میگوید حسین - یاس میگوید حسین احساس میگوید حسین
روز عاشور البّ خشکیده و قلب کباب - کودکان تشنه لب در زیر هُرم آفتاب
اصغری شیر هم اندر کنار نهر آب - میزند پرپر بر بروی دست مام خود رباب
هم لبان تشنه عبّاس میگوید حسین - یاس میگوید حسین احساس میگوید حسین
عصر عاشورا حسین اندر میان قتلگاه - گفت با آن شامیان بی حیای روسیاه
باچه جرمی میکشیدم ای گروه کینه جو - لا اقل آبی دهیدم ای گروه دین تباه
باقری با ناله و احساس میگوید حسین - یاس میگوید حسین احساس میگوید حسین
یا حسین و یا حسین و یا حسین - یا حسین و یا حسین و یا حسین و یا حسین

دوم ماه محرم کربلا ماتم سراشد

دوم ماه محرم کربلا ماتم سراشد - کاروانی از مدینه وارد کربلا شد
گشته بر پا شور و غوغا - در میان آل طاهّا
یا حسین یا ثار الله یا حسین یا ثار الله - یا حسین یا ثار الله یا حسین یا ثار الله
چونکه شد وارد بدشت کربلا فرزندان زهرا - لشکر اندوه و ماتم پر نمود آن دشت و صحرا
جمله ی دلها غمین شد - پرزاه آتشین شد

یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ - یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ
 سبط پیغمبر بگفتانام این صحرا چه باشد - علت این ترس و وحشت این همه غمها چه باشد
 کربلا گراین زمین است - باغم و محنت عجیب است
 یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ - یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ
 آدم موسی و عیسی اندر این جا گریه کرده - نوح و ابراهیم و یحیی اندر این جا نوحه کرده
 این زمین با حزن و ماتم - از ازل گردیده توام
 یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ - یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ
 خیمه هابرا کنیدی نوجوانان و جوانان - آخرین منزل بود این جا ز بهر ماعزیزان
 من که بر عالم پناهم - باشد این جا قتلگاهم
 یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ - یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ
 خیمه هابرا پاشده امروز در آن دشت و صحرا - لیک در شام غریبان کنده شد از ظلم اعدا
 آتش اندر خیمه دین - زد عبیداللہ بی دین
 یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ - یاحسین یا ثاراللہ یاحسین یا ثاراللہ
 شعله ها از خیمه ها و دود آن بر بام کیوان - کودکان پابرنه دشت پر خار مغیلان
 باقری بنگر چه ها شد - ظلم بر آل عباشد

آمدی در کربلا با خیل یارانت حسین جان

آمدی در کربلا با خیل یارانت حسین جان - باتمام یاوران و جان نثارانت حسین جان
 عالمی در شور و شین است - ذکر هستی یاحسین است
 یاحسین جانم فدایت - یاحسین جانم فدایت
 آمدی با زینب و کلثوم و هم عباس و اکبر - آمدی با عون و عبداللہ و سجاد و هم اصغر
 کربلایت پر بلا شد - قبله ی اهل ولا شد
 یاحسین جانم فدایت - یاحسین جانم فدایت
 آمدی اندر منای کربلا تو ای حسین جان - تا کنی در راه قرآن جان فدا تو ای حسین جان
 حجّ تو در کربلا شد - قتلگاه تو مناشد
 یاحسین جانم فدایت - یاحسین جانم فدایت
 تو فدا گشتی ولی اسلام و دین رازنده کردی - دین حق را در جهان جاوید و هم پاینده کردی
 از سرو جانت گذشتی - خود تو ثاراللہ گشتی
 یاحسین جانم فدایت - یاحسین جانم فدایت

باقری یالیتناکئا معک گوید حسین جان - راه حق راه نبی راه تورا پوید حسین جان
 توشهید کربلایی - درره حق جان فدایی
 یاحسین جانم فدایت - یاحسین جانم فدیت

هفتم محرم است

السلام ای تشنه لب یاحسین بن علی - السلام ای تشنه لب یاحسین بن علی
 هفتم محرم است - روز اندوه و غم است - بسته شد آب روان - روز حزن و ماتم است
 العطش در کربلا - شد بلند از خیمه ها - چون شده قحطی آب - ناله اندر سما
 بسته شد راه فرات - بر عزیز مصطفی - آب را ممنوع کرد - ابن سعدی حیا
 بین دو آب روان - گشته است قحطی آب - گشته دشت کربلا - از عطش همچون سراب
 شد موکل بر فرات - عده ای از شامیان - بر حسین و اهل بیت - بسته شد آب روان
 نامه های بی شمار - بر حسین از کوفیان - کرد دعوت تاحسین - شد بر آنها میهمان
 شد چو سبط مصطفی - وارد آن سرزمین - لیکن از آن کوفیان - نقض پیمان را ببین
 احترام میهمان - هست فرمان رسول - لیک بر این میهمان - شد از آن فرمان عدول
 کس ندیده در جهان - میهمانی تشنه لب - لیک شد این میهمان - تشنه لب یاللعجب
 کوفیان بر میهمان - تیغ تیز افراختند - میهمانان تشنه لب - کربلا جان باختند
 اکبر و اصغر ببین - شد لب تشنه شهید - در کنار نهر آب - وای از این ظلم یزید
 روز عاشورا حسین - در میان قتلگاه - گفت مردم تشنه ام - با فغان و سوز و آه
 پاسخی نشنید جز - دشنه شمر پلید - تشنه لب ای باقری - شد حسین ماشهید
 السلام ای تشنه لب یاحسین بن علی - السلام ای تشنه لب یاحسین بن علی
 یاحسین و یاحسین - یاحسین و یاحسین - یاحسین و یاحسین - یاحسین و یاحسین

هفتم ماه محرم آمده

هفتم ماه محرم آمده - موسم زاری و ماتم آمده
 نامه ای آمد به بن سعد دغا - از عبید الله پست بی حیا
 اندر آن نامه چنین بنوشته بود - پایه ظلم و جفا را هشته بود
 آب را بر بند بر سبط رسول - تا نماید بیعت ما را قبول
 شد حلال آن آب بر هر خاص و عام - لیک بر سبط نبی باشد حرام

ای حسین بن امیر المؤمنین - ای تو زمزم ، کوثر و ماء معین
 بابِ تو خود ساقی کوثر بود - مامِ تو خود شافع محشر بود
 لیکِ تو لب تشنه از قحطیِ آب - در کنا رشط بود قلبت کباب
 آب را بستند بر رویت ز کین - آن گروه بی حیا ، قوم لعین
 از عطش نا لد مکرر زار زار - در میان خیمه طفل شیرخوار
 این ستم را بین زاعدای شیر - تیر پیکان و گلوئی آن صغیر
 باقری بس کن تو شرح ما جرا - چونکه نتوانی بیان این قصه را

هفتِ محرم - شد شورو ماتم

هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم
 شمر آمده در کربلا - هفتِ محرم - شد کربلا غرق بلا - اندوه و ماتم
 هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم
 آب روان در خیمه ها - کمیاب گشته - غمگین برای اهل بیت - اصحاب گشته
 هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم
 شمر لعین وارد به دشتِ کربلا شد - چون آمده شمر لعین - غوغا بپا شد
 هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم
 چون آمده در کربلا - آن شمر خونخوار - وارد شده در خیمه ها - غمهای بسیار
 هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم
 چون بسته شد آب روان - شد آب کمیاب - خون شد روان بهر حرم - از چشم اصحاب
 هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم
 اصغر شده از تشنگی - در شورو غوغا - از خیمه های شاهِ دین - شد ناله برپا
 هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم
 اهل حرم از تشنگی - در اضطراب است - در خیمه های شاهِ دین - قحطی آب است
 هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم
 ای باقری باشد حسین - مظلوم و تنها - از تشنگی در کربلا - شد ناله برپا
 هفتِ محرم - شد شورو ماتم - در کربلا شد قحطِ آب - ای وای از این غم

سروده شده هفت محرم ۱۳۹۲

روز هفتم نامه ای آمد بدشت کربلا

روز هفتم نامه ای آمد بدشت کربلا - از عُبَیداللَّهِ بی دین سوی بن سعد دغا
اندر آن نامه چنین بنوشته بود آن سنگدل - بایدا ز امر و زبندی آب بر آلِ عبا
آب از ایندم بود بر گیر و نصرانی حلال - لیک ندهی جرعه ای از آن به آلِ مصطفی
آنچنان کار عطش در کربلا بالا گرفت - کاسمان چون دود شد بر چشمِ آلِ مصطفی
هر چه گفتند العطش اطفالِ شاه تشنه لب - باقری آبی ندادند آن گروه بی حیا

آب روان را بر آن تشنگان بستند

آب روان را بر آن تشنگان بستند - برآل پیغمبر آب روان بستند
ای کوفیان نبود این رسم مهمانی - آب روان را بر مهمان بیدانی
بر میهمان گردی تو دشمن جانی - بر میهمان امروز آب روان بستند
آب روان را بر آن تشنگان بستند - برآل پیغمبر آب روان بستند
آبی که باشد آن مهریه ی زهرا - بستند بفرزندش آن فرقه ی اعدا
لب تشنه کشتندش اندر لب دریا - آب روان را بر آن میهمان بستند
آب روان را بر آن تشنگان بستند - برآل پیغمبر آب روان بستند
در روز عاشورا اولاد پیغمبر - در کربلا عطشان از اکبر و اصغر
با حالتی اندوه، عباس نام آور - چون راه شط بر آن شیرزبان بستند
آب روان را بر آن تشنگان بستند - برآل پیغمبر آب روان بستند
با کام خشکیده آن اصغری شیر - بابا ز بهر او گردیده بس دلگیر
بردش سوی میدان شاید که گردد سیر - تیرسه پر دادند آب روان بستند
آب روان را بر آن تشنگان بستند - برآل پیغمبر آب روان بستند
ای باقری بنگراین رسم مهمانی - که طفل بی شیری گردیده قربانی
یک جرعه آبی شد با قیمت جانی - جانی گرفتند و آب روان بستند
آب روان را بر آن تشنگان بستند - برآل پیغمبر آب روان بستند

هفتم ماه محرم

هفتم ماه محرم - کربلا شد وادی غم
شمردون آمده زان رو - کربلا شد دشت ماتم

چون شمر بد اختر بایک سپاه آمد - با نامه ای خونبار آن روسپاه آمد
 جانم حسین جانم - جانم حسین جانم
 هفتم ماه محرم - بستن آب فرات است
 به روی حسین مظلوم - که سفینه النجاة است
 چونکه یزید دون کرده است منع آب - با آنکه حیوانات گردند از آن سیراب
 جانم حسین جانم - جانم حسین جانم
 هفتم ماه محرم - کربلا قحطی آب است
 در حرم آب نباشد - تشنه لب طفل رباب است
 عمرو بن حجاج و پانصد سوار او - آب روان بستن شد افتخار او
 جانم حسین جانم - جانم حسین جانم
 هفتم ماه محرم - العطش ذکر لبان است
 چون شده قحطی آب و - ناله ها بر آسمان است
 اهل حرم نالان چون آب شد کمیاب - اصغره گهواره گرید برای آب
 جانم حسین جانم - جانم حسین جانم
 هفتم ماه محرم - تشنه لب اصغر بی شیر
 همه اطفال حسینی - ز عطش در غم و دلگیر
 اندر تلطی شد اصغر زبی آبی - ای باقری اصغر نالان زبی تابی
 جانم حسین جانم - جانم حسین جانم
 جانم حسین جانم - جانم حسین جانم

هفتم ماه محرم شمر دون بی حیا

السلام ای تشنه کامان در دیار کربلا - السلام ای تشنه کامان در دیار کربلا
 هفتم ماه محرم شمر دون بی حیا - باپایمی از یزید آمد بدشت کربلا
 آب رابگبر و نصرانی نمودم من حلال - لیک آن ممنوع میگردد به آل مصطفی
 یابن سعد این نامه بنماید بتو حجت تمام - تابگیری از حسین و یاورانش انتقام
 همچنانکه تشنه لب شد کشته عثمان آن زمان - کشته گردد این زمان لب تشنه یاران امام
 آب شدمهریه زهرا به امر کردگار - در زمان ازدواجش باشد دلدل سوار
 لیک فرزندان او گشتند ممنوع از فرات - شد به فرزندان زهرا ظلم اینسان آشکار
 بین دو آب روان اینک شده قحطی آب - در کنار علقمه از تشنگی دلها کباب

العطش گویان سکینه با تمام کودکان - شذفرط تشنگی دشت بلاهمچون سراب
 رفت عباس آورد آب ازکنار علقمه - وارد آب روان شد شیر حق بی واهمه
 آب ناخورده روان شد اوبسوی خیمه گاه - اوفتاد اندرمیان قوم عدوان همه
 لب شد اندم شهید آن تشنه لب دربین راه - دستهایش شد جدا با حمله های آن سپاه
 فرق اوبشکافته با يك عمود آهنین - شد حسین آندم به قتلش در فغان وسوز و آه
 تشنه لب شد کشته آخر اکبر تازه جوان - شیر خواره تشنه لب شد کشته آب روان
 اوبروی دست بابا در فغان وسوز و آه - حرمله تیر سه شعبه زد به حلقش ناگهان
 باقری شد شاه دین آخر لب تشنه شهید - وه چه ظلم از میزبانان گشت با امریزید
 با لب تشنه حسین اندرمیان قتلگاه - بهر قتلش گشته عازم شمر ملعون پلید
 السلام ای تشنه کامان در دیار کربلا - السلام ای تشنه کامان در دیار کربلا
 یاحسین و یاحسین و یاحسین و یاحسین و یاحسین و یاحسین و یاحسین و یاحسین

امروز تا سوعابود

امروز تا سوعابود - در کربلا غوغا بود - بر کودکان تشنه لب - نوحه کنان زهرابود
 پر پر زبی آبی بود - گلهای باغ مصطفی - شش ماهه اصغر از عطش - شد ناله اش اندر سما
 ای باغبان تشنه لب - فکری برای آب کن - این بلبان تشنه را - باجرعه ای سیراب کن
 اما ندار دباغبان - راهی به آن آب روان - راه شریعه بسته شد - با حکم جلاد زمان
 عمرو بن حجاج لعین - مامور گشته بفرات - بهر حسین و یاوران - گشته حرام آب حیات
 بستند بر آل نبی - راه فرات و آب را - بشنوز خیمه ناله - آن اصغر بی تاب را
 گوید سکینه باعمو - از تشنگی و از عطش - آبی بیاور بهر ما - که شیر خواره کرده غش
 سقاکنار علقمه - خود تشنه لب گشته شهید - دستش جدا فرکش دوتا - از ظلم یاران یزید
 اصغر در آغوش پدر - تیری به حلقومش رسید لب - تشنه لب آن شیرین زبان - در دست بابا شد شهید
 در عصر عاشورا حسین - اندرمیان قتلگاه - گفتا کمی آبم بده - ای شمر دون روسیاه
 امانداد او جرعه ای - آب روان بر آن امام - ای باقری شد تشنه لب - شاه شهیدان والسلام
 ای تشنه لب حسین حسین - اندر تعب حسین حسین
 ای بی کفن حسین حسین - صدپاره تن حسین حسین
 مولای من حسین حسین - آقای من حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 السلام علیک، ای تشنه لب، یا ابا عبدالله - السلام علیک، ای تشنه لب، یا ابا عبدالله

این شام عاشورا بود

این شام عاشورا بود - در کربلا غوغا بود - شام وداعِ آخر - آن نوگل زهرا بود
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امشب چراغِ خیمه - سلطان دین باشد خموش - امشب صدای زمزمه - از کربلا آید بگوش
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امشب بدورِ خیمه - سلطان دوران و زمان - با خواندن ذکر و دعا - عباس باشد پاسبان
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امشب نمایشگاه شد - دشت و دیار کربلا - اصحاب و یاران حسین - در امتحان و ابتلا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 قومی در آن دشت بلا - یاری زقرآن میکنند - قومی بدنیا مبتلا - در راه عصیان میروند
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 یک گوشه صحرابود - ذکر و رکوع وهم دعا - آن گوشه دیگر بود - مشروب و آواز و غنا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 یک گوشه یاران حسین - در خیمه ها اندر نماز - آن گوشه یاران یزید - در مستی و آواز و ساز
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 تاریک شد چون خیمه ها - گفت آن امام انس و جان - هر کس که می خواهد رود - آزاد هست و درمان
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 هر کس بماند می شود - فردا شهید راه دین - فردانمی ماند کس از - مردانِ مادران زمین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 جمعی برفتند آن زمان - از گوشه های خیمه ها - جمعی دگر ثابت قدم - از یاوران با وفا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 چون دید هفتاد دوتن - از یاورانش مانده اند - در راه یاری حسین - از این جهان دل کنده اند
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 گفتا بانان شاه دین - صد آفرین صدمرحبا - بیند یاران جای خود - اندر بهشت با صفا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 آنان شدند آن نیمه شب - اندر مناجات و دعا - بشنو صدای خواندن - قرآن زدشت کربلا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 اندر شب عاشور گفت - با خواهرش سلطان دین - ای جانِ خواهر صبر کن - صبر است از ایمان و یقین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

ای جان خواهرمیشوم - فردادراین دشت بلا - من کشته از تیغ و سنان - توهم اسیر اشقیا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 گفتا حسین باخواهرش - بر سروران سرورتویی - این راه باشد ناتمام - از بعد من رهبرتویی
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 آن شب دمی سلطانِ دین - وقت سحر خوابش ربود - خوابی بدید آنهم چه خواب - یک خواب وحشتناک بود
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 گرگان خون خواری بدید - برپیکرش افتاده اند - تیغ و سنین ونیزه ها - برپیکرش بنهاده اند
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 در عصر عاشورا چنین - شد باقری در کربلا - برپیکرش بنهاده شد - تیغ و سنان ونیزه ها
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

امروز عاشورا بود

امروز عاشورا بود - در کربلا غوغا بود - امروز حسین بن علی - در کربلا تنها بود
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز روز غربت و - تنهایی سبط نبی است - امروز روز یاری - فرزند زهرا و علی است
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز هل من ناصر - سبط نبی آید بگوش - امروز دشتِ کربلا - دارد بسی جوش و خروش
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز روزِ تشنگی - باشد بدشتِ کربلا - امروز روز قحطی - آب است اندر نینوا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز فریاد و فغان - از خیمه ها آید بگوش - امروز اصغر را لب - تشنه است در جوش و خروش
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز روز بی کسی - از بهر آلِ مصطفی است - امروز روزِ غربت و - تنهایی آلِ عبا است
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز روزِ آخر - دیدارِ زینب با حسین - امروز اندر خیمه ها - باشد بسی افغان و شین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز روزِ جنگِ حق - با باطل و شیطان بود - امروز روزِ یاری - قرآن و الرحمن بود
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

امروز دشتِ کربلا - باشد دولشکر در مصاف - امروز هفتاد و دو تن - گردِ حسین اندر طواف
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز عباسِ جوان - اندر کنارِ نهرِ آب - شاهر و دوست از تن جدا - دلها برای او کباب
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز اکبر میشود - در کربلا فرقی دوتا - با فرق منشق می‌رود - نزد علی شیر خدا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز حلقِ نازک - اصغر بریده از جفا - امروز نورانی سر - شه را بریدند از قفا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز اصغر گشته است - تیر سه پیکان راهدف - از قتل او محزون شده - زهرا شاه لوکشف
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز روزِ آخر - دیدار زینب با حسین - از آن وداع آخرین - عالم شده در شور و شین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز نورانی سر - شاه شهیدان جهان - از تن جدا بر نیزه شد - ای وای فریاد و فغان
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 ای باقری امروز چون - روز قیامت گشته است - وحش و طیور و انس و جن - بی تاب و طاقت گشته است
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امروز عاشورا بود - در کربلا غوغا بود - امروز حسین بن علی - در کربلا تنها بود
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

کَلْ یوم عاشورا

کَلْ یوم عاشورا - کَلْ ارضِ کربلا
 از لحظه ای که خورشید - بر کربلا درخشید - بجای نور آنجا - اندوه و غصه پاشید
 کَلْ یوم عاشورا - کَلْ ارضِ کربلا
 از لحظه ای که خلقت - یافت این زمین و عالم - شد خاکِ کربلا هم - با حزن و گریه توام
 کَلْ یوم عاشورا - کَلْ ارضِ کربلا
 از لحظه ای که با خون - مخلوط، کربلا شد - سر حسین مظلوم - آنجا تن جدا شد
 کَلْ یوم عاشورا - کَلْ ارضِ کربلا
 خورشید و خاک با هم - اندوه گشت و ماتم - هر روز شد عاشورا - هر ماه شد محرم
 کَلْ یوم عاشورا - کَلْ ارضِ کربلا

پیغمبران چوهریک - نام حسین شنیدند - ازحزن وگریه وغم - هریک نشانه دیدند
 کلّ یومِ عاشورا - کلّ ارضِ کربلا
 ازآدم و سلیمان - ایوب ونوح وموسی - آن حضرت خلیل و - هودوذبیح وعیسی
 هریک ازآن عزیزان - درکربلاگذشتند - دردفترحسینی - یک جمله ای نوشتند
 کلّ یومِ عاشورا - کلّ ارضِ کربلا
 نام حسینِ مظلوم - درهرکجاییان شد آثارحزن واندوه - برچهره ها عیان شد
 کلّ یومِ عاشورا - کلّ ارضِ کربلا
 آغشته گشت باخون - چون خاکِ کربلایش - نالان شده است و محزون - جنّ و ملک برایش
 کلّ یومِ عاشورا - کلّ ارضِ کربلا
 چون خاکِ کربلایش - مهرنمازماشد - افزون ثواب ماها - ازخاکِ کربلاشد
 کلّ یومِ عاشورا - کلّ ارضِ کربلا
 چون تربتش گذارند - درقبروبرکفتهها - آرامشی برای - میت شودمهیها
 کلّ یومِ عاشورا - کلّ ارضِ کربلا
 ای باقری است هرروز - ازبهرماعاشورا - هرمه مامحزّم - هرسرزمین کربلا
 کلّ یومِ عاشورا - کلّ ارضِ کربلا

جوانان بنی هاشم بیائید از حرم بیرون

جوانان بنی هاشم - بیائید از حرم بیرون
 فتاده اکبرم اینک - به میدان باتنی پر خون
 کنارنعلش اواینک - بگویم بادلّی محزون
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 بیائید و همه باهم - سوی خیمه بریداورا
 گذاریدش به یک جائی - نبیند مادرش لیلا
 ز داغ مرگ اوشاید - سپارد جان همین حالا
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 بیای خواهرم زینب - نگر بر قامتِ اکبر
 که اینک در دل دشمن - شده او چون گلی پرپر
 شده صدچاک جسم او - ز تیرونیزه و خنجر
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم

علی اکبر لیلای - فتاده اندر این صحرا
 شکسته فرق و پهلویش - چنان که حیدر زهرا
 کنار نعلش او گوید - دل بشکسته این بابا
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 تن او چاکچاک اکنون - فتاده روی خاک اکنون
 فتاده پیکرش اینک - در این صحرا بخاک و خون
 شده ورد زبان من - کنون با دیده پر خون
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 خدایا شبه پیغمبر - شده همچون گلی پرپر
 جوان من شده ملحق - به جد و باب من حیدر
 بگوای باقری اینک - بیاد حیدر صفدر
 علی جانم علی جانم - علی جانم علی جانم
 جوانان بنی هاشم بیائید - علی را بر درخیمه رسانید

حیدر کربلای اکبرم

حیدر کر بیلای یاعلی - توشبیه مصطفائی
 حیدر کربلای اکبرم - کن وداع اینک تو با اهل حرم
 سوی جبهه میروی تاج سرم - میسپارم بخدایت پسرم
 میروی توسوی میدان جهاد - با گروه روسیاه بدنهاد
 میروی اما کمی آهسته تر - تا که بابا بکنند بر تو نظر
 بر قد و بالای او کردی نگاه - رو بدرگاه خدا با سوز و آه
 رو بدرگاه خدا کرد حسین - گفت اینک ای خدای عالمین
 باش شاهد که علی اکبرم - در ره دین تو گشته یاورم
 این علی که خود شبیه مصطفی است - همچو احمد نیکخوی و با صفاست
 گشته عازم سوی میدان جهاد - در نبرد دشمنان بدنهاد
 کردم اینک اکبرم را ای خدا - در ره احیای دین تو فدا
 رفت اکبر سوی میدان نبرد - جنگ با دشمن را چون آغاز کرد
 آن یکی گفت که این خود مصطفی است - دیگری گفتا علی مرتضی است
 دیگری گفتا علی اکبر است - این شبیه جد خود پیغمبر است

بر حسین دنیاچسان گردیده تنگ - که علی اکبرش رفته به جنگ
 حمله کرد اکبر چو حیدر آن زمان - برگروه کوفیان و شامیان
 حمله بنمود همچنان شیرزیان - برشگالان و سگان و روبهان
 گشت تعداد زیادی زان گروه - آمدند از حمله هایش درسته
 لیک دشمن چنگ و دندان آخته - بهرقتلش تیغ کین افراخته
 منقذبن مره تیغ کین نواخت - نازنین فرق علی اکبر شکافت
 گفت اکبر آنگه ای بابای من - گشت جنت منزل و ماوای من
 این بود جدم که میگوید سلام - سوی مابشتاب ای ابن الکرام
 پس حسین آمد کنار اکبرش - پاک کرد آن چهره از خون ترش
 دید فرکش چون علی مرتضی - گشته منشق از عمود اشقیاء
 قطعه قطعه جسم پاک نازنین - میکشد پاهای خود روی زمین
 صورتش بر صورت اکبر نهاد - چهره اش بر شبه پیغمبر نهاد
 گفت آندم یابنی ظلموک - قتل الله عدوا قتلوک
 کرد رو آندم بسوی خیمه ها - کای جوانان عزیز باصفا
 جملگی ایندم مرایاری کنید - پای این کشته عزاداری کنید
 کشتی غم راز موج خون برید - اکبرم از معرکه بیرون برید
 من ندارم طاقت و تاب و توان - تانمایم حمل جسم این جوان
 چونکه قطعه قطعه باشد پیکرش - غرقه در خون فرق و چشمان ترش
 عمه اش زینب شد آگه آن زمان - باشتاب آمد بسوی آن جوان
 اوهمی نالید و میگفتی جلی - نور چشمم میوه قلبم علی
 باقری درمانم آه و فغان - باحسین و عمه های این جوان
 حیدر کر بلائی یاعلی - توشیه مصطفائی
 جوانان بنی هاشم بیائید - علی را بر در خیمه رسانید

ای آل هاشم شد کشته قاسم

ای آل هاشم - شد کشته قاسم - ای آل هاشم - شد کشته قاسم
 قاسم روانه شد بسوی میدان - بهر حمایت از دین و قرآن
 اونی جوانی چون غنچه ی گل - در گلشن دین مانند سنبل
 یار حسین در کربلا شد - قربانی دین در آن مناشد

شمشیر را برگردن حمایل - او چون حسین در شکل و شمایل
 چون شد روانه اوسوی میدان - اعدا بدیدند آن ماه تابان
 گفتند باشد این بدر کامل - به به چه زیبا شکل و شمایل
 گفتند باشد این بدر کامل - به به چه زیبا به به چه خوشکل
 او حمله میکرد چون شیر غزان - میزد سر و دست از آن لعینان
 چون کشته هایش بسیار گردید - دشمن ز غصه بیمار گردید
 یک شیر بچه اینسان سر و دست - از آن لعینان بسیار بشکست
 ناگه فتاد او در دام صیاد - شمشیری از کین بر فرقش افتاد
 نقش زمین شد سر و صنوبر - اندر عزا شد آل پیمبر
 گفتا عمو جان میرس بدادم - کز ضربت کین از پا افتادم
 آمد عمویش آن دم به میدان - گفتا کجایی، قاسم، عمو جان
 قاسم صدا زد جانم فدا شد - پامال سم این اسبها شد
 آمد عمویش آن دم کنارش - قاسم بدید و آن حال زارش
 گفتا در آن دم ای قاسم من - این حالت تو سخت است بر من
 رفتی تو و رفت تاب و توانم - ای قاسم من روح و روانم
 شد آل هاشم اینک برایت - جمله سیه پوش اندر عزایت
 گیرید ماتم ای آل هاشم - از ظلم دشمن شد کشته قاسم
 ای باقری پور اندر عزایش - جمله ملائک گرید برایش
 ای آل هاشم - شد کشته قاسم - ای آل هاشم - شد کشته قاسم

اصغر صغیرم لای لای «۱»

اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 اصغر بدشت کربلا - نالدمیان خیمه ها
 نالان و گریان زار زار - چون تشنه است وبی قرار
 از تشنگی گریان بود - آزرده و نالان بود
 شیری ندارد مادرش - آن مادر غم پرورش
 مَنُوا علی بن المصطفی - مَنُوا علی بن المصطفی
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 اصغر در آغوش حسین - از تشنگی در شور و شین

بردش حسین ازخیمه ها - با اشک و آه و ناله ها
 گفتا حسین باکوفیان - این اصغر شیرین زبان
 لب تشنه است و شیرخوار - شرمی کنیدا ز کردگار
 مُنّوا علی بن المصطفی - مُنّوا علی بن المصطفی
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 ای کوفیان این اصغراست - از تشنگی در آذراست
 گیرید و سیرابش کنید - سیراب از آبش کنید
 رحمی بر این طفل صغیر - لب تشنه و ناخورده شیر
 مُنّوا علی بن المصطفی - مُنّوا علی بن المصطفی
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 رحمی بحال مادرش - آن مادر غم پرورش
 کوهست اکنون منتظر - تا اصغرش آید ز در
 سیراب از آب فرات - از تشنگی یابد نجات
 مُنّوا علی بن المصطفی - مُنّوا علی بن المصطفی
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 اما جواب کوفیان - تیرسه شعبه در کمان
 اصغر در آغوش پدر - جان داد بر دوش پدر
 تیرسه شعبه جای آب - آمد حسین را در جواب
 مُنّوا علی بن المصطفی - مُنّوا علی بن المصطفی
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 ظلم اینچنین اندر جهان - نبود روا بر کودکان
 تیرسه شعبه جای آب - باشد روا کی این جواب
 ای باقری این بدترین - ظلمی است از آن ظالمین
 مُنّوا علی بن المصطفی - مُنّوا علی بن المصطفی
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 ای شیرخواره ای علی - ای ماه پاره ای علی
 یاباب الحوائج یا علی اصغر
 یاباب الحوائج یا علی اصغر
 یاباب الحوائج یا علی اصغر

اصغر صغیرم لای لای «۲»

مُنُوا عَلَی بْنِ الْمُصْطَفَی - بِشْرِیَّةٍ تُحِی بِهَا
 آبی دهید این اصغر - ای کوفیان بی وفا
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 مُنُوا عَلَی بْنِ الْمُصْطَفَی - بِشْرِیَّةٍ تُحِی بِهَا
 گهواره اصغر بود - خالی میان خیمه ها
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 این اصغر من تشنه است - یک جرعه ی آبش دهید
 با جرعه آبی منّتی - برمام و بر بابش دهید
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 مادر میان خیمه ها - درانتظار اصغراست
 لب تشنه روی دست من - این کودک غم پرور است
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 تیری سه شعبه حرمله - سوی علی کرده رها
 آن تیر آمد برگلو - ای وا اسف یا مصطفی
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 حلقوم اصغر پاره شد - از تیرکین آن لعین
 جنّ و ملک در ناله شد - در آسمان و در زمین
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 هم باقری و سینه زن - اینک بفریاد و فغان
 صاحب عزا باشد خدا - زهرا وحیدرنوحه خوان
 اصغر صغیرم لای لای - ناخورده شیرم لای لای
 سروده شده محرم ۱۳۹۲

ای بلبل شیرین زبان اصغر

ای بلبل شیرین زبان اصغر - رفتی تواز تاب و توان اصغر
 ای شیرخواره مانده ای بی شیر - از تشنگی تودر فغان اصغر
 بی تاب و طاقت گشته ای اکنون - از تشنگی لَه لَه کنان اصغر

در این بیابان آب شد نایاب - بهر تو و این کودکان اصغر
 پستان مادر خالی از شیر است - درخیمه ها زاری کنان اصغر
 درخیمه بانگ العطش باشد - اینک بلند از کودکان اصغر
 قحطی آب است اندر این صحرا - از ظلم کوفی الامان اصغر
 آتش زدی بر جان من توای - طفل ضعیف و ناتوان اصغر
 آوخ بجای آب شد پاسخ - تیرسه شعبه در کمان اصغر
 بر حلق پاک و نازکت آمد - تیر از کمان پرش کنان اصغر
 گلگون شده قنடைه ات از خون - از ضربت تیرو کمان اصغر
 از خون سرخ حنجره اسلام - شد سربلند و جاودان اصغر
 ای باقری برگوتوبا زاری - ای بلبل شیرین زبان اصغر

اجتماع شیر خواران حسین

زمزمه شیر خوارگان حسینی

اجتماع شیر خواران حسین - یاوران رهبر و پیر خُمین
 شیر خواران حسینی آمدند - یادگاران خمینی آمدند
 مادران با کودکان شیر خوار - جملگی در جمع میگریند زار
 مادران اصغر دوران ما - جمله بهر یاری ی قرآن ما
 در دفاع از آرمان های حسین - پیروان رهبر و پیر خُمین
 همچنان زینب (س) صبور استاده اند - از برای دین حق دل داده اند
 کودکان را روی دست آورده اند - بهر یاری هر چه هست آورده اند
 کودکان را روز و شب پرورده اند - نذر سربازی ی مهدی کرده اند
 جمله میگویند با هم یک صدا - ای خدا ای مظهر لطف و عطا
 من پی تجدید بیعت آمدم - وز پی انجام خدمت آمدم
 از برای یاری صاحب زمان - آن امام غایب ما شیعیان
 کودکان را روی دست آورده ام - از برایش هر چه هست آورده ام
 کودکی خوب و زرنگ آورده ام - با لباس سبزرنگ آورده ام
 رشته ای با نام زهرا رشته ام - روی پیشانی او بنوشته ام
 روی پیشانی با خط جلی - یا حسین و یا ابا الفضل و علی

کن قبول از لطف خود این نذر من - کودکان را حفظ کن از بهر من
تا شود فردا شجاع و پهلوان - یآوری بر مهدی صاحب زمان
آرزو دارم حسینی خوش شود - شیرخوارم چون گلی خوشبو شود
یآوری بر مهدی زهرا شود - آن زمان که دولتش برپا شود
او شود از لشکر صاحب زمان - این زمان و آن زمان و هر زمان
یا حسین (ع) ای کاش اندر کربلا - با رباب و زینب غم مبتلا
ما همی بودیم آن روز ای امام - بر کنیزی ربابت صبح و شام
همره این شیر خوارم کربلا - بودم و میگردمت دفع بلا
یا حسین ای یادگار فاطمه - کن قبول این نذر را از ما همه
یا حسین یک هدیه آوردم برت - کودکان نذر علی اصغر
چون مرا شور حسینی بر سراسر - نام فرزندم علی و اصغر است
در سجدش هست با خط جلی - نام فرزندم ابا الفضل و علی
باقری با مادران شیرخوار - گریه دارد بهر اصغر زار زار
سروده شده در روز همایش شیرخوارگان حسینی سال ۱۳۹۴

گهواره خالی قنداقه پر خون

لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
گهواره خالی - قنداقه پر خون - گویدربابه - باقلب محزون
طفل صغیرم - ناخورده شیرم - لالایی اصغر - لالایی اصغر
لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
طفل صغیرم - ناخورده ای آب - بردوش بابا - رفتی تودر خواب
طفل صغیرم - ناخورده شیرم - لالایی اصغر - لالایی اصغر
لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
تیرسه شعبه - داده است آبت - بردوش بابا - برده است خوابت
طفل صغیرم - ناخورده شیرم - لالایی اصغر - لالایی اصغر
لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
رحمی نکرده - این دشمن دون - قنداقه ات را - کرده است پر خون
طفل صغیرم - ناخورده شیرم - لالایی اصغر - لالایی اصغر
لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر

پرواز کردی - ازدوش بابا - رفتی تو اصغر - برعرش اعلا
 طفل صغیرم - ناخورده شیرم - لالایی اصغر - لالایی اصغر
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 درانتظار - باشد سکینه - بهرت رقیه - باشد حزینه
 طفل صغیرم - ناخورده شیرم - لالایی اصغر - لالایی اصغر
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 ای باقری پور - بنگرچه محزون - گویدربابه - باقلب پر خون
 طفل صغیرم - ناخورده شیرم - لالایی اصغر - لالایی اصغر
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 سروده شده در روز همایش شیرخوارگان حسینی سال ۹۳

جانم فدایِ اصغرِ گریم برایِ اصغر

برروی دوش بابا - خوابیده ای تو اصغر
 چون مهر و ماه بر ما - تابیده ای تو اصغر
 جانم فدایِ اصغر - گریم برایِ اصغر
 جان را فدایِ دین - اسلام کرده ای تو
 این را زدوش بابا - اعلام کرده ای تو
 جانم فدایِ اصغر - گریم برایِ اصغر
 یک جرعه زاب علقم - ناخورده ای تو اصغر
 برروی دوش بابا - خوابیده ای تو اصغر
 جانم فدایِ اصغر - گریم برایِ اصغر
 قنداقه تو خونین - شدروی دوش بابا
 لالایی اصغر من - شداین سروش بابا
 جانم فدایِ اصغر - گریم برایِ اصغر
 رفتی بعرش اعلا - ازروی دوش بابت
 برروی دوش بابا - آرام برده خوابت
 جانم فدایِ اصغر - گریم برایِ اصغر
 تیرسه شعبه خوردی - توجای آب اصغر
 گهواره بهشتی - شدجای خواب اصغر

جانم فدایِ اصغر - گریم برایِ اصغر
 باشد ربابه محزون - درخیمه بهراصغر
 ای باقری چه دلخون - ما جمله بهر اصغر
 جانم فدایِ اصغر - گریم برایِ اصغر

گهواره خالی قنداقه خونین «۱»

گهواره خالی، قنداقه خونین - مادر بناله میگفت غمگین
 کرده شهیدت اعدای بی دین - لالائی اصغر لالائی اصغر
 اندر خیام شاه شهیدان - از مرگ اصغر با آه و افغان
 گفتا رُبابه با چشم گریان - لالائی اصغر لالائی اصغر
 رفتی به میدان همراه باباب - از نوک پیکان نوشیده ای آب
 بر روی دستش رفتی تو در خواب - لالائی اصغر لالائی اصغر
 رفتی و بردی تاب و توانم - بعد از تو دیگر من ناتوانم
 ای باقری پور تو نوحه خوانم - لالائی اصغر لالائی اصغر

گهواره خالی قنداقه خونین «۲»

گهواره خالی - قنداقه خونین - لب تشنه اصغر - از ظلم و از کین
 قحطی آب است - از بهراصغر - از ظلم و جور - بن سعد بی دین
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 باشد ربابه - با چشم گریان - از مرگ اصغر - در آه و افغان
 نالد ربابه - از بهر اصغر - درخیمه گاه - شاه شهیدان
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 گوید ربابه - ای نور چشمان - همراه با با - رفتی بمیدان
 رفتی برای - یک جرعه آبی - ازخیمه گه تو - با کام عطشان
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 رفتی عزیزم - همراه با با - آبی نخوردی - ای ماه با با
 آبت ندادند - آن قوم بی دین - آنها نترسند - از آه با با
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر

ازنوک پیکان - نوشیده ای آب - رو دست باب با - رفتی تو در خواب
 همراه با با - رفتی بمیدان - این غصه ای شد - در قلب احباب
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 تیرسه شعبه - آمد گلویت - بنگر چه حالی - دارد عمویت
 زانرو شدی تو - باب الحوائج - جانها فدای - نام نکویت
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 گهواره ی تو - گشته است خالی - بنگر که مادر - دارد چه حالی
 دیگر نخواهی - شیری ز مادر - از تشنگی تو - دیگر ننالی
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 باشد سکینه - درانتظار - او گریه دارد - بر حال زارت
 باشد رقیه - سر در گریبان - درخیمه باشد - او بی قرارت
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 اینسان ندیده - ظلمی بدوران - با شیرخواری - بنماید انسان
 شد باقری هم - محزون از این غم - جن و ملک هم - زین کار حیران
 لالایی اصغر لالایی اصغر - لالایی اصغر لالایی اصغر
 سروده شده روز جهانی علی اصغر محرم ۱۳۹۲

سرزدازبیت امیرالمؤمنین

سرزدازبیت امیرالمؤمنین - کودکی خورشیدروی و مه جبن
 میدرخشدهمچومه سیمای او - زان سبب خورعاشق و شیدای او
 شدچو روزازماه رخسارش چو شب - گشت زان ماه بنی هاشم لقب
 اوچوازیبیت علی سرمیزند - طعنه برخورشیدخاورمیزند
 همچوخورتاییدچون ازکوهسار - ماه درپیش رخش شدشرمسار
 چارشعبان چون بدنیاپانهاد - بهرماروزخوشی برجانهاد
 چارشعبان چون بدنیا آمده - روزشادی بهرماها آمده
 بدرکامل درشب چارآمده - نورخوراندربش تارآمده
 مادرش خوشحال و خندان آمده - چونکه از او شیریزدان آمده
 بچه شیرازشیرحق مولودشد - چارشعبان طالعش مسعودشد
 شادشداينك علی از آن سبب - خانه اش شدزادگاه شیررب

قهرمانی آمداز بهر جَمَل - ماه نوطالع شد از برج حَمَل
 بهر صفین یکه تازی آمده - نهروان راشاهبازی آمده
 اوسپه سالار عاشورابود - یاورنوردل زهرابود
 برحسین بنگرچسان شادآمده - بهراوا از غیب امداد آمده
 یآوری از بهر عاشورآمده - روز میلادش چه پرشورآمده
 گاه خندان و گهی گریان شده - آسمانیها از آن حیران شده
 بهر میلادش بود خندان علی - بهربازوهای او گریان علی
 الغرض چون اوبدنیا پانهاد - باب حاجاتی بروی ما گشاد
 حل مشکلهاد را و بنهفته اند - زان سبب باب الحوائج گفته اند
 وارث حلال مشکلها شده - چون علی آئینه دلها شده
 هرکه افتد در غم ورنج و تعب - هست ذکر یا ابالفضلش بلب
 بی کلاچ و ترمز و درپر نگاه - اوفتد سوی ابالفضلش نگاه
 باقری تو بارها دیدی از او - معجزاتی بی کلام و گفتگو

یا ابوفاضل علمدار شه کربلائی

یا ابوفاضل علمدار شه کربلائی - پاسداری و امیری و سقا صاحب لوائی
 یاور و یار حسینی حضرت عباس نامت - هم لقب باب الحوائج تو عزیز کبریائی
 ای سقای تشنه کامان تشنه آب فراتیم - کن نصیب ما تو زان آب فرات ایکه سقائی
 حاجت ما را روا کن حاجت بسیار داریم - ما همه محتاج آن درگاه و تو حاجت روائی
 مشکل بسیار داریم حل نما تو آن مشاکل - مشکل ما را تو بگشا ایکه تو مشکل گشائی
 ای طیب درد مندان درد ماها را دوا کن - ایکه خاک در گهت باشد به هر دردی دوائی
 کاشف الکربی تو عن وجه الحسین یا کاشف الکرب - برطرف بنما گرفتاری بده بر ما صفائی
 باقری بر درگاه لطف تو از غم ایستاده - از کرم یاری کنش بنما نصیبش کربلائی

یا سیدی یا عباس

یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 ای با وفا ابالفضل - یا سیدی یا عباس
 مشکل گشا ابالفضل - یا سیدی یا عباس

سقا و میر لشکر - یا سیدی یا عباس
 بر تشنگان آب آور - یا سیدی یا عباس
 سرداری و سپهدار - یا سیدی یا عباس
 صاحب لوا علمدار - یا سیدی یا عباس
 ای جانفدای حسین - یا سیدی یا عباس
 صاحب لوای حسین - یا سیدی یا عباس
 پشت و پناه حسین - یا سیدی یا عباس
 میر سپاه حسین - یا سیدی یا عباس
 ای با وفا مشکل گشا - سقا و میر کربلا
 باشد سکینه منتظر - اندر میان خیمه ها
 تا که رسانی جرعه ای - آب روان بر بچه ها
 سقا تو بنما کوششی - آبی رسان بهر خدا
 بشنو صدای العطش - باشد بلند از اندر سما
 سقای دشت کربلا - یا سیدی یا عباس
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 سقای دشت کربلا - دستش شده از تن جدا
 آن هردو چشم نازنین - گشته است خونین از جفا
 فرقی چنان فرق علی - شد با عمود کین دوتا
 جسم شریفش غرقه خون - گشته است از سرتا پیا
 آندم بجای سیدی - گفتا که ادرك یا اِخا
 ای هردو دست از تن جدا - یا سیدی یا عباس
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 آمد حسین اَما چسان - اشك از دو چشمانش روان
 بشنید چون ادرك اِخا - با صوت عباس جوان
 آمد سر با لَین او - با گریه و آه و فغان
 اَما چه عباسی شده - بشکسته دست و استخوان
 چشم شریفش غرقه خون - جسم شریفش نا توان
 دستش نهاده بر کمر - آندم شه عَصرو زمان
 گفتا که پشت من شکست - از داغ مرگ ناگهان

آندم غمین شد مصطفی - یا سیدی یا عباس
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 برگشت حسین سوی حرم - میگفت و ای برادرم
 گویم چه با لب تشنگان - با نازدانه دخترم
 بیند سکینه منتظر - با اهل بیت محترم
 گفتا دگر عباس نیست - رفته ز کف آب آورم
 گوئید با لب تشنگان - رفته است سقا از برم
 از بعد عباس جوان - دیگر گذشت آب از سرم
 بعد علمدارم کنون - گیرد علم را خواهرم
 ای باقری اینک بگو - یا سیدی یا عباس
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 ای با وفا ابا الفضل - یا سیدی یا عباس
 مشکل گشا ابا الفضل - یا سیدی یا عباس
 یا عباس یا عباس - یا عباس یا عباس
 یا عباس یا عباس - یا عباس یا عباس
 یا عباس یا عباس - یا عباس یا عباس
 یا کاشف الكرب الحسین - یا عباس یا عباس
 یا کاشف الكرب الحسین - یا عباس یا عباس
 حق برادرت حسین - یا عباس یا عباس
 حق برادرت حسین - یا عباس یا عباس
 اکشف لنا کروبنا - یا عباس یا عباس
 اکشف لنا کروبنا - یا عباس یا عباس
 حاجات ما بنما روا - یا عباس یا عباس
 مرضای ما بده شفا - یا عباس یا عباس
 کن قسمت ما کربلا - یا عباس یا عباس
 قرضای ما را کن ادا - یا عباس یا عباس
 درد ما را نما دوا - یا عباس یا عباس
 یا عباس یا عباس - یا عباس یا عباس

یا عباس یا سیدی - یا عباس یا سیدی

یا عباس یا سیدی - یا عباس یا سیدی

سَقای دشتِ کربلا اباالفضل

عباس یا عباس یا اباالفضل - عباس یا عباس یا اباالفضل

سَقای دشتِ کربلا اباالفضل - ای یاور دین خدا اباالفضل

یار عزیز فاطمه اباالفضل - از تو عدود روا همه اباالفضل

یابن علی شیر خدا اباالفضل - ای یار سبط مصطفی اباالفضل

عباس یا عباس یا اباالفضل - عباس یا عباس یا اباالفضل

عباسم و آب آور حسینم - در کربلا من یاور حسینم

اندر حرم طفلان در انتظارند - چشم انتظاری بهر آب دارند

باشد حسین از تشنگی چوبی تاب - لب تشنه ام اما نمی خورم آب

اَنّی انا العباس والاباالفضل - اَنّی انا العباس والاباالفضل

یانفس من بعد الحسین هونی - وبعده لا کنت ان تکنونی

هذالحسین شارب المنون - وتشربین البارد المعین

هیاهات ما هذافعال دینی - ولافعال صادق الیقین

اَنّی انا العباس والاباالفضل - اَنّی انا العباس والاباالفضل

یک مشک آبی کرده ام مهیا - کانرا رسانم من به آل طاها

اصغرمیان خیمه هست بی تاب - طفلان در انتظار جرعه ای آب

من یاور آن شاه راستینم - حتی شور ببریده این یمینم

اَنّی انا العباس والاباالفضل - اَنّی انا العباس والاباالفضل

والله ان قطعتموایمینی - اَنّی اُحامی ابدًا عن دینی

وعن امام الصادق الیقین - نجل النبی الطاهر الامین

اَنّی انا العباس والاباالفضل - اَنّی انا العباس والاباالفضل

دست چپم گرازیدن جدا شد - دستم فدای دین مصطفی شد

این آب رامن میبرم بدنجان - درخیمه گه بهر لبان عطشان

یارب مرا کن یآوری در این راه - من یک تن واین مردمان گمراه

اَنّی انا العباس والاباالفضل - اَنّی انا العباس والاباالفضل

یانفس لا تخشی من الکفار - وابشری بر حمة الجبار

مع النَّبی سیدالمختار - قدقطعوا بغيهم یساری
 فاصلهم یاربِّ حرّ النَّار - ائی انا العباس والابا الفضل
 چشمان من شد غرقه خون خدایا - شد یکر من لاله گون خدایا
 یاسیدی اینک برس بدادم - چونکه ز زین من بر زمین فتادم
 جان برادریا ابا زاحسان - یک لحظه بالینم بیابه میدان
 ائی انا العباس والابا الفضل - ائی انا العباس والابا الفضل
 آمد حسین آندم کنار عباس - بیندکه پر پرگشته آن گل یاس
 دستی نهاده بر کمر همی گفت - جان ابا کی از جفا ترا کشت
 پشتم شکسته بسته راه چاره - آیا شود بینم ترادوباره
 ائی اخاک یا ابا الفضل - ائی اخاک یا ابا الفضل
 برخیزوبین اندر میان صحرا - گشتم غریب وبی معین وتنہا
 یکسوز داغ قاسم وهم اکبر - یکسوغم طفلانم ای برادر
 اندر حرم طفلان در انتظارند - چشم انتظاری بهر آب دارند
 گویم چی با اهل حرم برادر - با اهل بیت محترم برادر
 جویدا گراز من تر اسکینه - گویم چی پاسخ بهر آن حزینه
 ائی اخاک یا ابا الفضل - ائی اخاک یا ابا الفضل
 میخواست تا عباس راز میدان - حملش نماید سوی خیمه گاهان
 اما چنان پر پر بُد آن گل یاس - ممکن نشد حمل جناب عباس
 پشت حسین از این جفا دو تا شد - چونکه ز عباس آن زمان جدا شد
 ای باقری بنگر که شاه بطحا - بی یاور و آب آوراست وتنہا
 عباس یا عباس یا ابا الفضل - عباس یا عباس یا ابا الفضل

کودستهای عباس

کودستهای عباس - جانم فدایت عباس
 اندر کنار علقم - پشت حسین شده خم - بانازنین برادر ح - گوید چنین دما دم
 کودستهای عباس - جانم فدایت عباس
 کی این ستم بیا کرد - بر ما چنین جفا کرد - کی از بدن بدینسان - دستِ تورا جدا کرد
 کودستهای عباس - جانم فدایت عباس
 کی پشت من شکسته - شد راه چاره بسته - دست تورا جدا کرد - دست مرا هم بسته

کودسته‌های عباس - جانم فدایت عباس
 شد روز ماتم عباس - بر من دمامد عباس - بر قلب من نشسته - غمهای عالم عباس
 کودسته‌های عباس - جانم فدایت عباس
 بی یار و یاورم من - هم بی برادر من - ای باقری ببین که - بی عون و جعفر من
 کودسته‌های عباس - جانم فدایت عباس

زینب کبری شده روان سوی قتلگاه

آه از آن ساعتی که - با دو صد اشک و آه
 زینب کبری شده - روان سوی قتلگاه
 دید که شمر لعین - سوی حسینش رود
 ز بهر قتل حسین - نورد و عینش رود
 گفت بده مهلتی - تا که وداعش کنم
 لحظه آخر بود - کمی نگاهش کنم
 ز گرمی آفتاب - سایه کنم بر سرش
 زخم فراوان بود - بر بدن اطهرش
 تشنگی اش را ببین - جرعه آبش بده
 بهر خدا و نبی - تو یک جوابش بده
 حسین صدایش شنید - گفت ای اخواهرم
 بروسوی خیمه‌ای - حافظ اهل حرم
 چون بسوی خیمه‌ها - باغم دل بازگشت
 برای اهل حرم - اسارت آغازگشت
 دقایقی بعد از آن - زلزله‌ای اوفتاد
 بجان اهل حرم - ولوله‌ای اوفتاد
 سر حسین شد جدا - گشت بنوک سنان
 از این مصیبت شده - ولوله‌ای در جهان
 زمین کربلا - گشت بجوش و خروش
 بانگ الاقدقتل - رسد زهر سو بگوش
 روان شده ذوالجناح - بناله و اشک و آه
 شیهه کنان می‌رود - زغم سوی قتلگاه

باقری آندم غمین - زینب کبری شده
 چونکه بدشت بلا - اسیر غمها شده
 حسین حسین یا حسین - حسین حسین یا حسین
 حسین حسین یا حسین - حسین حسین یا حسین

شام غریبان امشب است

شام غریبان امشب است - غمگین ونالان زینب است
 امشب یتیمان حسین - اندر غم و تاب و تب است
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امشب بدشت کربلا - باشد بسی ظلم و بلا
 باشد پریشان حالت - آن زینب غم مبتلا
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 آتش گرفته خیمه ها - سجّاد و زینب بی قرار
 سرگشته صحرانده - آل نبی با حال زار
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 خار مغیلان و کف - پای یتیمان حسین
 آن نیمه تاریک شب - برپایسی افغان و شین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 باشد امام چارمین - درخیمه با حال حزین
 زینب کنار خیمه - سجّاد باشد دل غمین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 اندر میان شعله ها - سجّاد با حال فکار
 تب دارد و افتاده است - زینب زبهرش بی قرار
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 اولاد زهرارابین - امشب چه سرگردان شده
 هر یک بزیر بوته ای - از خارها پنهان شده
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امشب سر سلطان دین - بر روی خاکستر بود
 از بهر جسم شاه دین - خاک بلا بستر بود

حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امشب شبِ غارتگری - شد بهر یارانِ یزید
 غارتگری شد آنچنان - که در جهان چشمی ندید
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 معجز بودند از سر - آلِ عزیزِ مصطفی
 خلخالِ پا و گوشوار - بود هر چه اندر خیمه ها
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 انگشتِ سبطِ مصطفی - از بهرِ یک انگشتی
 بریده شد ای وای من - امشب بدستِ کافری
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امشب عبیدینِ زیاد - سرخوشِ زیروزی بود
 اما بود غافل که این - شامِ سیه روزی بود
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 امشب شبِ دل واپسی - شد از برای زینب
 امشب بدشتِ کربلا - عریانِ تنِ پاکِ حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 ای باقری غارتگران - بردند کهنه پیرهن
 از جسمِ صدچاکِ حسین - مانده حسینِ عریانِ بدن
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

میروم از کربلایت الوداع

میروم از کربلایت الوداع - جانِ بقریان وفایت الوداع
 الوداع ای جان من جانان من - الوداع ای روح من ای جان من
 الوداع ای زاده ی زهرا حسین - الوداع ای کشته ی تیغ و سُنین
 من بسوی شام ویران میروم - آمدم با جان و بی جان میروم
 ای حسین ای زاده خیرالبشر - سوی شام و کوفه هستم ره سپر
 میروم من همره شمر و سنان - همره خولی و زجر و ساریان
 میروم اینک بصدجور و جفا - میروم با این گروه بی حیا
 میبرندم ای حسین از این زمین - با جفا و جورین سعدلعین

می‌برندم با دوصدجور و جفا - می‌برندم این گروه اشقیا
 می‌برندم از کنارت ای حسین - می‌برندم با فغان و شور و شین
 می‌برندم با زنان و کودکان - می‌برندم با دوصدآه و فغان
 می‌برندم با دوصدرنج و عذاب - می‌برندم از کنارت با عتاب
 می‌برندم از یرت شادی کنان - ابن سعد و خولی و شمروسان
 از مدینه بابرادر آمدم - باحسین، عباس و اکبر آمدم
 لیک اکنون بی برادر می‌روم - دل غمین و خاک بر سر می‌روم
 می‌روم افسرده از این سرزمین - چون گل پژمرده از این سرزمین
 من سفیر انقلابم یا حسین - بهر دین پا در رکابم یا حسین
 می‌روم تا شامیان رسوا کنم - کوفیان را همدم غمها کنم
 می‌روم اما جدائی مشکل است - بس غم و غصه کنون در این دل است
 باقری زینب بصدش ورونوا - سوی کوفه شد روان از کربلا
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین - ای حسین جان ای حسین جان ای حسین
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین - ای حسین جان ای حسین جان ای حسین

یازده محرم است

یازده محرم است - روز اندوه و غم است
 کربلا و قتلگاه - غرقِ حزن و ماتم است
 یا حسین حسین حسین - یا حسین حسین حسین
 اهل بیتِ مصطفی - به اسیری می‌برند
 این گروه بی حیا - از خدایی خبرند
 اهل بیتِ مصطفی - هتک حرمت این چنین
 در کجا باشد روا - با کدام آئین و دین
 بچه های طلقاء - حاکم جور وستم
 راه شیطانِ لعین - بنه نهد می قدم
 اهل بیتِ مصطفی - شد اسیر کافران
 حرم امام حسین - اسیرستمگران
 اهل بیتِ مصطفی - سوار کجاوه ها
 سوی کوفه می‌برند - از دیار کربلا

سوار کجاوه ها - از کنار قتلگاه
 میدهندشان عبور - شامیان روسیاه
 حرم امام حسین - چون شهیدان میبینند
 هریکی به کنار - یک شهید مینشینند
 یکی میگه قاسم - یکی میگه اکبرم
 یکی میگه کجایی - شیرخواره اصغرم
 یکی میگه یازدهیر - یکی میگه یاحبیب
 یکی مشغول دعا - یکی هم ام من یحیی
 یکی هم میگرده و - هی میگه حسین حسین
 هی میگه برادرم - بافغان وشوروشین
 من گلی گم کرده ام - در میان قتلگاه
 جویم اورا اینچنین - بافغان وسوزوآه
 در میان قتلگاه - هرچه میگویم حسین
 من نمیبینم ترا - هرچه میجویم حسین
 ناگهان چشمش فتاد - جسم صدچاک حسین
 زیر تیغ و خنجر و - نیزه و چوب و سنین
 گفت آندم بافغان - یاحسین انت اخی
 این تویی برادرم - وابن اُمّی وابی
 زینت دوش نبی - تو کجا و قتلگاه
 زیب آغوش نبی - تو کجا این جایگاه
 ای حسین سرت کجاست - چه شده پیرهن
 تنت آغشته بخون - چه شده آن کفنت
 ای حسین مامیرویم - از زمین کربلا
 این توو این شهدا - این من وشام بلا
 مابسوی کوفه و - شام غم گشته روان
 تو شهید کربلا - من اسیر شامیان
 تو مردان خدا - همگی گشته شهید
 من و این خیل زنان - سوی درباریزید
 باقری آل نبی - میروود کوفه وشام

میروود راه دراز - بهرتبلیغ مرام
 یازده محرم است - روزاندوه و غم است
 کربلا وقتلگاه - غرق حزن و ماتم است
 یاحسین حسین حسین - یاحسین حسین حسین

سوی شام پربلا

عترت آل نبی از کربلا - شدروانه سوی شام پربلا
 اهل بیت آن شهنشاه حجاز - جملگی بر اشتران بی جهاز
 راه افتادند چون از خیمه گاه - میگذشتند از کنار قتلگاه
 چشمشان افتاد چون بر کشتگان - خودفکندند از شترها ناگهان
 هریکی اندر کنار یک بدن - ناله ها میزد بدصدرنج و محن
 آن یکی میگفت ای تاج سرم - دیگری میگفت علی اکبرم
 دیگری میگفت ای ناشادمن - نوجوان ای قاسم دامادمن
 دیگری میگفت علی اصغرم - ای نخورده آب طفل مضطرم
 لیک زینب با فغان و شوروشین - ناله میکرد و همی گفت ای حسین
 تو کجایی من بقربان سرت - یکدمی خود را نما بر خواهرت
 من نمی بینم میان کشتگان - پیکر پاکت کجاستی نهان
 یاکه خود بر من نما ای نورعین - یا صدامیزن مرا تو ای حسین
 ناگه آمد از میان کشته ها - یک صدا ای خواهرم این سوبیا
 من حسینم که به جسم چاکچاک - اوفتادم بین این خاشاک و خاک
 سر ندارم در بدن ای خواهرم - تا که بشناسی مرا ای محترم
 بی لباس و بی کفن افتاده ام - بی سروخونین بدن افتاده ام
 ناگهان زینب بدید آن شاه را - در محاق افتاده دید آن ماه را
 کرد آندم بابرادر این خطاب - بادل پر خون و باقلب کباب
 گفت آنت اخی ای نورعین - و ابن اُمّی ای برادر ای حسین
 پس چرا تو سرنداری در بدن - بر تن تونیست کهنه پیرهن
 قطعه قطعه پیکر پاکِ تورا - بینم اکنون روی خاکِ کربلا
 بود روزی جای تودوشِ نبی - دایمًا بودی در آغوشِ نبی
 گشته اینک جای تو بر روی خاک - بی کفن هستی و جسم چاکچاک

اهل بیت تو اسیر و مضطربند - زینتِ راسوی کوفه میبرند
 من شدم اینک روانه سویِ شام - تادهمِ راهت ادامه بپیام
 میروم تا شامیان رسوا کنم - در میانِ شامیان غوغا کنم
 از کنارت میروم با شور و شین - باقری گردد فدایت ای حسین
 یاحسین و یاحسین و یاحسین - یاحسین و یاحسین و یاحسین
 یاحسین و یاحسین و یاحسین - یاحسین و یاحسین و یاحسین
 یاحسین یا ثار الله - یاحسین یا ثار الله
 یاحسین یا ثار الله - یاحسین یا ثار الله
 حسین حسین - حسین حسین
 حسین حسین - حسین حسین

روزِ دفنِ شهداست

روزِ دفنِ شهداست - کربلا ماتم سراسر است
 یاحسین حسین حسین - یاحسین حسین حسین
 جسمِ پاکِ شهدا - مانده سه روز و سه شب
 رویِ خاکِ کربلا - بی کفن یا للعجب
 مانده سه روز و سه شب - جسمِ پاکِ شهدا
 نشده دفن و گفن - رویِ خاکِ کربلا
 روز عاشورا حسین - بود و هفتاد و دوتن
 سرِ آنان همگی - شد بریده از بدن
 تنِ آنان همگی - رویِ دشتِ کربلا
 سرِ آنان همگی - شد برویِ نیزه ها
 روز سوّم آمدند - مردمِ بنی اسد
 به میانِ قتلگاه - دیدنِ آن همه جسد
 از چنین ظلمِ فجیع - متحیر همگی
 بهر دفنِ شهدا - متفکر همگی
 این همه جنازه ها - همگی سر ندارند
 برای شناختشان - راه دیگر ندارند
 ناگه از ره میرسد - وارثِ پیمبران

آقازین العابدین - آن امام انس و جان
 آقا زین العابدین - بهر دفن شهدا
 کمک بنی اسد - آمده به کربلا
 حرم پاک حسین - جای دفن شهداست
 حائر مقدّسش - باقری جای دعاست
 یاحسین حسین حسین - یاحسین حسین حسین

بُود امروز روزِ هفتِ دلدار

شنو از زینب و زندانِ کوفه - که بوده مدّتی مهمانِ کوفه
 چنین مرثیه و نوحه سرائی - زبهر آن شهیدانِ خدائی
 بُود امروز روزِ هفتِ دلدار - دراین هفت روز خوردم غصّه بسیار
 دراین هفت روز دیدم بس مصیبت - دراین هفت روز دیدم رنج و زحمت
 دراین هفت روز من ظلم فراوان - بدیدم تا کنون از قومِ عدوان
 دراین هفت روز دیدم تازیانه - زشمر و زجر دون با هر بهانه
 دراین هفت روز دیدم گریه و آه - ندیدم آب و نان زین قومِ گمراه
 دراین هفت روز بوده گریه کارم - بجز گریه دگر راهی ندارم
 دراین هفت روز در بازار کوفه - بدیدم طعنه از اغیارِ کوفه
 دراین هفت روز بسکه گریه کردم - نشانش مانده در رخسارِ زردم
 سر هر کوچه و بازار رفتم - به هر جمعی که بُد اغیار رفتم
 عبیداللهِ دون در مجلس خویش - نموده قلبِ مارا از ستم ریش
 بسی زخمِ زبان کرده نثارم - رسیده تا کجا این روزگارم
 به قلب خسته و حال پریشان - نموده جمع مارا کنجِ زندان
 سکینه، فاطمه، کلثوم و سجاد - ستمها دید از این قومِ زنازاد
 چگویم من از این حال پریشان - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 نما ای باقری کوتاه مطلب - که نتوانی بیان حالِ زینب
 حسین جانم حسین جانم حسین جان - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 حسین جانم حسین جانم حسین جان
 سروده شده هفتم شهدای کربلا سال ۹۲

هفتم شاه شهیدان

هفتم شاه شهیدان - اهل بیتش رفته زندان
 در دل زندان کوفه - جملگی گریان و نالان
 آن یکی گوید حسینم - دیگری نور دو عینم
 وان یکی گوید حبیبی - بهر تودر شوروشینم
 وان یکی گوید برادر - وان دگر گوید پدر جان
 من ز هجرت دل غمینم - بهر تو گریان و نالان
 آن یکی بهر حسینش - میزند بر سینه و سر
 وان یکی بهر رقیه - دیگری از بهر اصغر
 آن یکی عباس گوید - دیگری هم جان مادر
 وان یکی از بهر قاسم - دیگری از بهر اکبر
 هم نوا زهرای اطهر - گشته با خیل اسیران
 گوشه ی زندان کوفه - جملگی گریان و نالان
 مصطفی و مرتضا در - جمعشان گردیده حاضر
 آدم و عیسی و موسی - نوح هم آزرده خاطر
 مریم و حوا و هاجر - هم نوا با آن یتیمان
 در دل زندان کوفه - بهر سالار شهیدان
 باقری بنگر که زینب - میزند بر سینه و سر
 بهر فرزندان زهرا - با دل و قلبی مکدر
 سروده شده هفتم شهدای کربلا سال ۹۳

امشب شب هفت عزا بهر حسین است

امشب شب هفت عزا بهر حسین است - کربلا غرق عزا و شوروشین است
 حوا و مریم ، آسیه ، کلثوم و هاجر - در کربلا امشب زند بر سینه و سر
 هم آدم و نوح و خلیل الله و عیسا - هم مصطفی و مرتضی و خضروموسا
 امشب به دشت کربلا اندر عزا یند - بهر حسین و آن شهیدان در نوایند
 امشب که شام هفتم آقا حسین است - بهر حسین گریان شه بدر و حنین است
 پزهرای اطهر بر حسینش گریه دارد - بر یاوران و اهل بیتش غصه دارد

ختم رسل بهر حسینِ خود عزادار - هم غصّه دار زینب و سجّاد تبار
 در کربلا بنگر چسان شور و نوا نیست - در هفتمِ آقا پیا امشب عزائست
 این هفتمین شامِ جدایی از حسین است - اندر عزا زین العبا و زینب است
 در این شبِ هفتم همه غرقِ عزایند - هم زینب و اهل حرم نوحه سرایند
 اندر دلِ زندانِ کوفه این شبِ تار - باشند از بهرِ حسین امشب عزادار
 آلِ نبی را بین که در تاریکیِ شب - اندر دلِ زندان همه در تاب و در تب
 نوحه سرا کلثوم و زینب بر شهیدان - اندر دلِ زندان همه در آه و افغان
 دور از نگاهِ آن یزیدیهای کافر - اندر دلِ زندان زند بر سینه و سر
 از داغِ هفتاد دو لاله داغدارند - از بهرِ آن گل‌های پرپر غصّه دارند
 گل‌های باغِ مصطفی گردیده پرپر - از بهرِ آنان در عزاخاتون محشر
 زندانِ کوفه جملگی با اشکِ ریزان - شد ذکرشان جانم حسین جا نم حسین جان
 ای باقری آلِ نبی باشد عزادار - هم زینب و کلثوم و هم سجّاد تبار
 سروده شده هفتم شهدای کربلا سال ۹۴

آلِ نبی به کوفه برده شد از کربلا

آلِ نبی به کوفه برده شد از کربلا - کوفه پراز محنت غم است ورنج و بلا
 حسین به کربلا به دعوتِ کوفیان - آمده از مدینه شده دچار خسان
 کشته شده مردها اسیر اهل و عیال - اهل و عیال حسین اسیر گرگ و شغال
 بین چه کردند با اهل و عیال و حسین - بحالت اسارت بگریه و شور و شین
 ز کربلا میبرند به کوفه بی وفا - به قصر ابن زیاد برده شدند از جفا
 سر حسین مظلوم میان طشت زَرین - به قصر کوفه نزد ابن زیاد دین
 با سرِ سبطِ نبی میان طشت طلا - نموده او اهانته شرم از خدا
 مقابلِ دیده اهل و عیال حسین - همی زند چوب کین بر آن لبان حسین
 همان لبی که بوسه بر آن زده مصطفی - شده کنون معرضِ چوب ستم از جفا
 گفت یکی زان میان چوب مزین این لبان - این بود آن کس که شد ملائکش پاسبان
 بین بر این سرکه او منور و با صفاست - این لب و دندان او بوسه گه مصطفی است
 چوب مزین ای لعین بر لب و دندان او - کز زدن لرزه ای است برش یزدان او
 گر که زنی بی حیا به پیش خواهر مزین - پیش زن و بچه اش به پیش دختر مزین
 ولیک آن بی حیا نکرده شرم از خدا - باقریا چوب کین همی زدا و از جفا

کاروانِ آلِ طاهّا سویِ شامِ غمِ روانِ شد

کاروانِ آلِ طاهّا سویِ شامِ غمِ روانِ شد - وه چه ظلمی برحسین واهلبیت ازشامیان شد
 کشته شد مردانِ زیارانِ حسین درروزِ عاشور - کودکانِ و بانوانِ گشتند اسیر و اوطنِ ازدور
 سویِ شامِ غمِ روانِ ازکوفه با قلبِ پرازخون - طیّ منزلِ مینمایند داغدیده زار و محزون
 هریکی که جابماند میزنندش تازیانه - زجر ملعون میکند زجر آن یتیمانِ بابّهانه
 درچهل منزل پیاده میشود طیّ مراحل - کودکانِ پابرهنه ره دراز و سخت و مشکل
 نی غذایی بهر آنانِ ونه آبی نه مکانی - نی بود آسایشی از بهرشان نی آشیانی
 رویِ آن خارمغیلانِ پابرهنه میدوانند - کودکانِ آلِ طاهّا را گرسنه میدوانند
 خاطراتِ بین راه شامِ و کوفه بسِ گران است - خاطراتِ از زینب و سجّاد و آن آه و فغان است
 زجر ملعون، تازیانه، کعبِ نی، خارمغیلان - گشته صورتهای کبود و آبله پاهای طفلان
 کودکی از قافله مانده عقبِ دریکِ شبِ تار - رفته اواز ترس و وحشت در پناهِ بوتّه خار
 زجر ملعون سر رسیده میزند باتازیانه - آلِ طاهّا و بیابانِ وای از این ظلمِ زمانه
 باقری با آلِ طاهّا اینقدر ظلمِ عیان شد - باغم و رنج و مصیبتِ سویِ شامِ غمِ روانِ شد
 یاحسین جان یا حسین جان - یا حسین جان یا حسین جان

دیر راهب در مسیرِ شامِ بود

دیر راهب در مسیرِ شامِ بود - کاندراَن یکِ راهبی خوشنام بود
 یکِ شب آنجا اهل بیتِ مصطفی - با گروهِ شامیان بی حیا
 در کنار دیر راهب ماندگار - جملگی تن خسته و حالِ فکار
 راسِ شاهِ دینِ حسین بن علی - رویِ نیزه همچنان خور منجلی
 در کنار صومعه بنهاد شد - حاملِ سر بهر خواب آماده شد
 نیمه شبِ نوری زِ سراسطع شده - آنچنان گوئی که خور طالع شده
 راهب از آن نور در آن نیمه شب - در تحیر گشته و اندر عجب
 سر بر رویِ کرد از درونِ دیر خویش - دید جمعی خسته با حالِ پریش
 یکِ سری بر نیزه دید اما چه سر - بود زیبا همچنان قرصِ قمر
 میروند نوری بسویِ آسمان - گشته از نورش منور کهکشانشان
 گرد او باشد ملائک در طواف - آنچنان که حاجیانِ گردِ مطاف
 یکِ نهیبی ز دشمایان کیستید - در کنار دیر من از چیستید

این سربالای نی از آن کیست - باچنین شوکت به نی از آن چیست
 یک نفرگفتا که ماموریم ما - چونکه ماموریم معذوریم ما
 این سربالای نی باشد حسین - بوده از بهر نیی نوردوعین
 لیک چون گشته مخالف بایزید - کشته شد باخنجروتیع و حدید
 میبریم اینک سرش راسوی شام - تاکه برگیریم انعامی تمام
 گفت راهب امشب این قرص قمر - میدهدش بر من خونین جگر
 بدره زردارم آن مال شما - باشداین از بخت و اقبال شما
 زربداد و در عوض آن سرگرفت - زنده بود و زندگی از سرگرفت
 بر دسر را در درون صومعه - کرد با او گفتگویی و اهمه
 تو که باشی ای سر دورا زدن - که شدی دورا ز عزیزان و وطن
 کی ترا ای سر زتن کرده جدا - باچه جرمی اینچنین گشتی فدا
 جد تو باشد که و بابت چه کس - کاینچنین باشی توبی فریادرس
 گفت آن سربهر راهب در جواب - مادرم زهرا علی ام هست باب
 من که باشم مصطفی رانورعین - نام من ای راهب باشد حسین
 جد من پیغمبر آخر زمان - آن شفیع این جهان و آن جهان
 من که بی تقصیری جرم و گناه - کشته ی شمرلعین تبت یداه
 در لب آب فرات و تشنه لب - شد سرم از تن جدا یاللعجب
 جسم من مانده بدشت کربلا - راس من بینی بروی نیزه ها
 اهل بیت من اسیر شامیان - از زنان و خواهران و کودکان
 جمله همراه سرم در این دیار - معرض دید صغار و هم کبار
 میبرندم شام در نزدیزید - اینچنین ظلمی در این عالم که دید؟
 آن سرباک حسین شد روضه خوان - گشت راهب بهر او گریه کنان
 ناگهان راهب صداهائی شنید - گریه هائی و نواهائی شنید
 در کنار سر تمام حوریان - حضرت زهرا، علی، پیغمبران
 آن یکی میگفت فرزندم حسین - آن یکی فرزند دلبندهم حسین
 آن یکی میگفت نور دیده ام - ای حسین نور دل غم دیده ام
 جان مادر از چه روافسده ای - از چه روهمچون گل پژمرده ای
 نور چشم حق تونشناختند - بر توشمشیر جفا را آختند
 از چه رولب تشنه کردند شهید = اینچنین ظلمی در این عالم که دید؟

ازچه رواهل و عیالت شد اسیر - از زن و مرد و صغیر و هم کبیر
 ازچه رو راس تو بر روی سنان - روی دست کوفیان و شامیان
 راهب از خود بی خود بی اختیار - گشت گریان بهر آن سر زار زار
 شدم سلمان راهب نیکو سرشت - آن دل شب رفت در راه بهشت
 باقری این راهب و احوال او - لعنت حق بر یزد و آل او

اوّل ماه صفر آل رسول وارد شام شده زار و ملول

اوّل ماه صفر آل رسول - وارد شام شده زار و ملول
 شهر شام است چراغان امروز - همه جا آینه بندان امروز
 شادی و هلهله برپاست بشام - آنچنانک هیچ ندیده ایام
 بانگ تکبیر بلند از همه جا - طبل و شیپور چو روز هیجا
 مردمان هلهله برپا کرده - دل سجّاد بود آزرده
 کف زنان جملگی از پیرو جوان - زینب و آل علی نوحه کنان
 مردم شام همه خرّم و شاد - غل و زنجیر به گردن سجّاد
 امّ کلثوم دلش تنگ آمد - کز جفا بر سر او سنگ آمد
 به تماشا همگی از درو بام - چقدر سخت بود این ایام
 زینب آن دخت علی افسرده - فاطمه همچو گلی پژمرده
 راس پاک شهدانوک سنان - قارئی نیز بخواند قرآن
 ناگهان دختر زهر زینب - روز را کرد بر آنها چون شب
 بانگ برزد که ایام مردم شام - دائمّانیست بکام این ایام
 این همه هلهله برپانکنید - شادی و خنده بیجانکنید
 بهر مالی نه همه غوغانکنید - ظلم بر زاده زهرانکنید
 این سری که شده بر نوک سنان - بفدایش همه ی خلق جهان
 به لبش آیه ای از قرآن است - به جبینش اثر یزدان است
 این سر زاده زهر او علی است - نور او نور خداوند جلی است
 که درخشد چو مهی در دل شب - هست ماه شب تار زینب
 ماهم اولاد پیمر هستیم - زاده ای پاک ز حیدر هستیم
 که امیریم و همه زاده امیر - کاینچنین دست شما گشته اسیر
 گفت سجّاد امام ابن امام - باقری آه ز شام آه ز شام

پس از چهل تا منزل شدن دوار دبشام

اهل و عیال حسین اسیر قوم لئام - پس از چهل تا منزل شدن دوار دبشام
 قصر یزدو شام وزینب و آل طاها - اهل و عیال حسین دچار این بلاها
 کوچه و بازار شام آینه بندان شده - به اهل بیت حسین ظلم فراوان شده
 سه روز و شب پشت دروازه شام خراب - آل نبی منتظر خون جگر و دل کباب
 چونکه شدن دوار دبشام چهادیده اند - جشن و چراغان شهر و کوچه ها دیده اند
 مردوزن شیخ و شاب همه بحال طرب - این طرب از بهر چیست در عجب آمد عجب
 جشن و چراغان شام ز بهر قتل حسین - کشتن سبط نبی تاج سر عالمین
 آیه قرآن بلب راس حسین روی نی - کوچه و بازار شام اهل و عیالش زی
 قصه اصحاب کهف کند تلاوت حسین - از آن تلاوت شده غلغله و شور و شین
 آل نبی جملگی بسته به یک ریسمان - وارد قصر یزد شدند امان الامان
 سر حسین مظلوم میان طشت زرین - میان قصر باشند ز دیزیدی دین
 با سر سبط نبی میان طشت طلا - میکنند او اهانت نکرده شرم از خدا
 میزند او چوب کین بر لب و دندان او - مقابل دیده خواهر گریان او
 گبر و نصاری مجوس، گفت یزید امزن - این سر سبط نبی است فخر زمین و زمن
 زینب کبری چنین دید چو آن صحنه را - گفت یزید عبرتی بگیر از این ماجرا
 خطبه غزا بخواند بنت علی در مقام - که شهادت از آن خطبه همه خاص و عام
 یزید رسوا از آن خطبه زینب شده - چنانکه روز یزد تار چنان شب شده
 زینب ظاهر اسیر شده کنون قهرمان - سیه نموده روز روشن آن شامیان
 ای باقری شده شام از سخنان زینب - آن روزهای روشن گشته کنون چنان شب
 حسین حسین حسین جان - حسین حسین حسین جان

اول ماه صفر بود اهل بیت بشام رسیدند

اول ماه صفر شد نوبت حزن دگر شد - بهر اولاد پیمبر حزن و اندوهی بترشد
 اول ماه صفر بود اهل بیت بشام رسیدند - پشت دروازه ساعات چه ستمها که ندیدند
 سه شب و روز در آنجا همه بال و پر شکسته - برای ورود در شام همه منتظر نشست
 نه غذایی و نه آبی همه اطفال جگر خون - نه پناهی نه مکانی همگی مضطرب و محزون
 یکطرف گرمی روزا یکطرف سردی شبها - یکطرف بی پدری و یکطرف ظلم و ستمها

پشت دروازه نشسته همه اطفال ویتیمان - چونکه دروازه را بستند آن لئیمان ولعینان
چرا دروازه را بستند؟ برای جشن و چراغان - زچه روجشن گرفتند؟ برای کشتن مهمان
شهرشام آینه بندان همه رخت نوپوشیدند - همه کردند حنابندان زهرماری سرکشیدند
نوه هندجگرخوار روی تخت زرنشسته - برای تبریک آن ... میروند دسته بدسته
اما اولادپیمبر همگی روخاک وخاشاک - همه باحالت محزون همه باحالت غمناک
پشت دروازه نشستند همگی بالب تشنه - همه بی لباس وروپوش باشکمه‌های گرسنه
همگی گردیتی می زستم به چهره دارند - همگی از غم و غصه هزاران خاطره دارند
چونکه شدشام مهیا در دروازه گشودند - همه ی مردم شامی سوی دروازه دویدند
پی فرمان یزیدی در دروازه چوواشد - اول ماه صفر بود ماتم آل عبا شد
مردم شام چو دیدند زن و بچه همه دل خون - همه با چهره خاکی همه با حالت محزون
یکی گریان یکی خندان یکی دیگه مات و حیران - همگی زهم می پرسند ز کجایند این اسیران
در دروازه ساعات شده یک غلغله برپا - برای دیدن اینان همگی شدند مهیا
درودیوار و خیابان همگی مردم شامی - همه در حال تماشا چه خواصی چه عوامی
زینب و کلثوم سجاد قصه بستن و کشتن - برای مردم شامی میکنند واضح و روشن
اهلبیت رسول الله قصه کربلارا - میخواهند برای مردم به بیان آشکارا
میگن آی مردم شامی ما همه آل عبائیم - ما همه اهل مدینه اهلبیت مصطفائیم
آن علی بن حسین است این یکی زینب کبرا - این زن و بچه مظلوم همگی زاده زهرا
آن سری که روی نیزه به لبش آیه ی قرآن - بود اوزاده زهرا که چنان ماه درخشان
بود اوزاده حیدر بود اوسبط پیمبر - شده مقتول جفاو ستم شمر ستمگر
لب تشنه به لب آب سراور ابریدند - کلمات مصطفی را زلب او نشنیدند
میهمان را کس ندیده بکشند بالب تشنه - اما این مردم شامی بکشند باتیغ و دشنه
خیمه های ما بغارت رفته است مردم شامی - هریکی یک چیزی برده همچنان دزد و حرامی
ما که آل مصطفائیم مارا بردند به اسارت - کربلا و کوفه و شام به ما گشته بس اهانت
زندان کرده شرمی ز رسول هم حیایی - به کجابهین رسیده ز شما چه بی حیایی
که ز دین خود گذشته بخدا وهم پیمبر - بنموده بس اهانت به بتول وهم به حیدر
باقری از این سخنها شده شامیان پشیمان - که چرا شدند اینسان همگی دچار عصیان
یا حسین جان یا حسین جان - یا حسین جان یا حسین جان
یا حسین جان یا حسین جان - یا حسین جان یا حسین جان
یا حسین جان یا حسین جان - یا حسین جان یا حسین جان

زبانحال عمّه سادات زینب علیهاسلام دراربعین

چو زینب باز گشت از شام ویران - بدشتِ کربلا با آه و افغان
 بیامد بر سرِ قبرِ حسینش - بشد بر آسمان افغان و شینش
 زسالار شهیدان جستجو کرد - کفی از خاکها برداشت بوکرد
 شنید از خاکها بوی برادر - چه بوئی؟ شد از آن بی هوش خواهر
 بناگه ناله زد هذا حسینی - کجائی تو؟ الا یا نور عینی
 بگفت این تربت پاکت حسین است - هم اینجا تربت آن نورعین است
 همینجا بود کاو را سربردند - بظلم و کین سراز پیکربردند
 همینجا بود کاو از تیر و خنجر - فتاده بر زمین صد چاک پیکر
 همینجا بود کاو فریاد میزد - چو پُتکی بر سر بی داد میزد
 همینجا بود کاو چون شیرِ غزان - همی تازید بر اولادِ سفیان
 همینجا بود کاو مانند حیدر - پیا کرد از شجاعت شور محشر
 همینجا بود کاو آزادگی را - حیاتی تازه داد و زندگی را
 همینجا بود کانِ شمرِ ستمگر - بیامد برسرِ سبطِ پیمبر
 خودم دیدم همینجا نور عینم - فتاده بر زمین آقا حسینم
 خودم دیدم همینجا جسمِ صدچاک - فتاده بود او بر بسترِ خاک
 خودم دیدم همینجا پاره پاره - فتاده زخمش افزون از ستاره
 خودم دیدم همینجا بود بی تاب - طلب میکرد او یک جرعه ی آب
 خودم دیدم که او را سر بردند - لبِ تشنه سر از پیکربردند
 خودم دیدم که صحرا لاله گون شد - زمین کربلا دریای خون شد
 خودم دیدم که عاشورا چه ها شد - چه ها درسرزمین کربلا شد
 خودم دیدم که بهر جرعه ای آب - شده ششماهه درگهواره بی تاب
 خودم دیدم که شد عباس و اکبر - بدشت کربلا درخون شناور
 خودم دیدم که شد بی دست عبّاس - بشد پرپر تنش همچون گل یاس
 خودم دیدم پرازخون اکبرم را - بخون غلطان گلانِ پرپر را
 خودم دیدم که قاسم غرق خون شد - زخونش غاضریه لاله گون شد
 خودم دیدم حبیب و عون و جعفر - یکایک همچنان گلهای پرپر
 خودم دیدم بدنهای شهیدان - یکایک غرقه خون در خاک غلطان
 خودم دیدم بدنهای غرق خون بود - مصیبتهای ما از حدفزون بود

خودم دیدم حریقِ خیمه هارا - پراکنده بصرها بچه ها را
 خودم دیدم که بهر گوشواره - بشد بس گوشها مجروح و پاره
 خودم دیدم که اندر آن شبِ تار - تمام اهل بیتِ ما گرفتار
 خودم دیدم سری بالای نی بود - عیال و اهل بیت او زپی بود
 بعاشوراخودم دیدم بلا را - بلای سرزمین کربلا را
 بود اینها زبانِ حالِ زینب - برو ای باقری دنبالِ زینب
 حسین جانم حسین جانم حسین جان - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 سروده باقری پور اربعین ۱۳۹۴

چهل روز است دارم اشک و ماتم

چهل روز است دارم اشک و ماتم - زبهرِ اشرفِ اولادِ آدم
 چهل روز است گویم وا حسینا - چنان زهرایِ اطهرِ دختِ خاتم
 چهل روز است گریانِ حسینم - برای حضرتش درشورو شینم
 چهل روز است مینالم شب و روز - غمین بر پادشاهِ عالمینم
 چهل روز است من از بهرِ اکبر - عزادارم به هر مجلسِ مکرر
 چهل روز است نالم بهرِ عباس - و بهرِ قاسم و هم عون و جعفر
 چهل روز است بهرِ شیرِ خواره - که شد حلقوم او از کینه پاره
 به همراه ریابِ داغ دیده - عزادارم ، همی نالم همواره
 چهل روز است نالم بهرِ زینب - و از بهرِ رقیه در دلِ شب
 و بهرِ سیدِ سجاد و کلثوم - که باشند از جفا درتاب و در تب
 کنون یک اربعینِ بگذشت از عاشور - بود ارض و سما درشیون و شور
 بود در کربلا غوغایِ محشر - عزاداراست انس و جن و هم حور
 کنون یک اربعینِ باشند عزادار - بروز روشن و اندر شبِ تار
 سکینه، زینب و کلثوم و سجاد - توهم ای باقری باشی عزادار

چهل روز است رفتم زین بیابان

چهل روز است رفتم زین بیابان - بسوی شام با این قومِ عدوان
 دل بشکسته و چشمانِ گریان - حسین جانم حسین جانم حسین جان

چهل روزاست گریانم حسینم - دل پرغم زهجرانم حسینم
 زغم سردرگریانم حسینم - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 چهل روزاست کز تودورگشتم - زهجرانت بسی مهجورگشتم
 زظلم شامیان رنجورگشتم - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 چهل روزاست عزادارم حسینم - بدردوغم گرفتارم حسینم
 باطفالت مددکارم حسینم - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 چهل روزاست اسیرکوفیانم - امیروسرپرست کاروانم
 چنین روزی نبوده درگمانم - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 چهل روزاست گشته گریه کارم - اسیرشامیان درشام تارم
 خداداندازاین قلب فکارم - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 چهل منزل بدنبال سرتو - دویده دختران وخواهرتو
 زغم نالیده جدومادرتو - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 بخواندم خطبه ای درشام ویران - که شام و شامیان گشتندحیران
 ازآن رسوایزدوآل مروان - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 بشدرسوایزددون سرانجام - پشیمان شامیان ازخاص وازعام
 کنون آل نبی برگشته ازشام - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 پس ازچل روزاسارت برسرآمد - کنارقبرات اینک خواهرآمد
 دگرای باقری هجران سرآمد - حسین جانم حسین جانم حسین جان
 زبانهال عزاداران حسینی سروده شب اربعین ۱۳۹۴

اربعین درکربلاماتم سرآمد

ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 اربعین درکربلاماتم سرآمد - اهل بیت مصطفی اندر عزا شد
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 اربعین آمد بسر رنج و عناها - بازگشت از شام غم مبتلاها
 اهل بیت از شام ویران بازگشتند - گشت پایان محنت ورنج و بلاها
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 چون رسیدند کربلا از شام ویران - جملگی در آن بیابان مات و حیران

از شرها شد پیاده کودک وزن - شد بلند آه و فغان بر بام کیوان
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین
 زینب آمد بر سر قبر شهیدان - گفت اینک آمدن من ای حسین جان
 همره زین العباد و کودکانت - بازگشتم من کنون از شام ویران
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 من گزارش میدهم اینک شمارا - من بدیدم کوفه و شام بلارا
 در میان طشت زردیدم سر تو - من بدیدم راسها بر نیزه هارا
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 تازیانه، کعبه، بس خورده ام من - زان ستمها من کنون آزرده ام من
 من چگویم که چه دیدم من چهارا - همره خودیک نشام آورده ام من
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 من بفرمان تو آرام و خموشم - صبر و حلم و بردباری شد سروشم
 همچو مادر تازیانه خورده ام من - یک نشان از کعبه نی باشد بدوشم
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 ای برادر دیده ام شام بلارا - فتح کردم پایگاه اشقیارا
 شام را ویرانه کردم بازگشتم - اهل عالم هم شنیدند این صلا را
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 چند روزی گرچه من در شام ماندم - من پیامت را بشام غم رساندم
 شدیزید و آل بوسفیان پشیمان - زان پیامی که به کاخ او کشاندم
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان
 ای برادر میروم اکنون مدینه - در کنار قبرم بی قرینه
 باقری الحمد لله که شدم من - راحت از بیداد و ظلم جور و کینه
 ای حسین جان ای حسین جان ای حسین جان

شدار بعین شاه شهیدان

حسین حسین جان حسین حسین جان - حسین حسین جان حسین حسین جان
 شدار بعین شاه شهیدان - برگشته زینب از شام ویران
 چون کاروان آل پیمبر - گردید آزاد از ظلم بی مر
 از شام غم شد سوی مدینه - با قلب مجروح از ظلم و کینه

لیکن نباشد طفلی سه ساله - همراه آنان با اشک و ناله
 چون گشته مدفون کنج خرابه - دلها برایش از غم کبابه
 چون شد روانه از شام زینب - آندم بداد این پیغام زینب
 ماها که رفتیم ای مردم شام - دارم تمنا از روی اکرام
 کنج خرابه گاهی بیائید - از دختر مایادی نمائید
 روی مزارش با سوگواری - آبی بپاشید از راه یاری
 شمع و چراغی روشن نمائید - ویرانه را چون گلشن نمائید
 *** **

آن کاروان شد با عز و اکرام - سوی مدینه از وادی شام
 اما چه شامی گشته دگرگون - مردم عزادار، غمدیده، محزون
 یک روز بودی جشن و چراغان - دیوار و در بود آئینه بندان
 اما در این روز مردم عزادار - جمله پشیمان زان فعل و رفتار
 کلثوم و سجاد، زینب، سکینه - با کاروان شد سوی مدینه
 بر آل احمد آندم چه باشد - چون وارد دشت کربلا شد
 خود را فکندند از روی محمل - با اشک دیده با غصه دل
 هر یک کنار قبر شهیدی - یک جمله میگفت با چشم گریان
 آن یک همی گفت اکبر کجایی - آن دیگری گفت اصغر کجایی
 آن دیگری گفت ای نوجوانم - بی تو چگونه من زنده مانم
 *** **

زینب کنار قبر حسینش - بر آسمان شد افغان و شینش
 گفت ای برادر جانم حسین جان - اینک رسیده بهر تو مهمان
 برخیز از جا ای نور دیده - بین زینب توازره رسیده
 بنگر حسینم آخر سر انجام - که اهل بیت برگشته از شام
 دانی حسین جان بر ما چه باشد - ظلم ستم بر آل عبا شد
 تو گرن بودی اما سرتو - بوده است همره با خواهر تو
 در این چهل روز در کوفه و شام - بر ما ستمها شد از در و بام
 از آل سفیان بس طعنه دیدیم - بس حرفها کاز دشمن شنیدیم
 اما حسین جان با پایداری - بر ما شد آسان هر ناگواری
 بایاری حق گشتیم پیروز - بر آل سفیان قوم سیه روز

اینک حسین جان برگشتم از شام - اینهم گزارش اینهم سرانجام
 اما ز ظلم و جور زمانه - جسمم کبود است از تازیانه
 دیگر نگویم دیگر چه باشد - بر آل طاها دائم جفا شد
 اللهم العن اول ظالم - عجل ظهور مهدی قائم
 ای باقری پور این اربعین است - روز عزای سلطان دین است
 شداربعین شاه شهیدان - برگشته زینب از شام ویران
 حسین حسین جان حسین جان - حسین حسین جان حسین جان
 حسین جان حسین جان - حسین جان حسین جان
 حسین جان حسین جان - حسین جان حسین جان

اربعین آمد دلم را غم گرفت

اربعین آمد دلم را غم گرفت - بر شهید کربلا ماتم گرفت
 اربعین آمده همه محزون شدند - از غم آل علی دلخون شدند
 اربعین خود هست عاشوری دگر - چونکه بر سر آمده شوری دگر
 اربعین تصویر عاشورابود - چون دوباره کربلا غوغا بود
 اربعین در قتلگاه شاه دین - غلغله برپا بود ز اهل زمین
 اربعین بر سینه و سرمیزند - بهر قاسم، بهر اکبر میزنند
 اربعین پای پیاده در عزا - سینه زنها روبسوی کربلا
 اربعین در کربلا غوغا شده - ماتمی دیگر زنوبرپا شد
 اربعین تجدید حزن و غم شده - بار دیگر موسم ماتم شده
 اربعین دل در هوای کربلاست - گوش و دل با نی نوای کربلاست
 اربعین شوری بر سر آمد دیدید - در هوای کربلا دلها طپید
 اربعین این دیده و دل در عزا است - این دل ماراهی کربلاست
 اربعین دلهای ما پر میزند - بر زمین کربلا سرمیزند
 کربلا بس شور و غوغائی بیاست - هست گریان هر کسی در کربلاست
 صحن عباس و حسین ماتم سراسر است - خوش بحالش هر کسی در کربلاست
 هر خیابان، هر گذر، از هر طرف - سینه زنها، نوحه خوانها، صف بصف
 خیمه گاه و قتلگاه و صحنها - هست برپا شیونی بی انتها
 جمله گویند السلام ای شاه دین - السلام ای زاده حبل المتین

السلام ای سربریده از قفا - السلام ای زاده شیر خدا
 السلام ای تشنه لب ای بی کفن - السلام ای سروباغ یاسمن
 ای ابا الفضل ای علمدار السلام - ای حسین را یاور و یار السلام
 ای توسقا ای سپهدار السلام - ای حسین را تومدد کار السلام
 ای علی اکبر ای قاسم سلام - ای علی اصغر ای جاسم سلام
 ای حبیب ابن مظاهر السلام - ای شهید پاک و طاهر السلام
 السلام ای یار و انصار الحسین - ای شمایاران شاه عالمین
 ای شما هفتاد دویاران پاک - در جوار شاه دین خفته بخاک
 باقری گوید بصبح و ظهر و شام - بر شما باد درود و صد سلام
 سروده اربعین ۱۳۹۴

گوش ماهابر سلام جابر است - گوئی جابر در آنجا حاضر است
 گفت جابر یا حبیبی یا حسین - توبه هر دودی طبیبی یا حسین
 گفت جابر باشه دین این سرود - بر تو و یاران توبادا درود
 گفت جابر ای امام عالمین - السلام ای زاده زهر احسین
 بر تو و اصحاب فرزندان تو - هر کسی که بود در فرمان تو
 هر کسی که قلب پاکش باتوبود - گرچه اودر کربلا باتو نبود
 صد درود و صد سلام و والسلام - بر تو و یاران توباد ای امام
 * * *

گوش ماهابر سلام زینب است - کوزهرشاه در تاب و تب است
 کو بیامد از ره شام بلا - اربعین اندر زمین کربلا
 در کنار قبر شاه عالمین - گفت ای جان برادر یا حسین
 السلام ای نور چشم مادرم - خواهر من، زینب غم پرورم
 باز گشتم اینک از شام بلا - بعدیک چله غم ورنج وبلا
 آمدم اندر مزارت یا حسین - هستم اینک سوگوارت یا حسین
 یا حسین از شام ویران آمدم - زینم با چشم گریان آمدم
 بعد تو بس رنج و محنت دیده ام - از عدویت بس مصیبت دیده ام
 تازیانه دیده ام با کعب نی - راس پاک تو ز پیش و من ز پی
 کوفه رفتم بعد از آن شام خراب - رفته ام ویرانه با قلب کباب
 الغرض دیدم بسی رنج و عنا - تا که اکنون آمدم در کربلا

بی رقیه آمدم لیکن زشام - دخترت درشام بگرفته مقام
 زینب ازشام بلا برگشته است - اوهم اینک کربلائی گشته است
 باقری خواه ازخدای کربلا - زائرش گردی توبا اهل ولا

اربیین و کاروان در کاروان

اربیین و کاروان در کاروان - میرسد درکربلای عاشقان
 اربیین و زینب از شام بلا - میرسد در سرزمین کربلا
 اربیین است و امام چارمین - میرسد اندر مزار شاه دین
 اربیین است و سُکینه با رباب - میرسد در کربلا با صد شتاب
 اربیین است و رقیه در کجاست؟ - جای او خالی بدشتِ کربلاست
 میرسد در کربلا با صد غرور - زائرانِ کربلا از راه دور
 عازم از بهر زیارت جابر است - خوش بحالِ او که اول زائراست
 چارده قرن است راهِ کربلا - طی شده با زائرین با هر بلا
 در هزارو چار صد سال این دیار - دیده بر خود زائرین بی شمار
 هم پیاده هم سوار از هر طرف - زائرینِ کربلا بستند صف
 در هزارو سیصدو چارو نود - زائرین کربلا شد بی عدد
 میرسد از شام و لبنان و عراق - زائرینِ کربلا با اشتیاق
 از نجف تا کربلا صد ها هزار - زائر و عاشق رسد از هر دیار
 تا به سی ملیون زائر اربیین - آمدند از هر دیار و سر زمین
 طی نموده راهِ بس دور و دراز - رو به شهر کربلا با صد نیاز
 هم زساری و خراسان ، اصفهان - هم یزد و هم زقم ، مازندران
 هم لرستان ، اردبیل و قاینات - هم زگنبد هم ز لار و مهولات
 هم ز یزد و هم زگرگان و طبس - عاشق کربلا باشند و بس
 هم زافغان و زپاکستان و چین - آمده در کربلا در اربیین
 هم مسیحی هم مسلمان آمده - کربلا یک محشری برپا شده
 باقری هم از برای یاد بود - این چکامه اربیین گفت و سرود

سروده اربیین ۱۳۹۴

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ رَقِیَّه بنت الحسین

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ - رَقِیَّه بنت الحسین (۴)

رَقِیَّه بنت الحسین - خفته بشام از جفا

دیده بسی ظلم و کین - ز مردم بی وفا

بی بی غمدیده ام - سلام من بر شما

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ - رَقِیَّه بنت الحسین (۴)

رَقِیَّه بنت الحسین - ستاره شام شد

گرچه ستمها براو - از دروازیام شد

ولی بین دشمنش - چگونه ناکام شد

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ - رَقِیَّه بنت الحسین (۴)

رَقِیَّه بنت الحسین - یک حرمی با صفا

کنار کاخ یزید - هست برای شما

فنا ی بیدادگر - هست پیام شما

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ - رَقِیَّه بنت الحسین (۴)

رَقِیَّه بنت الحسین - در ره شام بلا

دیده ز زجر لعین - هزار جور و جفا

دوان دوان روی خار - ز ظلم آن بی حیا

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ - رَقِیَّه بنت الحسین (۴)

بس که پیاده دوید - او عقب قافله

شد کف پاهای او - ز کین پر از آبله

همی ز داو را ز کین - دشمن بی حوصله

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ - رَقِیَّه بنت الحسین (۴)

بس که پیاده دوید - آبله زد پای او

صورت او شد کبود - سیه شد اعضای او

ز ضرب سیلی کبود - آن رخ زیبای او

اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ - رَقِیَّه بنت الحسین (۴)

دختر سبط نبی - خرابه اش شد مکان

دید حقارت بسی - ز مردم و شامیان

عاقبت او نیمه شب - رفت ز دار جهان

السَّلامُ عَلَیْكَ - رقیه بنت الحسین (۴)
 مدفنش اینک شده - یك حرمی باصفا
 آن حرمش باقری - شدحرم کبریا
 زیارت قبر او - طلب کنیم از خدا
 السَّلامُ عَلَیْكَ - رقیه بنت الحسین (۴)

رقیه بنت الحسین

رقیه بنت الحسین رقیه بنت الحسین - رقیه بنت الحسین رقیه بنت الحسین
 میخوام برم زیارت درحرم رقیه - بوسه زنم ضریح محترم رقیه
 آن حرمی که بوده کنج خرابه ی شام - رقیه ی صغیره اسیرقوم لثام
 زگرمی روزها و سردی شبانه - رقیه درعذاب است ای وای ازاین زمانه
 نه نانی و نه آبی ز بهر آن اسیران - نه شمعی و چراغی ز ظلم آن لعینان
 کنار آن خرابه یزیدمست و مغرور - مست شراب و دنیا ز عقل و معرفت دور
 غافل ازاین زمانه و ازستم لثیمان - به تخت سلطنت اوتکیه زده است آنسان
 نیمه شبی رقیه بابارو خواب میبینم - بابا میادکناررقیه مینشینم
 یك لحظه ای پدر را میگیرم اودراغوش - اومیگه هی باباجون بابا همی گند گوش
 کجبودی بابایی دلم برات شده خون - میگن که رفته بودی سفرتوای پدرجون
 قربونت ای بابایی نروتوازکنارم - میخوام بابا سرم را روی زانوت بزارم
 قصه بگی برایم توای بابای خوبم - قصه هاتوکنم گوش ای بابای محبوبم
 همینجوری توی خواب اوهی میگه پدرجون - بابای خوب اوهی میگه آی جگرجون
 دخترخوب و نازم امیدروزگارم - اگرکه رفتم برات یك چیز خوب میارم
 بشرطی که آروم و ساکت باشی عزیزم - هی بهانه نگیری دخترک تمیزم
 عجب خوابی که ناگه بیدارمیشه ازاون خواب - میبینم درخرابه یك ذره نورمهدتاب
 خرابه ای بدون سقف و دراست و دیوار - روی زمین نمناک اذیت است و آزار
 بابا بی نیست درکار کنج خرابه شام - یك عده ای اسیراند در آن خرابه گمنام
 باگریه و باناله میگه باباکجارت - رومیکنه به عمه عمه بابام چرافت
 عمه بابام ازسفرالآنی برگشته بود - ولی چرا عمه جون بابایی رفت خیلی زود
 باگریه اش خرابه میشه یك پارچه فریاد - ازهرطرف بلنده گریه و دادو بیداد
 حسین حسین بلنده نیمه شب ازخرابه - یزیددون زوحشت درغم واضطرابه

میگه چیه چرا این گریه دادو فریاد - بلنده نیمه شب کی داره دادو بیداد
 میگن یزیدیک دختر پدر را خواب میبینه - بیدار شده از اون خواب گریه اوهیمینه
 یک طبق از درون کاخ یزید میارن - توی خرابه پیش رقیه جون میذارن
 همینکه سرپوش رو از روی طبق میگیرن - میبینن اون سری که همه براش میمیرن
 سر عزیز زهرا توی طبق نشسته - از سفر درازی اومده زار و خسته
 اومده در خرابه رقیه شو ببینه - میبینه دخترش رو چقدر نازنینه
 رقیه چون میبینه سر پدر در طبق - بحالت تعجب چشماش میشه بی رمق
 میگه بابای خوبم سرت را کی بریده - کی خنجر ستم را به حنجر ت کشیده
 محاسن شریف چرا شده است پر خون - چهره چون ماه تو چرا شده است گلگون
 دندونای قشنگت چرا چنین شکسته - چرا چنین شدی توحزین و زار و خسته
 چرا من سه ساله شوم یتیم و محزون - چرا چنین ببینم محاسنت پر از خون
 پدر پدر همی گفت در آن خرابه و شب - زناله اش بناله شدا هلبیت و زینب
 که جان بداد ناگه در آن خرابه شام - مدفن اوشد اینک مزار هر خاص و عام
 بیابیم باقری در حرم رقیه - بوسه زنیم ضریح محترم رقیه
 رقیه بنت الحسین رقیه بنت الحسین - رقیه بنت الحسین رقیه بنت الحسین

رقیه آن دخت صغیر حسین

رقیه آن دخت صغیر حسین - گوشه ی ویرانه بصدر شور و شین
 گفت ایا عمه ی نیکو سیر - آمده اکنون پدرم از سفر
 بیا ببین آمده بابای من - آنکه بود مونس غمهای من
 بیا ببین گمشده پیدا شده - خرابه امشب شب یلدا شده
 بیا که با من ز سفر آمده - شام رقیه به سحر آمده
 بیا که دیگر نکنم شور و شین - نخواهم از تو پدر خود حسین
 رفته حسین در سفر آخرت - به نزد جد و پدر و مادرت
 باز نگرده دگر از این سفر - عمه نخواهم دگر از تو پدر
 یا ایتا مرا که کرده یتیم - ز دوریت کرده مرا دل دو نیم
 که سر بریده است ترا از قفا - بریده رگهای گلوی ترا
 محاسنت شد ز چه رنگین بخون - دشت بلا ز خون تو لاله گون
 فدای راس پاک نورانیت - سنگ جفا زد که به پیشانت؟

کسی چنین ظلم ندید از عدو - که تشنه لب بریده گردد گلو
 بدن بروی خاک و سر روی نی - جلو برند و اهل بیتش ز پی
 ز کوفه تا شام بلا روی خار - برهنه پا پیاده با حال زار
 همی دویدم عقب قاقله - شد کف پا یم همه پر آبله
 ناله کنان کنان رسر جان سپرد - نیمه شب در آن خرابه بمرد
 خرابه شد مدفن آن دلمین - شد حرمی برای آن نازنین
 شد آن خرابه حرمی با صفا - ز بهر آن دختر شاه هدی
 کاخ یزیدی شده از بن خراب - نقش یزیدی همه نقش بر آب
 عاقبت ظلم و ستم این بود - این سخن پیمبرودین بود
 ظلم و ستم ران بود عاقبت - کس ز ستم نمی برد منفعت
 کاخ ستم چه کاخ بی پای است - ظلم و ستم چه کاری ما به است
 با قریا آن حرم با صفا - کنان آن کاخ ستم شد بیا
 کعبه آمل شد آن قبر پاک - کاخ یزیدی شده یکسان به خاک
 در نیمه شب میان خرابه سر پدر - بیند که تاجراحت دل رل رفو کند
 خوابید در خرابه که کاخ یزیدیان - با ناله ی یتیمی خود زیرو رو کند

حارث بود تعقیب این طفلان

شب تاریک و این کوفه، دو طفلان زار و سرگردان - ز استبداد طاغوتی ز نامردی نامردان
 دوتن حیران و سرگردان نه ماوائی نه کاشانه - ز ظلم آن یزید دون ز کین ابن مرجانه
 خداوند بر سر فریاد این طفلان تو یا الله - نجاتی ده خلاصی کن ز نامردان تو یا الله
 کنار کنده ی خرما لب شط فرات از غم - بگردن دست یکدیگر نشسته در کنار هم
 الهای نگهدار یتیمان از غم و محنت - خداوند نما لطفی تو بر ما از ره شفقت
 رسان بر ما یکی مرشد نماید راه را بر ما - دلیل و رهنمائی را تو بر ما مرحمت فرما
 بیا بابا که طفلانت بکوفه در بدر باشند - ببین بابا یتیمان غریب و بی پدر باشند
 یقین بابا خبر داری ز حال زار طفلانت - شب تاریک و این کوفه بود حیران یتیمان
 یقین این آخرین شام حیات ماست ای بابا - یقین فردا همان روز ممات ماست ای بابا
 یقین این باقری حارث بود تعقیب این طفلان - در این کوی و در آن برزن در این کوچه در آن سامان

الها ای تو غمخوار یتیمان

الها ای تو غمخوار یتیمان - بین بر حالت زار یتیمان
 بشهر کوفه بی یار و غریبیم - حزین و اشکبار و غم نصیبیم
 یتیم و بی کس و بی خانمانیم - کبوترهای دور از آشیانیم
 دل پر خون ز چشمان اشکباریم - بشهر غربت و بی غمگساریم
 در این غربت نباشد مادر ما - نهد دست محبت بر سر ما
 شده بابای ما مقتول از کین - بدستور عبیدالله بی دین
 بُدی ای باقری در آن شب تار - دو طفلان زار محزون و دل افکار

طفلان سرگردان مسلم

چونکه مسلم شد قتل از تیغ کین - گشت طفلانش یتیم و دلغمین
 دستگیر فرقه اعدا شدند - راهی زندان را ستمها شدند
 بعد چندی چونکه زندانبان شناخت - طفلها را نیمه شب آزاد ساخت
 راه را گم کرده در آن نیمه شب - گشته اند حیران و جان آمد بلب
 بس که گردیدند در اطراف شهر - خسته و حیران رسیدند جنب نهر
 در کنار کنده خرما ز غم - لحظه ای در خواب رفته جنب هم
 کان کنیز حارث آمد بهر آب - دید طفلانی یتیم و دل کباب
 بر دشان در نزد بانوی عزیز - گردش از چهره شد پاک و تمیز
 در میان حجره ای از حجره ها - داد جا تا آرمند از غصه ها
 که بناگه حارث از در در رسید - قاتل طفلان مسلم سر رسید
 خشمگین و با غضب آمد ز راه - از ره تعقیب طفل بی گناه
 پس غذا خورده به بستر آرمید - لیک ناید خواب در چشمش پدید
 ناگهان آمد بگوشش ناله ای - ناله طفلان پنج شش ساله ای
 در پی آن ناله اندر حجره ها - رفت آن ملعون بی شرم و حیا
 دید طفلان را چنان قرص قمر - اندرون خانه اش آن بدسیر
 زد چنان سیلی بروی ماهشان - که بلنداند سما شد آهشان
 ظلم تا این حد به مهمان را که دید؟ - میزبانی اینقدر باشد پلید
 بست بازوی دو طفلان از جفا - حارث بی دین پست بی حیا

جنب شط با قلب پر کید و ضغن - شد مصمم بهر قتل آن دو تن
 راس آن دو را نمود از تن جدا - باقری شد زین ستم نوحه سرا

زا ئرین اینجا ست شهر کر بلا

زا ئرین اینجا ست شهر کر بلا - کربلا یعنی غم و رنج و بلا
 کربلا یعنی زیارتگاه عشق - کربلا یعنی که خلو تگاه عشق
 کربلا یعنی حسین بن علی - آنکه دل از عشق او شد منجلی
 کربلا یعنی که مردان خدا - در ره دین الهی جان فدا
 کربلا یعنی که هفتاد و دو تن - گرد آن مظلوم بی غسل و کفن
 کربلا یعنی که از قحطی آب - گشته عاشورا دل طفلان کیاب
 کربلا یعنی که با سوز و گداز - ظهر عاشورا حسین خواند نماز
 کربلا یعنی که ایمان و یقین - میشو د تکمیل در آن سرزمین
 کربلا یعنی که حج یعنی جهاد - یا تو لّی و تبرّای عباد
 کربلا شد بر ترا ز عرش برین - چونکه با خون شهیدان شد عجین
 کربلا شد بر ترا ز بیت الحرام - چون در او شد بهر دین حق قیام
 خفته در این خاک هفتاد و دو تن - یا و ران آن شهید بی کفن
 اکبر و عباس و اصغر را ببین - قاسم و عون دلا و ر را ببین
 بین حبیب آن پیر مرد قهرمان - بین زهیر و مسلم در خون طپان
 سبط پیغمبر به جسم چاک چاک - در میان قتلگه بر روی خاک
 از میان خیمه گه بین زینبش - آمده بالای تل جان بر لبش
 باقری بنگر به صد شو رو نوا - راس شاه دین بروی نیزه ها

این کربلای عاشقان ای زا ئرین است

این کربلای عاشقان ای زا ئرین است - اینجا حریم سبط خیر المرسلین است
 اینجا حسین فرزند زهرا آرمیده است - مانند او را مادر گیتی ندیده است
 اینجا ست هفتاد و دو تن یا ران عاشق - اندر کنار سیّد و سالار صادق
 اینجا حریم آن علمدار حسین است - آنکو امیر است و سپهدار حسین است
 باب الحوائج حضرت عبّاس نامش - آنکو فداکاری و جانبا زی مراش

آنکو براه دین حق دستش جدا شد - در راه یاری حسین فرقتش دو تا شد
 ای عاشقان کربلا آنجا است اینجا - بنگر حسین بن علی تنهاست اینجا
 بشنو صدای غربت و هل من معین را - بشنو صدای گریه اهل زمین را
 بنگر تو عاشورا و دشت کربلا را - بنگر اسارت را و سر بر نیزه ها را
 بشنو صدای العطش طفلان زارش - بنگر شهیدان یک بیک اندر کنارش
 عباس و عون و قاسم و هم اکبرش را - بر روی دست افتاده جسم اصغرش را
 بشنو صدای زینب و صغرا و کلثوم - اهل حرم در ناله با طفلان معصوم
 بنگر به تلّ زینبیه زینب زار - نظاره گر بر قتلگه با قلب افکار
 بشنو صدای العطش از قتلگه را - بشنو صدای ناله ها از خیمه گه را
 بنگر میان قتلگه نور خدائی - در راه دین حق حسین گشته فدائی
 بنگر تو یک شش گوشه قبری راد اینجا - قبر حسین بن علی آن پور زهرا
 پائین پای قبرا و شد قبرا کبر - اندر کنار سینۀ او قبر اصغر
 یا داز محرم میکن و از روز عاشور - ای زائرین ای عاشقان ای باقری پور

من گدا یم گدا یم گدا یم

شعر قدیمی با آهنگی دیگر که در کربلا خوانده شود

توسط مؤلف تنظیم شده است

من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا یم گدا یم گدا یم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - عاشق کربلا یم حسینم
 من که مدحت سرای حسینم - از برای حسین در نوا یم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا یم گدا یم گدا یم
 نور صدق و صفا دارد ایندل - مهر آل عبا دارد این دل
 عشق کربلا دارد ایندل - از ازل عاشق کربلا یم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا یم گدا یم گدا یم
 از جوانی به پیری رسیدم - شکر حق کربلا شد نصیبم
 آمدم کربلا یم حبیبم - از ازل بوده این مدّعا یم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا یم گدا یم گدا یم
 بوده از کودکی آرزو یم - عقده یم کربلا در گلو یم

یا د ا و دائماً گفتگویم - کربلا بوده ورد و ثنایم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا ی شه کر بلا یم
 بوده است آرزو این چنینم - تا که کربلا را ببینم
 در حریم حسینی نشینم - از جگر آه و ناله سرا یم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا ی شه کر بلا یم
 شکر حق حاجت من برآمد - روز وصل تو آخر سر آمد
 پیک حق مرا از در آمد - با گذر نامه کر بلا یم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا ی شه کر بلا یم
 یا حسین من غلام تو هستم - از ازل دل به مهر تو بستم
 حالیا بین تهی مانده دستم - مستمند و فتاده ز پایم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا ی شه کر بلا یم
 با قری پورم و این شعارم - من غلام تو ای شهریارم
 بر سر خوان تو ریزه خوارم - استخوانی عطا کن برایم
 من گدا یم گدا یم گدا یم - من گدا ی شه کر بلا یم

مدایح امام زین العابدین علیه السلام

امروز همه ارض و سمادلشاد است - چون روز ولادت شه ایجاد است
آنکو که تمام عمر بوده به سجود - معروف از آن به سید سجّاد است

پیشانی آفتاب دارد سجّاد - در دیده ی خود گلاب دارد سجّاد
اوزین عبادت است و هم سجّاد است - دائم بخدا خطاب دارد سجّاد

امشب که در بهشت حق وا شده است - درد دل عابدان مداوا شده است
از یمن ولادت امام چارم سجّاد - شادی و سرور جن و انس برپا شده است

امشب مه عصمت و حیا می آید - امشب شب زینت و دعا می آید
میلاد عبادت است و میلاد سجود - آن رهبر ما و بنده ی خدا می آید

امشب که شب خجسته میلاد علی است ذکر همه مؤمنین عجب ذکر جلی است
فرزند حسین در امشب آمد به جهان - او زین عباد و بن حسین بن علی است

شا دی ز برای مؤمنین آمده است - خشنودی اصحاب یقین آمده است
عالم همه غرق نور امشب شده است - میلاد اما م چارمین آمده است

امشب شده است ارض و سما خلد برین - امشب شده مسرور دل اهل یقین
آرید گلاب و عود و عنبر امشب - زیرا که بود شادی ما اهل زمین

میلاد سه مولود به ما گشته مبارک - این دولت مسعود به ما گشته مبارک
میلاد ابوالفضل و حسین، حضرت سجّاد - بر مهدی موعود و ما گشته مبارک

این شب میلاد تو ای مقتدای ساجدین - باشد مبارک بر همه ای رهبر اهل یقین
ای زینت اهل تقی ای سرور و مولای دین - سبط حسین بن علی ماه امیر المومنین

سجّاد و زین العابدین

آینه ی یزدانِ حق - ای مقتدایِ ساجدین
 ای سیدو مولایِ ما - ای رهبرِ اهلِ یقین
 ای زینتِ اهلِ تُقی - ای سرور و مولایِ دین
 سبطِ حسین بنِ علی - ماهِ امیرِ المومنین
 امشبِ بیاردِ مغفرت - از آسمانِ ای نازنین
 امشبِ به یمنِ مقدمت - ریزد ستاره بر زمین
 امشبِ به ذکرِ یا علی - من مستِ زین العابدین
 ای نورِ چشمانِ حسین - ای ماهِ تابانِ حسین
 سجّاد و زین العابدین - ماهِ درخشانِ حسین
 ای جانِ وجانانِ حسین - هستی تو زین العابدین
 ای رهبرِ ما شیعیان - هستی امامِ چارمین
 ای وارثِ پیغمبران - ای بر همه سلطانِ دین
 مرآتِ ذاتِ ذوالمن - آینه ی یزدانِ دین
 با آن دعاها، سجده ها - دادی دعا را جانِ یقین
 حاجاتِ مارا کن روا - بر دردِ ما درمانِ ببین
 کن قسمتِ ماها بقیع - هم بهرِ ما حصنِ حصین
 بر باقری تو سروری - هم سرورِ اهلِ یقین
 ای نورِ چشمانِ حسین - ای ماهِ تابانِ حسین
 سجّاد و زین العابدین - ماهِ درخشانِ حسین

یا حضرت زین العبا یاسیدی یاسجّاد

یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد
 ای آشنایِ کربلا - دیدی تو بس رنج و بلا
 در روز عاشورا شدی - با صدمصیبت مبتلا
 قتلِ جوانانِ یك بیک - دیدی در آن دشت بلا
 یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد
 از بعد عاشورا شدی - تو باغم و محنت قرین

دیدی میان قتلگه - شاه شهیدان برزمین
 دیدی زنان و کودکان - محزون و زار و دلغمین
 یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد
 تو باغل و زنجیرکین - بر اشتر عربان سوار
 روسوی شام غم روان - گشتی تو با حال فکار
 اندر کنار قتلگه - گشتی تواز غم بی قرار
 یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد
 گشتی اسیر کوفیان - از کربلا تا شام غم
 از ابن سعد و شمر دون - دیدی بسی رنج و ستم
 از کوفه تا شام بلا - بودی گرفتارالم
 یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد
 بعد از پدر دایم شده - اندوه و گریه کار تو
 از غصه کربلا - رنجور شد احوال تو
 در «حرّه» شد باردگر - غمهای عالم یار تو
 یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد
 دیدی توبس جو و رجفا - از آل مروان و هشام
 ظلم و ستم بر توبسی - آمد از این قوم ظلام
 قلبت چنان مجروح شد - هرگز نیابد التیام
 یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد
 کردت شهید از زهرکین - آنم دشمن پست لئیم
 گشتی شهید و عاقبت - رفتی به جنات نعیم
 اما نصیب دشمنت - شد دوزخ و قعر جحیم
 یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد
 مدفون شدی اندر قیقع - نزد عمویت مجتبی
 راحت شدی از رنج و غم - رفتی به جنات علا
 خواهد شود این باقری - زوّار آن قبر شما
 یا حضرت زین العبا - یاسیدی یاسجّاد

مدایح باقر آل محمد علیه السلام

حامل علم نبی آمده است - چارمین پورولی آمده است
پنجمین نورامامت باقر - هفتمین مهرجلی آمده است

شاهی که علوم حق از او ظاهر شد - همانم محمد لقبش باقر شد
ترویج نمود او معارف اسلامی - بردین محمد او بحق ناصر شد

پنجمین نور خداوند مجید - اندر این شب به جمال بشریت تا بید
گلی از گلشن زهرا و علی نک بشگفت - پنجمین اختر افلاک اما مت بدمید

بود امشب شب میلاد امام باقر - آنکه در پیش رخ او همگان شد چاکر
آمد امشب گلی از گلشن دین نبوی - گلی از فاطمه ی بنت حسن شد شاد چاکر

برخیزو نماشادی و شوشاد که مهمان آمد - از یمن قدومش به تن ما همگی جان آمد
آمد آنکو که شکافنده ی علم است و علوم احمد - شکرو صد لشکر که جان همه جانان آمد

باقر آل محمد آمده دنیا خوش آمد

باقر آل محمد - آمده دنیا خوش آمد
ای شکافنده هستی - ای امید حق پرستی
پنجمین امام مائی - توبجای حق نشستی
باقر آل محمد - آمده دنیا خوش آمد
ای امید و سرور ما - سید و تاج سر ما
پنجمین خلیفه حق - توشفیع و یاور ما
باقر آل محمد - آمده دنیا خوش آمد
ای گل باغ ولایت - پنجمین نجم امامت
در صراط مستقیمی - تو علامت هدایت
باقر آل محمد - آمده دنیا خوش آمد

باقری و باقرالعلم - توئی از مصادرالعلم
 در تو علم بی نہایت - توئی از نوادرالعلم
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 توئی از آل پیمبر - نقش تمثال پیمبر
 توئی آئینہ ای از آن - قول و اعمال پیمبر
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 قبلہ دلہاتوئی تو - باقرزہراتوئی تو
 توکہ باقرالعلومی - شافع فرداتوئی تو
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 این توئی بی مثل و ہمتا - این توئی مرہم دلہا
 توشفائی تودوائی - برآور حاجت مارا
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 ای کہ نورایزدی تو - یادگار احمدی تو
 نوگلی زباغ جنت - غنچہ محمدی تو
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 از توسر زدنور سرمد - دریوت آل احمد
 نام توہمنام جدت - باقری توہم محمد
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 معنی ایمان ودینی - دین حق راتوامینی
 یادگار مصطفائی - توامام پنجمینی
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 ہستی ما عشق مائی - تودرون در قلب مائی
 بہر یاران ومحبان - توبہ جنت رهنمائی
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 بارالہا قسمت ما - کن بقیع و و تربت او
 تابنا لیم باقری پور - بر مزار و غربت او
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد
 باقرآل محمد - آمدہ دنیاخوش آمد

نور هفتم ماه پنجم باقر است

نور هفتم ماه پنجم باقر است - حجة حق شمع انجم باقر است
 باقر علم النبیین است او - بر نبی يك از وصیین است او
 صادق ارستاد دانشگاه بود - باقراو را یاور این راه بود
 هست او همنام جدش مصطفی - چون محمد هست نامش باصفا
 جدا و احمد سلامش میکند - باسلامش احترامش میکند
 گفت جابر به باقر این پیام - جد تو احمد کند بر تو سلام
 ماهم از این جا بگوئیم ای امام - ایها الباقر علیک از ما سلام
 گرچه ما اینجا تواند رقیع - گوجواب ماوشو بر ماشفیع
 الغرض در کودکی در کربلا - همره جد و پدر دیدی بلا
 صحنه های کربلا را دیده ای - راه شام و کوفه را پیموده ای
 کربلا بناله های العطش - تو بدیدی کودکی را کرده غش
 کربلا دیدی تو اصحاب وفا - هم جفاها دیدی تواز اهل جفا
 کربلا از خیمه گاه وقتلگاه - توشنیدی ناله ها باسوز و آه
 کربلا اجسام بی سر دیده ای - شام و کوفه روی نی سر دیده ای
 شام و کوفه دیده ای کاخ ستم - کنج ویران دیده ای رنج و الم
 زان شدی تو راوی کربلا - ای امام باقرای نور خدا
 باقری اینک شده مدحت سرا - بهر توای باقر اهل التقی

نور دو چشم زهرا آقا امام باقر

نور دو چشم زهرا آقا امام باقر - فرمانروای دلهای آقا امام باقر
 احیاگر صلاتی آقا امام باقر - سرچشمه حیات آقا امام باقر
 زهر جفا بجان هر دم زنده شراره - استاده خصم جانت بر تو کند نظاره
 گشتی شهید کین زهر هشام ملعون - اندر غم عزایت ماسوگوار و محزون
 سوی جنان روانی با قلب پر شراره - از ابر دیده ریزد بر دامنم ستاره
 اندر بقیع خفتی همراه عم و بابت - دلهای بسوزد از غم بر قبر بی چراغت
 صادق ز داغ بابا محزون و دیده گریان - گوئیم تسلیت ما بر آن امیر ایمان
 ای باقری تو بنما از جان اطاعت او - تا که شود نصیب حج و زیارت او

همه عمر خون فشانم زغم امام باقر

آقا جان امام باقر آقا جان امام باقر - آقا جان امام باقر آقا جان امام باقر
 همه عمر خون فشانم زغم امام باقر - رود اشک دیدگانم زغم امام باقر
 زشرار زهر دشمن شده آتشی به خرمن - که بسوخت جان عالم زغم امام باقر
 زهشام دون غاصب بکندیکی سؤالی - که چرا زکینه کشتی تو امام باکمالی
 چو سوار زین استرینمود امام پنجم - زشرار زهر آن زین بفرغان فتادانجم
 به درسرای خود او چو فرو دشد زاستر - شده است در تب و تاب تن اوز شدت زهر
 سه شب و سه روز آقا تف زهر شعله زد بجانش - بسوی بهشت رضوان بشتافت روح وجانش
 به بهشت و نزد زهرا و به نزد جد و بابش - به بقیع رفت و خوابید تن پاک آن جنابش
 به بقیع و هم مدینه بروی تو باقری پور - به زیارت امام و حرم پیمبر نور
 آقا جان امام باقر آقا جان امام باقر - آقا جان امام باقر آقا جان امام باقر

مدایح امام صادق علیه السلام

بر شیعه ز حق آمده یک رهبر لایق - تابید ز حق بر سر ما نور حقایق
از نسل محمد و علی، حضرت زهرا - آمد ششمین رهبر ما حضرت صادق

امشب که صفا با دل و جان شد همراه - کرده است طلوع، آفتاب و هم ماه
هم جشن ولادت است بر امام صادق - هم عید ولادت محمد ابن عبدالله

گل بپاشید که امشب شده عید - بر شیعه شده است امشب این عید سعید
آمد به جهان جعفر صادق از آن - تابیده در این شب نور خلاق مجید

امشب ز عنایات خداوند غفور - یثرب شده غرق در هاله ی نور
ما غرق سروریم در این شام عزیز - چون حضرت باقر شده امشب مسرور

در هفدهم ماه ربیع المولود - در برج ولا ستاره ای چهره گشود
غم از دل ما رفته در این شب زیرا - آمد ششمین حجت خلاق و دود

امشب گلی از گلشن طاها بدمید - که نور محبت او به دل ما بوزید
او حضرت صادق است امام ششمین - که مذهب جعفری از او گشته پدید

انوار خدا تافته از شهر مدینه - چون آمده مولود دگر بهر مدینه
دل می برد از اهل ولا جعفر صادق - جاری شده یک جعفری از زهر مدینه

شیعه بی قرآن ناطق گشته است - دشت قرآن بی شقایق گشته است
در مدینه خاندان هاشمی - در عزا از بهر صادق گشته است

شد حضرت صادق آن امام مظلوم - از زهر جفای دشمن خود مسموم
مدفون به بقیع شد کنار سه امام - شد شیعه برای حضرت او مغموم

آقا امام صادق مولا امام صادق

آقا امام صادق - مولا امام صادق
 پرپر شده شقایق - بهر امام صادق
 مسموم زهر کین شد - آن کاشف حقایق
 آقا امام صادق - مولا امام صادق
 زهرا زغم حزین شد - از غصه دل غمین شد
 زیرا امام صادق - شهید زهر کین شد
 آقا امام صادق - مولا امام صادق
 بنگر به آل زهرا - در غصه بهر مولا
 آقا امام صادق - رفته زدار دنیا
 آقا امام صادق - مولا امام صادق
 شیخ الائمه صادق - آن کاشف حقایق
 رفته زدار دنیا - اندر عزا خلاق
 آقا امام صادق - مولا امام صادق
 آن جسم پاک و اطهر - گشته چنان صنوبر
 اندر بقیع مدفون - شد در عزاییمبر
 آقا امام صادق - مولا امام صادق
 مدینه غرق ماتم - هم مرتضی و خاتم
 زهرا شده سیه پوش - ای باقری از این غم
 آقا امام صادق - مولا امام صادق

مدایح امام کاظم علیه السلام

پیك سعادت داد این بشارت داد امشب - پیغامی از مهر ولایت داد امشب
 میلاد موسی بن جعفر بر همه بادا مبارک - باشد شبِ شاد و مبارکباد امشب

امشب شبِ ولادتِ موسی بن جعفر است - او هفتمین ولیّ خداوندِ اکبر است
 آئینه ی جمال خداوند آمده است - او مظهر علوم و خصال پیمبر است

تهنیت بر شیعیان موسی بن جعفر آمده - جانشینی بعدِ صادق بر پیمبر آمده
 شادی ماشیعیان امشب رسد بر عرشِ اعلی - چونکه بهر ما شفیعِ یومِ الآخر آمده

مژده ی میلادِ موسی نفحه ی بادِ صباست - یادِ موسی با دل و هم قلبِ ماها آشناست
 آمده امشب دنیا قبله ی حاجات ماها - هستِ ابوابِ الحوائجِ نامِ او ذکرِ خداست

بزمِ ما را امشب آمدِ عالمِ آرایی دگر - کز قدومش بزمِ ما شد طورِ سینایی دگر
 قرنِها بگذشته از موسی و شرحِ رود نیل - آمده امشب دنیا باز موسایی دگر

امشب مهی شد جلوه گراز نسلِ کوثر - شد جلوه گر امشب مه موسی بن جعفر
 تابنده شد خورشیدِ عشق و هم عقیده - آمدِ بدنیا باز یک موسایِ دیگر

کاظمین امشب چراغان گشته است - بیتِ صادق نوربان گشته است
 شد شبِ میلادِ موسایِ زمانه - نعمتِ حق بس فراوان گشته است

یوسف زهرا است زندانی شده - بهر زندانِ یوسف ثانی شده
 هفت سال و یا چهار روزه بود - میزبانِش آدمی جانی شده

اینکه زندانی شده از قهر و کین - هست موسی نور ربِّ العالمین
 هفت و یا که چارده سال است او - هست در زندانِ هارونِ لعین

روز میلاد امام هفتمین است

روز میلاد امام هفتمین است - روز میلاد شه دنیاودین است
 روز میلاد ولی الله هفتم - سبط زهرا و امیر المؤمنین است
 منزل صادق چراغان است امروز - شادی اندر آسمانها وزمین است
 اوکه در گهواره چون عیسی سخن گفت - جانشین انبیا و مرسلین است
 اوکه چون موسی کلیم الله باشد - او ولی الله رب العالمین است
 او مسمی همچو موسی شد به موسی - او ولی الله در کل زمین است
 يك لقب از کاظمین الغیظ دارد - اوکه مصداق یحب المحسنین است
 او بود باب الحوائج بهر ماها - اعتصام مابه آن حبل المتین است
 سالها بوده است در زندان هارون - شیر در زنجیر روباهی لعین است
 عکس شیر پرده را بایک اشارت - میکنند زنده بلی معجز همین است
 هست موسی لیک اعجازش چو عیسی - قم باذن الله باشد این یقین است
 آری آری باقری موسای کاظم - سبط زهرا و امیر المؤمنین است
 یا ولی الله یا موسی بن جعفر - ای امام هفتمین سبط پیمبر

مسموم شد موسی بن جعفر

از ظلم هرون ستمگر - مسموم شد موسی بن جعفر
 آخر شهید راه خدا شد - آسوده از آن جو رو جفا شد
 امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج بسط پیمبر
 ده سال اندر کنج زندان - دید از عدو ظلم فراوان
 بد دست و پایش در کند و زنجیر - در کنج زندان با آه شبگیر
 امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج بسط پیمبر
 گاهی ز نندش تازیانه - بر کتف و بر بازو و شانه
 میگفت یا رب ای حی سبحان - بنما خلاصم از کنج زندان
 امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج بسط پیمبر
 جسمش به روی تخته پاره - مردم کنند او را نظاره
 در شهر بغداد او را غلامان - بردند و لیکن همچون غریبان
 امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج بسط پیمبر

سه روز و شب در جنب معبر - جنازه ی موسی بن جعفر
 بنهاده ظالم بر روی خاکش - همچون حسین و اصحاب پاکش
 امام هفتم موسی بن جعفر - باب الحوائج بسط پیمبر
 سروده شده سال ۱۴۰۳ قمری ۱۳۶۱ شمسی

مسموم شد مولای ما موسی بن جعفر

از ظلم ها رون جفا کا رستمگر - مسموم شد مولای ما موسی بن جعفر
 آخر شهید راه خدا شد - آسوده از آن جور و جفا شد
 با ب الحوائج موسی بن جعفر - با ب الحوائج موسی بن جعفر
 ده یا چهار ده سال اندر کنج زندان - دید اوز دشمن ظلم بی حد و فراوان
 بُد دست و پایش در کند و زنجیر - در کنج زندان با آه شبگیر
 با ب الحوائج موسی بن جعفر - با ب الحوائج موسی بن جعفر
 گاهی زنده ش ازستم با تا زیانه - بر با زو و پهلوه هم بر پشت و شانه
 میگفت یا رب ای حی سبحان - بنما خلاصم از کنج زندان
 با ب الحوائج موسی بن جعفر - با ب الحوائج موسی بن جعفر
 کرد ابن شاهک عاقبت مسموم اورا - خرما ی مسمومش بداد ظلمًا و زورا
 روحش رها شد از ظلم و بیداد - جسمش ز محبس گردید آزاد
 با ب الحوائج موسی بن جعفر - با ب الحوائج موسی بن جعفر
 جسم شریفش را بروی تخته پاره - بگذاشته مردم کنند اورا نظاره
 در شهر بغداد اورا غلامان - بردند بردوش همچون غریبان
 با ب الحوائج موسی بن جعفر - با ب الحوائج موسی بن جعفر
 سه روز و شب جسم شریفش روی معبر - بنگر به مظلومیت موسی بن جعفر
 بنهاده ظالم بر روی خاکش - همچون حسین و اصحاب پاکش
 با ب الحوائج موسی بن جعفر - با ب الحوائج موسی بن جعفر
 از بهر دفن حضرت موسی بن جعفر - آمد سلیمان و گرفت آن جسم اطهر
 با احترا می بنمود خاکش - از ما سلامی بر روح پاکش
 با ب الحوائج موسی بن جعفر - با ب الحوائج موسی بن جعفر
 در کاظمین ای باقری بنگرمزارش - بنگر عنایتها ی بی حد و شمارش
 سررا بنه تویر آستانش - با خیل یا را ن با دوستانش

با ب الحوا ئج موسی بن جعفر - با ب الحوا ئج موسی بن جعفر
 با قری پور سال ۱۳۸۷
 یا با ب الحوا ئج یاموسی بن جعفر - یا با ب الحوا ئج یاموسی بن جعفر
 یا با ب الحوا ئج یاموسی بن جعفر - یا با ب الحوا ئج یاموسی بن جعفر

آقا موسی بن جعفر مولا موسی بن جعفر

آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 امام هفتم ما رفت - از جهان واویلا - راحت شد ازستم رفت - سوی جنان واویلا
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 شهید راه دین شد - مسموم زهرکین شد - مدفون کاظمین آن - امام هفتمین شد
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 از جور و ظلم هرون - حضرت گردیده دل خون - در زندانهای تاریک و - دلگیر و زار و محزون
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 هفت سال و یا که ده سال - یا که چهارده سال - در زندانهای هرون بود - زار و نزار و بدحال
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 در زندانهای نمناک و - دلگیر و زار و غمناک - بود آن آقا زندانی - دست سندی سفاک
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 سندی پست بی دین - زندان بانی بد آئین - میزد باتازیانه - از دشمنی و از کین
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 شکنجه های بسیار - دید آن ولی دادار - از هارون ستمگر - و زسندی جفاکار
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 بی حد ظلم و جفا بود - ولی او با خدا بود - در آن زندان تاریک - درسجده و دعا بود
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 میگفت او یا الهی - بر حال من گواهی - از ظلم و جور هرون - افتاده ام به چاهی
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 از جور و ظلم و طغیان - رسیده بر لبم جان - خلاصم کن تو یارب - دگر از حبس و زندان
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 خلصنی یارب اکنون - مرا از دست هارون - نجاتم ده از زندان - توای خلاق بی چون
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر

دگرسیرم زد نیا - از این ظلم و ستمها - خلاصم کن تو یارب - از این رنج و المها
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 دعایش شد اجابت - نصیبش شد شهادت - شهید از ظلم کین شد - امام با سعادت
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 از زهر کینه مسموم - شد آن مولای مظلوم - به نزد جدو بابش - شد آن مولای مظلوم
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 ای باقری از این غم - جهان شد غرق ماتم - بزن برسینه و سر - بر آن مولا دمام
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 امام هفتم ما - رفت از جهان و اوایلا - امام هفتم ما - رفت از جهان و اوایلا
 آقا موسی بن جعفر - مولا موسی بن جعفر
 سروده سال ۸۹

ای زائرین ای زائرین این کاظمین است

ای زائرین ای زائرین این کاظمین است - اینجا بیا بزم عز و شور و شین است
 این مدفن پاک اما م هفتمین است - آنکو ملائک از برایش دلغمین است
 اندر کنارش مدفن پاک جواد است - آنکو شهید راه دین و عدل و داد است
 هر دو شهید زهر کین دشمنانه - آن یک به زندان دیگری در کنج خانه
 آن یک بدست سندی بن شاهک دون - این یک بدست همسر ام الفضل ملعون
 اندر عزاشان نوحه گر جن و ملک شد - هم عرش و فرش وهم سما وهم سمک شد
 زوار اینجا جمله ی کربویا نند - در رفت و آمد روز و شب در هر زمانند
 بین این حرم را طور موسای کلیم است - موسی و جمله انبیا اینجا مقیم است
 در این حرم باب الحوائج جا گرفته - جو دو سخاوت این مکان ماوی گرفته
 ای باقری دست تو و دامن آنها - باقی همه جسمند و آنانند جانها
 سروده شده جهت کتاب عتبات عالیات فصل کاظمین

مدایح امام رضا علیه السلام

درطوس بسی فرشته ها میبینم - معصوم دهم نور خدا میبینم
استاده به خدمت اندر این باغ بهشت - موسی و خلیل و نوح را میبینم

اندر حرم رضا رضا را بینی - مرآت جمال کبریا را بینی
گر پرده از این چشم به یک سو فکنی - اندر حرمش نور خدا را بینی

اندر حرم رضا دلت مصفا گردد - هر درد و غمی در آن مداوا گردد
گر روی کنی به درگاه رضا با اخلاص - هر عقد و گره ز کار بسته ات وا گردد

خواهم ز خدا تا که شود مشکلم آسان - در برزخ و در حشر، نباشیم هراسان
بگشوده به درگاه رضا دست گدایی - اندر در درگاه شاه خراسان

این بارگاه و صحن و سرا عرش کبریاست - این بقعه ی منور سلطان دین رضاست
پاداش يك زیارت او صد هزار حج - این گفته از رسول خدا بس گرانبهاست

ای امامی که مطاف تو مطاف فقرا شد - ای غریبی که لقب بر تو غریب الغربا شد
فقرا بهر طواف حرمت سوی تو آیند - بارگاه و حرم و قبر تو حج فقرا شد

ای آنکه بود جهان زبهر توغمین - هم جن و هم انس در عزای تو حزین
ما در غم و حزن تو حزینیم زیرا - مهر تو به آب و گل ما گشته عجین

برنور رضا شمس امامت صلوات - معصوم دهم روح کرامت صلوات
در روز ولادتش همه دل شادند - خواهند همه از او شفاعت صلوات

اندر حرمش عشق و صفا می خواهیم - در سینه ی خود آه و نوا می خواهیم
امید شفاعت رضا در سه مکان - در روز ولادت رضا می خواهیم

این بوی خوش از کجا می آید - وقت سحر است و با صفا می آید

در صحن و سرای معصوم دهم - با عطر خوش از رضا رضا می‌آید

از طوس ندای رُتنا می‌آید - فریاد خوشِ خدا خدا می‌آید
بر خیز تو ای گدای مسکین - زیرا که شه طوس رضا می‌آید

چشم من باشد به سویت یا علی موسی‌الرضا - میگذارم سر به کویت یا علی موسی‌الرضا
روز میلادت مبارک باشد ای نورخدائی - به به از نام نکویت یا علی موسی‌الرضا

جلوه گر روی نکویت در جهان آمد رضا - حورو غلمان شاد و خندان از جنان آمد رضا
باب و مامت شادو خوشحال امشب از میلاد تو - عطر افشان بارگاه تو از آن آمد رضا

چون درخشان گشت آن سیمای دلجوی رضا - طعنه زد بر نور مهر و ماه آن روی رضا
از گلستان محمد امشب آمد نو گلی - خوشتر از هر عطر و بویی هست آن بوی رضا

ای که بر درگه تو جمله ملائک زده بوس - همچنان باغ بهشتی بود این خطه توس
همگان آمده در درگهت از روی نیاز - کس نیامد که ز درگاه تو گردد مایوس

دل دیوانه ی این آستانست - که اندراو شه هردو جهانست
سرازمین آستان هرگز نگیرم - که او محرم به اسرار نهانست

دل چون بچه آهو سربزیر است - که اندر دام صیادان اسیر است
زنم دستم بدامان رضایش - که او بر جمله ی دلها امیر است

در مشهد ما چون گل خوشبوست رضا - سرو چمن و گلشن مینوست رضا
ما یک بچه آهو و بدام صیاد - اندر دوجهان ضامن آهوست رضا

لحظه‌های شادی ما شیعیان آغاز شد - باز ذکر یارضا با غنچه ها دمساز شد
امشب از یمن قدوم زاده ی موسای ما - نو گلی از گلشن آل محمد باز شد

این که در مشهد بود ذریّه ی پیغمبر است

این که در مشهد بود ذریّه ی پیغمبر است - بارگاه و تربتش از عرش اعلا برتر است
 این که با شد مرقدش در مشهد و بین دو کوه - خفته در خاک خراسان سبط پاکِ حیدر است
 این علی موسی الرضا و خفته اندر خاک طوس - بضعةً منی برای حضرت پیغمبر است
 تربت پاکش بود چون طوطیای چشم ما - خاک پای حضرتش از عرش اعلا برتر است
 حضرت روح الامین بر در گهش خدمت کند - خدمت درگاه او خود افتخاری دیگر است
 خدمت درگاه او بالاتر از هر خدمتی است - موسی و نوح و خلیل از خادمان این در است
 پادشاهان جهان بر در گه او خادمند - خدمت درگاه او بهتر زهر زیب و فر است
 پادشاهان جهان هریک به درگاهش گدا - چون گدائی درش بهتر ز دُر و گوهر است
 آن عصایِ خادمانش چون عصای موسوی است - آن کلاه خادمانش به زتاج و افسر است
 آن قبای خادمان ازهر ردا زینده تر - آن قبای سرمه ای از هر لباسی بهتر است
 زائرین از چار سو سوی خراسان رو کنند - از زمین و از هوا و هم زبهر و هم بر است
 شد روانه سوی مشهد هم پیاده هم سوار - حافظ این زائران باشد خدای اکبر است
 هر که او بار سفر بندد بسوی مشهدش - گوئیا بار سفر از بهر حج اکبر است
 گفت من اندر سه جا آیم به فریاد شما - او شفیع زائرینش درسرای دیگر است
 زائرین تنها شما زائر به مشهد نیستید - زائرینش احمد و زهرا، جواد و حیدر است
 یک طواف مرقد آقا علی موسی الرضا - هفت هزار و هفتصد و هفتاد حج اکبر است
 باقری در شهر مشهد در جوار حضرتش - فخر دارد اینکه عمری خود غلام این در است

خورشید هشتم جلوه گرد ر آسمان دین شده

اندر مه ذیقعد ه شد در خانه هفتم اما م - اندر مدینه جلوه گرد آن ماه چون بدر تما م
 موسی بن جعفر گشته است شادان و خرم زین سبب - کا مدوصی او رضا آنکو بود بعدش اما م
 هم طاهره تکتم بود خشنود از مولود خویش - بر خلق عالم میدهد از رهبری او پیا م
 خورشید هشتم جلوه گرد ر آسمان دین شده - هشتم وصی از اوصیا هشتم اما م خاص و عام
 او بضعة منی بود بهر رسول کردگار - چون فاطمه دخت نبی آن ما دریا زده اما م
 در مشهد موسی الرضا بای زابو اب جنان - بگشوده است از بهر ما آن حضرت والا مقام
 ای باقری خواه از خدا در این حریم کبریا - خادم شوی بردرگهش اما ده باشی چون غلام

مولا مولا یا ابا لحسن رضا

من را ضمیم به رضای تو یا رضا - دارم امید اینکه تو باشی ز من رضا
 من را ضمیم به رضای تو یا رضا - خواهم شوی تو هم به غلامی من رضا
 همسایگی تو به جهان افتخار من - خواهم کنون شوی تو به همسایگی رضا
 مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا - مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا
 امید من ز تو به قیامت شفاعت است - همسایگی تو به بهشت یک عنایت است
 هرگوشه ی بهشت که باشد مرا خوش است - بودن بزیر سایه ی لطف کرامت است
 مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا - مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا
 بین دو کوه هست چو باغ بهشت ما - باشد حریم و بارگاه تو دیر و کینشت ما
 حب و ولای تو بسم تاج افتخار - لطف خدا رقم زده اینسان سرشت ما
 مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا - مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا
 شهر شماست مشهد و شهر شهادت است - شهر پیام دانش و علم و امانت است
 باشی شما چو حافظ اسلام و انقلاب - بر شرق و غرب واجبی ما را چه حاجت است
 مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا - مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا
 شمس الشموس و حج فقیران تویی رضا - هم خود غریب و یار غریبان تویی رضا
 چشم امید جمله ی ایرانیا نبتوست - تویی پناه و یاور مستضعفان تویی رضا
 مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا - مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا
 آن پرچمی که بر سر بام حریم توست - سبزی آن نشانه ای از آن صفای تست
 سلام میدیم به پرچم تو صبح تا بصبح - ما صف بصف قد و قامت برای توست
 مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا - مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا
 من باقری و شاعرتونو کرتو توام - چون چاکرو غلام همی برادر توام
 من شیعه تومحب تودرسایه توام - من عبد و نوکر پدر و مادر توام
 مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا - مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا

مدینه تا به مشهد غرق گل بهاره

رضا رضا یا رضا رضا یا رضا - رضا رضا یا رضا رضا یا رضا
 مدینه تا به مشهد غرق گل بهاره - چونکه امام هشتم بدینا پا میذاره
 مادر او و نجمه را ببین که شاد مونه - شده رها از غم و غصه این زمونه

موسی جعفر بود گرچه به کنج زندان - زندان زشادمانی برای او گلستان
 مدینه ی پیمبر شده چنان کوه طور - محلّه ی هاشمی شده سراپا سرور
 ا ز همه جای دنیا راهی شدن به مشهد - تا که بگن به آقا تبریک این ولادت
 ا ز همه جا میان تا دعا کنند در اینجا - درد دلار و بگن همه برای آقا
 طبیب در دمنده باشه تو شهر مشهد - دار الشفا ی آقا همه میرن بی نوبت
 هرکس که هرچی میخواد میا دمیکه به آقا - تا وعده شونگیره او نمیره از اینجا
 وارد صحن و سراش وقتی که میشه زائر - وضومیگیره خوشبو، میکنه پاک و طاهر
 میره تو صحن آقا با صلوات و سلام - دودست شوبه سینه میذاره روبه امام
 صحن و سرای حضرت چه صحن با صفایی - هرکه تو این حرم رفت پاک میشه و خدایی
 روی در حریمش این جمله را نوشته - حریم حضرت او یک قطعه از بهشته
 بال و پر ملائک روسر زائرینه - مجا و رین آقا نوکر زائرینه
 توهّم بیا با قری نوکر زائرین باش - خادّم درگاه آن امام هشتمین باش

اما ن از ظلم و استبداد ما مون

اما ن از ظلم و استبداد ما مون - رضا از زهر مامون شد جگر خون
 ز آن انگور زهر آلوده از کین - شده مسموم آن شاهنشاه دین
 درون حجره او همچون غریبان - ز آن زهر جفا افتان و خیزان
 گهی از سوز دل زانو بزانو - گهی از سوز جان پهلوی پهلوی
 ز سوز زهر سوزد قلب زارش - انیس و مونس نبود کنارش
 گهی گوید تقی آرام جانم - سرور قلب و نور دیدگانم
 بیا با با که وقت احتضار است - براهت چشم من امیدوار است
 بغربت میسپارم جان شیرین - بیا با لین من یک لحظه بنشین
 همی خواهم که تا رویت ببینم - گلی از گلشن وصلت بچینم
 غریبم یا ر و غمخواری ندارم - بجز تو یا و رو یا ری ندارم
 ببالین پدر آمد جوادش - گه جان دادنش آمد کنارش
 سربا گرفت آنکه گرفت بدامان - دل پر خون و با چشمان گریان
 اما م هشتمین ناگاه دیدش - چو جان خوشتن دربر کشیدش
 بشد محو جمالش عاشقانه - سپرد اسرار حق را مخفیانه
 بنعش با ب خود نور علی نور - بنا لید و بنال ای با قری پور

روز عزای آن هشتم امام ماست

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم - مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

روز عزای آن - هشتم امام ماست

رضا رضا جا نم - حرف و کلام ماست

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

امام رضامسموم - از زهر مامون شد

جواد او زین غم - گریان و محزون شد

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

درس زمین طوس - دور از وطن گردید

مسموم ز هر کین - آن یاسمن گردید

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

آن هشتمین خورشید - کرده غروب از کین

در خانه ی مامون - از زهر آن بی دین

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

زهر جفا او را - از پا در آورده

شد نوگل زهرا - چون یاس پژمرده

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

در گوشه ی خانه - آن هشتمین معصوم

برخود همی پیچید - آن سیدمظلوم

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

گاهی همی گفتا - نوردو چشمنا نم

یکدم بیا درطوس - بابا تقی جا نم

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

آمد به بالینش - اندر دم آخر

نوردو چشمنا نش - آن طیب و طاهر

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

بنهاد بر دامن - آندم سر با با

آن لحظه ی آخر - شد یاور با با

مو لا رضا جا نم مو لا رضا جا نم

بنگر وداعِ آن - فرزند و با را
 درحزن و غم بنگر - اولادِ زهرا را
 مو لا رضا جانم مو لا رضا جانم
 ای باقری امروز - شمس الشَّموسِ طوس
 چشم از جهان بسته - ای وای صدافسوس
 مو لا رضا جانم مو لا رضا جانم
 یاسیدی مول - انا توجّهنا
 یاسیدی مو لا - انا توجّهنا
 مو لا رضا جانم مو لا رضا جانم

امشب عزای شمس الشَّموس است

جانم رضا جان ، جانم رضا جان - جانم رضا جان ، جانم رضا جان
 امشب عزای شمس الشَّموس است - وقت غروب خورشید طوس است
 ای شیعیان شورونوای غربت کیست - ابن الرضا امشب کنار تربت کیست
 جانم رضا جان ، جانم رضا جان - جانم رضا جان ، جانم رضا جان
 امشب عزادار ابن الرضا شد - چون که زیبا امشب جدا شد
 او از مدینه آمده اندر خراسان - جان دادن بابا کنون گردیده آسان
 جانم رضا جان ، جانم رضا جان - جانم رضا جان ، جانم رضا جان
 دور از مدینه چون که رضا شد - مشهد برایش کرب و بلا شد
 غیر از رضا دور از وطن اینسان که باشد - بی تاب و مهجور از وطن اینسان که باشد
 جانم رضا جان ، جانم رضا جان - جانم رضا جان ، جانم رضا جان
 آمد به ایران فرزند احمد - نورخدائی آمد به مشهد
 این سرزمین از مقدمش مینوسرشت است - درمشهد و بین دو کوه باغ بهشت است
 جانم رضا جان ، جانم رضا جان - جانم رضا جان ، جانم رضا جان
 او از مدینه چون که جدا شد - یعنی شهید راه خدا شد
 او بضعة منی به گفت احمد آمد - بهر شهادت او به طوس و مشهد آمد
 جانم رضا جان ، جانم رضا جان - جانم رضا جان ، جانم رضا جان
 در طوس گشته مسموم کینه - با زهر مامون آن بی قرینه
 مامون چرا با حضرتش جوړو جفا کرد - مسموم از انگور جفا آن بی حیا کرد

جانم رضا جان ، جانم رضا جان - جانم رضا جان ، جانم رضا جان
 خورشید دلها در شهر مشهد - خاموش گشته با ظلم بی حد
 صحن و سرایش باقری باغ بهشت است - این آستان قدس او مینوسرشت است
 جانم رضا جان ، جانم رضا جان - جانم رضا جان ، جانم رضا جان

ما پیاده میرویم به حرم امام رضا

همراه زائرین پیاده به مشهدالرضا(ع)
 ما پیاده میرویم به حرم امام رضا - که شفاعت بکند امام رضا روز جزا
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 کوه دشت و میکنیم طی به امیدکرمش - میرویم از راه دوری به طواف حرمش
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 عاشق امام رضا با پا نه که با سرمیره - به امید کرمش دشت و کوه و کمر میره
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 زائر پیاده وقتی میرسه به حرمش - برای دین خدائی میشه ثابت قدمش
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 میره توی حرم و میگه سلام آقا رضا - السلام ای آقا جون ای شفیع روز جزا
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 میبوسه پنجره رومی اُفته روی قدمش - راز دلهاشومیگه با آقا توی حرمش
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 با آقا میگه آقا از راه دوری اومدم - به امید کرمش با یک غروری اومدم
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 اومدم که دردم و دوا کنی ای آقا جون - اومدم حاجتم و روا کنی ای آقا جون
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 اومدم پیش خدا توبکنی شفاعتم - اومدم که از کرم روا کنی توحاجتم
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا
 باقری خادم تو نوکر زائرین تو - توبهشت میخواد بشه جزء مجاورین تو
 آقاجون امام رضا آقا جون امام رضا

ایستگاه صلواتی که پذیرای شماست زائرین پیاده و ایستگاههای صلواتی

ایستگاه صلواتی که پذیرای شماست - بهر جای و استراحت این مکان جای شماست
 خادمین صلواتی شب و روز آماده - بهر نیروی شما گرم غذاهای شماست
 خادمین صلواتی همه در خدمت تان - اندر اینجا همگی واله و شیدای شماست
 این شما پای پیاده همه رو سوی امام - این علاقه به امام است که به دلهای شماست
 این همه موکب و خادم همه در خدمت تان - سرمه دیده ی شان خاک قدمهای شماست
 این شما پای پیاده ز ره دور و دراز - شوق دیدار رضا جمله سرا پای شماست
 این شما پای پیاده سوی مشهد شب و روز - یا رضا رضا رضا هست که به لبهای شماست
 جملگی شاد و غزلخوان بسوی مشهد و طوس - یا علی موسی الرضا شعر و غزلهای شماست
 این شما پای پیاده ز شمال و جنوب - جمله راههای خراسان زیر پاهای شماست
 این شما نوحه کنان سوی خراسان شب و روز - بلبان گرد شما مست ز غوغای شماست
 جملگیتان سلامت سوی مشهد بروید - بارگاه رضوی مسکن و ماوای شماست
 باقری بهر شما ها این چکامه بسرود - صله اینست که مشمول دعاها ی شماست

مدایح امام جواد علیه السلام

شب ولادتِ دریایِ جودِ جواد - رسد به گوشِ سماواتیان سرودِ جواد
قدم نهاد چون به جهان اوزکتیم عدم - بسویِ عالمِ بالا بشد صعودِ جواد

امام جواد آن شه ملکِ جود - بود عالمِ علمِ غیب و شهود
تقی بود آن متقی نور پاک - جواد است و جودش بود تابناک

پیشوای اهل ایمان مرکزِ تقوا جواد - مقتدای اهل ایقان کعبه دلها جواد
با شکوه مرتضی و فرّ و جاءِ مصطفی - قرّة العین نبی نور دلِ زهرا جواد

ای کویِ تو قبله ی مراد یا امامِ تقی - ای دادرسی ما روز معاد یا امامِ تقی
گشته لقبِت زفرطِ جود و احسان و عطا - مشهور و ملقب به جواد یا امامِ تقی

دلها ز قدم تو چه شاد است امشب - سیراب ز چشمه ی مراد است امشب
بشگفته گلِ تقی شکوفه ی باغِ رضا - فرخنده ولادت تو ای جواد است امشب

تو روضه ی رضوان رضائی ای امامِ جواد - سرحلقه ی خوبان خدائی ای امامِ جواد
در جود و کرم چو تو ندیده چشمِ دردِ دنیا - نادیده کریمی چو شما ئی ای امامِ جواد

جز کویِ تقی پناه دیگری برما نیست - نومید کسی ز فیض این درگا نیست
اوهست جواد و در جهان اسلام - مولودِ سخی چنین در این دنیا نیست

تو حجتِ برحق خدائی ای امامِ جواد - محبوبِ تمام اولیائی ای امامِ جواد
ای آنکه به یمنِ قدمت در این شب - دل روشنیِ امامِ رضا ئی ای امامِ جواد

میلادِ تقی نهم امام آمده است - در کشورِ جود بار عام آمده است
تبریک فرشتگان به یمنِ قدمش - هر دم صلوات است و هم سلام آمده است

این شامِ ولادتِ امیر دلهاست - اوهست جواد و هم تقی ابنِ رضاست

درشامِ ولادت او همگان خوشحالند - خوشحال ترین کس آن عزیز زهراست

شادیم که قلب شیعه شاد است امشب - اوضاعِ جهان وفق مراد است امشب
درهای بهشت اندر این شب شده باز - زیرا که ولادتِ جواد است امشب

میلاّد تقی نهم امام است ای دوست - دربارِ جواد، بار عام است ای دوست
برمقدم او مدام گویم صلوات - چون وقتِ سلام و صلوات است ای دوست

باز است بروی خلق باب برکات - ازبهر نجات آمده کشتی نجات
دست من و دامانِ جواد ابنِ رضا - بر روی جواد و پدر او صلوات

دهم ماه رجب روز میلادِ جواد(ع)

یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
دهم ماهِ رجب روزِ میلادِ جواد - روزِ میلادِ امامِ تقی و پاک نهاد
یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
پدرش امامِ هشتم آقا سلطانِ خراسان - مادرش سبیکه یِ نوییه و بنده یِ یزدان
جداو بود محمد(ص) جدّه اش حضرت زهرا - بهترین خلقِ خدا بوده و هستند بدوران
نام پاک او محمد لقبش بُود جواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
نهمین حجتِ یزدان تقی است و هم جواد است - او چو جدّ خود محمد ص تقی و پاک نهاد است
بینِ نسلِ بنی آدم نبود مثالِ اینان - مادر دهر چو اینان پسری چنین نژاد است
همگان پاک و مطهر مظهرِ جود و جواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
روزِ میلاد و مدینه همگان شاد و غزل خوان - در بیوتِ آلِ هاشم همه خرم همه خندان
گردِ گهواره یِ آقا همه خرم همه خوشحال - به فلک حورو ملک شده همه در جشن و چراغان
چونکه آمده بدنیا پسری پاک نهاد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
همه تبریک بگوئید به شه طوس و خراسان - همگان شادی نمایند الا ای مردم ایران
منزل امام هشتم شادی است و غرقِ نور است - حرمِ امام هشتم پایتختِ دین و ایمان

بگوئید همه مبارک قدم آقا جواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
 یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
 همگان حاجت خود را طلبید از جواد است - همگان مراد خود را طلبید باب المراد است
 بگوئید امام رضا چون آقا چون جواد است - حاجت ما را رواکن آقا چون گمش ز یاد است
 قسمت میدیم به آنکه لقبش هست جواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
 یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
 روز میلاد جواد و کاظمین آرزوی ماست - نجف و کربلا هم دائماً گفتگوی ماست
 باقری و دوستان تشنه ی آب فراتند - آب مهر تو آقا چون ز ازل درسبوی ماست
 حاجت ما را رواکن آقا چون امام جواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
 یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد - یاجواد و یاجواد
 سروده در سال ۸۹

یاجواد و یاجواد و یاجواد

یا جواد و یا جواد و یا جواد - جو د تو شد شامل کل عباد
 شاهد جود و سخاوت هل اتی - هل اتی مانند تو ای خوش نهاد
 یاجواد و یاجواد و یاجواد
 یاجواد ای جود و بخشش خوی تو - شد سخاوت خصلت نیکوی تو
 حاتم طائی که شد ضرب المثل - جود او یک قطره است از جوی تو
 یاجواد و یاجواد و یاجواد
 مظهر جودی از آن رو نام تو - شد جواد و پر ز بخشش جام تو
 معدن جود و سخا و رحمتی - با سخاوت شد سپری ایام تو
 یاجواد و یاجواد و یاجواد
 چون خدا داده تو را نام جواد - زان سبب تو گشته ای باب المراد
 جمله ی درماندگان مبتلا - رو بدرگاه تو آرند ای جواد
 یاجواد و یاجواد و یاجواد
 از همه خلق خدا تو برتری - بعد بابت بر همه تو رهبری
 تویکی از جانشینان رسول - بر همه سرهای عالم سروری
 یاجواد و یاجواد و یاجواد
 جمله مردم ریزه خوار خوان تو - شد ملائک بنده ی فرمان تو

خادمِ درگاهِ تو روح الامین - بهر خدمتِ برادر و ایوان تو
 یاجوادِ یاجوادِ یاجواد
 از پیِ اِ بقاءِ دینِ کردگار - در جوانیِ ای شه والا تبار
 گشته ای مسمومِ زهرِ معتصم - زار و نالان از جفایِ روزگار
 یاجوادِ یاجوادِ یاجواد
 همسرِ تو دشمنِ جانِ تو شد - غافل از پاکی و ایمانِ تو شد
 کرده ات مسموم با زهرِ جفا - غافل از نفرینِ پنهانِ تو شد
 یاجوادِ یاجوادِ یاجواد
 تشنه لب جان داده ای تو از جفا - جرعه ای آبت نداد آن بی وفا
 چون کنیزان خواستند آبت دهند - گشت مانع آن پلیدِ بی حیا
 یاجوادِ یاجوادِ یاجواد
 همچنان جدّت حسین از ظلم و کین - جسمِ پاکت ماند بر روی زمین
 چون سه روز و شب توماندی پشت بام - انس و جن گشته برایت دل غمین
 یاجوادِ یاجوادِ یاجواد
 حضرت هادی عزادارِ پدر - در عزایِ باب گشته خون جگر
 شهر بغداد و سیه پوشِ عزا - شیعیان ریزند خاکِ غم به سر
 یاجوادِ یاجوادِ یاجواد
 شیعیان از غم عزاداری کنید - اشکِ غم از دیده ها جاری کنید
 ای جوانان بهر مو لا تا ن جواد - باقری را در عزا یاری کنید
 یاجوادِ یاجوادِ یاجواد
 سروده باقری پور شهادت امام جواد سال ۸۹

ای جواد ای امام و سبط رضا

ای جواد ای امام و سبط رضا - باب حاجات و هم شفیعِ ما به جزا
 فضل وجود و کرم بودباتو - بیت و رکن و حرم بودباتو
 توتقی ای تومنِبعِ تقوا - روح تقوا تو بر همه جانها
 تو جوادِی، تومنِبعِ جودی - بهر جود و سخا تو ذی جودی
 تو محمد، محمدی خصلت - چون محمد، صفات و هم فضلت
 تو که معصومی و امام نهم - بر نبی قائمی مقام نهم

تو که در کودکی امام شدی - صاحب منصب و مقام شدی
 تو امامی به هشت یائنه سال - تو همی بحر علم و فضل و کمال
 تو جمال جمیل خداوندی - توبه عهد خدای پابندی
 عالمی محو آن جمال توشد - محو علم تو، فضل و کمال توشد
 علم توفوق علم ذی علم است - علم تو توامان با حلم است
 علم توطوس و مرو راطی کرد - اسب علّا مه زمان پی کرد
 علم توشله ای به مرو فروخت - ابن اکثم ز علم تو ادب آموخت
 پانهادی تو چون در این دنیا - شادمان گشت مادرت زهرا
 خیزران یاسبیکه مادر تو - بوسه زد بر رخ منور تو
 پدرت حضرت رضا شد شاد - که خدا نعمتی زر حمت داد
 جانشینی برش مهیا شد - قوّت قلب جمله دلها شد
 آنکه بعد رضا امام هموست - آنکه گیرد بدست خود زمام هموست
 جانشین بهر هشت امام بود - راه حق راه مستدام بود
 باقری رهرو ره حق باش - رهرو این امام مطلق باش
 صبح و هر شب بگوی این کلمات - بر امامان و بر نبی صلوات

در حجره ی در بسته تنها

در حجره ی در بسته تنها
 جان می سپارد سبط زهرا
 صورت به دیوار غریبی می گذارد
 در حجره ی در بسته تنها جان سپارد
 از زهر کین خون شد دلش
 شد همسر او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها
 وا غربتا فرزند زهرا
 ابن الرضا مولای ما رفته زد دنیا
 راحت شده از غصه ورنج و ستمها
 از زهر کین خون شد دلش

شد همسرِ او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها
 واغریتا فرزند زهرا
 افتاد از آه و نفس جان میسپارد
 سر را به دیوارِ غریبی میگذارد
 از زهرِ کین خون شد دلش
 شد همسرِ او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها
 مینالدا ز غم سبطِ زهرا
 بیرونِ حجره جعه با خیل کنیزان
 شادی کنان و دف زنان از ظلم و طغیان
 از زهرِ کین خون شد دلش
 شد همسرِ او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها
 مینالدا از ظلم و ستمها
 جان میسپارد تشنه چون جدّ غریبش
 از همسرِ نادان شده محنت نصیبش
 از زهرِ کین خون شد دلش
 شد همسرِ او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها
 گشته شهید از ظلم اعدا
 جسمش به پشتِ بام و زیر آسمان است
 بالِ کبوترها برایش سایبان است
 از زهرِ کین خون شد دلش
 شد همسرِ او قاتلش

مولا تقی جان - مولا تقی جان
 در حجره ی در بسته تنها
 گشته شهید از ظلم اعدا
 سه روز و شب جسم شریف او رها شد
 ای باقری این ظلم برابن الرضا شد
 از زهر کین خون شد دلش
 شد همسر او قاتلش
 مولا تقی جان - مولا تقی جان

من جواد بن الرضا هستم

من جواد بن الرضا هستم
 چون پدر چشم از جهان بستم
 در حجره تنه‌ایم - از ظلم اعدایم
 بابا رضا جانم (۴)
 ای خدا جز ناله و زاری
 من ندارم یاوریاری
 در حجره ی تنها - جان میدهم بابا
 بابا رضا جانم (۴)
 آه و ناله حاصلم گشته
 همسر من قاتلم گشته
 در حجره ی تنها - جان میدهم بابا
 بابا رضا جانم (۴)
 تشنه ام در کنج این خانه
 خانه بهرم گشته ویرانه
 در حجره ی تنها - جان میدهم بابا
 بابا رضا جانم (۴)
 منکه چون شمع سحر سوزم - از جفا پاتا بر سوزم
 در حجره ی تنها - جان میدهم بابا
 بابا رضا جانم (۴)

مدایح اما م ها دی علیه السّلام

امشب که شب ولادت و میلاد است - عیداست و زبهرِ ما رُکبا د است
شاد است در این شب همه دلها زیرا - امشب دلِ آلِ مصطفی هم شاد است

امشب که ولادت اما م ها دی است - قلبِ همگان غرقِ نشاط و شادی است
آن حامی دینِ احمدی آمده است - بر رهرو راه دینِ حق او نادیده است

زیبا گل باغِ سرمدی شده‌ادی - مرآتِ جمالِ احمدی شده‌ادی
شادند ملایک به شبِ میلادش - نورسته گلِ محمدی شده‌ادی

امشب که مدینه بر جنا ن نا زکند - آدم به تمامِ قدسیان نا زکند
در بیتِ جوادِ آلِ عصمت آمد - ماهی که به ماه آسمان نا زکند

امشب که دهم حجت سبحان آمد *** آن شافع ما رهبرایمان آمد
در شامِ ولادتش همه شادشود *** چون شاد از آن خازنِ رضوان آمد

میلاد دهم وصی احمد هادی است - از یمنِ قدومش همه غرق شادی است
برپا بس قدوم او فرستم صلوات - چون شاد دلِ محمد از این شادی است

ای دهمین امام ما یا هادی

ای دهمین امام ما یا هادی - ای رهبرِ خلقِ خدایا هادی
درس‌آمرا گشتی ز کینه مسموم - ای کشته‌ی زهر جفا یا هادی
آن معتز ظالم بتو چه کرده - از کینه و کید و عنایا هادی
از متوکل ظلمها تو دیدی - ای شهریارِ ماسوا یا هادی
بر منزلت شد از ستم تجاوز - ای نور چشمِ مصطفایا هادی
در مجلسِ بزمِ شراب دشمن - ای بدرارکانِ ولایا هادی
چون بابِ خود کُهِفِ التَّقْی توهستی - چون جد خود بحرِ العطا یا هادی

دیدنی بسی جور و جفا تو از کین - از دشمن شوم دغا یا هادی
 آخر شدی مسموم زهر کینه - از معتمد، دیدنی جفا یا هادی
 در سامرا دور از وطن بغربت - جان داده ای از کینه ها یا هادی
 رفتی تو از دار فنا یانقی - در نزد جدت مصطفی یا هادی
 مدفون سامرا شدی در عراق - توقبله ی دل‌های ما یا هادی
 دارد تمنا باقری ز لطف - ای شافع روز جزا یا هادی
 سروده شده توسط باقری پور سال ۸۹

این شهر سامرا بود ای زائرین ای زائرین

این شهر سامرا بود ای زائرین ای زائرین - شهر امام عسگری و مهدی و هادی دین
 این مدفن پاک امامان عسگری و هادی است - اینجا محل غیبت آن رهبر آزادی است
 اینجا ستمها دیده اند از ظالمان نابکار - آن رهبران عدل و دین آن اولیاء حق مدار
 در مجلس بزم شراب بردند هادی را بزور - لیکن پشیمان شد از این کار خود آن پست شرور
 در باغ وحش معتمد بنگر بحال نوکری - ببر و پلنگ و شیر را گرد امام عسگری
 تحت نظر بودند آن هر دو امام مؤمنین - در پادگان حاکمان ظلم و جور و ضد دین
 هم هادی و هم عسگری مسموم زهر کین شدند - اینجا شهید راه دین آن رهبران دین شدند
 اینجا امام منتظر گشته است غایب از نظر - اینجا مکان غیبتش سرداب غیبت را نگر
 اندر پی او ظالمان در هر مکان در جستجو - غافل از اینکه شد خدا خود حافظ و حامی او
 او را ز کید ظالمین محفوظ کرد از هر خطر - از بهر حفظ جان او غائب نمودش از نظر
 صغری و کبری غیبتش با حکم یزدانی شده - تا این زمان بر شیعیان بس سخت و طولانی شده
 یا رب رسان روز ظهور آن مختفی من فرط نور - کاید بگیرد انتقام از حاکمان ظلم و جور
 ای باقری میکن دعا بهر ظهورش روز و شب - کاید رها ند دوستان از ظلمت و رنج و تعب
 سروده شده برای کتاب همراه زائرین عتبات عالیات

مدایح امام عسکری علیه السلام

امشب که شب ولادت و میلاد است - این شام مبارک مبارکباد است
شاد است دل امام هادی امشب - هم قلب امام مهدی ما شاد است

آن مه که زهرنقص بری میا شد - اولایق تاج سروری میا شد
گرشهر مدینه شد در این شب روشن - از نور امام عسکری میا شد

خورشید سپهر رهبری آمده است - احیاگر فقه جعفری آمده است
تبریک به هادی همه گوئیم امشب - زیرا که امام عسکری آمده است

فرزند نقی امام مارهبر ماست - در هر دو جهان سید و هم سرور ماست
اویازدهمین اختر تابان ولاست - او در دو جهان شفیع مایاور ماست

زمین را بس سروری باشد امشب - زمان را طاق نوری باشد امشب
مدینه در سرور و نور باشد - که یک زیبا پسر میآرد امشب

خوشا دلی که بُود داغ از غم تو - خوشا گلی که گرفته است ماتم تو
دل هزار سلیمان اسیر غم باشد - سلام بر تو و هم مهدی مکرم تو

عسکری حجت یزدان آمد

غنچه خندید که گل وا شده است - باغ گل از گل طاهها شده است
امشب آن حامی ایمان آمد - عسکری حجت یزدان آمد
جشن و شور است و سروری در خاک - نور باران زمین تا افلاک
یوسف است اینکه به کنعان آمد - عسکری حجت یزدان آمد
قدسیان عطر طرب می پاشند - همگی شان ز طرب بشاشند
عرش تافرش چراغان آمد - عسکری حجت یزدان آمد
دین حق محکم از آن عترت اوست - عطر دین از اثر دولت اوست
یازدهم حامی قرآن آمد - عسکری حجت یزدان آمد

اهل دل جمله مناجات کنید - رو به آن قاضی حاجات کنید
 امشب آن آیتِ غفران آمد - عسگری حجت یزدان آمد
 اندر این شب همگی شاد شوید - همه از قید غم آزاد شوید
 باقری آن مه تابان آمد - عسگری حجت یزدان آمد

یا امام العسکری

یا امام العسکری یا امام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری
 خسروکون و مکانی یا امام العسکری - رهنمای انس و جانی یا امام العسکری
 والدصاحب زمانی یا امام العسکری - بهرما روح و روانی یا امام العسکری
 یا امام العسکری یا امام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری
 سرور عالم تویی تو یا امام العسکری - عالم و اعلم تویی تو یا امام العسکری
 نیر اعظم تویی تو یا امام العسکری - درد رانمهم تویی تو یا امام العسکری
 خسروکون و مکانی یا امام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری
 هادی جنّ و بشر هستی تو ای مولای ما - کوکب فتح و ظفر هستی تو ای مولای ما
 رهبر و هم راهبر هستی تو ای مولای ما - بر امامت مفتخر هستی تو ای مولای ما
 رهنمای انس و جانی یا امام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری
 نوگل بستان تو باشد امام انس و جان - جانشین برحق تو مهدی صاحب زمان
 آنکه از بعد تو شد از دیده های ما نهان - آنکه شد در ابر غیبت همچو خورشیدی نهان
 والدصاحب زمانی یا امام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری
 شهر سامرا شده زندانت ای جان جهان - گشته عسکرگاه دشمن از برای تو مکان
 رنج و آزار فراوان بر تو شد از دشمنان - زهرکین معتمد گشته برایت خصم جان
 توازان آورده جانی یا امام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری
 هشتم ماه ربیع گشتی شهید از زهرکین - شد سیه پوش از برای انبیا و مرسلین
 گشته است مهدی امت بهر تواند و هگین - شد عزادار از برای شیعیان و مسلمین
 توسوی جنت روانی یا امام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری
 گشته ای مدفون به سامرا تو ای جان جهان - در کنار باب خود هادی امام انس و جان
 باقری و دوستانت بهر تو نوحه کنان - اندر آن صحن و سرایت شیعیان سینه زنان
 توشفیع دوستانی یا امام العسکری - یا امام العسکری یا امام العسکری

یا ابا المهدی یا ابا المهدی

یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 یا ابا المهدی ای امام دین - این توئی پشت و هم پناه دین
 توبه سامرا گشته ای محبوس - ازستمهای دشمنان دین
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 ازمدینه تو گشتی آواره - گشته ای دل خون زاده زهرا
 تو بظلم و کین ازدیاری خود - آمدی سوی شهر سامرا
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 ازستمهای دشمنان دین - کرده ای آقا ترک کاشانه
 ازجفاهای معتمد بودی - تو به سامرا دریکی خانه
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 تو به سامرا گشته ای محبوس - هم در آنجا تو گشته ای مسموم
 گشته ی زهر معتمد گشتی - در غربی تو ای شه مصوم
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 گشته ای مدفون تو به سامرا - گشته سامرا بارگاه تو
 تو غربی در شهر سامرا - هم غریبانند در پناه تو
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 هم تو و بابت حضرت هادی - هم امید ما مهدی دوران
 کرده منزل در شهر سامرا - شدحریم تو قبله یاران
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 چون بود اینک شهر سامرا - مدفن پاکان قبله گاه ما
 شدامید ما غایب از آنجا - مخفی از دیده شمع راه ما
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 باقری روزی با ظهور او - میشود روشن صبحگاه ما
 میرسد بعد از شام طولانی - نوبت صبح و هم یگاه ما
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی
 یا ابا المهدی یا ابا المهدی - یا ابا المهدی یا ابا المهدی

مهدی یا مهدی بی پدرگشتی

مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی بی پدرگشتی - از غمِ بابا خون جگرگشتی
 مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی
 تو یتیم اینک گشتی ای شاها - تسلیت بادا بر تو از ماها ما
 مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی
 ای امام ما حضرت صاحب - تو به سامرا گشته ای غایب
 مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی
 ما به سرداب غیبت آئیم - ما به فرمان تو سرپائیم
 مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی
 ما به سامرا در حضور تو - دردعا باشیم بر ظهور تو
 مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی
 باقری خواهد از خدا هر روز - تا شود مهدی بر همه پیروز
 مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی مهدی یا مهدی

ای نورچشم عالم مهدی سرت سلامت

شعر شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

سفر زیارتی سامرا روز شهادت سال ۱۳۸۹

نصف شعر سروده شده در مسیر رفت به سامرا

و بر اثر حملات خمپاره ای و نارنجکی دشمنان و محروم شدن
 از فیض زیارت از نزدیک نصف دیگرش در برگشت از سامرا سروده شد
 ای نورچشم عالم مهدی سرت سلامت - روز عزا و ماتم مهدی سرت سلامت
 روز عزاست امروز یابن الحسن کجائی - این شهر سامرا و صاحب عزا شمائی
 این شهر سامرا و صاحب عزاست مهدی - روز عزا یابش بنگر کجاست مهدی
 ما زائرین مشهد (ایران) امروز سامرائیم - از بهر عسکری ما در گریه و عزائیم
 اما هزار افسوس سامره خون چکان شد - خون بردل زائرین یا صاحب الزمان شد
 در سال هشتاد و نه روز شهادت او - محروم دشمن او شد از عنایت او
 ماندیم از زیارت ما شیعیان مهدی - خون شد دل زائرین با یاوران مهدی

مهدی زهجرِ بابا درناله و فغان است - همناله اش تمامِ مخلوقِ این جهان است
 آن یازدهمِ امامِ ما شیعیانِ عالم - امروز شد شهید و ما در عزا و ماتم
 از زهرِ معتمد آن یازدهمین ستاره - مسموم گشت ای وای شد بسته راه چاره
 آقا به خانه خود مدفون شده است ای وای - مهدی او از این غم دل خون شده است ای وای
 شد عسکری شهید و مهدی شده است - غائب اندر میانِ سردابِ پنهانِ امام و صاحب
 روزِ امامتِ آن دُرِّ ثمین رسیده - اما هزار افسوس گشته نهان ز دیده
 روزِ شهادت او شد انفجاری از کین - جمعی شهید و زخمی گشتند در ره دین
 افسوس بارگاهش شد منفجرزکینه - رفتارِ ظلم و ظالم با دینِ حق همینه
 آن گنبدش بدست ما شیعیانِ مهدی - از نو بنا شده با ما یاورانِ مهدی
 آن خانه و حریمش از نو شده است بنیاد - ما شیعیانِ مهدی آن را کنیم آباد
 صدبار اگر خرابی بار آورد عدویش - ما شیعیانِ مهدی داریم رو بسویش
 با یک بنای بهتر سازیم ما حریمش - با صد امید ماها از حضرتِ کریمش
 سردابِ غیبتش را سازیم ما دوباره - ما حافظِ حریمِ دینِ خدا هماره
 ای باقری دعا کن روزِ ظهورش آید - دنیای تیره ما روشن ز نورش آید
 ای نورچشمِ عالمِ مهدی سرت سلامت - روزِ عزا و ماتمِ مهدی سرت سلامت

مدایح حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

امشب که شب خجسته ای است بهر من و ما - پر از گل یاس و لاله شد دامن ما
میلاد ولی عصر و حجت یزدان است - شد خاک به سرعدوی اهریمن ما

امشب که بود شاد دل آل علی - هم آل علی شاد ز احوال علی
شاد است دل آل محمد زیرا - آمد به جهان کعبه ی آمال علی

بریا، همه حجت خدا میآید - مردی به حریم کبریا میآید
درگلشن عسکری گلی روئیده - بوی گل نرگس از فضا میآید

روشن دل ما همه ز نور مهدی است - در سر همه را درک حضور مهدی است
عیدی همه در این شب با برکت - تعجیل خدای ظهور مهدی است

نظری کن تو به ما تا دل ما شاد شود - گذری کن دل ماها زغم آزا د شود
این جهان متمن ز غمت ویران است - با ظهور تو جهانی همه آبا د شود

نرجس که جمال حق در آئینه ی اوست - یک راز نهان درون آن سینه ی اوست
آن راز نهان ولادت مهدی ماست - میلاد حق آرزوی دیرینه ی اوست

نرجس دل حق پرست دارد - با عصمت حق نشست دارد
خورشید زمین و آسمان را - در فجر بروی دست دارد

امروز بهار لاله ی اسلام است - امروز که بهترین ایام است
میلاد سعید حجة الله بود - زانروست که شیرین همه را در کام است

روشن شد از این عید جهان اسلام - امروز شده است بهترین ایام
درگلشن زهرا بشکفته است گلی - او هست دوازدهم امام و هم مهدی نام

عالم شده است پرنورمهدی - خواهیم زحق رویم درحضورمهدی
آما ده شوید چون در این نزدیکی - از حق برسد روز ظهورمهدی

ای حجت حق نورخدا مهدی جان - برملت ما تورهنما مهدی جان
هرمنتظری به صبح و شب میگوید - ای یاورِ دین توئی کجا مهدی جان

ای نورتو نورِ مشرقین ادرکنا - ای یاورِ اُمّ الحسین ادرکنا
باز آی و نما تو قبر زهرا برما - وی منتقم خون حسین ادرکنا

ای سوی تو عالم نگران مهدی جان - شد دوری تو بما گران مهدی جان
طغیان وستم گذشته ازحد اکنون - ای ریشه کنِ ستمگران ادرکنا

ای دوست غمت به جان و دل ماست - یادِ تو به هر مجلس و هم محفل ماست
ذکرتو به لب صبح و شب و بعدِ نماز - اندرهمه حال و مسجد و منزل ماست

یارب برسان اما مَ مارا توکنون - آن صاحب انتقام ما را توکنون
یارب برسان صبح و شب و ظهرو عشاء - برحضرت او سلام ما را توکنون

ای راحت جان و قلب احمد توییا - ای گشته زحق میرمؤید توییا
در گلشنِ دین نیست گلی زیباتر - ارتو گلِ سر سبزِ محمد توییا

ای وارث تاج انما زود بیا - وای مظهر صلح و هم صفا زود بیا
تاریشه کن از زمین شود ظلم و فساد - ای تیغ عدالت خدا زود بیا

ای معزالا ولیا یابن الحسن اندر کجائی
دوستان منتظر هر روز و شب کز در درآئی
ای مذلّ دشمنان دین حق یا حجة الله
یاوران جان بکف در انتظارت کی بیائی

ميلاد امام مهدي عجل الله تعالى فرجه

مهدي آل محمد - آمده دنيا خوش آمد
 حجة بن العسکری و - زاده زهرا خوش آمد
 چشم نرگس گشته روشن - اينک از ميلاد مهدي
 باغ جنت گشته گلشن - اينک از ميلاد مهدي
 نيمه شد چون ماه شعبان - روز وصل عاشقان شد
 روز ميلاد سعيد - مهدي صاحب زمان شد
 مهدي آمد مهدي آمد - عاشقان دلشاد باشيد
 عاشقان مهديت - خرم و آزاد باشيد
 عسکری گوید بشارت - ای حکيمه مهدي آمد
 آنکه دنيا را نمايد - سوی قرآن يهدي آمد
 شاد و خندان گشته نرجس - چونکه زاده ماه تابان
 سامراد جشن وشادی - عسکری شد شاد و خندان
 مهديون مهدي آمد - مصلح آخر زمان شد
 آنکه اندر انتظارش - کل اديان جهان شد
 البشاره البشاره - مهدي موعود آمد
 نيمه شد چون ماه شعبان - مولدی مسعود آمد
 قائم آل محمد - آنکه در پرده نهان شد
 باقری در انتظارش - با تمام شيعيان شد
 سروده شده در مکه مکرمه ميلاد حضرت مهدي عجل الله فرجه ۹۱/۴/۱۴

نيمه شعبان به شهر مکه

ای امام عصرو ای والعصر ما - من زجان و دل سلامت ميکنم
 آمدم در مکه تا بينم تورا - من ز عمق دل صدايت ميکنم
 در کنار کعبه گريبنم تورا - جان ناقابل فدايت ميکنم
 بينمت گر بين آن رکن ومقام - خويشتن را خاک پايت ميکنم
 من بدنبال تو گردم در حطيم - از حطيم دل ندايت ميکنم
 من ببينم گرتورا در مستجار - با زبان و دل دعايت ميکنم

در صفا بینم تو را ای با صفا - من صفا از آن صفایت میکنم
 لحظه ای بینم کنار کعبه گر - قامتت را من قیامت میکنم
 بشنوم من گرانا المهدی ز تو - جان فدای آن لقایت میکنم
 این سر من بر کف پای توباد - طوطیا آن خاک پایت میکنم
 گر شوم از جمله سربازان تو - جان فدایی در قفایت میکنم
 گر همه باشند از یاران تو - من غلامی بر غلامت میکنم
 نیمه شعبان به شهر مکه ام - با قلم مدح و ثنایت میکنم
 باقری ام من به جمع زائرین - جان فدای آن لقایت میکنم
 سروده شده در مکه مکرمه نیمه شعبان ۹۱/۴/۱۵

عید امامت بر شما بادا مبارک

عید امامت بر شما بادا مبارک - بر مصطفی وحیدر و زهرا مبارک
 مهدی امام خلق عالم گشته امروز - بر انبیا و اولیا بادا مبارک
 بر قامت مهدی ردای رهبری شد - درهمچه روزی جانشین عسکری شد
 خوشحال از آن هرمؤمن و هر شیعه باشد - تیری به چشم هر حسود و کافری شد
 مهدی امام مسلمین گردیده امروز - بر باطل و بطلان کنون حق گشته پیروز
 خوشحال و شاد از آن علی و مصطفی شد - شد دشمنان ابتر زهراسیه روز
 بر قامت مهدی ردائی از امامت - پوشیده شد هست آن ردائی تاقیامت
 ناراحت از آن معتمد گردید و جعفر - خوشحال و شاد از این امامت گشته امت
 آن خالق عالم به غیب و الشَّهاده - تاج امامت بر سرمهدی نهاده
 انا جعلناک خلیفه حق سروده - بر غیر مهدی این کلاهی بس گشاده
 ماه ربیع الاول و روز نهم شد - اعلانی از حق بر خلائق بس مهم شد
 کامروز شد مهدی امام عصر و دوران - این حکم و دستوری بخلق از یکم شد
 ختم الوصیین حضرت مهدی ما شد - او جانشین انبیا و اولیاشد
 ای باقری او جانشین بر عسکری شد - جشنی بپا در جنت و عرش علا شد

یوسف زهرا مهدی یا مهدی

یوسف زهرا مهدی یا مهدی - دلبر دلها مهدی یا مهدی
 سید و مولا مهدی یا مهدی - رهبر و مولا مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 یوسف زهرا توئی تو آقا - دلبر دلها توئی تو آقا
 سید و مولا توئی تو آقا - راه تو لا توئی تو آقا
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 روح منی تو یا حجة الله - جان منی تو یا حجة الله
 عشق منی تو یا حجة الله - جان منی تو یا حجة الله
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 بیا کنارم یوسف زهرا - کسی ندارم یوسف زهرا
 چه بی قرارم یوسف زهرا - توئی نگارم یوسف زهرا
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 جلوه طاها بقیة الله - عزیز زهرا بقیة الله
 تو عطر گلها بقیة الله - بیا ز صحرای بقیة الله
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 توئی امام و امیر دلها - توئی شقایق تو عطر گلها
 عصاره این جهان خلقت - توئی چو یوسف عزیز زهرا
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 بیا تو بیرون زابر غیبت - فرج بیا و ز بعد شدت
 به باقری و جهان تشنه - دمی ببار ای سحاب رحمت
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی - مهدی یا مهدی، مهدی یا مهدی

بیا بیا تو ای امید شیعیان

بیا بیا تو ای امید شیعیان - بیا بیا تو ای امید انس و جان
 ای حجت خدا الغوث و العجل - بیا بیا بیا یا صاحب الزمان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان - یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان

بیا تو در حرم اقامه کن نماز - چو خود نبی بیا بگو اذان
 تو برکش از نیام چوشاه لا فتی - تو تیغ ذوالفقار یدالله زمان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان - یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
 بیا بما نما توقیرِ مادرت - کجاست قبر او تو آگهی از آن
 بگیر انتقام ز دشمنانِ دین - زشمر و حمله سنان این زمان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان - یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
 بیا که باقری نهاده جان بکف - ز بهیاری ات کند نثار جان
 برای یاری ات این خیل منتظر - آماده جهاد تمام شیعیان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان - یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان

کی میشود من بشنوم آقا صدایت

کی میشود من بشنوم آقا صدایت - گوئی انا المهدی شود برپا قیامت
 کی میشود من در رکابت جا بگیرم - بینم کنار کعبه آن روی چو ماهت
 کی میشود در مسجد و در حال احرام - بینم تو در حال طوافی و عبادت
 آقا بیا یا بن الحسن دورت بگردم - این جان نا قابل نما یم من فدایت
 این دیدگان ما کجا دیدار رویت - اُمّا بیا یک لحظه کن بر ما عنایت
 یک لحظه ای بر ما نما آن روی چون ماه - من رونمایی میدهم جان را برایت
 بنما قیام ای قائم آل محمد (ص) - قد قامت تو میکند برپا قیامت
 الله اکبر گوی و برپا کن نمازی - اندر کنار کعبه کن برپا جماعت
 پشت سرت عیسی و یارانش ببینم - خیل ملائک صف به صف اندر عبادت
 من هم نمازی با تو ای مهدی بخوانم - گردد نصیبم باقری گراین سعادت
 سروده شده در مکه مکرمه

امام ما مهدی ما تاج سرما

امام ما مهدی ما تاج سرما - در عرفات یک قدم نه به سر ما
 امام عصرو قائم آل محمد - تو جانشین دائم آل محمد
 خاک ره تو توتیای دیده ما - راست شود از تو قد خمیده ما
 در عرفات چشم ما سوی تو باشد - به آرزوی دیدن روی تو باشد

در عرفات يك نظر كن به محبّان - ما همه خاك پای تو از دل و از ازجان
 گرچه میان جمع ما تو در خفائی - حضور تو به جمع ما دهد صفائی
 حضور تو در عرفات عارفانه است - دعای تو ثنای تو چه عاشقانه است
 تو بهترین خلق این روی زمینی - میان بندگان حق تو بهترینی
 ماریزه خوارِ خوانِ نعمت تو هستیم - ما که رهین لطف و مَنّت توهستیم
 روزی ما هست زمین آن وجودت - ماریزه خوار سفره بخشش و جودت
 وجود تو مایه تسکیت زمین است - آرامش ما وجود تو یقین است
 باقری و جمله یاران و محبّان - در آرزوی دیدنت ای مه تا بان
 سروده شده در عرفات

يابن الحسن يابن الحسن

يابن الحسن يابن الحسن - يابن الحسن يابن الحسن
 اندر صفا يا مروه ای - يا در کنار كعبه ای
 در حال سعيی يا طواف - مسعی تو هستی يا مطاف
 يك لحظه بينم روی تو - خال خدو ابروی تو
 خاك كف پای تورا - سرمه كنم بر دیده ها
 در لا بلای حاجيان - جويم همی از تو نشان
 نه يك قدم بر چشم ما - يك لحظه يا بن المصطفی
 تو ای ولی ذوالمنن - يابن الحسن يابن الحسن
 يابن الحسن يابن الحسن - يابن الحسن يابن الحسن
 ما جمله بیمار توایم - از جان خریدار توایم
 اندر رخت بنشسته ایم - بیمار و زار و خسته ایم
 تو يوسف و بردی قرار - از ما همه يعقوب زار
 ما همچو مجنون كو بكوی - زاری كنیم و گفتگوی
 باشد زبان حال ما - مهدی بیا مهدی بیا
 ما را رها كن از محن - يابن الحسن يابن الحسن
 يابن الحسن يابن الحسن - يابن الحسن يابن الحسن
 ای طالب خون خدا - كن يك نظر در كربلا
 بر كش تو شمشیر از نیام - از ظالمین گیر انتقام

از حرمله ، شمر و سنان - وز کوفیان و شامیان
 وز ابن سعدو از یزید - گیر انتقامی بس شدید
 ما منتظر با باقری - هستیم بهر یآوری
 یار تو در هر انجمن - یابن الحسن یابن الحسن
 یابن الحسن یابن الحسن - یابن الحسن یابن الحسن
 سروده شده در مسعی «صفا و مروه» مکّه مکرمه

نهم ربیع اول مهدی شد امام ماها

نهم ربیع اول مهدی شد امام ماها - حافظ وجود او باش ای خدایا بارالها
 حضرت مهدی قائم شده خاتم الوصیین - همچنانکه جداوهم شده خاتم الوصیین
 نبودد گرا ز این پس نه پیمبرونه مهدی - بشنو تواز محمد (ص) که ولانبی بعدی
 بود آخرین وصی هم پس از او امام قائم - بود او امام ماها که اما متی است دائم
 همه شیعیان در این روز شده شاد از این امامت - همه دوستان مهدی شده شاد از این سعادت
 همه شیعیان زده چنگ به ولایت تو مهدی - همه دوستان بود شاد ز امامت تو مهدی
 همه شادگشته اما توشدی ز جمع غائب - ز غیاب تو جهان شد چو شب ای شهاب ثاقب
 ز فراق توست محزون همه دوستان ای یار - توشدی مسافر عشق بودت خدائگهدار
 چه خوش است روز و صلت که تواز سفر بیایی - دهمت به هدیه جانم به نشان رونمایی
 چه خوش است یابن زهرا که ببینم از توروپی - شنوم از آن لبانت سخنی و گفتگوی
 چه خوش است با ظهورت شنوم ندای الحق - تو پیاکنی بعالم علمی ز عدل مطلق
 چه خوش است آن نداریا شنوی تو باقری پور - شنوی ندای الحق بشوی توشاد و مسرور

آرزو دارم که آن مهر درخشان را ببینم

ای معزالا ولیا یابن الحسن اندر کجائی - دوستان منتظر هر روز و شب کز در درآئی
 ای مدلل دشمنان دین حق یا حجة الله - یا ورا نت جان بکف در انتظارت کی بیائی

*** **

آرزو دارم که آن مهر درخشان را ببینم - اختر برج عدالت ماه تابان را ببینم
 آرزو دارم که روزی من بگیرم دامنش را - جان دهم اندر رکابش جان جانان را ببینم
 آرزو دارم ببینم من بدست آن ید الله - ذوالفقار حیدری را قتل عدوان را ببینم

آرزو دارم کہ گردم من ز یاران جنابش - تا کہ قتل طاغیان و مستبدان را ببینم
 آرزو دارم ببینم انتقام از غاصبین را - انتقام از پیروان آل سفیان را ببینم
 انتقام پهلوی بشکسته زہرای اطہر - انتقام محسن مقتول بی جان را ببینم
 انتقام خون حلق اصغر شیرین زبان را - انتقام خون پاک آن شہیدان را ببینم
 آرزو دارم ببینم بہر اجرای عدالت - آن امام دادگر بر دادخواہان را ببینم
 بعد ظلم و جور و عصیان بعد استبداد و طغیان - من بکسی عدالت عدل یزدان را ببینم
 بشنوم جاء الحق و ببینم حقیقت را بدنیہ - بہر نابودی باطل حکم قرآن را ببینم
 آرزو دارم ببینم حجۃ اثنی عشر را - وارث پیغمبران و ہم امامان را ببینم
 آرزو دارم من محزون مضطر زار و غمگین - بہر درمان آن دوائی دردمندان را ببینم
 آرزو دارم ببینم کاخ ظالم را خرابہ - وانگہی من مہدی آباد ضعیفان را ببینم
 این شب تاریک ظلمانی ز پی دارد سپیدہ - عاقبت پایان این شام غریبان را ببینم
 ہست دنیا خار زاری با حکومتہای ظالم - با قیام مہدی آخر من گلستان را ببینم
 اینچنین ظلمی کہ گردد بر سر این بی گناہان - خواہم آخر انتقام بی گناہان را ببینم
 بر یتیمان او پدر ہم بر ضعیفان یارو یاور - عاقبت من آن پناہ بی پناہان را ببینم
 او چو یوسف مردم دنیا بہ ہجرش ہمچو یعقوب - عاقبت پایان ہجر پیر کنعان را ببینم
 باشد اندر انتظارش مردم محروم دنیا - عاقبت بر انتظار آن روز پایان را ببینم
 افضل اعمال امت انتظار روی مہدی است - باقری پایان این دوران ہجران را ببینم

العجل ای صاحب محراب و منبر العجل

العجل ای صاحب محراب و منبر العجل - العجل ای حامی دین پیمبر العجل
 زودتر باز آرہا کن دوستانت را ز غمہا - ای معز الاولیا مولا و سرور العجل
 زودتر باز آ بذلت افکن اعدای خدا را - ای مذل دشمنان حی داور العجل
 زودتر باز آ و بر گیر انتقام مصطفی را - ریشہ کن کن این گروہ پست ابتر العجل
 زودتر باز آ و بر گیر انتقام مادرت را - کو شکستہ پهلویش از ضربت در العجل
 زودتر باز آ و بر گیر انتقام جد خود را - آن حسین بن علی سبط پیمبر العجل
 زودتر باز آرہا کن مسلمین را از ستمہا - کن زمین را پاک از اعدای کافر العجل
 از نیام آور برون آن ذوالفقار حیدری را - ای امام عدل بنشین بر تکاویر العجل
 پرچم قسط و عدالت را برافرازی شہا - پرچم طاغوتیان را کن نگونسرا العجل
 مجری قانون حق باز آ و این قانون حق را - تو نما اجرا ایا مولا و رہبر العجل

مهدی صاحب زمان باز آ گروه جاهلین را - کن هدایت در ره الله اکبر العجل
ای امام عصر و دوران زودتر باز آنماتو - هم امامت بر تمام خلق یکسر العجل
باقری در انتظارت با تمام مسلمین است - حجت حق زودتر باز آ تو از در العجل

ای حامی مستضعفان مهدی بیا مهدی بیا

ای حامی مستضعفان مهدی بیا مهدی بیا - ای یاور رزمندگان مهدی بیا مهدی بیا
ای مهدی صاحب زمان ای یاور اسلامیان - الغوث ادرك الامان مهدی بیا مهدی بیا
ای حجت پروردگار مستضعفین در انتظار - کن خویشتن را آشکار مهدی بیا مهدی بیا
ای یادگار مصطفی اندر ظهورت با صفا - گردد جهان پُر جفا مهدی بیا مهدی بیا
باز آ و از لطف و کرم اسلامیان از بحر غم - بنما رها ای محترم مهدی بیا مهدی بیا
بنگر بسیج و پاسدار با ندبه و حال نزار - هر لحظه اندر انتظار مهدی بیا مهدی بیا
رزمندگان در جبهه ها در سنگر و حال دعا - خواهند دیدار ترا مهدی بیا مهدی بیا
تو ای امام منتظر یکدم بحال ما نگر - کن دشمنان را در بدر مهدی بیا مهدی بیا
درانتظار با قری با جمله رزمندگان - يك لحظه بینیمت عیا ن مهدی بیا مهدی بیا
سروده شده در جبهه سالهای دفاع مقدس

یابن الحسن کجایی

یابن الحسن کجایی - ما منتظر بیایی
عجل علی ظهورك - ای حجت خدایی
دنیا پر از جهالت - گمراهی و ضلالت
عجل علی ظهورك - بر پا نما عدالت
تو ای امام دوران - هستی چو ماه پنهان
پرده ز رخ بر افکن - تا که شوی نمایان
ما منتظر براهت - از بهر يك نگاهت
بر چشم ما قدم نه - با لشکر و سپاهت
اندر دعای ندبه - گوئیم آیین آیین
آنکو امام هستی است - او شاه عالمین
آنروز کو بیاید - با خیل یاورانش

آروز می شود کور - چشمان دشمنانش
 آروز شاد و خوشحال - آنکو در انتظار است
 از بهر دوستانش - آروز نوبهار است
 آروز رخت بندد - هر کینه و عداوت
 آروز جمع گردد - هر شادی و محبت
 آروز هست نابود - هر پستی و رذالت
 دنیا شود گلستان - در سایه ی عدالت
 آروز گرگ با میش - در صلح و در صفایند
 آروز عهد و پیمان - در حیطة ی و فایند
 آروز دشمنان - سلطان کربلا را
 بینی تو دست بسته - آن خیل اشقیا را
 گیرد امام مهدی - از دشمنان کافر
 آروز انتقام - خون علی اصغر
 گیرد امام مهدی - از دشمن پلیدش
 آروز انتقام - آن مادر شهیدش
 ای باقری خوشا که - آروز زنده باشی
 اندر رکاب مهدی - سر باز و بنده باشی

اشعار سروده شده در سفر عتبات سال ۸۹

اشعار برای بین الحرمین

بین الحرمین بین الحرمین - این طرف عباس، این طرف حسین
 اینطرف وزیر دربارہ - این طرف شاه عالمین
 یا حضرت عباس، یا حسین مظلوم - یا امیر علمدار، یا امام معصوم
 یا حضرت عباس ای امیر دلہا - یا حسین مظلوم ای غرب و تنہا
 اینجا حریم پاکِ عباس و حسینہ - همچون صفا و مروه بین الحرمینہ
 در این طرف حرم آقا ابا الفضل - آن شہ با صولت و با صفا ابا الفضل
 در این طرف بین حرم عزیز زہرا - شاہ غریب و بی کس این دشت و صحرا
 در این طرف بین حرم حضرت عباس - معطر است آن حرم از عطر گلِ یاس
 در این طرف حائر اقدس حسینہ - شافع امت است و شاہ عالمینہ
 در این طرف پیکر صدچاک ابا الفضل - غرقہ بخون فتادہ در خاکہ ابا الفضل
 در این طرف پیکر صدچاک حسین است - حائر قدس و تربت پاک حسین است
 در این طرف قبلہ حاجتہ ابا الفضل - کان سخا روح مناجتہ ابا الفضل
 در این طرف آقا سفینۃ النجاة است - روح دعا، سرچشمہ آب حیات است

.....

این طرف است امام حسین - شاہ شہید عالمین
 این طرف عباس علی است - محبتش بہ ہر دلی است
 این طرف است خون خدا - شاہ شہید سر جدا
 این طرف عباس دلیر - سقا و سردار و امیر
 باقری بین الحرمین - بیاد عباس و حسین
 بزن بہ سینہ و بہ سر - بریز اشکت از بصر
 بگو یا عباس و حسین - بگو یا عباس و حسین

.....

یا عباس یا حسین - یا عباس یا حسین
 یا عباس یا حسین - یا عباس یا حسین
 یا عباس یا حسین - یا عباس یا حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

ای بی کفن حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 خونین بدن حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 دور از وطن حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 صدپاره تن حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 یاران حسین یاورنداشت - حسین حسین حسین حسین
 اکبرنداشت اصغرنداشت - حسین حسین حسین حسین
 عباسی آب آور نداشت - حسین حسین حسین حسین
 هم عون و هم جعفر نداشت - حسین حسین حسین حسین
 ای بی کفن حسین وای - حسین حسین حسین وای
 صدپاره تن حسین وای - حسین حسین حسین وای
 خونین بدن حسین وای - حسین حسین حسین وای
 دور از وطن حسین وای - حسین حسین حسین وای
 حسین حسین حسین وای - حسین حسین حسین وای
 حسین حسین حسین وای - حسین حسین حسین وای
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 سقای دشت کربلا - یا سیدی یا عباس
 ای هر دو دست از تن جدا - یا سیدی یا عباس
 ای کشته ی راه خدا - یا سیدی یا عباس
 ای با وفا ای با صفا - یا سیدی یا عباس
 ای یاور دین خدا - یا سیدی یا عباس
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 یا سیدی یا عباس - یا سیدی یا عباس
 ابا الفضل ابا الفضل - ابا الفضل ابا الفضل
 ابا الفضل ابا الفضل - ابا الفضل ابا الفضل
 ای قبله حاجات ما - ابا الفضل ابا الفضل
 حاجات ما بنما روا - ابا الفضل ابا الفضل
 درگاه تو دار الشفا - ابا الفضل ابا الفضل
 مرضای ما بده شفا - ابا الفضل ابا الفضل

قرضای ما بنما ادا - اباالفضل اباالفضل
 اباالفضل اباالفضل - اباالفضل اباالفضل
 اباالفضل اباالفضل - اباالفضل اباالفضل
 اباالفضل اباالفضل - اباالفضل اباالفضل

اینجا بین الحرمینہ

اینجا اینجا بین الحرمینہ - اینجا اینجا بین الحرمینہ
 این سو نگاه کن بگو یا عباس - این سو نگاه کن بگو یا حسین
 این طرف هست امیرِ با وفا - این طرف هست حسینِ با صفا
 این طرف هست شهیدِ علقمہ - این طرف هست عزیزِ فاطمہ
 این طرف هست یلِ امّ البنین - این طرف هست حسینِ نازنین
 این طرف هست علمدارِ حسین - این طرف هست امامِ عالمین
 این طرف هست سقایِ تشنگان - این طرف هست امامِ دوجہان
 این طرف هست ندایِ یا اِخا - این طرف هست شهیدِ سرچدا
 این طرف هست علمِ روی زمین - این طرف هست شهیدِ راہِ دین

.....

این طرف بکن نگاه ای زائرِ امام حسین - دستت را بزار رو سر بگو حسین و یا حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 این طرف بکن نگاه قبرِ اباالفضلِ رشید - دستت را بزار روسرِ یا عباسِ شهید
 یا عباس یا عباس یا عباس یا عباس - یا عباس یا عباس یا عباس یا عباس
 سرت رو بگیر بالا روکن بدرگاہِ خدا - بگو ای خدایِ ما حقِّ حسینِ سرچدا
 حقِ عباسِ علی بحقِّ هفتاد و دو تن - بگذر از گناہِ ما تو ای خدایِ ذو المنن
 باقری وزائرین ہم مدیرِ کاروان - میکند سپاسِ توای خدایِ مہربان

بین الحرمین

شعری برای برای کربلائیہای عزیز سروده شدہ کہ دربین الحرمین بخوانند

سرودہ باقری پورمحرّم ۱۳۸۹

بین الحرمین بین الحرمین - این طرف عباس این طرف حسین

این طرف وزیر دربار - این طرف شاه عالمین

.....

یا حضرت عباس یا حسین مظلوم - یا میر علمدار یا امام معصوم

یا حضرت عباس ای امیر دلها - یا حسین مظلوم ای غریب و تنها

.....

اینجا حریم پاک عباس و حسین است - همچون صفا و مروه بین الحرمین است

در این طرف هست حرم آقا ابا الفضل - آن شه باصوالت و با صفا ابا الفضل

در این طرف هست حرم عزیز زهرا - شاه غریب و بی کسی این دشت و صحرا

در این طرف هست حرم حضرت عباس - معطر است آن حرم از عطر گل یاس

در این طرف حائر اقدس حسین است - او شافع امت شاه عالمین است

در این طرف پیکر صدچاکه ابا الفضل - غرقه بخون فتاده در خاکه ابا الفضل

در این طرف پیکر صدچاک حسین است - حائر قدس و تربت پاک حسین است

در این طرف قبله حاجاته ابا الفضل - کان سخا روح مناجاته ابا الفضل

در این طرف آقا سفینه النجاة است - روح دعا سرچشمه آب حیات است

.....

این طرف است امام حسین - شاه شهید عالمین

این طرف عباس علی است - محبتش تو هر دلی است

این طرف است خون خدا - شاه شهید سر جدا

این طرف عباس دلیر - سقا و سردار و امیر

.....

یا عباس یا حسین - یا عباس یا حسین

یا عباس یا حسین - یا عباس یا حسین

یا عباس یا حسین - یا عباس یا حسین

.....

عباس امیر لشکر - حسین شیر دلور

عباس امیر لشکر - حسین شیر دلور

عباس امیر لشکر - حسین شیر دلور

.....

عباس رفته علقمه - آب آورد بی واهمه

عباس رفته علقمه - آب آورد بی واهمه

عباس رفته علقمه - آب آورد بی واهمه

.....

عبّاس یاورِ حسین - امیرِ لشکرِ حسین

عبّاس یاورِ حسین - امیرِ لشکرِ حسین

عبّاس یاورِ حسین - امیرِ لشکرِ حسین

.....

بی دست عبّاس آمده - پرپرگلِ یاس آمده

بی دست عبّاس آمده - پرپرگلِ یاس آمده

بی دست عبّاس آمده - پرپرگلِ یاس آمده

.....

چه شدبرادرِ حسین - امیرِ لشکرِ حسین

چه شدبرادرِ حسین - امیرِ لشکرِ حسین

چه شدبرادرِ حسین - امیرِ لشکرِ حسین

.....

اینجا یلِ امّ البنین - گشته شهیدِ راهِ دین

اینجا یلِ امّ البنین - گشته شهیدِ راهِ دین

اینجا یلِ امّ البنین - گشته شهیدِ راهِ دین

.....

اینجا حسین تنه‌اشده - پرپرتنِ سقا شده

اینجا حسین تنه‌اشده - پرپرتنِ سقا شده

اینجا حسین تنه‌اشده - پرپرتنِ سقا شده

.....

حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

.....

شهیدکربلا حسین - حسین حسین حسین حسین

غریب نی نوا حسین - حسین حسین حسین حسین

سرازدن جدا حسین - حسین حسین حسین حسین

.....

ای بی کفن حسین وای - حسین حسین حسین وای

خونین بدن حسین وای - حسین حسین حسین وای

دور از وطن حسین وای - حسین حسین حسین وای

.....

حسین حسین حسین وای - حسین حسین حسین وای

حسین حسین حسین وای - حسین حسین حسین وای

حسین حسین حسین وای - حسین حسین حسین وای

خیمه گاه

این شعر برای خیمه گاه امام حسین علیه در کربلا سروده شده است

زائرین عزیز در محل خیمه گاه بخوانند

سروده شده توسط باقری پور محرم سال ۱۳۸۹

یا حسین یا حسین جان بفدایت - آمده زائرین به خیمه هایت

یا حسین جان فدای رُخ ماهت - زائرین آمده به خیمه گاهت

یا حسین یا حسین خون خدائی - تو امام تمام شُهدائی

اندر این خیمه ها جای تو خالی است - بین کنون خیمه ها چه شور و حالی است

زائرین میزنن به سینه و سر - بهر تو ای حسین سبط پیمبر

از کجا گویم ای حسین زهرا ح - من از این خیمه ها ودشت و صحرا

دوّم محرم چو آورم یاد - از جگرها برآید آه و فریاد

من چه گویم چه شد در شب عاشور - اندر این خیمه ها آن شب پر شور

روز عاشور و این خیمه و طفلان - بهر یک جرعه آبی همه نا لان

اهلبیت اندر این خیمه گه تو - چشمشان سوی میدان به ره تو

لحظه وداعت چه شور و غوغا - اندر این خیمه ها شده است برپا

اسب بی صاحب چون که بیامد - شد در این خیمه ها شور قیامت

در شب یازدهم آتش بپا شد - آتش کین بپا به خیمه ها شد

خیمه ها یک به یک در آن شب تار - سوخت از کینه شمر ستمکار

کودکان جملگی در این بیابان - هریکی زیر یک خار مغیلان

جملگی بی کس و بی پدر و یار - جملہ سرگشته و بدونِ غمخوار
 این طرف آن طرف دوان دوانند - جملہ درمانم آہ و فغانند
 دریکی خیمہ آن عابدِ بیمار - بادلِ غم زده باتنِ تبار
 زینبِ غم زده والہ و حیران - بین آن آتش و دودِ فراوان
 الغرض این خیام و صدحکایت - درمقاتل شدہ ہمہ روایت
 باقری شد کنون راوی غمہا - دردہا، غصہ ہا، رنج و المہا

.....

یا حسین یا حسین حسین جان - یا حسین یا حسین حسین جان
 یا حسین یا حسین حسین جان - یا حسین یا حسین حسین جان

.....

حسین حسین حسین جان - حسین حسین حسین جان
 حسین حسین حسین جان - حسین حسین حسین جان
 حسین حسین حسین جان - حسین حسین حسین جان

.....

حسین حسین ثاراللہ - امام ابی عبداللہ
 حسین حسین ثاراللہ - امام ابی عبداللہ
 حسین حسین ثاراللہ - امام ابی عبداللہ

.....

حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

.....

آقا حسین مولا حسین - ای بی کس و تنہا حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

.....

ای بی کس و یاور حسین - بی اکبر و اصغر حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین
 حسین حسین حسین حسین - حسین حسین حسین حسین

ای زائرین اینجاست کوفه شهر غمها

ای زائرین اینجاست کوفه شهر غمها - شهر ستمها رنجها درد و آلمها
 شهر دعا و ذکر و هم شهر مناجات - راز و نیاز با خدا قاضی حاجات
 اینجاست شهر آدم و نوح و محمد - شهر علی با دردها غمهای بی حد
 اینجاست شهر مسلم و هانی و مختار - شهر حبیب بن مظاهر مرد دیندار
 این شهر میثم آنکه بودی دار بر دوش - بر دارا و تکبیر گویان گشت خاموش
 یا دآور ذکر علی در نیمه شبها - و آن گفتگو با چاه آن مظلوم و تنها
 یا دآور آن خطبه ها بر روی منبر - می خواندی از سوز دل آن یار پیمبر
 یا دآور آن گفتگوهای سلونی - از آسمان علم قبل ان تفقدونی
 آن گفتگوی نیمه شب با کمیلش - آن دیدن ماه و سحرگاه و سهیلش
 اندر بیا بن راز دل می گفت با آه - چون کسی نبود او درد دل می کرد با چاه
 دیوار مسجد روز و شب دیده علی را - بشنیده است صوت مناجات جلی را
 دیده قضا و تهی مولا را در اینجا - از او حکایتهای زیبا را در اینجا
 ماه مبارک بود او هر شب به محراب - تحریم کرده بر خود او آسایش و خواب
 آخر به محراب دعا فرقتش دو تا شد - از مسجد و محراب او دیگر جدا شد
 فزت و رب الکعبه بود اندر زبانش - ذکر الهی یا الهی بر لبانش
 ای باقری زن بوسه بر آن جای پایش - با گوش دل بشنو تو آواز صدایش

مسجد سهله میام تا که تورا من ببینم

مسجد سهله میام تا که تورا من ببینم - ببینم روی تورا ای دلبر نازنینم
 دلبر و دلدار منی مهدی یا مهدی - مرکز پرگار منی مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجل ادرکنی
 مسجد سهله بود منزل تو ای آقا جان - گرمه اینجا چقدر محفل تو ای آقا جان
 نوکر منزلتم مهدی یا مهدی - عاشق محفلتم مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجل ادرکنی
 مسجد سهله همیشه جایگاه توبود - منزل همیشگی و بارگاه توبود
 من میثم نوکر تو مهدی یا مهدی - خادمی بردر تو مهدی یا مهدی
 مهدی یا مهدی - عجل ادرکنی

چه میشه ای آقا جان منم بشم يك نوكرت - يك غلام و خادمی همیشگی دمِ درت
من غلامم آقا جان مهدی یا مهدی - عبد راحم آقا جان مهدی یا مهدی
مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی
کی میشه روی تورا من توی سهله ببینم - ببوسم پای تورا ای عزیزم نازنینم
باقری ام خاكِ پات مهدی یا مهدی - روح من بشه فدات مهدی یا مهدی
مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی
مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی
مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی
مهدی یا مهدی - عَجَل ادرکنی

ملحقات کتاب

اشعار سروده شده باد از چاپ کتاب

هرکه دارد هوس کربلا بسم الله - هرکه دارد سرهمراهی ما بسم الله

هرکه دارد به سرش شورو نوا بسم الله - هوس دیدنِ انوارِ خدا بسم الله
 هرکه دارد هوس دیدنِ بین الحرمین - هوس دیدنِ قبرشهدا بسم الله
 هرکه دارد هوس دیدنِ شش گوشه یکی - زیر آن قبه ی مصباح هدا بسم الله
 هرکه دارد هوس تربت عباس علی - که شده دست و دوبازوش جدا بسم الله
 هرکه دارد هوس غسل به دریای فرات - و زیارت به قبور شهدا بسم الله
 همگی بهر زیارت به دوطفل مسلم - درمسیر نجف و کربلا بسم الله
 بار بندید ز بهر سفر کربلا - ای رفیقان و عزیزانِ خدا بسم الله
 ثبت نام بهر زیارت همگی بنمائید - با گذرنامه سویی کربلا بسم الله
 کوله پشته و گذرنامه خود بردارید - همگی رو به ره کربلا بسم الله
 اربعین وعده ما ها همه بین الحرمین - همگی سینه زن ونوحه سرا بسم الله
 اندر آن صحن وسرا و حرم سبط نبی - همگی گریه کن و نوحه سرا بسم الله
 اندر آن خیمه و خرگاه ابا عبد الله - بنمائید همه شورو نوا بسم الله
 وعده ی ما حرم حضرت عباس و یا - کفّ العباس همان دستِ جدا بسم الله
 شب و بین الحرمین و ه چه صفائی دارد - که بخوانیم زیارت و دعا بسم الله
 باقری خدمت زوار نصیب تو شود - بین راه نجف و کربلا بسم الله
 سروده شده توسط سید محمد باقری پورتاسوعای سال ۱۳۹۶ دارآباد جنگل گلستان

کجائید ای شهیدانِ خدائی؟ - بلاجویانِ دشت کربلائی؟

کجائید ای شهیدانِ سرافراز؟ - کجائید ای فدائیهای جانباز؟
 کجائید ای عزیزان، ای دلیران؟ - الا ای قهرمانان، شرزه شیران؟
 الا ای پاسدارانِ خمینی - شما بودید انصارِ حسینی
 درود حق بروجِ پاکتان باد - معطر آن مزار و خاکتان باد
 شما یارِ علی یارِ حسینید - شماها رهرو پیرِ خمینید

شمایارانِ دین و انقلابید - براهِ دینِ حق پا در رکابید
 شماها در صراطِ المستقیمید - کنارِ مهدیِ زهرا مقیمید
 شماها شمعِ راهِ رهروانید - شماها پیروِ صاحبِ زمانید
 براهِ حق شما از جان گذشته - ز جان و مال و فرزندان گذشته
 بود این راهِ راهِ دین و قرآن - بود روشن ز انوارِ شهیدان
 کنون راهِ شهیدان مستدام است - که راهِ دین و قرآن و امام است
 الا ای پیروِ راهِ شهیدان - الا ای یاورِ اسلام و قرآن
 الا ای حامیِ راهِ ولایت - نما از انقلاب و دین حمایت
 اگر چون باقری اهلِ ولایتی - نما هر صبح و شب حمد و ثنائی
 سروده شده توسط سید محمد باقری پور در هفته دفاع مقدس سال ۱۳۹۶

چهل روزه عزادارِ حسینیم

ز عاشورا گذشته ار بعینی - عجب یک اربعینِ دلغینی
 شده یک اربعین از بعدِ عاشور - جهانی از غم و غصه پر از شور
 چهل روزه عزادارِ حسینیم - چهل روزه که ما در شور و شینیم
 چهل روزه که ماها نوحه خوانیم - برای شاهِ دین ما روضه خوانیم
 چهل روزه زیا افتاده سردار - چهل روزه شده زینب عزا دار
 چهل روزه علم روی زمین است - علمدارِ حسین خون برجبین است
 چهل روزه که اکبر خفته در خون - زمین از خونِ پاکش گشته گلگون
 چهل روزه که اصغر مانده بی شیر - ربابه مانده است با آو شبگیر
 چهل روزه که قاسم غرقِ خون است - زمین از خونِ پاکش لاله گون است
 چهل روزه سکینه بی پدر شد - علی بن الحسین خونین جگر شد
 چهل روزه که مشکِ پاره پاره - برای تشنگان آبی نداره
 چهل روزه عزادار است زهرا - به حزن و غم گرفتار است زهرا
 چهل روزه که زینب غصه داره - حزین است و سرشک غم بباره
 چهل روزه که باشد امّ کلثوم - به یادِ کربلا، با چارده معصوم
 چهل روزه که باشد باقری پور - به یادِ کربلا، در نوحه و شور
 سروده شده توسط سید محمد باقری پور برای اربعین سال ۱۳۹۶
 سید محمد باقری پور مؤسسه فرهنگی هدایت * hedayat.tv

درین حجره ، جان میسپارم

درین حجره ، جان میسپارم - غیراز جوادم کسی ندارم
 یارب رسان بر سر من اکنون جوادم - در این دیار غربت اورسد به دادم
 باشد جوادم ، اندر مدینه - من در خراسان ، مسموم کینه
 غیراز جواد و خواهرم کسی ندارم - در حجره در بسته تنها جان سپارم
 از زهر مامون ، آزرده گشتم - من همچو لاله ، پژمرده گشتم
 در حجره در بسته تنها جان دهم من - جان در رضای حضرت جانان دهم من
 معصومه جانم ، آن خواهر من - اکنون نباشد ، اندر بر من
 تا که ببیند من چسان ازپا فتادم - در شهر غربت روی خشتی سر نهادم
 دل خسته ام از ، رنج زمانه - بر بند اباضلت ، درهای خانه
 تاهمچو جدم در غریبی جان سپارم - اندر خراسان من غریبم کس ندارم
 آمد جوادش ، اندر کنارش - تا که ببیند ، آن باب زارش
 گفتا پدر جان آدمم من در کنارت - اندر غریبی من چسان بینم فکارت
 بالین بابا ، آندم نشسته - با حال زار و ، با قلب خسته
 راس پدر را برگرفت آندم بدامان - گفتا یتیمم کردی و رفتی پدر جان
 اندر غریبی ، شاه خراسان - تنها وبی کس ، او میدهد جان
 ای باقری بنگر امام هشتمین را - یاد آورد اندر غریبی شاه دین را

یاعلی موسی الرضاجان

دیدار تو جان دهد مرا که محبوب تویی
 آیم حرم تو در طلب که مطلوب توئی
 در مشهد تو ملائک اندر شب و روز
 در آمد و شد بود ، رضا ، که مجذوب توئی

یاعلی موسی الرضاجان ، یاعلی موسی الرضاجان
 جان عالم به فدایت ، یاعلی موسی الرضاجان
 من بقربان صفایت ، یاعلی موسی الرضاجان
 تو امام هشتمینی ، پور موسی ، نور زهرا
 من غلام و خاک پایت ، یاعلی موسی الرضاجان

قبله حاجات ماها ، آن حریم با صفایت
 من فقیریک نگاهت ، یاعلی موسی الرضا جان
 مشهدت باغ بهشت است ، مرقدت عنبرسرشت است
 من غلامی برسرایت ، یاعلی موسی الرضا جان
 * * *

یا رضاجان یارضا جان ، یا رضاجان یارضا جان
 مرکزدارالشفایی ، یا رضاجان یارضا جان
 دردمار اتودوائی ، یا رضاجان یارضا جان
 ما مریض و تو طیبی ، دردمندان را دوائی
 سوی ماها کن نگاهی ، یا رضاجان یارضا جان
 تو شه و سلطان طوسی ، بهر ایران توپناهی
 تو گل باغ ولایتی ، یا رضاجان یارضا جان
 هفتمین فرزند زهرا ، هشتمین ماه ولایت
 تو امامی باصفائی ، یا رضاجان یارضا جان
 تو امام و غوث لهفان - هم تو خورشید خراسان
 باقری را کن نگاهی ، یارضا جان یا رضاجان
 سروده شده توسط سید محمد باقری پور میلاد حضرت رضاعلیه السلام سال ۱۳۹۶

من در خرابه ، بابا ندارم

من در خرابه ، بابا ندارم - سر روی خاک و ، خشتی گذارم
 کی میشود باب نکویم را ببینم - از دامنش یک دسته ی لاله بچینم
 این نیمه ی شب ، بابا کجائی - بردیدن ما ، یکدم بیائی
 یا سیدی یابن النبی بابا حسینم - این نیمه شب یکدم بیا نورد و عینم
 ای جان بابا ، این بیست و پنج روز - اندر فراق ، سوزم شب و روز
 یکدم بیا ای جان بابا در کنارم - تا که ببینم روی تو ای گل عذارم
 از گریه بابا ، چشمم پر آب است - از دوری تو ، قلبم کباب است
 یکدم بیا سر روی زانویت گذارم - از دوری تو بیش از این طاقت ندارم
 ناگاه روشن ، شد آن شبِ تار - گویی که خورشید ، آمد پدیدار
 اندر خرابه یک طبق آمد کنارش - گویا که خورشید شد اندر شامِ تارش

راسِ پدر را ، اندر طبق دید - بابا برویش ، ناگاه خندید
 گفتا رقیّه آمدم بر دیدنِ تو - شاید بینم لحظه ای خندیدنِ تو
 گفتا پدر جان ، اهلاً و سهلاً - کردی چرا تو ، امروز و فردا
 آخر به دیدار آمدی در این خرابه - در این شبِ تار آمدی در این خرابه
 مهمان شدی تو ، ای جانِ بابا - در این خرابه ، در جمعِ ماها
 ای راسِ پر خون پدر منزل مبارک - کردی در این ویران گذر منزل مبارک
 ای جانِ بابا ، گشتم یتیمه - از هجرت و شد ، قلبم دونیمه
 ریشِ چرا ای جانِ بابا گشته گلگون - بابا چراموی سرت گشته پراز خون
 کی این سرت را ، از تن جدا کرد - در شام و کوفه ، بر نیزه ها کرد
 بابا سرت اینجا و جسمت در کجا شد - گویا که جسمت غرقه خون در کربلا شد
 کی این گلویت ، از کین بُریده - این ظلم از کی ، بر تو رسیده
 آن نیمه شب اوبا پدری رازِ دل گفت - ناگاه شد اوبی صدا و گوئیا خُفت
 شد آن خرابه ، چون مدفنِ او - دست تمنا ، بردامی او
 ای باقری بنگر حریمِ کبریا را - بنما زیارت آن حریم با صفا را
 بنما دعائی ، بر حامیانِش - بر پاسداران ، بر دوستانِش
 گو، سیدی باب الحوائج یا رقیّه - روحی و جُثماني فدائک یا رقیّه
 سروده شده به مناسبت شهادت حضرت رقیّه سال ۱۳۹۶
 سروده شده توسط سید محمد باقری پور به مناسبت شهادت حضرت رقیّه سال ۱۳۹۶

نماز با جماعت دلنشین است

نماز با جماعت دلنشین است - برای اتحاد مسلمین است
 نماز اَوّل وقت و جماعت - زاوَصاف تمام مومنین است
 به صف های جماعت رویاوار - مکن غفلت که شیطان در کمین است
 چه خوبه که نماز باهم بخوانیم - سفارش از امیر المؤمنین است
 ثواب یک نماز با جماعت - گرانتر از سماوات و زمین است
 ثوابش از شمارش هست بیرون - حدیث آن زختم المرسلین است
 بگیر اندر صف اول تو جایی - که در آنجا بهشت و حور عین است
 شنو از باقری این پند زیبا - که پند باقری در ثمین است
 سروده شده توسط سید محمد باقری پور سال ۱۳۹۶

شبهای جمعه فاطمه با چشم گریان

شبهای جمعه فاطمه با چشم گریان - آید کنارِ مرقدِ شاه شهیدان
 شبهای جمعه فاطمه با آه و زاری - آید سرِ قبرِ حسین با اشکِ جاری
 شبهای جمعه فاطمه زهرایِ اطهر - بهرِ حسینش میزند بر سینه و سر
 شبهای جمعه فاطمه در شورو شین است - اشک از دو چشمانش روان بهرِ حسین است
 شبهای جمعه فاطمه ناموسِ داور - آید ز جنتِ همره حوّا و هاجر
 با مریم و با آسیه با خیلِ حوران - آید سرِ قبرِ حسین شاه شهیدان
 درخیمه گاهِ کربلا با ناله و آه - ریزد برای آن شهیدان اشکِ جانکاه
 بهرِ حسین از دیده ها گوهر فشاند - بهرِ حسین از سوزِ دل نوحه بخواند
 آید به تلّ زینبیه آن حزینه - نالد برای زینبش آن بی قرینه
 افتد نگاهش زان بلندیِ سویی میدان - بیند فتاده بی سر آن شاه شهیدان
 بیند که زینب میزند بر سینه و سر - راسِ حسین بر دامنِ شمرِ ستمگر
 ریزد میانِ قتلگه اشک از دو چشمان - باشد بلند از آن حزینه آه و افغان
 چون نی نماید ناله ها آن تیره معجر - بهرِ حسینش میزند بر سینه و سر
 بهرِ حسین و اکبرش اشکش روان است - بهرِ ابا الفضل رشید اندر فغان است
 از بهرِ اصغر ذکرِ لالائی بخواند - از بهرِ قاسم نوحه و زاری نماید
 محشر کند زهرا زمینِ کربلا را - در گریه وادارد همه ارض و سما را
 گوید سرِ قبرِ حسین با چشم گریان - بنگر به حالِ مادرِ افکار و نالان
 گوید حسین من الا ای نورِ باری - گشتی شهیدِ راهِ حق با جان نثاری
 راست جدا شد تشنه و آبت ندادند - آبی به آن اطفال و احباب ندادند
 لب تشنه راسِ انور از تن بریدند - این کوفیان و شامیان بس که پلیدند
 ای باقری از گریه ی زهرایِ اطهر - گردد زمینِ کربلا چون روزِ محشر

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۱	نام کتاب
۲	دیباچه کتاب
۳	مقدمه ای در باب شعر و شاعری
۶	بنام اوکه رحمن و رحیم است
۷	بکارم هسته ای را با امیدی
۷	آمد بهار و دشت و دمن گشت سبزه زار
۸	فصل بهار آمد و عالم بهار شد
۹	ای شهیدانِ خدائی عیدتان بادا مبارک
۹	بر مشامم میرسد خوش عطر و بوی کربلا
۱۰	ای برادر تو زیگاربجز دودمخواه
۱۱	عاشقان وقت نماز است مهیابشوید
۱۲	عاشقان وقت نماز است مهیابشوید
۱۴	معلم هست مرشد، پیر، استاد
۱۴	رفتی از دنیا تو ای تاجِ سرِ ما
۱۵	سه بت شکن درسه زمان
۱۵	ماه خوب رمضان
۱۶	تو ضدّ هر مسلمانی تری جونز
۱۷	بوی مهر و بوی ماهِ مدرسه
۱۸	هفته جنگ و دفاع از میهن است
۲۱	بازگشتِ حاجی امسال همراه با عزاشد
۲۲	کبوترانِ سفیدی به آسمان منا
۲۳	مادرم مادرِ خوبم تو که رفتی از کنارم
۲۴	دعای سفره شعری
۲۵	برخیز، که فجر انقلاب آمده است
۲۶	سلام برائمه مدفون در عراق
۲۸	ماپیام آورده ایم از سرزمینِ کربلا
۲۹	وداع زبانی با مکه و مدینه

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۳۰	لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ
۳۱	میروم از مدینه، عقده به دل مانده ام
۳۱	شد جانفشانیهای بسی تا کعبه بیت الله شد
۳۲	مدایح حضرت محمد صلی الله علیه وآله
۳۳	یا نبی الله محمد یا رسول الله محمد
۳۵	نور جمال احمد ص از مکه شد پدیدار
۳۵	محمد رسول خدای قدیر
۳۶	برفت از این جهان پیغمبر ما
۳۷	پیغمبر اکرم ز عالم دیده بسته
۳۷	دخت نبی امشب سه جا باشد عزادار
۳۸	ای مسلمین رفت از جهان پیغمبر ما
۴۰	مدایح امام علی علیه السلام
۴۰	مژده که میلاد علی آمده
۴۱	کعبه زایشگاه مام حیدر است
۴۲	سیزده ماه رجب امروز است
۴۳	علی حبه جُنه «۱»
۴۴	علی حبه جُنه «۲»
۴۵	لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار
۴۵	کیست امیر مؤمنان علی علی علی علی
۴۷	مژده ای دوستان امیر آمد
۴۷	تهذمت تهذمت و الله ارکان الهدی
۴۸	نوزده ماه صیام فرق علی شکسته
۴۹	فرق علی بدست یک ظالمی شکسته
۵۰	این تربت پا ک امیر مؤمنان است
۵۱	ای زائرین اینجاست کوفه شهر غمها
۵۱	مسجد سهله میام تا که تورا من ببینم
۵۳	مدایح امّ الامّه حضرت زهرا علیها سلام

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۵۵	مقدم زهرا مبارك
۵۸	اُمّ ابیها آمد بدنیا
۵۹	یافاطمه من عقده دل وانکردم
۵۹	من آمدم مدینه قبرتورا ندیدم
۶۰	فاطمه زدنی رفت
۶۰	یافاطمه یافاطمه
۶۱	فاطمیه گشته ایام عزا
۶۲	زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا
۶۳	ابن عمّ با وفا
۶۳	بگفتا با علی زهرای اطهر
۶۴	بنشین بیالین من
۶۴	ای خاک بقیع امشب زهرا بتو مهمان است
۶۴	من درمدینه گشتم قبرتورا ندیدم
۶۵	شدچوبه امرخدا فاطمه یار علی
۶۷	درود حق بر علی درود بر فاطمه
۶۸	سرودهای همخوانی عروسی
۶۸	صلّ علی محمّد صلوات بر محمّد
۶۹	شب شب دامادیه ، امشب شب شادیه
۷۰	شب شادی است عزیزان همه گوئید مبارک
۷۰	بود امشب شب شادی ماها و عروس داماد
۷۱	النّکاح سنتی یک سنت است
۷۱	کف بزید قوم و خویشا
۷۲	دو ماده هی با التماس میگه عروس بیا بریم
۷۳	عروس خانم آقا دوما و صلتتان مبارک
۷۴	عروس خانم خوش آمد بلای جون خوش آمد
۷۵	گل در آمد از حموم بلبل درآمد از حموم
۷۵	حنابدونی دارن عروس و آقا دوما

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۷۴	عروس خانم خوش آمد بلای جون خوش آمد
۷۵	گل در آمد از حموم بلبل درآمد از حموم
۷۵	حنابندونی دارن عروس و آقا دوما
۷۶	امشب شب زفافه انشاء الله مبارک بادا
۷۶	به عروس وبه دوما همه بگین مبارک
۸۰	مدایح حضرت زینب علیها سلام
۸۱	مدایح امام حسن علیه السلام
۸۲	ای حسن ای حسن ای حسن جان
۸۳	ای غریب اندر مدینه
۸۴	من امام مجتبیام
۸۴	غبار غم بر چهره عالم
۸۵	ناله سر قبر حسن سبط پیمبر
۸۶	اشعار سروده شده در مدینه و مکه
۸۶	یاباقر، یاصادق، یامجتبی، یاسجاد
۸۸	مدایح امام حسین علیه السلام و اهل بیت
۸۹	میلاد مسعود خون خدا باشد
۹۰	حیّ علی العزاء حیّ علی البکاء
۹۰	ماه خون ماه محرم آمده
۹۳	میرسد باز محرم
۹۴	رخت عزا در بر کنید
۹۴	آمد محرم ایام ماتم
۹۵	دوم ماه محرم
۹۶	دوم ماه محرم چون بدشت کریلا
۹۶	دوم ماه محرم کریلا ماتم سر اشد
۹۷	آمدی در کریلا با خیل یارانت حسین جان
۹۸	هفتم محرم است
۹۸	هفتم ماه محرم آمده

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۹۹	هفتِ محرم شد شورو ماتم
۱۰۰	روز هفتم نامه ای آمد بدشت کربلا
۱۰۰	آب روان را بر آن تشنگان بستند
۱۰۰	هفتم ماه محرم
۱۰۱	هفتم ماه محرم شمردون بی حیا
۱۰۲	امروز تاسوعا بود
۱۰۳	این شام عاشورا بود
۱۰۴	امروز عاشورا بود
۱۰۵	کلّ یوم عاشورا
۱۰۶	جوانان بنی هاشم بیائید از حرم بیرون
۱۰۷	حیدر کربلا ای اکبرم
۱۰۸	ای آلِ هاشم شد کشته قاسم
۱۰۹	اصغر صغیرم لای لای «۱»
۱۱۱	اصغر صغیرم لای لای «۲»
۱۱۱	ای بلبل شیرین زبان اصغر
۱۱۲	اجتماع شیر خوارانِ حسین
۱۱۳	گهواره خالی قنداقه پر خون
۱۱۴	جانم فدای اصغر گریم برایِ اصغر
۱۱۵	گهواره خالی قنداقه خونین «۱»
۱۱۵	گهواره خالی قنداقه خونین «۲»
۱۱۶	سرزاد زبیت امیر المؤمنین
۱۱۷	یا ابوفاضل علمدارِ شه کربلایی
۱۱۷	یا سیدی یا عباس
۱۲۰	سقایِ دشتِ کربلا ابوالفضل
۱۲۱	کودستهایت عباس
۱۲۲	زینب کبری شده روان سوی قتلگاه
۱۲۳	شام غریبان امشب است

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۱۲۴	میروم از کربلایت الوداع
۱۲۵	یازده محرم است
۱۲۷	سوی شام پربلا
۱۲۸	روز دفن شهیداست
۱۲۹	بود امروز روز هفت دلدار
۱۳۰	هفتم شاه شهیدان
۱۳۰	امشب شب هفت عزا بهر حسین است
۱۳۱	آل نبی به کوفه برده شد از کربلا
۱۳۲	کاروان آل طاها سوی شام غم روان شد
۱۳۲	دیر راهب در مسیر شام بود
۱۳۴	اول ماه صفر آل رسول وارد شام شده زار و ملول
۱۳۵	پس از چهل تا منزل شدند و اردشام
۱۳۵	اول ماه صفر بود اهل بیت بشام رسیدند
۱۳۷	زیان حال عمه سادات زینب علیها سلام در اربعین
۱۳۸	چهل روز است دارم اشک و ماتم
۱۳۸	چهل روز است رفتم زین بیابان
۱۳۹	اربعین در کربلا ماتم سراشد
۱۴۰	شداربعین شاه شهیدان
۱۴۲	اربعین آمد دلم را غم گرفت
۱۴۴	اربعین و کاروان در کاروان
۱۴۵	اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ رَقِیَّه بنت الحسین
۱۴۶	رقیه بنت الحسین
۱۴۷	رقیه آن دخت صغیر حسین
۱۴۸	حارث بود تعقیب این طفلان
۱۴۹	الها ای تو غمخوار یتیمان
۱۴۹	طفلان سرگردان مسلم
۱۵۰	زائرین اینجا ست شهر کربلا

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۱۵۰	این کربلای عاشقان ای زائرین است
۱۵۱	من گدا یم گدا یم گدا یم
۱۵۳	مدایح امام زین العابدین علیه السلام
۱۵۴	سجّاد و زین العابدین
۱۵۴	یا حضرت زین العبا یاسیدی یاسجّاد
۱۵۶	مدایح باقرآل محمدعلیه السلام
۱۵۶	باقرآل محمد آمده دنیاخوش آمد
۱۵۸	نور هفتم ماه پنجم باقراست
۱۵۸	نوردو چشم زهرا آقا امام باقر
۱۵۹	همه عمر خون فشانم زغم امام باقر
۱۶۰	مدایح امام صادق علیه السلام
۱۶۱	آقا امام صادق مولا امام صادق
۱۶۲	مدایح امام کاظم علیه السلام
۱۶۳	روز میلاد امام هفتمین است
۱۶۳	مسموم شد موسی بن جعفر
۱۶۳	مسموم شد مولا ی ما موسی بن جعفر
۱۶۵	آقا موسی بن جعفر مولا موسی بن جعفر
۱۶۶	ای زائرین ای زائرین این کاظمین است
۱۶۷	مدایح امام رضا علیه السلام
۱۶۹	این که در مشهد بود ذریّه ی پیغمبر است
۱۶۹	خورشید هشتم جلوه گر در آسمان دین شده
۱۷۰	مولا مولا مولا یا ابا لحسن رضا
۱۷۰	مدینه تا به مشهد غرق گل بهاره
۱۷۱	امان از ظلم و استبداد ما مون
۱۷۲	روز عزای آن هشتم امام ماست
۱۷۳	امشب عزای شمس الشموس است
۱۷۴	ما پیاده میرویم به حرم امام رضا

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۱۷۵	ایستگاه صلواتی که پذیرای شماس
۱۷۶	مدایح امام جواد علیه السلام
۱۷۷	دهم ماه رجب روز میلاد جواد (ع)
۱۷۸	یا جواد و یا جواد و یا جواد
۱۷۹	ای جواد ای امام و سبط رضا
۱۸۰	در حجره ی در بسته تنها
۱۸۱	من جواد بن الرضا هستم
۱۸۳	مدایح امام ها دی علیه السلام
۱۸۳	ای دهمین امام ما یاهادی
۱۸۴	این شهر سامرا بود ای زائرین ای زائرین
۱۸۵	مدایح امام عسکری علیه السلام
۱۸۵	عسکری حجت یزدان آمد
۱۸۶	یا امام العسکری
۱۸۷	یا ابا المهدی یا ابا المهدی
۱۸۸	مهدی یا مهدی بی پدرگشتی
۱۸۸	ای نورچشم عالم مهدی سرت سلامت
۱۹۰	مدایح حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه
۱۹۲	میلاد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه
۱۹۲	نیمه شعبان به شهر مکه
۱۹۳	عید امامت بر شما بادا مبارک
۱۹۴	یوسف زهرا مهدی یا مهدی
۱۹۴	بیا بیا تو ای امید شیعیان
۱۹۵	کی میشود من بشنوم آقا صدایت
۱۹۵	امام ما مهدی ما تاج سرما
۱۹۶	یا بن الحسن یا بن الحسن
۱۹۷	نهم ربیع اول مهدی شد امام ماها
۱۹۷	آرزو دارم که آن مهر درخشان را ببینم

فهرست کتاب

صفحه	عناوین مطالب
۱۹۸	العجل ای صاحب محراب و منبر العجل
۱۹۹	ای حامی مستضعفان مهدی بیا مهدی بیا
۱۹۹	یابن الحسن کجایی
۲۰۱	اشعار سروده شده در سفر عتبات سال ۱۳۸۹
۲۱۰	ملحقات کتاب - اشعار سروده شده بعد از چاپ کتاب
۲۱۰	هرکه دارد هوس کربلا بسم الله
۲۱۰	کجائید ای شهیدانِ خدائی؟
۲۱۱	چهل روزه عزادارِ حسینیم
۲۱۲	درین حجره ، جان میسپارم
۲۱۲	یا علی موسی الرضاجان
۲۱۳	من در خرابه ، بابا ندارم
۲۱۴	نماز با جماعت دلنشین است
۲۱۵	شبهای جمعه فاطمه با چشمِ گریان

کتابهای الکترونیکی ما :

در اینترنت ، وب سایت ما «بنام هُذانت hodanet.net» در فهرست عناوین مطالب - در عنوان اشعار باقری اشعار و سروده های ما موجود است ، و در عنوان کتاب موبایل باقری ، کتابهای الکترونیکی ، موبایلی ما با عناوین زیر موجود است:

همراه زائرین عتبات عالیات «چاپ اول آن به اتمام رسیده» ، قرآن مجید ۱۱۴ سوره ای ، قرآن مجید سی جزئی برای ماه مبارک رمضان ، نهج الفصاحه ، نهج البلاغه ، حلیه المتقین ، خصال شیخ صدوق ، ریاحین الشریعه ، ثواب الاعمال ، امالی شیخ صدوق و شیخ مفید ، تحریر الوسیله ، کلیات مفاتیح الجنان «با انضمام باقیات الصالحات» ، مقتل خوانی «حاوی کتب مقاتل ابی مخنف - سیدبن طاووس - مقرر - روضة الشهداء - مقتل امام حسین» ، منازل الآخرة ، نزهة النواظر ، چهارده معصوم علیهم السلام به ترتیب نام از معصوم اول تا معصوم چهاردهم ، حضرت زینب «س» ، حضرت عباس «ع» ، فاطمه ام البنین «س» ، فاطمه معصومه «س» ، رساله توضیح المسائل بیست و پنج مرجع هم جدا جدا و هم ۲۵ رساله بصورت یکجا ، ذکر خدا ، روضه خوانی ، محرم و صفر ، پنجاه روز عزاداری از اول محرم تا اربعین ، پیام رهبری «پیامهای نوروزی و سخنرانیهای اول هر سال از سال ۶۹ تا ۹۴» ، کشکول باقری حاوی ۵۰۰۰ صفحه مطالب گوناگون ، امام روح الله «زندگینامه و مقالات در رابطه با حضرت امام خمینی ره» ، منتخب قوانین «قوانین کاربردی دادگاهها» ، منتخب دادخواستها «نمونه دادخواستها و شکوائیه ها» ، آداب معنوی ، گنجینه معنوی ، سیاحت غرب ، احادیث فارسی ، معجم احادیث ، صدچهل حدیث ، احکام نماز ، احکام روزه ، بهجت عارفان «زندگینامه آیه الله بهجت ره» ، فضائل و رذائل «درباب اخلاق» ، هزار عنوان «برای منبر و سخنرانی» ، جهاد و شهادت ، راهیان نور ، شهدا و جبهه ها ، زنان نمونه ، ختومات هُدا ، ماه رجب «اعمال ماه رجب» ، ماه شعبان «اعمال ماه شعبان» ، ماه رمضان «اعمال ماه رمضان» ، همراه زائرین مکه و مدینه ، همراه زائرین سوریه ، همراه زائرین مشهد الرضا «ع» ، سه هزار داستان ، و چندین کتاب موبایل دیگر...

به علاوه ده ها عنوان مقاله که در سایت ما موجود است

تهیه ، تنظیم ، ویرایش ، تنظیم صفحات ، فهرستنگاری ، طرح جلد و چاپ کتاب ، توسط مؤلف حجة الاسلام سید محمد باقری پور در مؤسسه فرهنگی هدایت مشهد مقدس انجام شده است.

سید محمد باقری پور : مدیر سایت هُذانت

سایت هُذانت : «www.hodanet.net»

ایمیل : «hodarayaneh@gmail.com»

تلفن همراه : «۰۹۱۵۵۸۱۹۲۳۰»

پرو فایل مؤلف کتاب : در سایت هُذانت موجود است

کتابهای چاپ شده از تهیه کننده این کتاب:

مبانی اسلام «شرح حدیث بُنَى الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ از امام باقر علیه السلام»، بانوان و جامعه امروز «شرح حدیث کَیْفَ یُکْمِ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُکُمْ»، مردان و زنان بافضیلت «شرح آیه ۳۵ سوره احزاب»، قصه های قرآنی «شرح حال مختصر پیامبران در آیات قرآنی»، هفت پایه اسلام «شرح حدیث شریف قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ از امام علی علیه السلام»، چهارپایه دین و دنیا «شرح حدیث قَوَامُ الدِّینِ وَالْدُّنْیَا بِأَرْبَعَةٍ از امام علی علیه السلام»، شرح حدیث شریف سلسله الذهب از امام رضا علیه السلام «درباب توحید و امامت و...»، شرح حدیث عبدالعظیم حسنی از امام رضا علیه السلام، ذکر خدا «دعاهای مورد نیاز مؤمنین در طول هفته» مکالمات عربی، شهر رمضان «درباب اعمال و دعاهای ماه مبارک رمضان»، حدیث زیارت، زیارت رفتن پیاده، کتاب مختصر دعاهای ماه رجب، شعبان و رمضان، زیارتنامه امام رضا علیه السلام، فروع دین «شرح احادیث از نماز تا تَوَلَّى وَتَبَرَّى» روضه های محرم و صفر، همراه زائرین عتبات عالیات، همراه زائرین مشهد الرضا علیه السلام، همراه زائرین حضرت معصومه، شاه عبدالعظیم و شاه چراغ علیهم السلام، همراه زائرین مکه و مدینه «برای آشنائی زائرین با عربستان، مکه، مدینه و مختصر مناسک حج و عمره»، مجموعه اشعار باقری، پرسشها و پاسخهای حقوقی، مواظظ حسنه، چنته حکایات باقری، کشکول حکایات باقری، کشکول اشعار باقری، کشکول مواظظ باقری، کشکول مدایح و مرثی باقری، کشکول ضرب المثلها، بزرگان علم و دین، مردان و زنان با فضیلت، وظایف انسانی، توصیه های اخلاقی، احادیث مناسبتها، آداب اسلامی. و بعضی از کتابهای موبایلی ساخته شده که در آخر کتاب اسامی آنها ذکر شده و قبلاً در سایت هُدا نت انتشار یافته است آماده ویراستاری و فهرست بندی و ... است برای چاپ کاغذی انشاء الله تعالی. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب.

